



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مختاری ری شری



مترجم

عبدالموہبی مسعودی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگ نامه اعتکاف (فارسی - عربی)

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۳	فرهنگ نامه اعتکاف (فارسی - عربی)
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۹	فهرست اجمالی
۲۱	پیش گفتار
۲۱	اشاره
۲۲	اهمیت تقویت فرهنگ اعتکاف
۲۲	راه های تقویت فرهنگ اعتکاف
۲۲	اشاره
۲۲	۱. گسترش زمانی اعتکاف
۲۳	۲. معرفت افزایی
۲۳	۳. آسیب زدایی
۲۴	بهترین مکان و زمان برای اعتکاف
۲۵	توسعه فرهنگ اعتکاف در ماه رمضان
۲۵	تقویت فرهنگ اعتکاف در ماه رجب
۲۵	فرهنگ نامه اعتکاف در یک نگاه
۲۷	سپاس از همکاران
۲۹	درآمد
۲۹	واژه شناسی «اعتکاف»
۲۹	اعتکاف در قرآن و حدیث
۳۰	پیشینه اعتکاف
۳۱	حکمت اعتکاف
۳۳	ارکان اعتکاف

۳۳	.....	اشاره
۳۳	.....	۱. قصد قربت
۳۳	.....	۲. اقامت در مسجد جامع
۳۵	.....	۳. اقامت دست کم، سه روز در مسجد
۳۵	.....	۴. روزه داری
۳۵	.....	۵. پرهیز از مهم ترین آسیب های اعتکاف
۳۶	.....	محرمات اعتکاف
۳۶	.....	اشاره
۳۶	.....	الف - محرمات خاص
۳۶	.....	اشاره
۳۶	.....	یک. بهره گیری از بوی خوش
۳۷	.....	دو. خرید و فروش
۳۷	.....	سه. مجادله
۳۷	.....	چهار. لذایذ جنسی حلال
۳۷	.....	ب - محرمات عام
۳۷	.....	آداب اعتکاف
۳۷	.....	اشاره
۳۸	.....	الف - مستحبات اعتکاف
۳۸	.....	ب - مکروهات اعتکاف
۳۹	.....	برکات اعتکاف
۳۹	.....	مراتب برکات نیت
۴۰	.....	مراتب برکات حضور در مسجد
۴۲	.....	مراتب برکات روزه داری
۴۲	.....	اشاره
۴۲	.....	۱. روزه عوام
۴۲	.....	۲. روزه خواص

۴۳	۳. روزه خواص خواص
۴۳	مراتب برکات یاد خدا
۴۴	بالاترین مراتب برکات ذکر
۴۹	فصل یکم فضیلت، واجبات و آداب اعتکاف
۴۹	۱/۱ فضیلت اعتکاف
۴۹	۱/۲ واجبات اعتکاف
۴۹	الف - اقامت در مسجد جامع
۵۲	ب - روزه گرفتن
۵۲	ج - کمتر نبودن از سه روز
۵۴	۱/۳ آداب اعتکاف
۵۸	۱/۴ بهترین مکان های اعتکاف
۵۸	۱/۵ بهترین زمان اعتکاف
۶۰	۱/۶ سیره اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله در اعتکاف
۶۴	۱/۷ برتر از اعتکاف
۷۰	فصل دوم معتکف و برکات حضورش در مسجد
۷۰	۲/۱ فضیلت مسجد
۷۰	الف - خانه خدا
۷۲	ب - نور خدا
۷۲	ج - نشستگاه پیامبران
۷۲	د - شهادتگاه اولیای خدا
۷۲	ه - سرای هر پروا پیشه
۷۲	و - بهترین مکان ها
۷۴	ز - باغ بهشت
۷۴	۲/۲ مسجدیان، زائران خدا
۷۶	۲/۳ دو چندان بودن پاداش نماز در مسجد
۷۶	۲/۴ فضیلت آموزش و آموختن در مسجد

۷۸	۲/۵ فضیلت اُنس با مسجد
۷۸	۲/۶ برکات دیگر حضور در مسجد
۸۲	فصل سوم معتکف و برکات روزه
۸۲	۳/۱ تقوا
۸۴	۳/۲ از میان بردن سرمستی و تیزی شهوت
۸۶	۳/۳ دوری شیطان
۸۶	۳/۴ تن درستی
۸۸	۳/۵ شکیبایی در سختی ها
۹۰	۳/۶ حکمت
۹۰	۳/۷ نزدیکی به خدا
۹۲	۳/۸ اجابت دعا
۹۲	۳/۹ ایمنی در روز قیامت
۹۴	۱۰/۳ آسودگی در روز محاسبه
۹۴	۳/۱۱ شفاعت در آخرت
۹۶	۳/۱۲ دوری از آتش
۹۶	۳/۱۳ رسیدن به بهشت
۱۰۰	۳/۱۴ درجات روزه
۱۰۲	سخنی در باره مراتب روزه داری
۱۰۲	اشاره
۱۰۲	درجه اول. روزه همگان
۱۰۲	درجه دوم. روزه خواص
۱۰۳	درجه سوم. روزه خواص خواص
۱۰۶	فصل چهارم فضیلت ماه رجب و روزه آن
۱۰۶	۴/۱ گستره رحمت الهی در ماه رجب
۱۰۶	۴/۲ ندای فرشته آواگر
۱۰۸	۴/۳ فضیلت روزه در ماه رجب



- ۱۱۲ ----- ۴/۴ روزه نخستین روز ماه رجب -----
- ۱۱۲ ----- ۴/۵ روزه سه روز از ماه رجب -----
- ۱۱۶ ----- فصل پنجم دوچندان شدن برکات یاد خدا برای معتکف -----
- ۱۱۶ ----- ۵/۱ یاد کردن خدا از یاد کننده او -----
- ۱۲۲ ----- ۵/۲ راندن شیطان -----
- ۱۲۸ ----- ۵/۳ گشایش سینه -----
- ۱۲۸ ----- ۵/۴ جلای دل -----
- ۱۳۰ ----- ۵/۵ شفای دل -----
- ۱۳۰ ----- ۵/۶ سامان دل -----
- ۱۳۲ ----- ۵/۷ زنده شدن دل -----
- ۱۳۲ ----- ۵/۸ آبادی دل -----
- ۱۳۴ ----- ۵/۹ نور دل -----
- ۱۳۴ ----- ۵/۱۰ حکمت دل -----
- ۱۳۶ ----- ۵/۱۱ راه نمایی خردها -----
- ۱۳۶ ----- ۵/۱۲ کامیابی در کارها -----
- ۱۳۶ ----- ۵/۱۳ روزی بی سرمایه -----
- ۱۳۸ ----- ۵/۱۴ رهایی از سختی ها -----
- ۱۳۸ ----- ۵/۱۵ نام نیک -----
- ۱۴۰ ----- ۵/۱۶ زدودن زشتی ها -----
- ۱۴۰ ----- ۵/۱۷ قوت ایمان -----
- ۱۴۰ ----- ۵/۱۸ نزدیکی به خدا -----
- ۱۴۲ ----- ۵/۱۹ انس با خدا -----
- ۱۴۲ ----- ۲۰/۵ مهر خدا -----
- ۱۴۴ ----- ۵/۲۱ دیدار خدا -----
- ۱۴۴ ----- ۵/۲۲ جلوگیری از غفلت -----
- ۱۴۶ ----- ۵/۲۳ فرود آمدن فرشتگان -----

۱۴۸	۵/۲۴ فرود آمدن رحمت
۱۵۱	۵/۲۵ فرود آمدن آرامش
۱۵۱	۵/۲۶ آمرزش خداوند
۱۵۱	۵/۲۷ تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها
۱۵۳	۵/۲۸ مَبَاهات کردن خداوند
۱۵۳	۵/۲۹ وارد شدن به باغ های بهشت
۱۵۵	۵/۳۰ روشنایی در روز قیامت
۱۵۵	۵/۳۱ پیشتازی در روز قیامت
۱۵۷	۵/۳۲ خیر دنیا و آخرت
۱۵۹	تبیین برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او
۱۵۹	اشاره
۱۵۹	برکات یاد خدا در قرآن و احادیث
۱۵۹	اشاره
۱۵۹	۱. جامع ترین برکت یاد خدا
۱۶۰	۲. نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگی
۱۶۰	۳. نقش یاد خدا در سازندگی جان
۱۶۰	۴. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی
۱۶۱	۵. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی
۱۶۱	۶. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حل مشکلات زندگی
۱۶۱	۷. نقش ذکر در محبت
۱۶۲	۸. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت
۱۶۳	زیان های فراموش کردن خدا
۱۶۵	فصل ششم کارهای شایسته برای معتکف
۱۶۵	۶/۱ ذکر فراوان
۱۷۵	۶/۲ استغفار فراوان
۱۷۵	۶/۳ اُنس با خدا

۱۸۱	..... ۶/۴ اُنس با قرآن
۱۸۱	..... ۶/۵ اُنس به کتاب های علمی و معرفت افزا
۱۸۳	..... ۶/۶ شب زنده داری
۱۸۳	..... الف - فضیلت شب زنده داری
۱۸۵	..... ب - ترغیب به شب زنده داری
۱۸۷	..... ج - فضیلت شب زنده دار
۱۸۹	..... د - پاداش بزرگ شب زنده داری
۱۹۱	..... ه - اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به شب زنده داری
۱۹۳	..... و - اهتمام اهل بیت علیهم السلام به شب زنده داری
۱۹۵	..... ز - اهتمام یاران امام مهدی علیه السلام به شب زنده داری
۱۹۷	..... ح - دعای روایت شده برای پس از نماز وتر ماه رجب
۱۹۹	..... ۶/۷ نماز حاجت
۱۹۹	..... ۶/۸ نماز شب نیمه ماه رجب
۱۹۹	..... ۶/۹ عمل اُم داوود
۲۲۱	..... ۶/۱۰ دعاهای عمومی ماه رجب
۲۳۹	..... ۶/۱۱ دعاهایی برگزیده و مناسب برای معتکف
۲۳۹	..... ۱- ۶/۱۱ مناجات توبه کنندگان
۲۴۱	..... ۲- ۶/۱۱ مناجات شکوه کنندگان
۲۴۳	..... ۳- ۶/۱۱ مناجات بیمناکان
۲۴۵	..... ۴- ۶/۱۱ مناجات امیدواران
۲۴۹	..... ۵- ۶/۱۱ مناجات مشتاقان
۲۵۳	..... ۶- ۶/۱۱ مناجات پناه جویان
۲۵۳	..... ۷- ۶/۱۱ مناجات سپاس گزاران
۲۵۷	..... ۸- ۶/۱۱ مناجات فرمان برداران
۲۵۷	..... ۹- ۶/۱۱ مناجات ارادتمندان
۲۶۱	..... ۱۰- ۶/۱۱ مناجات اُنس یافتگان

۲۶۳	.....	۶/۱۱-۱۱ مناجات محبتان
۲۶۵	.....	۶/۱۱-۱۲ مناجات متوسلان
۲۶۷	.....	۶/۱۱-۱۳ مناجات نیازمندان
۲۶۹	.....	۶/۱۱-۱۴ مناجات عارفان
۲۷۷	.....	۶/۱۱-۱۵ مناجات ذاکران
۲۷۹	.....	۶/۱۱-۱۶ مناجات درآویختگان
۲۸۱	.....	۶/۱۱-۱۷ مناجات زاهدان
۲۸۳	.....	۶/۱۱-۱۸ مناجات خاکساران
۲۸۵	.....	۶/۱۱-۱۹ مناجات اصرار کنندگان
۲۸۹	.....	۶/۱۱-۲۰ مناجات زاری کنندگان
۲۹۳	.....	۶/۱۱-۲۱ مناجات انجیلیه
۳۴۵	.....	فهرست منابع و مآخذ
۳۶۱	.....	فهرست تفصیلی
۳۷۵	.....	درباره مرکز

## فرهنگ نامه اعتکاف (فارسی - عربی)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، 1325-1401.

Mohammadi Reyshahri, Mohammad, 1946-2022.

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ نامه اعتکاف (فارسی - عربی) / محمدی ری شهری؛ همکار محمدحسین صالح آبادی؛ مترجم عبدالهادی مسعودی؛ تحقیق پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، 1395.

مشخصات ظاهری: 351 ص.

شابک: 0-928-493-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: اعتکاف

Spiritual retreats

اعتکاف -- احادیث

Spiritual retreats -- Hadiths

اعتکاف -- اسلام

Spiritual retreats -- Islam

شناسه افزوده: صالح آبادی، محمدحسین، 1347 -

شناسه افزوده: مسعودی، عبدالهادی، 1343 -، مترجم

شناسه افزوده: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

شناسه افزوده: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. پژوهشکده علوم و معارف حدیث

رده بندی کنگره: 2/BP188/م3ف4 1395

رده بندی ديويي: 297/354

شماره کتابشناسی ملی: 4587360

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فپا

ص: 1

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

فرهنگ نامه اعتكاف

فارسی - عربی

محمّدی ری شهری

مترجم: عبدالهادی مسعودی

ص: 3



فرهنگ نامه اعتکاف (فارسی - عربی)

محمد محمدی ری شهری

همکار: محمد حسین صالح آبادی

مترجم: عبدالهادی مسعودی

تحقیق: پژوهشکده علوم و معارف حدیث

نقد علمی: سید محمد کاظم طباطبایی

گردآوری حدیث: محمود کریمیان

تخریج و مقابله با مصادر: رضا بیرانوند

کنترل تخریج: علی عظیمی شندآبادی و سید محمد حسن مؤمنی

اعراب گذاری و بازبینی ترجمه: رسول افقی

بازبینی نهایی: سید مجتبی غیوری

سرپرستار فارسی: سعیدرضا علی عسگری

ویراستار عربی: حسنین دباغ

ویراستار فارسی: محمد باقری زاده اشعری

نمونه خوان: محمد علی دباغی، علی تقی پارسانیا، محمود سپاسی، سیدهاشم شهرستانی، عبدالکریم حلفی

صفحه آرا و حروف چین: مهدی خوش رفتار اکرم، حسین افخمیان

خوش نویس: حسن فرزندگان

مدیر آماده سازی: محمدباقر نجفی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / 1395

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان:؟؟؟ نسخه

آدرس: قم، بلوار پانزده خرداد چهار راه نوبهار - بعد از شهرک جهاد

نیش اتوبان پژوهشگاه قرآن و حدیث

تلفن: 025-37176526-025 نمابر: 025-37176560

ك. پ: 37148-54193 ص. پ: 37185-816

ص: 4

پیش گفتار 7

درآمد 15

فصل یکم: فضیلت، واجبات و آداب اعتکاف 35

فصل دوم: معتکف و برکات حضورش در مسجد 55

فصل سوم: معتکف و برکات روزه 67

فصل چهارم: فضیلت ماه رجب و روزه آن 91

فصل پنجم: دوچندان شدن برکات یاد خدا برای معتکف 101

فصل ششم: کارهای شایسته برای معتکف 149

ص: 5



فرهنگ، مجموعه‌ای از: باورها، آداب و رسوم، اندیشه‌ها، ادبیات، هنرها، ارزش‌ها، دانش و نیز شیوه زندگی است که در طی تجربه تاریخی جوامع، شکل می‌گیرد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

بی تردید، بخش اصلی و بنیادین فرهنگ و هویت جوامع اسلامی، برگرفته از قرآن کریم و گفتار و رفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت مطهر اوست. بر این اساس، ارائه و تبیین مفاهیم مهم و پرکاربرد دین، زمینه گسترش و تعمیق فرهنگ دینی را در امت اسلامی فراهم می‌آورد و بدین سان می‌توان کتاب‌هایی که این مفاهیم بنیادین و مؤثر را با ذکر نمونه‌ها و در جامه‌ای نو و امروزی عرضه می‌کنند، «فرهنگ‌نامه» (1) نامید.

فرهنگ‌نامه اعتکاف، یک عنوان از مجموعه فرهنگ‌نامه‌های دارالحدیث است که از دانش‌نامه قرآن و حدیث (2) برگرفته شده و با هدف استوارسازی فرهنگ دینی، اصلاح فرهنگ عمومی و ترویج معارف اصیل اسلام منتشر می‌شود.

ص: 7

1- ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن: ج 6 ص 5348.

2- دانش‌نامه قرآن و حدیث، مهم‌ترین اثر پژوهشی «مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث»، در موضوع قرآن و احادیث اسلامی است که مفاهیم دینی را از منظر قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می‌کاود و آنها را در ذیل عناوینی ناظر به مسائل و نیازهای روز به ترتیب حروف الفبا ارائه می‌نماید. گفتنی است تا کنون، هیچ‌جده جلد از این دانش‌نامه، تا حرف «ث» و مدخل «ثواب» انتشار یافته است.

## اهمیت تقویت فرهنگ اعتکاف

سنت اعتکاف، یکی از سازنده ترین برنامه های معنوی در اسلام، بلکه دیگر ادیان الهی است، هر چند شیوه آن در ادیان گذشته، به طور دقیق برای ما مشخص نیست.

اهتمام فراوان سالکان راه خدا، بویژه شخص پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به این عبادت، و نیز مقیاس قرار دادن آن برای تبیین فضیلت شماری از عبادات و کارهای نیک،<sup>(1)</sup> نشانه جایگاه ویژه این برنامه عبادی در تعالی و تکامل انسان است. از این رو تلاش برای فرهنگ سازی و همگانی کردن اعتکاف در جوامع اسلامی در شمار نخستین اولویت های نهادهای فرهنگی است.

خوش بختانه، به برکت انقلاب اسلامی در ایران، سنت اعتکاف در ماه رجب گسترش یافته، استقبال فرهیختگان و بخصوص نسل جوان از آن، مسئولیت نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی را مضاعف می نماید.

بویژه در فضای سیاسی - فرهنگی حاکم بر جهان امروز که دشمنان انسانیت، با همه توان و با بهره گیری از کارآمدترین امکانات روز، برای ضربه زدن به اسلام ناب، به میدان آمده و با تهاجم همه جانبه فرهنگی، منحرف کردن نسل جوان را در دستور کار خود قرار داده اند، تقویت فرهنگ اعتکاف، از اولویت بیشتری برخوردار است.

## راه های تقویت فرهنگ اعتکاف

### اشاره

اقدام های لازم برای تقویت فرهنگ اعتکاف، عبارت اند از:

### 1. گسترش زمانی اعتکاف

با توجه به استقبالی که از سنت اعتکاف در ماه رجب وجود دارد، فرهنگ سازی و برنامه ریزی برای فرصت های مناسب دیگر بویژه دهه آخر ماه

ص: 8

---

1- ر. ک: ص 49 (برتر از اعتکاف).

مبارك رمضان و حدّ اقل سه روز از آن دهه، یکی از اقدام های لازم برای توسعه کَمی این عبادت است. در حدیثی به سند معتبر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که می فرماید:

إِعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ. (1)

اعتکاف يك دهه در ماه رمضان، برابر دو حج و دو عمره است.

البته باید مراقب بود که توسعه اعتکاف، موجب تضعیف استقبال از آن نگردد.

## 2. معرفت افزایی

توسعه فرهنگ اعتکاف باید همراه با تعمیق این فرهنگ باشد. در حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که می فرماید:

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ. (2)

هیچ حرکتی (رفتاری) نیست، مگر این که تو در آن به شناخت نیازمندی.

بی تردید، بهره گیری از فرصت کوتاه اعتکاف برای معرفت افزایی، به برنامه ریزی دقیق و همه جانبه نیاز دارد و بنا بر این، مهم ترین وظیفه شخص معتکف و نهادهایی که در خدمت تقویت فرهنگ اعتکاف اند، تلاش برای تهیه برنامه ای جامع جهت معرفت افزایی و تعمیق فرهنگ اعتکاف و بهره برداری هر چه بیشتر از برکات این عبادت است. (3)

## 3. آسیب زدایی

در کنار تلاش برای توسعه و تعمیق فرهنگ اعتکاف، برنامه ریزی جهت آسیب زدایی از این عبادت نیز فوق العاده مهم و ضروری است؛ زیرا بدون توجه به این نکته، همه تلاش هایی ثمر خواهد بود.

ص: 9

---

1- . ر. ك: ح 25.

2- . بحار الأنوار: ج 77 ص 267 ح 1.

3- . ر. ك: ص 26 (مراتب برکات حضور در مسجد)، ص 28 (مراتب برکات روزه داری) ص 29 (مراتب برکات یاد خدا).

شناخت آسیب های اعتکاف، نخستین گام در جهت آسیب زدایی از این عبادت است و برداشتن این گام، نیازمند بررسی های دقیق و پژوهش های میدانی است تا برنامه ریزان و معتکفان بتوانند از نتایج بررسی ها و پژوهش ها بهره برداری نمایند؛ ولی به طور کلی می توان آسیب های اعتکاف را به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: آسیب هایی که از ناحیه برنامه ریزی نهادهای مرتبط، این عبادت را تهدید می کنند. این آسیب ها به سبب وجود عواملی هستند که با حال و هوای اعتکاف ناسازگارند و مانع خلوت کردن معتکف با خداوند - که حکمت اعتکاف است - می شوند، مانند: رویکردهای سیاسی، ضعف محتوا یا تکراری بودن سخنرانی ها و بی توجهی به نیازهای معتکفان.

دسته دوم: آسیب هایی که از ناحیه شخص معتکف، متوجه برکات اعتکاف می گردند و محرمات یا مکروهات اعتکاف نامیده می شوند. (1)

به طور کلی، هر اقدامی که مانع خلوت و انس معتکف با خداوند سبحان گردد و لذت و شیرینی این عبادت را از بین ببرد - از جمله افراط و تفریط در عبادت - آسیب اعتکاف شمرده می شود.

### بهترین مکان و زمان برای اعتکاف

بهترین مکان برای اعتکاف، مسجدهای جامعی است که پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام در آنها اقامه جماعت کرده اند، مانند مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد جامع کوفه و مسجد جامع بصره. (2) بهترین زمان برای اعتکاف نیز ماه مبارک رمضان بویژه دهه سوم آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخر عمر بر آن مداومت نمود. (3)

ص: 10

---

1- . ر . ك : ص 21-25.

2- . ر . ك : ص 43.

3- . ر . ك : ص 43.



## توسعه فرهنگ اعتکاف در ماه رمضان

اگرچه عموم مسلمانان عملاً نمی‌توانند مسجدهای یاد شده را برای اعتکاف انتخاب کنند، ولی می‌توانند بهترین زمان‌ها را برای این عبادت انتخاب نمایند. از این رو برنامه ریزی جدی و گسترده تبلیغی و اجرایی برای فرهنگ شدن اعتکاف در دهه پایانی ماه ضیافت الهی، ضروری است تا مهمانان خداوند سبحان بتوانند در پُربُرکت‌ترین ماه و بهترین شب آن - یعنی شب بیست و سوم که «شب قدر» است - از بالاترین برکات اعتکاف بهره‌مند شوند.

## تقویت فرهنگ اعتکاف در ماه رجب

توجه به این نکته نیز ضروری است که تلاش برای توسعه فرهنگ اعتکاف در ماه رمضان، نباید موجب تضعیف فرهنگ اعتکاف در ماه رجب شود؛ زیرا با توجه به فضیلت‌هایی که در احادیث برای ماه رجب و روزه‌داری در این ماه آمده، (1) تقویت این فرهنگ نیز نیکو، بلکه لازم و ضروری است.

## فرهنگ نامه اعتکاف در يك نگاه

این فرهنگ نامه، به پیشنهاد «ستاد اعتکاف و شورای علمی جشنواره‌های بین‌المللی اعتکاف» (2) و به منظور توسعه و تعمیق فرهنگ اعتکاف نگارش یافته است. در این کتاب، ره‌نمودهای اهل بیت علیهم السلام در باره این عبادت و نکات شایان توجه برای معتکفان، با نظمی نوین و نسبتاً جامع در شش فصل، آورده شده است.

درآمد فرهنگ نامه، جمع‌بندی مطالب همه فصل‌های این کتاب است و محورهای اصلی درآمد، عبارت‌اند از: واژه‌شناسی اعتکاف، کاربردهای آن در قرآن و حدیث، تبیین فضیلت، واجبات، آداب و برکات اعتکاف.

و اینک اشاره‌ای کوتاه به محتوای فصل‌های این فرهنگ نامه:

ص: 11

1- ر. ک: ص 91.

2- این پیشنهاد در دیداری که اعضای ستاد اعتکاف کشور با این جانب داشتند، از سوی حجة الإسلام و المسلمین آقای سید علیرضا تکیه‌ای، رئیس ستاد، مطرح گردید.

فصل اول، شامل ره نمودهایی در باره فضیلت اعتکاف، شروط و آداب آن، همراه با بیان بافضیلت ترین مکان و زمان این عبادت است.

فصل دوم، ابتدا به نخستین عمل واجب در اعتکاف، یعنی اقامت در مسجد پرداخته است. از این رو، فضیلت حضور در مسجد و ملازمت با آن، فضیلت نماز خواندن و تعلیم و تعلم در مسجد، و نیز برکات مسجد بیان شده است. سپس دومین عمل واجب اعتکاف یعنی روزه داری آمده است.

در فصل سوم، آثار و برکات روزه، تبیین می گردد.

در کشور ما ایران، اعتکاف در ایام البیض رجب (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم رجب) تقریباً به صورت یک فرهنگ مورد استقبال قرار گرفته است. از این رو در فصل چهارم فرهنگ نامه، عظمت ماه رجب و گستردگی رحمت الهی در آن و نیز فضیلت روزه داری آن بویژه سه روز میانی ماه بیان شده است.

فصل پنجم به برکات یاد خدا اختصاص دارد. از آن جا که اصلی ترین رکن اعتکاف، یاد خداست،<sup>(1)</sup> همه برکاتی که در این فصل برای یاد خداوند سبحان بیان شده، برکت های اعتکاف نیز هست؛ بلکه برکات یاد خدا برای معتکف، مضاعف خواهد بود؛ زیرا معتکف، روزه داری است که همه قیود زندگی روزمره را رها کرده، در خانه خدا اقامت گزیده، با خالق خود خلوت نموده، و روی از هر چه غیر اوست، برتافته است. بنا بر این، برکات روزه داری و اقامت در مسجد نیز بر آثار ذکر، افزوده می شود و به عبارتی، یاد خدا عمق بیشتری در جان پیدا می کند و طبعاً برکات مضاعفی نصیب معتکف می گردد.

در فصل ششم، که پایان بخش این فرهنگ نامه است، ره نمودهایی ارائه شده که اهتمام به آنها، موجب تقویت آثار اعتکاف است، مانند: کثرت ذکر

ص: 12

و استغفار، اُنس با خداوند سبحان و کتاب خدا، اُنس با کتاب‌هایی که معرفت دینی انسان را تقویت می‌کنند.

در ادامه این فصل، به سحرخیزی و نافله شب، اعمال ویژه ماه رجب، و شماری از زیباترین و پر محتواترین دعاها و مناجات‌های رسیده از اهل بیت علیهم السلام اشاره شده که موجب بهره‌گیری بیشتر از برکات اعتکاف اند.

در باره دعاها و اعمالی که در فصل ششم آمده، چند نکته شایان توجه است:

1. انجام همه اعمالی که در این فصل آمده، ضروری نیست؛ بلکه هدف از آوردن آنها این است که معتکف بتواند متناسب‌ترین آنها با حال خود را انتخاب کند. آنچه مهم و مؤثر است، این است که اعمال یاد شده با نشاط و حضور قلب انجام شوند. از این رو، کسانی که با زبان عربی آشنا نیستند، بهتر است از متن فارسی دعاها نیز استفاده کنند.

2. ذکر اعمال ویژه ماه رجب در این فصل، به دلیل استقبال عمومی از اعتکاف در این ماه است.

3. بجز اعمال ویژه ماه رجب، اهتمام به تداوم بهره‌گیری از سایر برنامه‌هایی که در این فصل آمده بویژه تقیید به سحرخیزی و نافله شب، در طول سال، موجب استمرار و تقویت نورانیت حاصل از اعتکاف خواهد گردید.

## سپاس از همکاران

از همه دست‌اندرکاران ساماندهی و آماده‌سازی نهایی این فرهنگ‌نامه بویژه فاضل گرامی جناب آقای محمدحسین صالح آبادی که در جمع‌آوری شماری از احادیث آن مرا یاری داد، صمیمانه سپاس گزارم. همچنین از استاد گران قدر، حجة الإسلام و المسلمین عبد الهادی مسعودی، که ترجمه این

فرهنگ نامه به قلم رسای ایشان است نیز تشکر می نمایم (1) و برای همه آنان از خداوند متان، پاداشی در خور فضل و بزرگواری او مسئلت دارم.

از خوانندگان با کرامت این نوشتار نیز تقاضا دارم هنگامی که با خداوند سبحان خلوت می کنند، برای این حقیر مهجور و سراپا تقصیر و قصور و از بساط قرب الهی دور، طلب عفو و بخشایش نمایند.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

محمد محمدی ری شهری

26/4/1395

11 شوال 1437

ص: 14

---

1- . گفتنی است بر پایه رویکرد اخیر مؤسسه دار الحدیث، احادیثی که در آثار پیشین این مؤسسه ترجمه شده اند، در آثار جدید نیز همان ترجمه با اصلاحات مترجم اثر جدید، استفاده می شود. البته مسئولیت نهایی ترجمه هر کتاب، با مترجم آن است.

## واژه‌شناسی «اعتکاف»

واژه «اعتکاف» در لغت، به معنای روی آوردن به چیزی و باز داشتن اختیاری خود از توجه به غیر آن است. خلیل بن احمد فراهیدی در تبیین معنای این واژه می‌گوید:

اعتکاف، عبارت است از رو کردن تو به چیزی، به گونه‌ای که چهره خود را از آن [به سویی دیگر] نگردانی. (1)

دیگر واژه‌شناسان کهن (2) نیز اعتکاف را همین گونه معنا کرده‌اند؛ امّا راغب اصفهانی، «تعظیم» و «ملازمت» را بر معنای آن افزوده است. (3) او دلیلی برای اثبات ادّعای خود ارائه نکرده است و بررسی کاربردهای این واژه نیز گفته‌اند او را تأیید نمی‌کند.

با عنایت به معنای اعتکاف، متعلّق آن می‌تواند چیزهای باارزش مانند خداوند والای ارجمند و یا چیزهای بی‌ارزش مانند خدایان خیالی و بت‌های پوشالی باشد.

## اعتکاف در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، ماده «اعتکاف» به همان معنای اصلی خود در هر دو کاربرد

ص: 15

---

1- . ترتیب العین: ماده «عکف».

2- . ر. ك: لسان العرب و مقاییس اللغة: ماده «عکف».

3- . ر. ك: مفردات الفاظ القرآن: ماده «عکف».

روی آوری و توجه به خداوند و بت‌ها به کار رفته است، مانند اعتکاف در مسجد الحرام (1) یا دیگر مساجد (2) و نیز عبادت‌کده‌های جاهلی (3).

اعتکاف در احادیث اسلامی، بیشتر در معنای مثبت آن، یعنی اقامت در مسجد و روی آوردن به خدای سبحان همراه با عبادت و روزه داری و نیایش به کار رفته است. این معنا در فرهنگ نامه پیش رو کاویده می‌شود.

### پیشینه اعتکاف

اگر مقصود از اعتکاف، روی آوردن کامل به عبادت خداوند سبحان و ممحّض کردن خود برای آن باشد، بی تردید در همه ادیان الهی سابقه داشته است و به اسلام اختصاص ندارد؛ اما اگر مقصود از آن، برنامه عبادی ویژه‌ای باشد که در اسلام تشریح شده، دلیل محکمی برای اثبات تشریح چنین برنامه‌ای در ادیان گذشته در دست نیست. گفتنی است برخی (4) برای اثبات پیشینه اعتکاف، به این آیه استدلال کرده‌اند که خداوند سبحان می‌فرماید:

(وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ. (5))

و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان (مسافر) و عاکفان و رکوع کنندگان سجده گزار، پاکیزه بدارید).

البته با تأمل روشن می‌شود که آیه یاد شده، دلالت روشنی بر این مدعا ندارد؛ زیرا همان طور که امین‌الاسلام طبرسی می‌گوید، بیشتر مفسران بر این باورند که منظور از «طائفین» در این آیه کسانی هستند که در گرد خانه کعبه مشغول طواف می‌شوند و منظور از «عاکفین» افرادی هستند که مجاور

ص: 16

1- . بقره: آیه 125، حج: آیه 25، فتح: آیه 25.

2- . بقره: آیه 187.

3- . اعراف: آیه 138، طه: آیه 91 و 97، انبیا: آیه 52، شعرا: آیه 71.

4- . بر بال اعتکاف: ص 29.

5- . بقره: آیه 125.

خانه کعبه هستند؛ بلکه سعید بن جبیر گفته: مقصود از «عاکفین»، اشخاصی هستند که در مکه اقامت دارند و از ابن عباس نقل شده که منظور از آن، نمازگزاران است. (1)

## حکمت اعتکاف

حکمت اعتکاف، روی آوری به خداوند سبحان و توجه عمیق قلبی به ذات کبریایی و روگردانی از غیر اوست. بیشترین و بالاترین برکات اعتکاف در پرتو یاد خدا محقق می شود و اقامت در خانه خدا و روزه داری، مقدمه تحقق آن است. حکمت پرهیز از آسیب های اعتکاف نیز زدودن موانع یاد خدا و اقبال کامل به حضرت او و روگردانی از غیر او در مدت اعتکاف است. (2) یاد خدا، در سایر عبادات نیز مهم ترین، بهترین و سازنده ترین عمل جوارحی و جوانحی است. خداوند سبحان در تبیین حکمت نماز می فرماید:

(أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي. (3)

نماز را برای یاد کردن من به پا دار).

همچنین در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ، وَ أُمِرَ بِالْحَجِّ وَ الطَّوْفِ وَ أُشْعِرَتِ الْمَنَاسِكُ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ. (4)

واجب گشتن نماز و دستور گزاردن حج و طواف، و تعیین مناسک [حج]، در واقع برای زنده داشتن یاد خدایند.

در حدیثی دیگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

ص: 17

---

1- . ر. ك: مجمع البيان: ج 1 ص 385. همچنین به گزارشی استناد شده که مرحوم طبرسی می گوید: «قيل: إنَّ سليمان عليه السلام كان يعتكف مسجد بيت المقدس السنة و السنيتين و الشهر و الشهرين و أقل و أكثر...». این گزارش نیز علاوه بر این که سند معتبری ندارد، با مسئولیت حکومتی حضرت سلیمان علیه السلام ناسازگار است.

2- . ر. ك: ص 29 (مراتب برکات یاد خدا).

3- . طه: آیه 14.

4- . عوالی اللالی: ج 1 ص 323 ح 60.

أَكثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (1)

در هر حالی، خداوند عزوجل را بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند متعال، محبوب تر و در رهنماید بنده از هر بدی ای در دنیا و آخرت، کارگرتر از یاد خدا نیست.

گویا این سخن، برای شنوندگان، موجب شگفتی شد که چگونه یاد خدا از انواع کارهای نیک، برتر و سازنده تر است. از این رو، یکی از حاضران پرسید: «یاد خدا حتی از جنگیدن در راه خدا نیز برتر است؟!» و چون پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب، حکمت جنگیدن در راه خدا را یاد خدا برشمرد، حاضران گفتند: «ای پیامبر خدا! یاد خدا [کافی نیست] و ما را از جهاد، بی نیاز نمی کند؟». پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

وَلَا الْجِهَادُ يَكْفِي مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَلَا يَصْلُحُ الْجِهَادُ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ، وَإِنَّمَا الْجِهَادُ شُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ ذِكْرِ اللَّهِ. (2)

جهاد هم شما را از یاد خدا بی نیاز نمی کند و جهاد، جز با یاد خدا، ارزشی ندارد. جهاد، در واقع، شاخه ای از شاخه های یاد خداست. (3)

ص: 18

---

1- . كنز العمال: ج 2 ص 243 ح 3931 و ص 246 ح 3937.

2- . كنز العمال: ج 2 ص 243 ح 3931 و ص 246 ح 3937.

3- . محقق نراقی در کتاب طاقدیس (ص 3) نیز این مطلب را به شعر در آورده است: گر نماز و روزه ات فرموده ام زان به سوی خود رهنم نموده ام هم زکات و خمس و هم حج و جهاد مطلب از جمله بود صرف فؤاد تا بگردانی دل از مال و وطن از عیال و خانمان و جان و تن روی برتابی از اینها یکسره روی آری سوی آن یار سره معنی اینها همه یکسان بود روی دل کردن سوی جانان بود زین سبب بی قصد و دل زینها یکی نیست مقبول خداوند، اندکی.



اعتکاف، پنج رکن اساسی دارد که با نبود هر یک، حقیقت این عبادت تحقق نخواهد یافت و معتکف از برکات آن بهره مند نمی شود. این ارکان، عبارت اند از:

#### 1. قصد قربت

نخستین رکن اعتکاف، همانند سایر عبادات، خلوص نیت و قصد قربت است. بنا بر این، هر گونه انگیزه غیر الهی موجب بطلان آن می گردد. گفتنی است که انگیزه الهی نیز مراتبی دارد که توضیح آن در ادامه بحث خواهد آمد. (1)

#### 2. اقامت در مسجد جامع

رکن دوم اعتکاف، پس از قصد قربت، اقامت در مسجد جامع در مدت اعتکاف است.

فقیهان، این رکن را دو گونه تفسیر کرده اند: برخی مانند شیخ مفید، محقق حلّی، شهید اول و شهید ثانی و فقیهان محقق متأخر فرموده اند که در هر مسجد جامعی که امامی عادل در آن، نماز جماعت اقامه کرده باشد می توان اعتکاف کرد. (2)

این فتوا قابل استناد به حدیثی معتبر است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. (3) بر پایه این حدیث، هر مسجدی که واجد دو شرط باشد، اعتکاف در آن جایز است: یکی جامع بودن، یعنی به گروه خاصی اختصاص نداشته باشد و نمازگزاران فراوانی از آن بهره مند شوند (4) و دیگر، این که امامی عادل در آن، نماز جماعت اقامه کرده باشد.

گفتنی است مقصود از «امام عادل» در حدیث یاد شده، امام معصوم نیست تا مشروعیت اعتکاف، به مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد

ص: 19

1- . ر. ک: ص 25 (مراتب برکات نیت).

2- . الرابع: المكان، و هو کلّ مسجد جامع جمع فيه إمام عدل، ولو غير إمام الأصل، وفقاً للمفید، و عليه الماتن فی کتبه و الشهیدان و جماعة من محققى متأخر المتأخرین (ریاض المسائل: ج 5 ص 517).

3- . ر. ک: ح 4.

4- . الجماعة: عدد کلّ شیء و کثرته (کتاب العین، خلیل بن احمد).

النبي صلى الله عليه وآله، مسجد جامع كوفه و بصره) اختصاص داشته باشد؛ زیرا چنان که برخی از فقها فرموده اند، این احتمال سبب می شود که نوع مکلفان، از این عبادت محروم شوند. (1) بسیاری از فقیهان متأخر و معاصر نیز طبق این حدیث و احادیث مشابه آن فتوا داده اند. (2)

در برابر این فتوا، شماری دیگر از فقیهان مانند: شیخ طوسی، سید مرتضی و ابن زهره، بر این باورند که اعتکاف، جز در مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد جامع کوفه و بصره) صحیح نیست. (3)

برخی فقیهان معاصر نیز بنا بر احتیاط واجب، صحّت اعتکاف را مختص به مساجد چهارگانه دانسته اند؛ (4) اما همین فقها، معتقدند می توان اعتکاف را در سایر مساجد جامع به قصد رجا (به امید مطلوب بودن و ثواب الهی) انجام داد؛ ولی در هر صورت، در مساجدی که به افراد ویژه ای اختصاص

ص: 20

1- آیه الله سید احمد خوانساری فرموده: «و احتمال إرادة المعصوم من قوله "إمام عدل" بعيد جداً للزوم حرمان نوع المكلفين من هذه العبادة؛ این که مراد از "امام عادل" امام معصوم باشد، احتمالی بعید است؛ زیرا موجب محرومیت نوع مکلفان از این عبادت می شود». (جامع المدارك: ج 2 ص 246).

2- مانند: محقق سبزواری (ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد: ج 2 ص 540)، شیخ حرّ عاملی (هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة: ج 4 ص 299)، کاشف الغطا (کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء: ج 4 ص 98)، صاحب جواهر (جواهر الکلام: ج 17 ص 171)، صاحب عروه (العروة الوثقى المحشّی: ج 3 ص 672)، ملا احمد نراقی (مستند الشیعة فی أحكام الشریعة: ج 10 ص 554) و آیات عظام: آقا ضیا (العروة الوثقى المحشّی: ج 3 ص 672)، سید محسن حکیم (منهاج الصالحین المحشّی لحکیم: ج 1 ص 403)، سید ابو القاسم خویی (منهاج الصالحین: ج 1 ص 290)، سید احمد خوانساری (جامع المدارك: ج 2 ص 246)، گلپایگانی (وسيلة النجاة مع الحواشی الگلپایگانی: ج 1 ص 264)، شهید صدر (الفتاوی الواضحة: ص 658)، سید عبد الأعلى سبزواری (مهذب الأحكام: ج 10 ص 372)، فاضل لنکرانی (الأحكام الواضحة: ص 269)، بهجت (جامع المسائل: ج 1 ص 613)، تبریزی (آشنایی با احکام اعتکاف: سایت [WWW.pajoohe.com/fa/index.php](http://WWW.pajoohe.com/fa/index.php))، وحید خراسانی (منهاج: ج 2 مسئله 107)، صافی گلپایگانی (پاسخ کوتاه به 570 پرسش از احکام: ش 281)، سیستانی (منهاج الصالحین: ج 1 ص 343)، شبیری زنجانی (استفتائات احکام: سؤال 34) و مکارم شیرازی (اعتکاف عبادتی کامل: سؤال 23).

3- الإقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد: ص 296، الإختصار فی انفرادات الإمامیة: ص 200، غنية النزوع: ص 146.

4- مانند: امام خمینی (وسيلة النجاة مع حواشی الإمام: ص 259) و مقام معظم رهبری (سایت: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)).

دارند، اعتکاف صحیح نیست. (1)

### 3. اقامت دست کم، سه روز در مسجد

کمترین مدّت اعتکاف، سه روز است. معتکف باید از طلوع فجر روز اوّل تا مغرب روز سوم در مسجد بماند و در این مدّت از مسجد خارج نشود، جز برای انجام کارهای لازم عرفی یا شرعی واجب یا مستحب، مانند: حمام رفتن، عیادت و تشییع جنازه.

### 4. روزه داری

سومین رکن اعتکاف، روزه داری در طول مدّت اعتکاف است. در طول سال، در هر زمانی که انسان بتواند دست کم، سه روز پیایی در مسجد اقامت کند و روزه بگیرد، اعتکاف او صحیح است. از این رو، اعتکاف در زمانی که مصادف با دو عید قربان و عید فطر شود، صحیح نیست.

همچنین کسانی که به هر دلیل نمی توانند روزه بگیرند، اعتکافشان صحیح نیست. گفتنی است لازم نیست که روزه آنها اختصاص به اعتکاف داشته باشد؛ بلکه می تواند روزه قضا و یا نذری باشد.

### 5. پرهیز از مهم ترین آسیب های اعتکاف

اعتکاف، در حقیقت، وقف کردن خود برای عبادت، روی آوری تام و کامل به خداوند سبحان و روگردانی از غیر اوست. بنا بر این، هر کاری که کمترین منافاتی با این معنا داشته باشد، آسیب اعتکاف شمرده می شود و اجتناب از آن، ضروری است.

آسیب های اعتکاف را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

دسته اول: آسیب هایی که بنیان اعتکاف را ویران می سازند و موجب بطلان آن می شوند. این گونه آسیب ها، «محرّمات اعتکاف» نامیده می شوند که مهم ترین آسیب های اعتکاف اند و اجتناب از آنها رکن اعتکاف شمرده می شود.

دسته دوم: آسیب هایی که موجب کاهش برکات این عمل عبادی

ص: 21

می‌گردند. این دسته از آسیب‌ها، «مکروهات اعتکاف» اند که ضمن آداب اعتکاف خواهند آمد.

شاید حکمت این که در متن احادیث، (1) محرمات و مکروهات اعتکاف در کنار هم آمده‌اند، این باشد که هر چند انجام مکروهات از نظر شرعی، موجب بطلان اعتکاف نمی‌شود، ولی به هر حال، به حقیقت اعتکاف - که زمینه ساز فارغ شدن برای یاد خدا است -، آسیب می‌رساند و معتکف را از برکات اعتکاف کامل، بی‌بهره می‌سازد

و اینک، توضیحی کوتاه در بارهٔ دستهٔ اول از آسیب‌های اعتکاف که از ارکان این عبادت شمرده می‌شود:

## محرمات اعتکاف

### اشاره

محرمات اعتکاف را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

### الف - محرمات خاص

#### اشاره

مقصود از محرمات خاص، اموری هستند که تنها برای معتکف، گناه شمرده می‌شوند؛ ولی برای غیر معتکف، نه تنها حرام نیستند، بلکه ممکن است مستحب و حتی گاهی واجب باشند.

محرماتی که به اعتکاف اختصاص دارند عبارت‌اند از:

### بک. بهره‌گیری از بوی خوش

بهره‌گیری از بوی خوش برای معتکف جایز نیست. بنا بر این، کسانی که فاقد حس بویایی هستند و لذتی از بوی خوش نمی‌برند، استفاده آنان از عطر مانعی ندارد. (2)

ص: 22

---

1- ر. ک: ص 38 (آداب اعتکاف).

2- ر. ک: صاحب جواهر (جواهر الکلام: ج 7 ص 202) محمدکاظم طباطبایی یزدی (عروة الوثقی: ج 3 ص 494، امام خمینی، (تحریر الوسيلة: ج 1 ص 309) سید ابوالقاسم خوبی (مستند العروة: ج 2 ص 461)، سایر کسانی که بر کتاب عروة الوثقی حاشیه دارند نیز با این نظر موافق هستند. برخی از فقیهان، میان کسانی که حس بویایی ندارند و کسانی که حس بویایی داشته ولی از بوی خوش لذت نمی‌برند تفاوت قائل شده و تنها گروه اول را مجاز به استفاده از بوی خوش دانسته‌اند. سید حسین بروجردی (عروة الوثقی: ج 3 ص 494)، محمدرضا گلپایگانی (التقیح: ص 270 «کتاب الاعتکاف») و شیخ جواد تبریزی (عروة الوثقی: ج 3 ص 695) از این جمله‌اند.

## دو. خرید و فروش

خرید و فروش بلکه هر نوع داد و ستد، مانند صلح، اجاره و سایر معاملات تجاری، بنابر احتیاط جایز نیست (1).

## سه. مجادله

مقصود از مجادله، بحث و گفتگو در امور دنیوی و دینی، با انگیزه غلبه بر طرف مقابل و اظهار قدرت و برتری است (2).

## چهار. لذایذ جنسی حلال

انواع لذایذ جنسی، خواه در روز و شب، موجب باطل شدن اعتکاف می گردد.

## ب - محرمات عام

مقصود از محرمات عام، کارهایی هستند که حرمت آنها، به اعتکاف اختصاص ندارد، مانند: تنجیس مسجد یا انجام کارهایی که موجب بطلان روزه می شود - که اگر در روز انجام گیرند، موجب بطلان اعتکاف نیز می شوند - یا دیگر محرماتی که به روز اختصاص ندارند و در شب نیز باید از آنها پرهیز شود مانند خودارضایی (3).

## آداب اعتکاف

### اشاره

در منابع فقهی شیعه، مطلبی تحت عنوان «آداب اعتکاف» یا «مکروهات اعتکاف» دیده نشده (4) است؛ ولی با بهره گیری از احادیث اهل بیت علیهم السلام و دیدگاه های فقها، می توان آداب غیر الزامی اعتکاف را به دو دسته تقسیم کرد:

ص: 23

1- . ر. ك: تحرير الوسيلة: ج 1 ص 309.

2- . لکن بر اساس آنچه شماری از فقها فرموده اند، گفتگو در باره مسائل علمی، در اعتکاف، مستحب است (ر. ك: ص 61 «فضیلت آموزش و آموختن در مسجد»).

3- . ر. ك: تحرير الوسيلة: ص 309.

4- . «لم نعثر فی الكتب التي بأيدينا على آداب الاعتكاف أو المكروهات فيه؛ در كتاب های در دسترسمان، آداب یا مکروهات اعتکاف را نیافتیم» (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام: ج 1 ص 764).

این دسته از آداب اعتكاف، اموری هستند که انجام آنها، موجب بهره‌وری بیشتر از برکات اعتكاف می‌گردد، مانند: ذکر خدا، تلاوت قرآن، دعا، نمازهای مستحبی و کم سخن گفتن. (1)

همچنین هر آنچه برای روزه دار یا برای کسی که وارد مسجد شده استحباب دارد، (2) انجام آن برای معتكف نیز مستحب و نیکوست. (3)

## ب - مکروهات اعتكاف

اموری که انجام آنها برای معتكف نکوهیده است، عبارت‌اند از: سخن گفتن در باره امور دنیوی بلکه زیاد حرف زدن، خواندن شعرهای باطل، (4) خلوت کردن با همسر، جایگاه اعتكاف خود را تغییر دادن، بلند کردن صدا (اگر موجب آزار دیگران باشد، گناه است). (5)

همچنین هر آنچه برای مقیم در مسجد نکوهیده است، برای معتكف نیز نکوهیده است مانند خوابیدن بدون ضرورت یا خوردن غذاهایی که بوی آن دیگران را آزار می‌دهد. (6)

افزون بر این، همه آنچه برای روزه دار مکروه است، در طول روز برای معتكف نیز نکوهیده است. (7)

گفتنی است: برخی از مذاهب اهل سنت، موارد دیگری را تحت عنوان مکروهات اعتكاف ذکر کرده‌اند، مانند: معتكف شدن کمتر از ده روز و بیشتر از

ص: 24

---

1- ر. ك: ص 101 (فصل پنجم: دوچندان شدن برکات یاد خدا برای معتكف).

2- ر. ك: فرهنگ نامه مسجد: ص 132.

3- ر. ك: ص 39 (آداب اعتكاف).

4- البتّه در حدیث، از مطلق شعر نهی شده؛ ولی با در نظر گرفتن احادیث دیگر باید آن را به شعرهای باطل مقید کرد (ر. ك: فرهنگ نامه مسجد: ص 159).

5- ر. ك: ص 39 (آداب اعتكاف).

6- ر. ك: فرهنگ نامه مسجد: ص 152.

7- ر. ك: ص 39 (آداب اعتكاف).

يك ماه، زياد نوشتن مگر براي گذران زندگي به قدر ضرورت، و اشتغال به چيزي جز نماز، ذكر، قرائت قرآن، تسبيح، تحميد، تهليل، استغفار و صلوات... (1).

مي توان گفت: به طور كلي، هر چه معتكف را از هدف اصلي اعتكاف - كه ياد خدا و انس با اوست - دور مي كند، نكوهيده است.

### بركات اعتكاف

اعتكاف، جامع همه فضيلت ها و بركاتي است كه در قرآن و حديث براي حضور در مسجد، روزه داري و ياد خداوند سبحان، بيان شده اند. بر اين اساس، همه آثار و بركاتِ همه اين عبادت ها، يك جا بر اين عبادت مترتب مي شوند.

به سخن ديگر، معتكف هر چه بتواند حضور کوتاه مدت خود در مسجد، را با آداب آن همراه نمايد و عمق معنوي بيشتري به آن بدهد، اعتكاف براي روح و جان او، سازندگي بيشتري خواهد داشت و آثار و بركات افزون تري نصيب او خواهد شد.

بر اين پايه، ممكن است مراتب بهره برداري دو نفر كه هر دو در يك مسجد اعتكاف کرده اند، قابل مقايسه با ديگري نباشد. توضيح اين مطلب را با تبين مراتب بركات نخستين ركن اعتكاف - يعني نيت - آغاز مي كنيم:

### مراتب بركات نيت

نيت و انگيزه كه انسان را به عبادت وادار مي كند، در همه عبادات و از جمله اعتكاف، مراتبي دارد كه مراتب ارزش و بركات عبادت، وابسته به آن است.

برخي، خدا را به اميد پاداش، عبادت مي كنند و برخي، از ترس كيفر او؛ ولي انگيزه بزرگان اهل معرفت، «محبت و شايستگي خداوند سبحان براي عبادت» است. اهل بيت عليهم السلام جزو دسته سوم اند و عبادت آنها به دليل دوستي و شايستگي اوست. در حديثي كه به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل شده، آمده است:

ص: 25

إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ. (1)

عبادت کنندگان، سه گونه اند: مردمی که از سر ترس، خدا را می پرستند که این، پرستش بندگان است، و مردمی، خداوند عزوجل را برای به دست آوردن پاداش می پرستند که این، پرستش مزدبگیران است، و مردمی که خداوند عزوجل را برای آن که دوستش دارند، می پرستند. این، پرستش آزادگان و برترین نوع پرستش است.

بنا بر این، بیشترین و بالاترین مراتب برکات اعتکاف، نصیب کسانی می شود که عشق و خدادوستی، آنها را به انتخاب این عبادت، کشانده است و زبان حال و قال آنها این است که:

ما از تو به غیر از تو نداریم تمنا \*\*\* حلوا به کسی ده که محبت نچشیده. (2)

### مراتب برکات حضور در مسجد

دومین رکن اعتکاف، اقامت در مسجد است، بر پایه احادیثی که از خاندان رسالت به ما رسیده، مسجد، خانه خدا در زمین، جلوه گاه نور الهی، جایگاه حضور پیامبران خدا، شهادتگاه اولیای خدا، سرای پروا پیشگان، باغی از بوستان های بهشت و بهترین نقاط روی زمین است. (3)

شاید به همین دلیل و نیز آثار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حضور در مسجد، برکات فراوانی برای آن ذکر شده است. برای نمونه، پاداش نماز خواندن در مسجد بویژه نماز جماعت، به مراتب از پاداش نماز خواندن در نقاط دیگر بیشتر است، و هر چه مسجد، نمازگزاران بیشتری داشته باشد، طبعاً برکات بیشتری دارد. بالاترین پاداش ها، به مسجد الحرام اختصاص

ص: 26

1- . الکافی: ج 2 ص 84 ح 5. نیز، ر. ک: دوستی در قرآن و حدیث: ص 385 (پرستش دوستداران).

2- . غزلیات سعدی.

3- . ر. ک: ص 55 (فصل دوم: معتکف و برکات حضورش در مسجد) و فرهنگ نامه مسجد.



دارد که بر پایه حدیثی از امام صادق علیه السلام ثواب هر رکعت نماز در آن، معادل هزار رکعت در مساجد دیگر است. (1)

همچنین برای تعلیم و تعلم مطالب مفید و سودمند، پاداش های فراوانی گزارش شده است. (2) افزون بر این، استجاب دعا، بر طرف شدن گرفتاری ها و آشنایی با دوستان نیک سیرت و خدایی نیز از برکات حضور در مسجد است.

بنا بر این، با برنامه ریزی بهتر برای اعتکاف می توان به مراتب بالاتری از برکات این عبادت دست یافت. البته بالاترین مرتبه ای که اهل معرفت می توانند از برکات حضور در مسجد داشته باشند، چیزی است که در روایتی از امام حسن مجتبی علیه السلام بدان اشاره شده است:

أهل المسجد زواؤا لله، وحق على المذور التحفة لزياره. (3)

اهل مسجد، دیدار کنندگان با خدایند و بر دیدار شونده است که به دیدار کننده اش هدیه بدهد.

این سخن، اشاره به این نکته است که مسجد، خانه خداست و اهل مسجد، در حقیقت به دیدار صاحب خانه رفته اند، و از آن جا که سزاوار است دیدار شونده، هدیه ای به دیدار کننده خود بدهد، خداوند سبحان حتماً به دیدار کننده خود هدیه خواهد دهد.

البته در باره این که هدیه خداوند چیست، می توان گفت: هدیه خداوند ممان، مراتبی دارد، به تناسب همت و تلاش دیدار کنندگان، و بالاترین مراتب آن، معرفت شهودی است. شایسته است معتکف تلاش کند تا به این مرتبه والا نزدیک شود.

گرش بینی و دست از ترنج شناسی \*\*\* روا بود که ملامت کنی زلیخا را

آری، یوسف زیبا بود؛ اما آن که یوسف را آفرید و همه زیبایی ها از اوست،

ص: 27

1- . ر. ك: ح 64.

2- . ر. ك: ح 62.

3- . إرشاد القلوب: ص 77.

چه قدر زیباست!

در جهان، چون حسن یوسف، کس ندید \*\*\* حسن، آن دارد که یوسف آفرید

گفتنی است در تبیین مراتب برکات یاد خدا، در این باره توضیح بیشتر ارائه خواهد شد.

## مراتب برکات روزه داری

### اشاره

سومین رکن اعتکاف، یعنی روزه داری نیز برکات فراوانی برای معتکف دارد، مانند: تقویت ملکه تقوا (پرهیزگاری)، کاهش سرکشی غریزه جنسی، حکمت، تقرب به خدا، اجابت دعا، فاصله گرفتن از آتش دوزخ، آرامش روز قیامت، زمینه سازی برای شفاعت اولیای الهی و کامیابی در بهشت موعود.

مهم ترین برکات روزه، مانند همه عبادات، نزدیکی معنوی به خداوند سبحان و بهره مند شدن از لذت معرفت شهودی اوست که قابل قیاس با هیچ لذتی نیست: **وَمَا أَطِيبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وَ مَا أَعَذَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ!** (1)

روزه داری، مراتبی دارد که بالاترین آن، راه رسیدن به این مقصد اعلائی انسانیت است.

ارباب سیر و سلوک با بهره گیری از ره نمودهای اهل بیت علیهم السلام، مراتب روزه داری را به سه مرتبه، درجه بندی کرده اند:

### 1. روزه عوام

پایین ترین مرتبه روزه، «روزه عوام» یعنی روزه عموم مردم نامیده شود که شرط آن، اجتناب از هر چیزی است که روزه را باطل می کند، مانند: خوردن، آشامیدن و دیگر مفطرات روزه.

### 2. روزه خواص

خواص روزه داران، کسانی هستند که افزون بر اجتناب از مفطرات روزه، از

ص: 28

---

1- ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 4 ص 21 (گواراترین لذت ها).

گناهان دیگر نیز اجتناب می کنند.

### 3. روزه خواص خواص

در این مرتبه از روزه داری، روزه دار نه تنها از مفطرات روزه و گناهان اجتناب می کند، بلکه از اشتغال به هر چه او را از یاد خدا باز می دارد، اجتناب می نماید:

روزه عام از شراب و نان بود \*\*\* روزه خاص از همه عصیان بود

روزه های او بود از غیر دوست \*\*\* هر چه می خواهد، همه از بهر اوست. (1)

بر این اساس، بالاترین مراتب رکن چهارم اعتکاف (روزه داری)، بالاترین مراتب رکن پنجم یعنی پرهیز از آسیب های اعتکاف نیز هست و معتکف، اگر توفیق یابد در ایام اعتکاف از این مرتبه روزه داری برخوردار شود، به بالاترین مراتب برکات اعتکاف دست خواهد یافت.

گفتنی است اعمالی که در فصل ششم این فرهنگ نامه آمده، بویژه تهجد و نافله شب و مناجات ها، می توانند معتکف را در رسیدن به این مقصود یاری دهد.

### مراتب برکات یاد خدا

اشاره شد (2) که حکمت اعتکاف، روی آوری و توجه تام به خداوند سبحان و روگردانی از غیر اوست.

یاد خداوند سبحان، برکات فراوانی برای زندگی مادی و معنوی انسان دارد، بویژه آن که انسان در خانه خدا و در بالاترین مراتب روزه داری، خدا را یاد کند. (3)

حقیقت یاد خدا، به معنای توجه قلبی برآمده از معرفت حقیقی، همراه با

ص: 29

---

1- در جستجوها منبع آن یافت نشد هر چند به مولوی نسبت داده شده اما در نرم افزارهای ویژه شعر و مثنوی یافت نشد.

2- ر. ک: ص 17 (حکمت اعتکاف).

3- ر. ک: ص 101 (فصل پنجم: دو چندان شدن برکات یاد خدا برای معتکف).

مسئولیت شناسی است. (1) هر چه این حقیقت کامل تر باشد، معتکف، برکات بیشتری از اعتکاف خواهد داشت.

برکات ذکر و یاد خداوند سبحان در تحلیلی جدا، به تفصیل ارائه می شود. (2) در این جا اشاره ای کوتاه به بالاترین مراتب آن داریم.

### بالاترین مراتب برکات ذکر

بالاترین مراتب برکات یاد خدا، معرفت شهودی و دیدار قلبی با خداوند سبحان است که «لقاء الله» نامیده می شود، چنان که از اهل بیت علیهم السلام مکرر نقل شده که آنان، خدایی را که نینند، عبادت نمی کنند. (3)

البته باید توجه داشت که معرفت شهودی و دیدن خدا با دیده دل، مراتبی دارد که اهل بیت علیهم السلام در بالاترین مرتبه آن بوده اند و دیگران به میزان تلاش خود می توانند به این قله معرفت نزدیک شوند. آیه الله بهجت رحمه الله در باره پایین ترین و بالاترین مرتبه دیدار خدا فرمود:

نخستین مرتبه لقاء الله [برای عبد]، این است که در حال نماز، برای او، انس و دل گرمی پیدا می شود و بالاترین مرتبه لقاء الله، حالتی است که در حدیث «قرب نوافل»، به آن اشاره شده است.

مقصود از حدیث قرب نوافل، حدیثی است که در منابع معتبر شیعه و اهل سنت، با اندکی اختلاف در لفظ، نقل شده و متن آن، این است:

مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي

ص: 30

1- ر. ك: نهج الذكر: ج 1 ص 19 و 109 (حقیقت یاد خدا).

2- ر. ك: ص 143 (تبیین برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او).

3- ر. ك: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 4 ص 125 (معنای دیدن خدا).

بنده ای با بهتر از انجام دادن و اجابتش، به من تقرّب نجسته است و او با انجام دادن مستحب، به من تقرّب می جوید تا دوستدارش شوم، و چون دوستدارش شوم، گوش شنیدن او و دیده دیدن او و زبان گفتن او و دست فعالیت او می گردم. اگر مرا بخواند، اجابتش می کنم و اگر از من بخواهد، عطایش می نمایم.

این سخن، یدان معناست که در بالاترین مرتبه معرفت شهودی، خداوند متعال، چنان بر دل، تجلّی می کند که سالک، اراده خود را در اراده حق، فانی می بیند و در این حال، احساس می کند که همه افعال و حرکات و سکناش، مستند به خداوند متعال اند و بدین سان، مفهوم حقیقی «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را در می یابد و با دستیابی به این مرتبه از شهود، «مستجاب الدعوه» می گردد و اراده او به اذن خدا در جهان، کارساز می شود. (3)

ص: 31

1- . در برخی از احادیث آحاد، افزوده شده: «وَرَجَلَهُ الَّذِي يَمْشِي بِهَا؛ وَ پای او می شوم که با آن، راه می رود» و در برخی دیگر افزوده شده: «وَقَلْبَهُ الَّذِي يَعْقِلُ بِهِ؛ وَ دل او می شوم که با آن می فهمد» (ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 4 ص 480 و 483).

2- . دانش نامه عقاید اسلامی: ج 4 ص 480 ح 3744.

3- . عالم ربّانی و فقیه محقق، ملا احمد نراقی در کتاب طاقدیس، پس از این که انواع رذایل اخلاقی و عملی و دل بستگی های انسان - از بازار و دکان گرفته، تا مسند ریاست و امر و نهی، و کرسی بحث و تدریس، و منبر وعظ و خطابه - را به عنوان چاه هایی معرفی می کند که یوسف حقیقت آدمی، در آن گرفتار گردیده است، در باره رَسَن و ریسمانی که انسان را می تواند از این چاه ها نجات دهد، می گوید: یوسف! اینک رَسَن آویخته در وی افکن دست و پا بگسیخته این رَسَن دانی چه باشد؟ یاد دوست دوست کبود آن که جان جمله اوست جان چه باشد؟ آن که از وی زندگی است بی وجودش هیچ جسمی زنده نیست یاد او کن تا ز غم ها و رهی تا قدم زین چاه ها بالا نهی یاد او کن یاد دیگر کس مکن یاد گل کن یاد خار و خس مکن یاد او کن تا همی یادت کند از بلا و محنت آزادت کند

اگر معتكف، حتّى براى يك لحظه به اين مقصد والا دست يابد، مقصود اوليائى الهى و مفهوم پرمغز اين فراز از مناجات شعبانیه را خواهد فهميد كه خطاب به خداوند سبحان مى گویند:

إلهى هب لى كمال الانتِطاعِ إلیك، و أنر أبصارَ قلوبنا بضیاءِ نَظَرِها إلیك، حتّى تَحْرِقَ أبصارَ القلوبِ حُجُبَ النورِ، فَتَصِلَ إلی مَعْدِنِ العَظَمَةِ، و تَصیرَ أرواحنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ. (1)

معبود من! به من نهایت گسستن از همه چیز [برای پیوستن] به خودت را ببخش و چشم های دلمان را با نور نگریستن به تورا روشن بکن تا دیدگان دل ها، از حجاب های نور بگذرد و به معدن عظمت پیوندند و روح های ما به عزت قدست چنگ زنند.

اما گذر از حجاب های نور، کاری است کارستان که جز از انسان هایی که از همه دل بستگی ها وارسته اند، ساخته نیست. در باره امثال بنده نویسنده باید گفت:

ص: 32

و ليك، اين صفت رهروان چالاک است \*\*\* تونازنين جهاني، كجا تواني كرد؟!

نه دست و پای آجل را فرو توانی بست \*\*\* نه رنگ و بوی جهان را رها توانی کرد. (1)

امثال ما باید تلاش کنند دست کم به پایین ترین مراتب لقاء الله برسند و فرصت اعتکاف، یکی از بهترین فرصت ها برای راهیابی به این مقصد بزرگ است.

ص: 33

---

1- . ر. ك: ديوان شمس، مولوی: غزل 959.

1/1 فَضْلُ الْإِعْتِكَافِ

1. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اعْتَكَفَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (1)
2. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اعْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجِهَ اللَّهُ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَ خَنَادِقَ، كُلُّ خَنَدَقٍ أَبْعَدُ مِمَّا بَيْنَ الْخَافِقِينَ. (2)
3. عنه صلى الله عليه وآله - في الْمُعْتَكِفِ - : هُوَ يَعْكُفُ الدُّنُوبَ، وَيُجْرَى لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا. (3)

1/2 وَاجِبَاتُ الْإِعْتِكَافِ

أ - الإِقَامَةُ فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ

4. الكافي عن عمر بن يزيد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الْإِعْتِكَافِ بِبَعْدَادٍ

ص: 34

- 
- 1- . الجامع الصغير: ج 2 ص 575 ح 8480 نقلاً عن الفردوس.
  - 2- . المعجم الأوسط: ج 7 ص 221 ح 7326، كنز العمال: ج 8 ص 532 ح 24019.
  - 3- . سنن ابن ماجه: ج 1 ص 567 ح 1781.



## فصل یکم فضیلت، واجبات و آداب اعتکاف

### 1/1 فضیلت اعتکاف

1. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که از روی ایمان و برای رسیدن به پاداش الهی معتکف شود، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود.

2. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که برای رضای خدا يك روز اعتکاف کند، خداوند، میان او و آتش دوزخ، سه خندق قرار می دهد که [عرض] هر خندق بیشتر از فاصله بین مشرق و مغرب است.

3. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: معتکف [خود را حبس نمی کند، بلکه] گناهان را به بند می کشد و نیکی ها برایش جاری می شوند، همانند کسی که همه کارهای نیک را انجام می دهد.

### 1/2 واجبات اعتکاف

#### الف - اقامت در مسجد جامع

الف - اقامت در مسجد جامع<sup>(1)</sup>

4. الکافی - به نقل از عمر بن یزید - : به امام صادق علیه السلام گفتم: در باره اعتکاف در

ص: 35

---

1- مقصود، مسجد عمومی در برابر مسجد خانه و قبیله است. نیز، ر. ک: ص 19 (اقامت در مسجد جامع).

في بعض مساجدها؟ فقال:

لا اعتكاف إلا في مسجد جماعة قد صلى فيه إمام عدل بصلاة جماعة، ولا بأس أن يعتكف في مسجد الكوفة، والبصرة، ومسجد المدينة، ومسجد مكة. (1)

5. الإمام الصادق عليه السلام: لا اعتكاف إلا بصوم في المسجد الجامع. (2)

6. عنه عليه السلام: لا يصلح الاعتكاف إلا في المسجد الحرام، أو مسجد الرسول صلى الله عليه وآله، أو مسجد الكوفة، أو مسجد جماعة. (3)

ب - الصيام

7. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا اعتكاف إلا بصيام. (4)

8. الإمام زين العابدين عليه السلام: صوم الاعتكاف واجب. (5)

9. الإمام الصادق عليه السلام: ونصوم ما دمت معتكفاً. (6)

ج - أقله ثلاثة أيام

10. الإمام الصادق عليه السلام: أقل الاعتكاف ثلاثة أيام. (7)

11. عنه عليه السلام: لا يكون الاعتكاف أقل من ثلاثة أيام. (8)

12. الكافي عن داود بن سرحان: بدأنى أبو عبد الله عليه السلام من غير أن أسأله، فقال: الاعتكاف ثلاثة أيام - يعني السنة -.... (9)

13. الإمام الباقر عليه السلام: من اعتكف ثلاثة أيام، فهو يوم الرابع بالخيار: إن شاء زاد

ص: 36

1- . الكافي: ج 4 ص 176 ح 1؛ السنن الكبرى: ج 4 ص 519 ح 8571.

2- . الكافي: ج 4 ص 176 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 184 ح 2086، كلاهما عن الحلبي.

3- . الكافي: ج 4 ص 176 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 185 ح 2091.

4- . المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 606 ح 1605؛ تهذيب الأحكام: ج 4 ص 288 ح 874.

5- . الكافي: ج 4 ص 85 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 295 ح 895.

6- . الكافي: ج 4 ص 177 ح 3.

7- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 287، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 563 ح 8894.

8- . الكافي: ج 4 ص 177 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 289 ح 876.



برخی مساجد بغداد چه می فرماید؟ فرمود: «هیچ اعتکافی [صحیح] نیست، جز در مسجد جماعتی که امامی عادل در آن، نماز جماعت خوانده است و اشکالی ندارد که در مسجد کوفه و بصره و مسجد مدینه و مسجد مکه اعتکاف شود.

5. امام صادق علیه السلام: هیچ اعتکافی [صحیح] نیست، جز همراه روزه گرفتن در مسجد جامع.

6. امام صادق علیه السلام: صلاح نیست که اعتکاف جز در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله یا مسجد کوفه یا مسجد جماعت برگزار شود.

### ب - روزه گرفتن

7. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اعتکافی نیست جز با روزه گرفتن.

8. امام زین العابدین علیه السلام: روزه اعتکاف، واجب است.

9. امام صادق علیه السلام: تا آن گاه که معتکفی، روزه می گیری.

### ج - کمتر نبودن از سه روز

10. امام صادق علیه السلام: کمترین مدت اعتکاف، سه روز است.

11. امام صادق علیه السلام: اعتکاف، کمتر از سه روز نیست.

12. الکافی - به نقل از داوود بن سرحان - : امام صادق علیه السلام بی آن که چیزی از ایشان بپرسم، به من فرمود: «اعتکاف سه روز است...»، یعنی اعتکافی که مطابق سنت [پیامبر خدا] است.

13. امام باقر علیه السلام: هر کس سه روز اعتکاف کرد، در روز چهارم اختیار دارد. اگر خواست، سه روز دیگر بیفزاید و اگر خواست، از مسجد بیرون بیاید و اگر دو

ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ، وَإِنْ شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ، فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ. (1)

### 1/3 آدابُ الإعتكافِ

14. الإمام عليّ عليه السلام: يَلْزَمُ الْمُعْتَكِفُ، الْمَسْجِدَ، وَيَلْزَمُ ذِكْرَ اللَّهِ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ، وَلَا يَتَحَدَّثُ بِأَحَادِيثِ الدُّنْيَا وَلَا يُشِدُّ الشُّعْرَ، وَلَا يَبِيعُ وَلَا يَشْتَرِي، وَلَا يَحْضُرُ جَنَازَةً، وَلَا يَعُودُ مَرِيضًا، وَلَا يَدْخُلُ بَيْتًا، وَلَا يَخْلُو مَعَ امْرَأَةٍ، وَلَا يَتَكَلَّمُ بِرَفَثٍ، وَلَا يُمَارِي أَحَدًا، وَمَا كَفَّ عَنِ الْكَلَامِ مَعَ النَّاسِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ. (2)

15. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمُعْتَكِفَ لَا يَبِيعُ وَلَا يَشْتَرِي، وَلَا يُجَادِلُ وَلَا يُمَارِي وَلَا يَغْضَبُ، وَلَا يَتَحَوَّلُ مِنْ مَجْلِسِ اعْتِكَافِهِ. (3)

16. عنه عليه السلام: الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْتُمُ الطَّيِّبَ، وَلَا يَتَلَذَّذُ بِالرَّيْحَانِ، وَلَا يُمَارِي، وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ. (4)

17. الكافي عن داود بن سرحان: كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَعْتَكِفَ، فَمَاذَا أَقُولُ، وَمَاذَا أَفْرِضُ عَلَيَّ نَفْسِي؟ فَقَالَ: لَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، وَلَا تَقْعُدْ تَحْتَ ظِلَالٍ حَتَّى تَعُودَ إِلَى مَجْلِسِكَ. (5)

18. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا بِصَوْمٍ، وَلَا اعْتِكَافٌ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ يُجَمَّعُ فِيهِ، وَلَا يُصَلِّي الْمُعْتَكِفُ فِي بَيْتِهِ، وَلَا يَأْتِي النِّسَاءَ، وَلَا يَبِيعُ وَلَا يَشْتَرِي، وَلَا

ص: 38

1- . الكافي: ج 4 ص 178 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 288 ح 872.

2- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 287، بحار الأنوار: ج 97 ص 130 ح 7.

3- . الجعفریات: ص 63، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 567 ح 8909.

4- . الكافي: ج 4 ص 178 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 288 ح 872.

5- . الكافي: ج 4 ص 178 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 287 ح 870.

روز پس از سه روز نخست ماند، دیگر از مسجد بیرون نیاید تا سه روز دوم را به پایان برساند.

### 1/3 آداب اعتکاف

14. امام علی علیه السلام: معتکف در مسجد می ماند و پیوسته خداوند را یاد می کند و قرآن و نماز می خواند و از دنیا سخن نمی گوید و شعر نمی خواند و خرید و فروش نمی کند و به تشییع جنازه و عیادت بیمار نمی رود و درون اتاق نمی شود و با زنی خلوت نمی کند و سخن زشت نمی گوید و با کسی بگو مگو نمی کند و هر اندازه از سخن گفتن با مردم دست بکشد، برایش بهتر است.

15. امام باقر علیه السلام: معتکف، نمی خرد و نمی فروشد و بگو مگو نمی کند و خشم نمی گیرد و از جای اعتکافش به جای دیگری نمی رود.

16. امام باقر علیه السلام: معتکف، بوی خوش نمی بوید و از گل لَدَّت نمی برد و بگو مگو نمی نماید و خرید و فروش نمی کند.

17. الکافی - به نقل از داوود بن سرحان - : در ماه رمضان در مدینه بودم. به امام صادق علیه السلام گفتم: من می خواهم معتکف شوم. چه بگویم؟ و چه چیزی بر خودم واجب کنم؟ فرمود: «از مسجد بیرون نرو، جز به خاطر نیازی که از آن چاره ای نداری و [اگر برای کارت بیرون رفتی،] زیر سایه ای منشین تا [زود] به جایگاهت باز گردی».

18. امام صادق علیه السلام: اعتکاف، جز همراه روزه نیست و اعتکاف، جز در مسجدی که در آن نماز جماعت بر پا می گردد، انجام نمی شود و مرد اعتکاف کننده در

يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَكَذَلِكَ الْمُعْتَكِفَةُ إِلَّا أَنْ تَحِيضَ فَإِذَا حَاضَتْ انْقَطَعَ اعْتِكَافُهَا وَخَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَأَقَلُّ الْإِعْتِكَافِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ. (1)

19. عنه عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَلَا يَخْرُجُ فِي شَيْءٍ إِلَّا لِحَنَازَةٍ، أَوْ يَعُودُ مَرِيضًا، وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَاعْتِكَافُ الْمَرَأَةِ مِثْلُ ذَلِكَ. (2)

20. عنه عليه السلام: لَيْسَ عَلَى الْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا إِلَى الْجُمُعَةِ، أَوْ جَنَازَةٍ، أَوْ غَائِطٍ. (3)

21. سنن أبي داود عن أبي سعيد الخدري: اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَسْجِدِ، فَسَمِعَهُمْ يَجْهَرُونَ بِالْقِرَاءَةِ، فَكَشَفَ السِّتْرَ وَقَالَ: أَلَا إِنَّ كُلُّكُمْ مُنَاجٍ رَبَّهُ، فَلَا يُؤْذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ - أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ. (4)

22. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمر: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اعْتَكَفَ وَخَطَبَ النَّاسَ (5) فَقَالَ: أَمَا إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ يُنَاجِي رَبَّهُ، فَلْيَعْلَمْ أَحَدُكُمْ مَا يُنَاجِي رَبَّهُ، وَلَا يَجْهَرُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ. (6)

ص: 40

1- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 286، بحار الأنوار: ج 97 ص 130 ح 7.

2- . الكافي: ج 4 ص 178 ح 179 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 288 ح 871.

3- . الكافي: ج 4 ص 178 ح 1.

4- . سنن أبي داود: ج 2 ص 38 ح 1332، السنن الكبرى للنسائي: ج 5 ص 32 ح 8092.

5- . از این روایت و روایات مشابه می توان دریافت که پرهیز از سر و صدا و بی نظمی در اعتکاف، مطلوب است.

6- . مسند ابن حنبل: ج 2 ص 278 ح 4928، المعجم الكبير: ج 12 ص 327 ح 13572.

خانه اش نماز نمی خواند و با زنان آمیزش نمی کند و خرید و فروش نمی نماید و جز برای حاجتی که ناگزیر از رفع آن است، از مسجد بیرون نمی رود و [اگر رفت،] نمی نشیند تا [زود] باز گردد، و زن اعتکاف کننده نیز چنین است، جز آن که اگر حائض شد، اعتکافش قطع می شود و از مسجد بیرون می رود، و کمترین اندازه اعتکاف، سه روز است.

19. امام صادق علیه السلام: روا نیست که معتکف از مسجد بیرون رود، جز برای حاجتی که ناگزیر از رفع آن است و [اگر رفت،] نمی نشیند تا باز گردد، و برای چیزی بیرون نمی آید، مگر برای تشییع جنازه یا عیادت بیمار و [در این دو کار هم] نمی نشیند تا باز گردد. اعتکاف زن نیز چنین است.

20. امام صادق علیه السلام: بر معتکف نیست که از مسجد بیرون رود، مگر برای نماز جمعه یا تشییع جنازه یا قضای حاجت.

21. سنن أبي داوود - به نقل از ابو سعید خُدری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد، اعتکاف کرد. شنید که صدای مسلمانان به قرائت، بلند است. پرده را کنار زد و فرمود: «بدانید که همه شما در حال مناجات با پروردگار خود هستید. پس همدیگر را نیازارید و صدایتان را در قرائت، از یکدیگر بلندتر نکنید» یا فرمود: «در نماز».

22. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمر - : پیامبر صلی الله علیه و آله اعتکاف و برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: «هان! هر يك از شما که به نماز می ایستد، با خدایش مناجات می کند. پس [کافی است] هر يك از شما بداند با خدایش چه می گوید، و [لازم نیست دیگران هم بشنوند. پس] صدایتان را در قرائت نماز برای همدیگر بلند نکنید».



23. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ: (أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)، أَهَبَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْكَعْبَةِ مِئَةً وَسَبْعِينَ رَحْمَةً؛ فَجَعَلَ مِنْهَا سِتِّينَ لِلطَّائِفِينَ، وَخَمْسِينَ لِلْعَاكِفِينَ، وَأَرْبَعِينَ لِلْمُصَلِّينَ، وَعَشْرِينَ لِلنَّاطِرِينَ. (1)

24. الكافي عن داود بن سرحان عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ، أَوْ مَسْجِدِ جَامِعِ. (2)

25. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حِجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ. (3)

26. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِعْتِكَافُ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حِجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ. (4)

راجع: ص 44 (سيرة النبي

صلى الله عليه وآله

في الاعتكاف).

ص: 42

1- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 294، بحار الأنوار: ج 99 ص 50 ح 48.

2- . الكافي: ج 4 ص 176 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 291 ح 884.

3- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 188 ح 2101، المعجم الكبير: ج 3 ص 128 ح 2888.

4- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 286، بحار الأنوار: ج 97 ص 129 ح 7.

#### 1/4 بهترین مکان های اعتکاف

23. امام صادق علیه السلام: هنگامی که خدای متعال به ابراهیم وحی کرد: (شما دو نفر [ابراهیم و اسماعیل] خانه ام را برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه نمایید)، خداوند، صد و هفتاد رحمت بر کعبه فرو فرستاد و شصت رحمت از آن را برای طواف کنندگان و پنجاه رحمت را برای مجاوران (/اعتکاف کنندگان) و چهل رحمت را برای نمازگزاران و بیست رحمت را برای تماشاگران [کعبه] قرار داد.

24. الکافی - به نقل از داوود بن سرحان، از امام صادق علیه السلام - : امام علی علیه السلام می فرمود: «اعتکاف را جز در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و یا مسجد جامع، [صحیح] نمی بینم».

#### 1/5 بهترین زمان اعتکاف

25. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اعتکاف يك دهه در ماه رمضان، برابر دو حج و دو عمره است.

26. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، برابر دو حج و دو عمره است.

ر. ک: ص 45 (سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در اعتکاف).

ص: 43

27. الإمام علي عليه السلام: لَمَّا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ، مِنْ رَمَضَانَ، قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَثْنَى عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ!... حَتَّى إِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْهُ مِنَ الْعَشْرِ سَمَّرَ الْمِيزَرَ وَخَرَجَ مِنْ بَيْنِهِنَّ، وَاعْتَكَفَ وَأَحْيَى اللَّيْلَ. (1)

28. صحيح مسلم عن أبي سعيد الخدري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اعْتَكَفَ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ، ثُمَّ اعْتَكَفَ الْعَشْرَ الْأَوْسَطَ، فِي قُبَّةِ تَرْكِيَّةٍ عَلَى سُدَّتِهَا حَصِيرٌ. قَالَ: فَأَخَذَ الْحَصِيرَ بِيَدِهِ فَنَحَّاهَا فِي نَاحِيَةِ الْقُبَّةِ، ثُمَّ أَطْلَعَ رَأْسَهُ فَكَلَّمَ النَّاسَ، فَدَنَوْا مِنْهُ، فَقَالَ:

إِنِّي اعْتَكَفْتُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ أَلْتَمِسُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ، ثُمَّ اعْتَكَفْتُ الْعَشْرَ الْأَوْسَطَ، ثُمَّ أَتَيْتُ فَقِيلَ لِي: إِنَّهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ، فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ أَنْ يَعْتَكِفَ فَلْيَعْتَكِفْ.

فَاعْتَكَفَ النَّاسُ مَعَهُ. (2)

29. الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّخِرُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ، وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ، وَسَمَّرَ الْمِيزَرَ، وَطَوَى فِرَاشَهُ. (3)

30. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَتْ بَدْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَلَمْ يَعْتَكِفِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلٍ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ؛ عَشْرًا لِعَامِهِ وَعَشْرًا قَضَاءً لِمَا فَاتَهُ. (4)

ص: 44

1- . كنز العمال: ج 8 ص 583 ح 24274 نقلاً عن الأصبهاني في الترغيب.

2- . صحيح مسلم: ج 2 ص 825 ح 215، السنن الكبرى للنسائي: ج 2 ص 261 ح 3348.

3- . الكافي: ج 4 ص 175 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 287 ح 869.

4- . الكافي: ج 4 ص 175 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 184 ح 2088.

27. امام علی علیه السلام: هنگامی که شب اول رمضان می شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر می خاست و پس از ثنای خداوند متعال می فرمود: «ای مردم!...» تا این که در اولین شب از دهه آخر، کمر [به عبادت] می بست و از میان زنانش بیرون می آمد و اعتکاف و شب زنده داری می کرد.

28. صحیح مسلم - به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دهه نخست ماه رمضان، در خیمه ای تُرکی که بر درش حصیری آویزان بود، به اعتکاف نشست. آن گاه حصیر را با دستش گرفت و در گوشه خیمه انداخت و سپس سرش را بیرون آورد و با مردم سخن گفت. مردم به ایشان نزدیک شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من در پی این شب (قدر)، دهه اول را معتکف شدم و سپس دهه وسط را به اعتکاف نشستم. آن گاه [جبرئیل] نزد آمد و به من گفته شد که آن در دهه آخر است. پس هر کس از شما دوست دارد که به اعتکاف بنشیند، معتکف شود». پس مردم با ایشان معتکف شدند.

29. الکافی - به نقل از حَلَبی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «دهه آخر ماه رمضان که می شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد، معتکف می گردید و برای او خیمه ای بافته شده از مو [ی چارپایان] می زدند و پیامبر صلی الله علیه و آله کمر [به عبادت] می بست و بستر خود را جمع می کرد».

30. امام صادق علیه السلام: جنگ بدر، در ماه رمضان بود. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معتکف نشد. سال بعد، بیست روز معتکف شد: ده روز برای همان سال و ده روز برای قضای آنچه از او فوت شده بود.

31. عنه عليه السلام: اعتكف رسول الله صلى الله عليه وآله في شهر رمضان في العشر الأول، ثم اعتكف في الثانية في العشر الوسطى، ثم اعتكف في الثالثة في العشر الأخير، ثم لم يزل يعتكف في العشر الأخير. (1)

32. مسند ابن حنبل عن أنس: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا كان مقيماً اعتكف العشر الأخير من رمضان، وإذا سافر اعتكف من العام المقبل عشرين. (2)

33. صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري: أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يعتكف في العشر الأوسط من رمضان، فاعتكف عاماً حتى إذا كان ليلة إحدى وعشرين - وهي الليلة التي يخرج من صبيحتها من اعتكافه - قال: من كان اعتكف معي فليعتكف العشر الأخير.... (3)

34. تهذيب الكمال عن أبي حازم مولى الأنصار: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يعتكف في قبة على بابها حصير. (4)

35. مسند ابن حنبل عن ابن عمر: اعتكف رسول الله صلى الله عليه وآله في العشر الأخير من رمضان، فاتخذ له فيه بيت من سعف. (5)

36. صحيح ابن خزيمة عن ابن عمر: بني النبي صلى الله عليه وآله بيت من سعف اعتكف في رمضان، حتى إذا كان ليلة أخرج رأسه فسمعهم يقرؤون، فقال: إن المصلي إذا صلى يناجي ربه، فليعلم أحدكم ما يناجيه، يجهر بعضكم على بعض!

يريد إنكار الجهر بعضهم على بعض. (6)

ص: 46

- 
- 1- . الكافي: ج 4 ص 175 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 189 ح 2105.
  - 2- . مسند ابن حنبل: ج 4 ص 209 ح 1207، السنن الكبرى: ج 4 ص 57 ح 8565، كنز العمال: ج 7 ص 86 ح 18091.
  - 3- . صحيح البخاري: ج 2 ص 713 ح 1923، سنن أبي داود: ج 2 ص 52 ح 1382.
  - 4- . تهذيب الكمال: ج 33 ص 218 الرقم 7296.
  - 5- . مسند ابن حنبل: ج 2 ص 347 ح 5349 و ص 484 ح 6135.
  - 6- . صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 351 ح 2237، الزهد والرقائق: ص 402 ح 1144.

31. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ماه رمضان، در ده روز اول، معتکف شد. سال بعد، در ده روز وسط، و در سال سوم، در ده روز آخر، معتکف شد.

سپس پیوسته در ده روز آخر، اعتکاف می نمود.

32. مسند ابن حنبل - به نقل از انس - : پیامبر صلی الله علیه و آله در زمانی که [در شهر خود] مقیم بود، دهه آخر ماه رمضان را اعتکاف می کرد و هر گاه به مسافرت می رفت، سال بعد، بیست روز معتکف می شد.

33. صحیح البخاری - به نقل از ابو سعید خُدری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دهه میانی رمضان اعتکاف می کرد. يك سال که اعتکاف کرده بود، در شب بیست و یکم - همان شبی که صبحش از اعتکاف خارج می شد - فرمود: «هر کس همراه من اعتکاف کرده است، در دهه آخر اعتکاف کند».

34. تهذیب الکمال - به نقل از ابو حازم (وابسته انصار) - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خیمه ای اعتکاف می کرد که بر درش حصیری آویزان بود.

35. مسند ابن حنبل - به نقل از ابن عمر - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر رمضان اعتکاف کرد و برایش خیمه ای از شاخه نخل آماده کردند.

36. صحیح ابن خزیمه - به نقل از ابن عمر - : برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خیمه ای از شاخه نخل ساختند و در رمضان اعتکاف کرد تا آن که شبی سرش را بیرون آورد و شنید که مردم قرائت می کنند. فرمود: «نمازگزار چون نماز می خواند، با خدایش مناجات می کند. پس [کافی است] هر يك از شما بداند با خدایش چه می گوید. صدایتان را برای یکدیگر بلند می کنید؟!». پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست [با این کلام] بلند کردن صدا برای یکدیگر را نفی کند.

37. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَعُونَةَ الْمُسْلِمِ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَعِتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (1)

38. عنه صلى الله عليه وآله: وَاللَّهِ! لَقَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَعِتِكَافِهِ. (2)

39. عنه صلى الله عليه وآله: لِأَنَّ يَمْشِي أَحَدُكُمْ مَعَ أَخِيهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَنْ يَعْتَكِفَ فِي مَسْجِدِي هَذَا شَهْرَيْنِ. (3)

40. عنه صلى الله عليه وآله: لِأَنَّ أُخِيَّ الْمُؤْمِنَ عَلَى حَاجَتِهِ، أَحَبُّ لِي مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَعِتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (4)

41. كتاب من لا يحضره الفقيه عن ميمون بن مهران: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ 8 فَاتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ فُلَانًا لَهُ عَلِيٌّ مَالٌ وَيُرِيدُ أَنْ يَحْبِسَ نِي، فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِي بِي عَنْكَ. قَالَ: فَكَلَّمَهُ، قَالَ: فَلَيْسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعْلُهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنْسَيْتَ اعْتِكَافَكَ؟ فَقَالَ لَهُ: لَمْ أَنْسَ، وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ؛ صَائِمًا نَهَارَهُ، قَائِمًا لَيْلَهُ». (5)

42. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَتَبَ اللَّهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ،

ص: 48

1- . الكافي: ج 8 ص 9 و 403.

2- . قرب الإسناد: ص 120 ح 422، المؤمن: ص 47 ح 112.

3- . المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 300 ح 7706، المغنی عن حمل الاسفار: ج 1 ص 515 ح 1988.

4- . ثواب قضاء حوائج الاخوان: ج 1 ص 63 ح 20، كنز العمال: ج 9 ص 9 ح 24673.

5- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 189 ح 2108، اعلام الدين: ص 442.

37. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاری رساندن به مسلمان، از يك ماه روزه گرفتن همراه با اعتكاف در مسجد الحرام، بهتر و اجرش بیشتر است.

38. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند، برآوردن حاجت مؤمن، از يك ماه روزه و اعتكاف، بهتر است.

39. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر هر يك از شما با برادرش برای برآوردن حاجتش برود، بهتر از آن است که دو ماه در مسجد من اعتكاف کند.

40. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر برادر دینی ام را برای رفع حاجتش یاری دهم، برایم محبوب تر از يك ماه روزه و اعتكاف در مسجد الحرام است.

41. کتاب من لا یحضره الفقیه - به نقل از میمون بن مهران -: در خدمت امام حسن علیه السلام [هنگام اعتكاف در مسجد] نشسته بودم که مردی آمد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! فلانی از من مبلغی پول طلبکار است و می خواهد مرا زندانی کند.

امام علیه السلام فرمود: «به خدا من پولی ندارم که بدهکاریِ تو را بپردازم».

گفت: پس با آن مرد، سخنی بگو [تا به احترام شما، به من مهلت دهد].

امام علیه السلام کفش های خود را پوشید [و آماده رفتن شد]. من گفتم: ای پسر پیامبر خدا! مگر فراموش کرده ای که در حال اعتكاف هستی؟

فرمود: «فراموش نکرده ام؛ اما از پدرم شنیدم که از جدّم پیامبر خدا نقل فرمود: "هر که در راه برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد، چنان است که خدا را نه هزار سال به روزه داری و شب زنده داری، عبادت کرده باشد"».

42. امام باقر علیه السلام: هر کس حاجتی را از برادر دینی اش برآورد، خداوند در برابر آن،



وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَرَفَعَ لَهُ بِهَا عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَكَانَ عِدْلُ عَشْرِ رِقَابٍ وَصَوْمِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (1)

43. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تُقْضَى لَهُ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ، وَصَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنَ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَاعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. وَمَنْ مَشَى فِيهَا بِبَيْتَةٍ وَلَمْ تُقْضَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ. فَارْغَبُوا فِي الْخَيْرِ. (2)

44. الكافي عن محمد بن مروان عن الإمام الصادق عليه السلام: مَشَى الرَّجُلُ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يُكْتَبُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَيُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ.

قَالَ: وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَيَعْدِلُ عَشْرَ رِقَابٍ، وَأَفْضَلُ مِنْ اعْتِكَافِ شَهْرٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (3)

45. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ، فَاجْتَهَدَ فِيهَا، فَأَجْرَى اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاءَهَا، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَعُمْرَةً وَاعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَصِيَامَهُمَا، وَإِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَلَمْ يُجِرِ اللَّهُ قَضَاءَهَا عَلَى يَدَيْهِ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَعُمْرَةً. (4)

46. عنه عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (5)

47. ثواب الأعمال عن الحكم بن مسكين عن أم سعيد الأحمسية: جِئْتُ إِلَى أَبِي

ص: 50

- 1- . المومن: ص 50 ح 120، مستدرک الوسائل: ج 12 ص 406 ح 14438.
- 2- . الكافي: ج 2 ص 194 ح 9، بحار الأنوار: ج 74 ص 327 ح 98.
- 3- . الكافي: ج 2 ص 196 ح 1، مصادقة الإخوان: ص 175 ح 7.
- 4- . الكافي: ج 2 ص 198 ح 7، مصادقة الإخوان: ص 174 ح 5.
- 5- . ثواب الأعمال: ص 177 ح 1، المومن: ص 47 ح 111.

ده حسنه برایش می نویسد و ده سیئه را از او پاك می کند و ده درجه او را بالا می برد و برابر با آزاد کردن ده بنده و يك ماه روزه و اعتكاف او در مسجد الحرام است.

43. امام صادق علیه السلام: هر کس در راه بر آوردن نیاز برادر مؤمنش تا به انجام رسیدن آن گام بردارد و از این کار، ثواب الهی را بجوید، خداوند عزوجل در برابر آن، ثواب يك حج و يك عمره پذیرفته شده و روزه دو ماه از ماه های حرام(1) با اعتكاف این دو ماه در مسجد الحرام را برایش می نویسد و هر کس به تیت روا ساختن حاجت او قدم بردارد، اما به این کار موقف نشود، خداوند در برابر آن، پاداشی مانند يك حج پذیرفته شده برایش می نویسد. پس به کار خیر رغبت جوید.

44. الکافی - به نقل از محمد بن مروان - : امام صادق علیه السلام فرمود: «گام برداشتن مرد برای بر آوردن حاجت برادر دینی اش، نوشتن ده حسنه و زدودن ده سیئه و بالا رفتن ده درجه را برایش دارد» و نمی دانم [چه فرمود] جز این که فرمود: «و برابر با آزاد کردن ده بنده و برتر از يك ماه اعتكاف در مسجد الحرام است».

45. امام صادق علیه السلام: هر کس برای بر آوردن حاجت برادرش به راه افتد و بکوشد و خداوند بر آوردنش را به دست او قرار دهد، خداوند عزوجل برایش يك حج و عمره و دو ماه اعتكاف و روزه در مسجد الحرام می نویسد و اگر بکوشد و خداوند بر آوردنش را به دست او قرار ندهد، خداوند عزوجل برایش يك حج و عمره می نویسد.

46. امام صادق علیه السلام: هیچ مؤمنی مؤمن ستم دیده ای را یاری نمی رساند، مگر آن که این کارش برتر از يك ماه روزه و اعتكافش در مسجد الحرام است.

47. ثواب الأعمال - به نقل از حکم بن مسکین، از أم سعید احمسی - : نزد امام

ص: 51

---

1- . منظور، ماه هایی هستند که جنگ در آنها حرام شده است، یعنی: محرّم، رجب، ذی قعدة و ذی حجّه. (م)

عَبَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلْتُ، فَجَاءَتِ الْجَارِيَةُ فَقَالَتْ: قَدْ جِئْتُكَ بِالدَّابَّةِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أُمَّ سَعِيدٍ، أَيُّ شَيْءٍ هَذِهِ الدَّابَّةُ؟ أَيْنَ تَبِغِينَ، أَيْنَ تَذْهَبِينَ؟ قَالَتْ: قُلْتُ: لِأَزُورَ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ.

فَقَالَ: أَخْبِرْنِي (1) ذَلِكَ الْيَوْمَ: مَا أَعْجَبَكُمْ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! تَأْتُونَ الشُّهَدَاءَ مِنْ سَفَرٍ بَعِيدٍ وَتَتْرَكُونَ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ وَلَا تَأْتُونَهُ.

قَالَتْ: قُلْتُ لَهُ: مَنْ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ؟ فَقَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَتْ: قُلْتُ: إِنِّي امْرَأَةٌ! فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِمَنْ كَانَتْ مِثْلَكَ أَنْ تَذْهَبَ إِلَيْهِ وَتَزُورَهُ. قُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ لَنَا فِي زِيَارَتِهِ؟ قَالَ: تَعْدِلُ حِجَّةً وَعُمْرَةً وَاعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَصِيَامَهُمَا. (2)

ص: 52

- 
- 1- . كذا في المصدر، وفي كامل الزيارات: أَخْرِي، ولعله هو الصواب.
  - 2- . ثواب الأعمال: ص 123 ح 51، كامل الزيارات: ص 218 ح 319.

صادق علیه السلام رفته بودم که کنیزم آمد و گفت: مرکب را برایت آورده ام. امام صادق علیه السلام فرمود: «ای اُمّ سعید! این مرکب برای چیست؟ کجا می خواهی بروی؟».

گفتم: می خواهم به زیارت قبور شهیدان [أحد در مدینه] بروم.

فرمود: به تاخیر بینداز و امروز نرو. (1) ای عراقیان! چه کارهای عجیبی می کنید! از راهی دور به زیارت شهدا می آید و سالار شهیدان را و می نهید و به زیارتش نمی روید!».

به امام علیه السلام گفتم: سالار شهیدان کیست؟

فرمود: «حسین بن علی علیه السلام».

گفتم: من يك زن هستم.

فرمود: «برای مانند تو اشکالی ندارد که به زیارتش بروی و او را زیارت کنی».

گفتم: در زیارت او چه بهره ای می بریم؟

فرمود: «برابر با يك حج و يك عمره و دو ماه روزه داری و اعتکاف در مسجد الحرام است».

ص: 53

48. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ، تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. (1)

49. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ بُيُوتَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ، وَإِنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ مَنْ زَارَهُ فِيهَا. (2)

50. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسْجِدَ، فَإِنَّهَا أَفْنِيَّةُ (3) اللَّهِ وَأَبْنِيَّتُهُ، أُذُنٌ فِي رَفْعِهَا وَبَارِكُ فِيهَا، مَيْمُونَةٌ مَيْمُونُ أَهْلِهَا، مَرْيَتَةٌ مَرْيَتُ أَهْلِهَا، مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظُ أَهْلِهَا، هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَاللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ، هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ. (4)

ص: 54

- 
- 1- . ثواب الأعمال: ص 47 ح 2، المحاسن: ج 1 ص 119 ح 124.
  - 2- . المعجم الكبير: ج 10 ص 161 ح 10324، كنز العمال: ج 7 ص 580 ح 20347.
  - 3- . الفناء: هو المتسع أمام الدار، ويجمع الفناء على أفنية (النهاية: ج 3 ص 477 «فنا»).
  - 4- . مستدرک الوسائل: ج 3 ص 355 ح 3766 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

#### الف - خانه خدا

48. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند - تبارک و تعالی - فرمود: «آگاه باشید که خانه های من در زمین، مساجدند که به سان درخشش ستارگان برای اهل زمین، برای آسمانیان، نورافشانی می کنند».

49. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خانه های خدا در زمین، مساجدند و بر خداست که کسی را که در آن خانه ها دیدارش می کند، گرامی بدارد.

50. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قرآن را دوست دارد، مسجدها را نیز دوست بدارد؛ زیرا مساجد، آستان های خدا و بناهای او [جهت بار یافتن به پیشگاهش] هستند. بر افراتنشان را رخصت داده و مبارکشان گردانده است. مسجدها، خود و اهلشان، خجسته اند، خود و اهلشان آراسته اند، خود و اهلشان محفوظ اند. مسجدیان، در پی نماز خویش اند و خداوند، در پی [بر آوردن] نیازشان است. آنان، در مسجدهایشان هستند و خداوند، پشتیبانشان است.

51. رسول الله صلى الله عليه وآله: المساجدُ أنوارُ الله. (1)

ج - مجلسُ الأنبياء

52. الإمام عليّ عليه السلام: المساجدُ مجالسُ الأنبياء، وحرزٌ من الشيطان. (2)

د - مشهدُ الأولياء

53. الإمام الصادق عليه السلام: ما من مسجدٍ بُنيَ إلا على قبرِ نبيٍّ أو وصيِّ نبيٍّ قُتِلَ فأصابَ تلكَ البقعةَ رشةٌ من دمه، فأحبَّ الله أن يُذكرَ فيها، فأدَّ فيها الفريضةَ والنَّوافِلَ، واقضَ فيها ما فاتكَ (3). (4)

ه - بيتُ كُلِّ تقيٍّ

54. رسول الله صلى الله عليه وآله: المسجدُ بيتُ كُلِّ تقيٍّ. (5)

55. عنه صلى الله عليه وآله: المسجدُ بيتُ كُلِّ مؤمنٍ. (6)

و - خيرُ البقاع

56. رسول الله صلى الله عليه وآله عن جبرئيل عن الله عزوجل: إنَّ خيرَ البقاعِ المساجدُ. (7)

ص: 56

- 
- 1- . مستدرک الوسائل: ج 3 ص 448 ح 3962 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.
  - 2- . الجامع لأخلاق الرّواي وأداب السامع: ج 2 ص 60 ح 1181، أدب الإملاء والاستملاء: ج 1 ص 256 ح 113.
  - 3- . الكافي: ج 3 ص 370 ح 14، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 258 ح 723.
  - 4- . بيان المجلسي رحمه الله ذيل هذا الحديث: يمكن تخصيصه بالبلاد التي استشهد فيها نبيٍّ أو وصيٍّ لا مطلق البلاد؛ لنّلا ينافي زيادة عدد المساجد على عددهم عليه السلام. وكان سؤال السائل عن تلك البلاد ومساجدها (مرآة العقول: ج 15 ص 249).
  - 5- . المعجم الكبير: ج 6 ص 255 ح 6143، مسند الشهاب: ج 1 ص 78 ح 73.
  - 6- . حلية الأولياء: ج 6 ص 176، كنز العمال: ج 7 ص 650 ح 20736.
  - 7- . المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 168 ح 306 و ج 2 ص 10 ح 2149، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 476 ح 1599.

## ب - نور خدا

51. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسجدها، نورهای خدایند.

## ج - نشستگاه پیامبران

52. امام علی علیه السلام: مسجدها، نشستگاه پیامبران و محافظت کننده از شیطان اند.

## د - شهادتگاه اولیای خدا

53. امام صادق علیه السلام: هیچ مسجدی نیست، جز این که بر قبر پیامبری یا جانشین او که به قتل رسیده و قطره ای از خورش در آن جا بر زمین ریخته، ساخته شده است و خداوند، دوست دارد که در آن مکان، یاد شود. از این رو، در آن، هم نماز واجب و مستحب بخوان و هم نماز قضا شده ات را به جا آور. (1)

## ه - سرای هر پروا پیشه

54. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسجد، سرای هر پروا پیشه ای است.

55. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسجد، خانه هر مؤمنی است.

## و - بهترین مکان ها

56. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به نقل از جبرئیل، از خداوند عزوجل - : همانا بهترین مکان ها، مسجدها هستند.

ص: 57

---

1- . علامه مجلسی رحمه الله می گوید: می توان حدیث را ناظر به جاها [و سرزمین هایی] دانست که پیامبری یا وصی ای در آن جا شهید شده و گویی پرسش نیز از این گونه مناطق و مساجد آن جاها بوده است.



57. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسَاجِدُهَا. (1)

58. عنه صلى الله عليه وآله: أَكْرَمُ الْبُيُوتِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَرْبَعَةٌ: الْكَعْبَةُ، وَبَيْتُ الْمَقْدِسِ، وَبَيْتُ يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَالْمَسَاجِدُ. (2)

59. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ سِتَّةً: الْبَيْتَ الْحَرَامَ، وَالْحَرَمَ، وَمَقَابِرَ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَقَابِرَ الْأَوْصِيَاءِ، وَمَقَاتِلَ الشُّهَدَاءِ، وَالْمَسَاجِدَ الَّتِي يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ. (3)

ز - رَوْضَةُ الْجَنَّةِ

60. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ رِيَاضَ الْجَنَّةِ الْمَسَاجِدُ. (4)

61. سنن الترمذي عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ. قُلْتُ: وَمَا الرَّتْعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ». (5)

2/2 أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُؤَارُ اللَّهِ

62. الإمام الحسن عليه السلام: أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُؤَارُ اللَّهِ، وَحَقُّ عَلَى الْمَزُورِ التُّحْفَةَ لِزَائِرِهِ. (6)

63. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ فِي جِوَارِ اللَّهِ تَعَالَى: رَجُلٌ دَخَلَ الْمَسْجِدَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا لِلَّهِ؛ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَرْجِعَ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَا يَزُورُهُ إِلَّا لِلَّهِ؛

ص: 58

1- . صحيح مسلم: ج 1 ص 464 ح 288، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 477 ح 1600.

2- . المواعظ العددية: ص 211.

3- . كامل الزيارات: ص 241 ح 358، بحار الأنوار: ج 101 ص 66 ح 57.

4- . الفردوس: ج 5 ص 305 ح 8267، كنز العمال: ج 7 ص 648 ح 20721.

5- . سنن الترمذي: ج 5 ص 532 ح 3509، كنز العمال: ج 7 ص 651 ح 20739.

6- . إرشاد القلوب: ص 77.

57. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتنی ترین سرزمین ها نزد خدای عزوجل مساجدند.

58. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرامی ترین خانه ها بر پهنه زمین، چهار تائیند: کعبه، بیت المقدس، خانه ای که در آن قرآن تلاوت شود، و مسجدها.

59. امام صادق علیه السلام: همانا خدا از مکان های زمین، شش جا را برگزید: بیت الله الحرام، حرم (1)، آرامگاه پیامبران، آرامگاه اوصیا [ای آنان]، قتلگاه شهیدان، و مسجدهایی که در آنها نام خدا یاد می شود.

## ز - باغ بهشت

60. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا باغ های بهشت، مساجدند.

61. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا فرمود: «هر گاه به باغ های بهشت رسیدید، [در آنها] خوش بگذرانید».

گفتم: ای پیامبر خدا! باغ های بهشت، کدام اند؟

فرمود: «مسجدها».

گفتم: ای پیامبر خدا! خوشی چیست؟

فرمود: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر».

## 2/2 مسجدیان، زائران خدا

62. امام حسن علیه السلام: اهل مسجد، دیدار کنندگان خدایند و بر دیدار شونده است که به دیدار کننده اش هدیه بدهد.

63. امام حسن علیه السلام: سه کس در همسایگی خدای متعال اند: کسی که تنها برای خدا وارد مسجد شود، که چنین کسی تا زمان باز گشت، میهمان خدای

ص: 59

---

1- . به احتمال فراوان، مقصود، حرم مکه است که اندکی بزرگ تر از مکه است.

فَهُوَ مِنْ زُورِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَرْجِعَ مِنْ عِنْدِهِ، وَرَجُلٌ خَرَجَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا لَا يَخْرُجُ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى؛ فَهُوَ مِنْ وَفْدِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ. (1)

2/3 تَضَاعُفُ ثَوَابِ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ

64. الإمام الصادق عليه السلام: صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي مَنْزِلِهِ جَمَاعَةً تَعْدِلُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ جَمَاعَةً فِي الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ ثَمَانِيًا وَأَرْبَعِينَ صَلَاةً مُضَاعَفَةً فِي الْمَسْجِدِ، وَإِنَّ الرُّكْعَةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَلْفُ رُكْعَةٍ فِي سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ، وَإِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ فَرْدًا بِأَرْبَعِ وَعِشْرِينَ صَلَاةً. (2)

2/4 فَضْلُ التَّعْلِيمِ وَالتَّعَلُّمِ فِي الْمَسْجِدِ

65. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرٌ مُعْتَمِرٍ تَامَّ الْعُمْرَةَ. وَمَنْ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ، فَلَهُ أَجْرٌ حَاجٌّ تَامَّ الْحِجَّةَ. (3)

66. عنه صلى الله عليه وآله: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيََتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ. (4)

ص: 60

1- . تنبيه الغافلين للسمرقندي: ص 303 ح 428.

2- . الأماشي للطوسي: ص 696 ح 1486، بحار الأنوار: ج 83 ص 367 ح 24.

3- . منية المرید: ص 106، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 169 ح 311.

4- . صحیح مسلم: ج 4 ص 2074 ح 38؛ عوالي اللآلی: ج 1 ص 375 ح 97.

متعالم است؛ و کسی که فقط برای خدا به دیدار برادر مسلمانش برود، که چنین فردی تا وقت بازگشت از نزد او، از دیدار کنندگان خدای متعال است؛ و کسی که تنها برای خدا ره سپار حج یا عمره شود، که چنین فردی تا زمان بازگشت نزد خانواده اش، از باریافتگان نزد خداوند است.

### 2/3 دو چندان بودن پاداش نماز در مسجد

64. امام صادق علیه السلام: نماز آدمی در خانه اش به جماعت، برابر با بیست و چهار نماز است و نمازش در مسجد به جماعت، برابر با چهل و هشت نماز است؛ یعنی نماز در مسجد، دو چندان است. همچنین یک رکعت [نماز گزاردن] در مسجد الحرام، برابر با هزار رکعت در دیگر مساجد است و نماز گزاردن به تنهایی در مسجد، برابر با بیست و چهار نماز است.

### 2/4 فضیلت آموزش و آموختن در مسجد

65. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که صبحگاهان تنها بدین خاطر روانه مسجد شود که امر نیکی را فراگیرد یا آموزش دهد، پاداش کسی را دارد که عمره ای کامل به جا آورده است، و کسی که شبانگاه، تنها با این هدف روانه مسجد شود که امر نیکی را فراگیرد یا آموزش دهد، اجر کسی را دارد که حجی کامل به جا آورده است.

66. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی در خانه ای از خانه های خدا برای تلاوت کتاب خدا و سخن گفتن در باره آن جمع نشدند، مگر این که آرامش بر آنان فرود آمد و رحمت، ایشان را فرا گرفت و فرشتگان، آنان را در میان گرفتند و خداوند، میان کسانی که نزدش هستند، از آنان یاد کرد.

قال العلامة الحلبي 1: يستحب له [للمعتكف] دراسة العلم والمناظرة فيه وتعليمه وتعلمه في الاعتكاف، بل هو أفضل من الصلاة المندوبة، وبه قال الشافعي. (1)

2/5 فَضْلُ الْأَنْسِ بِالْمَسْجِدِ

67. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ الْقُرْآنَ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدَ بَيْتَهُ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. (2)

68. عنه صلى الله عليه وآله: مَا تَوَطَّنَ رَجُلٌ مُسْلِمٌ الْمَسَاجِدَ لِلصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ، إِلَّا تَبَشَّشَ اللَّهُ لَهُ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَهْلُ الْغَائِبِ بِغَائِبِهِمْ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمْ. (3)

69. ارشاد القلوب - في حديث المعراج المروي عن أمير المؤمنين عليه السلام - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ «أَحِبُّ اللَّهَ» أَحَبَّيَّ، حَتَّى... يَتَّخِذَ الْمَسْجِدَ بَيْتًا. (4)

2/6 بَرَكَاتُ أُخْرَى لِلْحُضُورِ فِي الْمَسْجِدِ

70. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْإِخْتِلَافُ إِلَى الْمَسَاجِدِ رَحْمَةٌ، وَالْإِجْتِنَابُ عَنْهَا نِفَاقٌ. (5)

71. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا نَزَلَتْ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عَوْفِي أَهْلِ الْمَسَاجِدِ. (6)

72. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ عَاهَةً، نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْمَسَاجِدِ، فَصَرَفَ عَنْهُمْ. (7)

ص: 62

1- . منتهى المطلب: ج 9 ص 532.

2- . تهذيب الأحكام: ج 3 ص 255 ح 707، ثواب الأعمال: ص 47 ح 1.

3- . سنن ابن ماجه: ج 1 ص 262 ح 800، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 332 ح 771.

4- . ارشاد القلوب: ص 205، بحار الأنوار: ج 77 ص 30 ح 6.

5- . كنز العمال: ج 7 ص 570 ح 20302 نقلاً عن الديلمي.

6- . الجعفریات: ص 39، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 356 ح 3769.

7- . كنز العمال: ج 7 ص 285 ح 18898 نقلاً عن ابن عدي والديلمي.

عَلَّامه حَلِّي می گوید: برای معتکف، مستحب است که به درس و بحث و مباحثه علمی پردازد؛ بلکه این کار از نماز مستحبه هم بهتر است. شافعی نیز بر این باور است.

## 2/5 فضیلت اُنس با مسجد

67. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که قرآن سخنش باشد و مسجد، خانه اش، خداوند در بهشت، خانه ای برایش بر پا می کند.
68. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی مساجد را برای نماز و یاد خدا، کاشانه خود قرار نمی دهد، مگر آن که خداوند، از او شادمان می شود، همچون شادمانی بستگان فرد غائب، چون به سوی ایشان باز گردد.
69. إرشاد القلوب: امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خدای متعال فرمود: «... ای احمد! چنین نیست که هر کس بگوید: خدا را دوست دارم، مرا دوست داشته باشد تا آن که... مسجد را خانه [ی خود] بگیرد».

## 2/6 برکات دیگر حضور در مسجد

70. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آمد و شد به مساجد، [مایه] رحمت و دوری از آنها نفاق است.
71. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه آسیب ها و آفت ها فرود آیند، مسجدیان در امان اند.
72. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند برای مردمی بلا بخواهد، چون به مسجدیان بنگرد، آن را از مردم می گرداند.

73. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرِيَّةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي، وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ: يَا أَهْلَ مَعْصِدِي، لَوْلَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي، الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي، الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي، لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي. (1)

74. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدْمَنَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَحَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَظْرَفًا (2)، أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ أُخْرَى تَصْرِفُهُ عَنِ الرَّدَى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ تَرَكَ الذَّنْبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً. (3)

75. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ قَالَ: لَوْلَا الَّذِينَ يَتَّحَابُونَ بِجَلَالِي، وَيَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي، وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، لَوْلَاهُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي. (4)

76. الإمام الصادق عليه السلام - لِفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ - : يَا فَضْلُ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا، وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا. يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (5)

ص: 64

- 
- 1- . علل الشرائع: ص 522 ح 3، الأماي للصدوق: ص 267 ح 289.
  - 2- . في غير الخصال وتاريخ دمشق وكنز العمال: «علماً مُسْتَظْرَفًا». علما أنه أتى في جميع المصادر عبارة أخرى بعد هذه العبارة وهي: «أو آية محكمة»، والظاهر سقوطها من المصدر، ويدل على ذلك أن المعدود لا يطابق العدد حالياً.
  - 3- . الخصال: ص 410 ح 11؛ المعجم الكبير: ج 3 ص 88 ح 2750.
  - 4- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 473 ح 1369، ثواب الأعمال: ص 212 ح 1.
  - 5- . الأماي للطوسي: ص 47 ح 57، بشارة المصطفى: ص 72.

73. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند باشکوه، مردم دیاری را غرق در نافرمانی ببیند و در آن دیار، سه مؤمن باشند، او - که باشکوه است و نام هایش مقدّس اند - آنان را چنین ندا می دهد: «ای نافرمانان از من! اگر در میان شما ایمان آورندگان نبودند که به یاد جلالت و شُکوه من با یکدیگر دوستی می ورزند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد می کنند و در سحرگاهان به خاطر ترس از من، آموزش می طلبند، بی تردید، عذابم را بی آن که باکی داشته باشم، بر شما فرو می فرستادم».

74. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که پیوسته به مساجد، آمد و شد کند، به یکی از هشت چیز دست خواهد یافت: برادری که در راه خدای عزوجل از او بهره برد، یا دانشی نغز، یا سخنی که او را به هدایت ره نمون شود، یا [سخنی] که او را از هلاکت برهاند، یا رحمتی که چشم به راهش است، یا آن که گناهی را از روی شرم یا ترس [از خدا] ترک گوید.

75. امام علی علیه السلام: هر گاه خداوند - تبارک و تعالی - بخواهد که زمینیان را عذاب کند، می فرماید: «اگر نبودند کسانی که به پاس بزرگی و عظمت من، یکدیگر را دوست می دارند و مسجدهایم را آباد می کنند و سحرگاهان آموزش می طلبند، بی تردید، عذابم را فرو می فرستادم».

76. امام صادق علیه السلام - خطاب به فضل بن عبد الملك - : ای فضل! از هر قبیله ای، جز برگزیده آن، و از هر خاندانی، جز اصیل آن، ره سپار مسجد نمی شود. ای فضل! مسجدرو، دست کم، یکی از این سه چیز نصیبش می شود: یا دعایی می کند که خداوند با آن او را به بهشت می برد، یا دعایی که به سبب آن، خداوند، بلای دنیا را از او دور می سازد، و یا برادری که در راه خدای عزوجل بهره اش می گردد.



(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (1).

77. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصِّيَامُ جُنَّةٌ (2). (3)

78. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ. (4)

79. عنه صلى الله عليه وآله: الصِّيَامُ جُنَّةٌ وَحِصْنٌ حَصِينٌ مِنَ النَّارِ. (5)

80. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا الصِّيَامُ جُنَّةٌ يَسْتَجِنُّ بِهَا الْعَبْدُ مِنَ النَّارِ. (6)

81. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّوْمُ جُنَّةٌ مَا لَمْ يَخْرِقْهَا. (7)

1- . البقرة: 183.

2- . الجُنَّةُ: الوقاية (النهاية: ج 1 ص 308 «جنن»).

3- . صحيح البخاري: ج 2 ص 670 ح 1795؛ تهذيب الأحكام: ج 2 ص 242 ح 958.

4- . الكافي: ج 2 ص 19 ح 5.

5- . مسند ابن حنبل: ج 3 ص 367 ح 9236، شُعب الإيمان: ج 3 ص 289 ح 3571.

6- . مسند ابن حنبل: ج 5 ص 213 ح 15264، المعجم الكبير: ج 9 ص 58 ح 8386.

7- . سنن النسائي: ج 4 ص 167 و 168، نثر الدر: ج 1 ص 231.

قرآن

(ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، نوشته شد. باشد تا تقوا بورزید).

حدیث

77. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه، سپر است.

78. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه، سپری نگه دارنده از آتش است.

79. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه، سپر و دژی استوار در برابر آتش [دوزخ] است.

80. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا روزه، سپری است که بنده با آن، خود را از آتش حفظ می کند.

81. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه، سپر است، تا آن گاه که [شخص] آن را از هم ندرد.

ص: 67

82. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الصَّيَّامَ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ بَوَائِقِ الدَّهْرِ. (1)

83. الإمام الصادق عليه السلام - لِعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ -: أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ. (2)

3/2 ذَهَابُ الْأَشْرِ وَالشَّبَقِ

84. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ مَحْسَمَةٌ لِلْعِرْقِ، مُذْهِبٌ لِلْأَشْرِ. (3)

85. عنه صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ! عَلَيْكُمْ بِالْبَاهِ (4)، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعُوهُ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّيَّامِ؛ فَإِنَّهُ وَجَاؤُهُ (5). (6)

86. المعجم الكبير: عَنْ قُدَامَةَ بْنِ مَطْعُونٍ عَنْ أَخِيهِ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي رَجُلٌ تَشُقُّ عَلَيَّ هَذِهِ الْعُرْبَةُ فِي الْمَغَازِي، فَتَأْذُنُ لِي فِي الْإِخْتِصَاءِ فَأَخْتَصِي؟

قَالَ: لَا، وَلَكِنْ عَلَيَّ يَا بَنَ مَطْعُونٍ بِالصَّيَّامِ؛ فَإِنَّهُ مَجْفَرَةٌ (7). (8)

87. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِذْنُ لِي أَنْ أُخْتَصِيَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خِصَاءُ أُمَّتِي الصَّيَّامُ وَالْقِيَامُ. (9)

ص: 68

1- . الجامع الصغير: ج 2 ص 103 ح 5059 نقلاً عن ابن النجار.

2- . تهذيب الأحكام: ج 4 ص 152 ح 419، الكافي: ج 4 ص 62 ح 3.

3- . الزهد والرفائق: ص 392 ح 1112، نثر الدر: ج 1 ص 208.

4- . الباه: النكاح (المصباح المنير: ص 66 «باء»).

5- . الوجاء: رَضَّ عُرُوقَ الْبَيْضَتَيْنِ حَتَّى تَنْفِضَ خَا مِنْ غَيْرِ إِخْرَاجٍ، فَيَكُونُ شَبِيهًا بِالْخِصَاءِ لِأَنَّهُ يَكْسِرُ الشَّهْوَةَ (المصباح المنير: ص 650 «وجأ»). فَشُبِّهَ الصِّيَامُ بِهِ بِاعْتِبَارِهِ يَكْسِرُ الشَّهْوَةَ أَيْضًا.

6- . الكافي: ج 4 ص 180 ح 2؛ سنن النسائي: ج 4 ص 169.

7- . مَجْفَرَةٌ: أَي مَقْطَعَةٌ لِلنِّكَاحِ وَنَقْصٌ لِلْمَاءِ (النهاية: ج 1 ص 278 «جفر»).

8- . المعجم الكبير: ج 9 ص 38 ح 8320، شُعب الإيمان: ج 3 ص 300 ح 3595.

9- . مسند ابن حنبل: ج 2 ص 582 ح 6623؛ المجازات النبوية: ص 85 ح 53.

82. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه، سپری نگه دارنده از آتش و مصیبت های روزگار است.

83. امام صادق علیه السلام - خطاب به علی بن عبد العزیز - : آیا تو را به درهای نیکی خبر ندهم؟ روزه، سپری نگه دارنده از آتش است.

### 3/2 از میان بردن سرمستی و تیزی شهوت

84. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بگیرد؛ چرا که از تیزی شهوت می کاهد و سرمستی را می برد.

85. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای گروه جوانان! ازدواج کنید. اگر نتوانستید، روزه بگیرید؛ چرا که از تیزی شهوت می کاهد.

86. المعجم الکبیر - به نقل از قُدَامَة بن مَظْعُون - : [برادرم] عثمان بن مَظْعُون گفت: ای پیامبر خدا! من مردی هستم که در جنگ ها، بی همسری بر من سخت می آید. آیا اجازه می دهی که خود را آخته کنم؟

فرمود: «نه؛ ولی - ای پسر مظعون - روزه بگیر، که درمان آن است».

87. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمرو - : مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! اجازه بده که خود را آخته کنم.

پیامبر خدا فرمود: «اختگی اُمّت من، روزه و به عبادت ایستادن است».

88. الكافي عن محمد بن يحيى رفعه: جاء إلى النبي صلى الله عليه وآله رجل فقال: يا رسول الله، ليس عندي طول فأنكح النساء، فأليك أشكو العزوبية!

فقال: وفر شعر جسدك وأدم الصيام.

ففعّل، فذهب ما به من الشبق. (1)

3/3 تباعد الشيطان

89. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله قال لأصحابه: ألا أخبركم بشيء إن أنتم فعلتموه تباعد الشيطان منكم كما تباعد المشرق من المغرب؟ قالوا: بلى.

قال: الصوم يسود وجهه. (2)

90. فضائل الأشهر الثلاثة عن يونس بن ظبيان: قلت للصادق عليه السلام: ما الذي يُباعد عنا إبليس؟

قال: الصوم يسود وجهه، والصدقة تكسر ظهره، والحب في الله والمؤازرة على العمل الصالح يقطعان دابره (3)، والإستغفار يقطع وتينه (4). (5)

3/4 صحّة البدن

91. رسول الله صلى الله عليه وآله: صوموا تصحّوا. (6)

ص: 70

1- . الكافي: ج 5 ص 564 ح 36، عوالي اللآلي: ج 3 ص 309 ح 129.

2- . الكافي: ج 4 ص 62 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 191 ح 542.

3- . دابر القوم: آخر من يبقى منهم ويحيى في آخرهم (النهاية: ج 2 ص 98 «دبر»). أي يقضي عليه وعلى أعوانه عن آخرهم.

4- . الوتين: عرق القلب، إذا انقطع مات صاحبه (النهاية: ج 5 ص 150 «وتن»).

5- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 92 ح 71 و ص 76 ح 58، بحار الأنوار: ج 96 ص 256 ح 39.

6- . الدعوات: ص 763 ح 179، كنز العمال: ج 8 ص 450 ح 23605.

88. الکافی - به نقل از محمد بن یحیی، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است - : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! ثروتی ندارم که زن بگیرم. از بی همسری، شکایت به نزد تو آورده ام. فرمود: «موی بدنت را بلند بگذار و پیوسته روزه بگیر».

او چنین کرد و تیزی شهوتش رفت.

### 3/3 دوری شیطان

89. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهم السلام - : پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش فرمود: «آیا از چیزی به شما خبر بدهم که اگر انجامش دهید، شیطان از شما آن گونه دور می شود که مشرق از مغرب دور است؟». گفتند: آری.

فرمود: «روزه، شیطان را سیه رو می کند».

90. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از یونس بن ظبیان - : به امام صادق علیه السلام گفتم: چه چیزی ابلیس را از ما دور می سازد؟

فرمود: «روزه، رویش را سیاه می کند، صدقه، کمرش را می شکند، دوست داشتن به خاطر خدا و یاری نمودن بر کار نیک، ریشه اش را می کند و استغفار، رگ اصلی قلبش را قطع می کند».

### 3/4 تن درستی

91. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بگیرید تا تن درست بمانید.

ص: 71

92. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ أَخْبِرَ قَوْمَكَ أَنْ لَيْسَ عَبْدٌ يَصُومُ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجْهِي إِلَّا أَصَحَّحْتُ جِسْمَهُ، وَأَعْظَمْتُ أَجْرَهُ. (1)

93. عنه صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى عِيسَى فِي الْإِنْجِيلِ أَنْ قُلْ لِلْمَلَأَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: إِنَّ مَنْ صَامَ لِمَرْضَاتِي صَحَّحْتُ لَهُ جِسْمَهُ، وَأَعْظَمْتُ لَهُ أَجْرَهُ. (2)

94. الإمام عليّ عليه السلام: الصَّيَّامُ أَحَدُ الصَّحَّاحِينَ. (3)

3/5 الْمُقَاوَمَةُ فِي الْمَصَائِبِ

الكتاب

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ). (4)

الحديث

95. الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) (5) -: الصَّبْرُ هُوَ الصَّوْمُ. (6)

96. فضائل الأشهر الثلاثة عن سليم عن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) -: يَعْنِي الصَّيَّامَ وَالصَّلَاةَ.

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا نَزَلَتِ الرَّجُلَ (7) النَّازِلَةُ أَوْ الشَّدَّةُ فَلْيَصُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ:

(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) يَعْنِي الصَّيَّامَ. (8)

ص: 72

1- . شعب الإيمان: ج 3 ص 412 ح 3923، كنز العمال: ج 8 ص 447 ح 23587.

2- . الفردوس: ج 1 ص 143 ح 512، كنز العمال: ج 8 ص 455 ح 23633.

3- . غرر الحكم: ح 1683.

4- . البقرة: 153.

5- . البقرة: 45.

6- . تفسير العياشي: ج 1 ص 43 ح 40، بحار الأنوار: ج 96 ص 254 ح 29.

7- . هكذا في المصدر، ولعلّ الصواب: «بالرجل»

8- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 122 ح 125، تفسير العياشي: ج 1 ص 43 ح 41.

92. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عزوجل به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که: «به قوم خودت خبر بده که هیچ بنده ای به خاطر من روزه نمی گیرد، مگر آن که تشش را سالم می سازم و پاداش او را بزرگ می دارم».

93. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال به عیسی علیه السلام در انجیل وحی فرمود که: «به بزرگان بنی اسرائیل بگو: هر کس برای خشنودی من روزه بگیرد، تشش را سالم و پاداشش را بزرگ می گردانم».

94. امام علی علیه السلام: روزه، نیمی از تن درستی است.

### 3/5 شکیبایی در سختی ها

قرآن

(ای افرادی که ایمان آورده اید! از شکیبایی و نماز، یاری بجوید که خداوند با شکیبایان است).

حدیث

95. امام صادق علیه السلام - در باره آیه: (از شکیبایی و نماز، یاری بجوید) - شکیبایی، همان روزه است.

96. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از سلیم، از کسی که نام برد، در باره این سخن خداوند عزوجل: (از شکیبایی و نماز، یاری بجوید) - : امام صادق علیه السلام فرمود: «یعنی روزه و نماز» و فرمود: «هر گاه مصیبت یا سختی ای بر کسی فرود آمد، روزه بگیرد؛ چرا که خداوند می فرماید: (از شکیبایی یاری بجوید)؛ یعنی از روزه».

ص: 73



97. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: ... يَا رَبِّ، وَمَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟ قَالَ:

الصَّوْمُ يورِثُ الحِكْمَةَ، وَالحِكْمَةُ تورِثُ المَعْرِفَةَ، وَالمَعْرِفَةُ تورِثُ اليَقِينَ؛ فَإِذَا اسْتَيَقَنَ العَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ: بِعُسْرٍ أَمْ بِيُسْرٍ. (1)

98. رسول الله صلى الله عليه وآله: القَلْبُ يَتَحَمَّلُ الحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوقِ البَطْنِ، القَلْبُ يَمُجُّ الحِكْمَةَ عِنْدَ امْتِلَاءِ البَطْنِ. (2)

99. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَجَاعَ بَطْنَهُ عَظَمَتْ فِكْرَتُهُ، وَفَطِنَ قَلْبُهُ. (3)

### 3/7 التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

100. رسول الله صلى الله عليه وآله - لِأَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ - : يَا أَسَامَةَ، عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ، إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ رِيحٍ فَمِ الصَّائِمِ تَرَكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيكَ المَوْتُ وَبَطْنُكَ جَانِعٌ وَكَبِدُكَ ظَمَانٌ فَافْعَلْ؛ فَإِنَّكَ تُدْرِكُ شَرْفَ المَنَازِلِ فِي الآخِرَةِ، وَتَحِلُّ مَعَ النَّبِيِّينَ. (4)

101. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي إِنْصَاتٍ وَسَكْوَةٍ، وَكَفَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَفَرَجَهُ وَجَوَارِحَهُ مِنَ الكَذِبِ وَالحَرَامِ وَالغَيْبَةِ تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ قَرَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى يَمَسَّ رُكْبَتِي إِبْرَاهِيمَ الخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (5)

ص: 74

1- . إرشاد القلوب: 203، بحار الأنوار: ج 77 ص 27 ح 6.

2- . تنبيه الخواطر: ج 2 ص 119.

3- . إحياء العلوم: ج 3 ص 129؛ المحجّة البيضاء: ج 5 ص 154.

4- . تاريخ دمشق: ج 8 ص 76؛ دعائم الإسلام: ج 1 ص 270.

5- . ثواب الأعمال: ص 344 ح 1، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 132 ح 139.

97. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله از پروردگارش در شب معراج پرسید: ... پروردگارا! رهاورد روزه چیست؟

فرمود: «روزه، حکمت می آورد و حکمت، معرفت می آورد و معرفت، به یقین می رساند. پس هر گاه بنده به یقین رسید، در این فکر نیست که چگونه صبح کرده است: با تنگ دستی یا توانگری».

98. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که شکم خالی باشد، دل، حکمت را می پذیرد. زمانی که معده پر باشد، دل، حکمت را بیرون می افکند.

99. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شکمش را گرسنه بدارد، [قدرت] اندیشه ورزی اش بزرگ و قلبش هوشمند می شود.

### 3/7 نزدیکی به خدا

100. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به أسامة بن زید - : ای أسامة! روزه بگیر؛ چرا که به خدا نزدیک می سازد. هیچ چیزی نزد خدا محبوب تر از بوی دهان روزه داری نیست که به خاطر خدا، خوردنی و نوشیدنی را ترك کرده است. پس اگر بتوانی زمانی که مرگ، تورا در می یابد، شکمت گرسنه و جگرت تشنه باشد، چنان کن، که در آخرت، شرافت منزلگاه ها را درک می کنی و با پیامبران، هم خانه می شوی.

101. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ماه رمضان را در [حال] گوش سپردن و سکوت، روزه بدارد و برای نزدیکی به خدا، گوش و چشم و غریزه جنسی و اعضایش را از دروغ و حرام و غیبت نگه دارد، خدای متعال، او را [به خود] نزدیک می سازد، تا آن جا که زانوهای ابراهیم خلیل را لمس می کند.

102. عنه صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُكُمْ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ جَوْعًا وَتَقَرُّرًا، وَأَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوُومٍ وَأَكُولٍ وَشَرُوبٍ. (1)

3/8 إجابة الدعاء

103. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ صَائِمٍ دَعْوَةً. (2)

104. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّائِمُ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ. (3)

3/9 الأَمْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

105. الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَالَ مُوسَى: ... إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ فِي بَيَاضِ النَّهَارِ يَلْتَمِسُ بِذَلِكَ رِضَاكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى، لَهُ جَنَّتِي، وَلَهُ الْأَمَانُ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْعِتْقُ مِنَ النَّارِ. (4)

106. الإمام الهادي عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَالَ مُوسَى: ... إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ لَكَ مُحْتَسِبًا؟ قَالَ: يَا مُوسَى، أَقِيمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُقَامًا لَا يَخَافُ فِيهِ.

قَالَ: إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ يُرِيدُ بِهِ النَّاسَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى، ثَوَابُهُ كَثُوبٍ مَنْ لَمْ يَصُمْهُ. (5)

ص: 76

- 
- 1- . تنبيه الخواطر: ج 1 ص 100، إحياء العلوم: ج 3 ص 124.
  - 2- . الزهد والرقائق: ص 494 ح 1409؛ الدعوات: ص 26 ح 44.
  - 3- . مسند ابن حنبل: ج 3 ص 519 ح 10187؛ عدّة الداعي: 117.
  - 4- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 89 ح 68، بحار الأنوار: ج 96 ص 364 ح 34.
  - 5- . الأمالي للصدوق: ص 277 ح 307، بحار الأنوار: ج 96 ص 363 ح 33.

102. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بامنزلت ترین شما نزد خداوند، کسی است که گرسنگی و اندیشه اش طولانی تر باشد، و منفورترین شما نزد خدا، هر پُرخواب و پُرخور و پُرنوشی است.

### 3/8 اجابت دعا

103. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر روزه دار، دعایی [مستجاب] دارد.

104. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه دار، دعایش رد نمی شود.

### 3/9 ایمنی در روز قیامت

105. امام باقر علیه السلام: آن گاه که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: ... معبود من! پاداش کسی که به خاطر رضای تو در روشنی روز روزه بگیرد، چیست؟

فرمود: «ای موسی! بهشت من، برای اوست و برای او ایمنی از هر هراسی در روز قیامت و آزادی از آتش دوزخ است».

106. امام هادی علیه السلام: آن گاه که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: ... معبود من! پاداش آن که به خاطر پاداش و رضای تو ماه رمضان را روزه بگیرد، چیست؟

فرمود: «ای موسی! روز قیامت، او را در جایگاهی قرار می دهم که در آن جا بیمی نداشته باشد».

گفت: معبود من! پاداش آن که ماه رمضان را به خاطر مردم روزه بگیرد، چیست؟

فرمود: «ای موسی! پاداش او، همچون پاداش کسی است که آن ماه را روزه نگرفته باشد».

107. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يَوْمُ القِيَامَةِ يَخْرُجُ الصَّوْمُ مِنْ قُبُورِهِمْ، يُعْرَفُونَ بِرِيحٍ صِدِّ يَأْمِهِمْ، أَفْوَاهُهُمْ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ المِسْكِ، يُلْقَوْنَ بِالمَوَائِدِ والأَبَارِيقِ مُحْتَمَةً بِالمِسْكِ، فيَقَالُ لَهُمْ: «كُلُوا فَقد جُعْتُمْ، وَاشْرَبُوا فَقد عَطِشْتُمْ، ذَرُوا النَّاسَ وَاسْتَرِيحُوا فَقد عَيَيْتُمْ إِذِ اسْتَرَاخَ النَّاسُ». فيَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَسْتَرِيحُونَ والنَّاسُ مُعْلِقُونَ فِي الحِسابِ فِي عَناءٍ وَظَمًا. (1)

108. عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ لَيْسَ عَلَيْهِم حِسَابٌ فيما طَعِمُوا إِذا كانَ حَلالاً: الصَّائِمُ، وَالمُتَسَحِّرُ، وَالمُرَابِطُ فِي سَبِيلِ اللّهِ. (2)

109. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللّهِ خُفِّفَ عَنْهُ مِنْ وَقُوفِ يَوْمِ القِيَامَةِ عَشْرِينَ سَنَةً. (3)

## 3/11 الشَّفاعةُ فِي الآخِرَةِ

110. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّيَّامُ وَالقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ القِيَامَةِ؛ يَقُولُ الصَّيَّامُ: أَي رَبِّ! مَنَعْتَهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ؛ فَشَفَّعْنِي فِيهِ، وَيَقُولُ القُرْآنُ: مَنَعْتَهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ؛ فَشَفَّعْنِي فِيهِ. قالَ: فيُشَفَّعَانِ. (4)

111. عنه صلى الله عليه وآله: إِذا ماتَ العَبْدُ كانَتِ الصَّلَاةُ عِنْدَ رَأْسِهِ، وَالصَّدَقَةُ عَن يَمِينِهِ، وَالصَّيَّامُ عِنْدَ صَدْرِهِ. (5)

ص: 78

- 1- . الدر المنثور: ج 1 ص 442 نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب، كنز العمال: ج 8 ص 457 ح 23644.
- 2- . المعجم الكبير: ج 11 ص 285 ح 12012، كنز العمال: ج 8 ص 450 ح 23604.
- 3- . تاريخ بغداد: ج 12 ص 243 الرقم 6694.
- 4- . مسند ابن حنبل: ج 2 ص 586 ح 6637، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 740 ح 2036.
- 5- . حلية الأولياء: ج 6 ص 147 الرقم 362، كنز العمال: ج 15 ص 830 ح 43302.

107. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون روز قیامت شود، روزه داران از گورهای خود بیرون می آیند. آنان، با بوی روزه داری شان شناخته می شوند. دهان هایشان خوش بوتر از بوی مُشک است. [فرشتگان] با آنان همراه با سفره ها و تُنگ های مُهرخورده با مُشک، دیدار می کنند و به آنان گفته می شود: «بخورید، که گرسنگی کشیدید، و بنوشید، که تشنه شدید. مردم را وا گذارید و به آسایش پردازید؛ زیرا آن گاه که آنان آسوده بودند، شما رنج کشیدید».

پس می خورند و می آشامند و می آسایند، در حالی که مردم، در رنج و تشنگی، حسابرسی می شوند.

108. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای سه کس، در آنچه بخورند، حساب نیست، اگر حلال باشد: روزه دار، سَحَری خور و مرزبان در راه خدا.

109. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس يك روز را در راه خدا روزه بدارد، به اندازه بیست سال از توقّفش در روز قیامت، تخفیف داده می شود.

### 11/3 شفاعت در آخرت

110. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه و قرآن، در روز قیامت، از بنده شفاعت می کنند. روزه می گوید: پروردگارا! من، او را از خوراك و خواهش های دل در طول روز، باز داشتم. پس شفاعتم را در باره او بپذیر.

قرآن هم می گوید: من او را از خواب شبانه، باز داشتم. پس شفاعتم را در باره او بپذیر.

پس شفاعت هر دو، پذیرفته می شود.

111. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که بنده بمیرد، نماز، در بالای سرش، صدقه در سمت راست او، و روزه کنار سینه اش خواهد بود.

112. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ مِئَةِ عَامٍ. (1)

113. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَرِيضَةً بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ كَمَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ. (2)

114. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا بَاعَدَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا. (3)

115. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّوْمُ يُذِيلُ اللَّحْمَ، وَيُبْعِدُ مِنَ حَرِّ السَّعِيرِ. (4)

116. كنز العمال عن خالد بن الوليد: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنِّي سَأَلْتُكَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

فَقَالَ لَهُ: سَلْ عَمَّا بَدَأَ لَكَ....

قَالَ: مَا الَّذِي يُطْفِئُ نَارَ جَهَنَّمَ؟

قَالَ: الصَّوْمُ. (5)

3/13 الْفَوْزُ بِالْجَنَّةِ

117. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ خُتِمَ لَهُ بِصِيَامٍ يَوْمٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (6)

ص: 80

1- . سنن النسائي: ج 4 ص 174، مسند أبي يعلى: ج 2 ص 314 ح 1761.

2- . المعجم الكبير: ج 17 ص 120 ح 295، كنز العمال: ج 4 ص 341 ح 10800.

3- . صحيح مسلم: ج 2 ص 808 ح 167 و ح 168، صحيح البخاري: ج 3 ص 1044 ح 2685.

4- . المعجم الأوسط: ج 9 ص 170 ح 9443، مجمع الزوائد: ج 3 ص 422 ح 5091.

5- . كنز العمال: ج 16 ص 127 ذيل ح 44154 نقلاً عن أبي العباس المستغفري.

6- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 183 ح 5417؛ كنز العمال: ج 8 ص 449 ح 23599.

## 12/3 دوری از آتش

112. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس يك روز را در راه خدا روزه بدارد، خداوند، دوزخ را به اندازه مسافت صد سال، از او دور می سازد.

113. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس يك روزه واجب در راه خدا بگیرد، خداوند، دوزخ را به اندازه فاصله میان آسمان ها و زمین های هفتگانه، از او دور می سازد و هر کس يك روزه مستحب بگیرد، خداوند، دوزخ را به اندازه مسافت میان آسمان [و زمین،] از او دور می سازد.

114. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده ای نیست که در راه خدا يك روز روزه بگیرد، مگر آن که خداوند، به سبب آن روز، چهره اش را هفتاد سال از آتش دور می کند.

115. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه، گوشت را می خشکاند و [روزه دار را] از گرمای دوزخ، دور می سازد.

116. کنز العمال - به نقل از خالد بن ولید - : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من از تو در باره آنچه در دنیا و آخرت است، می پرسم.

به او فرمود: «هر چه می خواهی، بپرس...».

گفت: چه چیزی آتش دوزخ را فرو می نشاند؟

فرمود: «روزه».

## 13/3 رسیدن به بهشت

117. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس عمرش با روزه يك روز به پایان رسد، وارد بهشت می شود.

ص: 81



118. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ حَتَمَ اللَّهُ (بِهِ) بِصَوْمٍ يَوْمٍ أَرَادَ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. (1)
119. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا أَدْخَلَهُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ. (2)
120. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ مَنَعَهُ الصِّيَامُ مِنْ طَعَامٍ يَشْتَهِيهِ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُطْعِمَهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ، وَيَسْقِيَهُ مِنْ شَرَابِهَا. (3)
121. إحياء علوم الدين عن عائشة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَدِيمُوا قِرَاعَ بَابِ الْجَنَّةِ يُفْتَحَ لَكُمْ. فَقُلْتُ: كَيْفَ تُدِيمُ قِرَاعَ بَابِ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: بِالْجُوعِ وَالظَّمَا. (4)
122. مسند ابن حنبل عن أبي أمامة: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: مُرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ. قَالَ: عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَا عِدَلَ لَهُ. (5)
123. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْجَنَّةَ مُشْتَاقَةٌ إِلَى أَرْبَعَةِ نَفَرٍ... وصائِمِ شَهْرِ رَمَضَانَ. (6)
124. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (7)
125. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ حَدَّثَ نَفْسَهُ أَنْ يَصُومَ إِنْ عَاشَ، فَإِنْ مَاتَ بَيْنَ ذَلِكَ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (8)
126. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَاجْتَنَّبَ فِيهِ الْحَرَامَ وَالْبُهْتَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَأَوْجَبَ لَهُ الْجَنَانَ. (9)

ص: 82

- 1- . تاريخ دمشق: ج 12 ص 270 ح 2943، كنز العمال: ج 15 ص 852 ح 43389.
- 2- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 86 ح 1801، ثواب الأعمال: ص 77 ح 1.
- 3- . الغارات: ج 2 ص 707؛ شعب الإيمان: ج 3 ص 410 ح 3917.
- 4- . إحياء العلوم: ج 3 ص 126؛ المحجّة البيضاء: ج 5 ص 149.
- 5- . مسند ابن حنبل: ج 8 ص 271 ح 22211، سنن النسائي: ج 4 ص 166.
- 6- . مستدرک الوسائل: ج 7 ص 400 ح 8524 نقلاً عن لبّ اللباب للراوندي.
- 7- . كنز العمال: ج 5 ص 15 ح 11846 نقلاً عن الديلمي.
- 8- . بحار الأنوار: ج 96 ص 345 ح 9 نقلاً عن النوادر للراوندي.
- 9- . بحار الأنوار: ج 96 ص 346 ح 10 نقلاً عن النوادر للراوندي.

118. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پایان عمرش را با يك روز روزه برای خدا به پایان برد، خداوند، او را وارد بهشت می کند.
119. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس يك روز را روزه مستحبی بگیرد، خداوند، او را وارد بهشت می کند.
120. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که روزه گرفتن، وی را از غذای مورد علاقه اش باز دارد، بر خداست که او را از غذای بهشت بخوراند و از نوشیدنی بهشت بنوشاند.
121. إحياء علوم الدين - به نقل از عایشه - : شنیدم که پیامبر خدا می فرمود: «پیوسته، در بهشت را بگوید تا به روی شما گشوده شود».
- گفتم: چگونه پیوسته در بهشت را بگوئیم؟
- فرمود: «با گرسنگی و تشنگی».
122. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو امامه - : نزد پیامبر خدا رفتم و گفتم: به کاری فرمانم بده که مرا به بهشت وارد کند.
- فرمود: «روزه بگیر، که چیزی با آن برابر نیست».
123. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، مشتاق چهار نفر است: ... یکی هم روزه دار ماه رمضان.
124. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس بمیرد، وارد بهشت می شود.
125. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس در دل خود بگوید که اگر زنده بماند، [باز هم] روزه می گیرد، چنانچه در این میان بمیرد، وارد بهشت می شود.
126. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و در آن، از حرام و تهمت پرهیز کند، خداوند، از او راضی می شود و بهشت را برایش واجب می سازد.

127. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصُومُ يَوْمًا تَطَوُّعًا يُرِيدُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ. (1)

3/14 دَرَجَاتُ الصِّيَامِ

128. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَيْسَرَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الصَّائِمِ فِي صِيَامِهِ تَرْكُ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. (2)

129. الإمام علي عليه السلام: صَوْمُ الْجَسَدِ الْإِمْسَاكُ عَنِ الْأَغْذِيَةِ بِإِرَادَةٍ وَاخْتِيَارٍ؛ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ وَرَغْبَةً فِي الثَّوَابِ وَالْأَجْرِ. (3)

130. عنه عليه السلام: صَوْمُ النَّفْسِ إِمْسَاكُ الْحَوَاسِّ الْخَمْسِ عَنِ سَائِرِ الْمَائِمِ، وَخُلُوفُ الْقَلْبِ عَنِ جَمِيعِ أَسْبَابِ الشَّرِّ. (4)

ص: 84

---

1- . الكافي: ج 4 ص 63 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 941، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 631.

2- . المقنعة: ص 310، الإقبال: ج 1 ص 196.

3- . غرر الحكم: ج 4 ص 223 ح 5888، عيون الحكم والمواعظ: ص 305 ح 5423.

4- . غرر الحكم: ج 4 ص 223 ح 5889، عيون الحكم والمواعظ: ص 305 ح 5424.

127. امام باقر علیه السلام: همانا شخص، يك روز را به خاطر ثواب الهی، روزه مستحبی می گیرد و خداوند هم او را وارد بهشت می سازد.

### 14/3 درجات روزه

128. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آسان ترین چیزی که خداوند بر روزه دار در روزه داری اش واجب ساخته، نخوردن و نیاشامیدن است.

129. امام علی علیه السلام: روزه بدن، پرهیز با اراده و اختیار از غذاهاست، از سر ترس از کیفر و امید به پاداش و اجر الهی.

130. امام علی علیه السلام: روزه جان، نگهداری حواس پنجگانه از دیگر گناهان و تهی بودن دل از تمام اسباب بدی است.

ص: 85



### اشاره

روزه، از نظر مراتب و زاویه نقشی که در تکامل انسان دارد، به سه دسته تقسیم می شود که علمای اخلاق و سیر و سلوک، آنها را روزه عوام، روزه خواص و روزه خواص خواص، نامیده اند. و اینک، توضیحی کوتاه از آنها:

### درجه اول. روزه همگان

درجه نخست روزه، روزه ای است که همه روزه داران از آن برخوردارند که با پرهیز از مفطرات آن - با شرحی که در کتاب های فقهی آمده است - به دست می آید. این مرتبه از روزه، آسان ترین و پایین ترین مرتبه روزه است. این حدیث نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله به این مرتبه از روزه داری اشاره دارد.

إِنَّ أَيْسَرَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الصَّائِمِ فِي صِيَامِهِ، تَرْكُ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. (1)

آسان ترین چیزی که خدای متعال بر روزه دار در روزه داری اش واجب ساخته است، نخوردن و نیاشامیدن است.

### درجه دوم. روزه خواص

در این درجه از روزه داری، روزه دار، تنها به پرهیز از مفطرات روزه، بسنده نمی کند؛ بلکه از همه حرام های الهی پرهیز می نماید. از این رو، اجتناب از

ص: 87

---

1- . المقنعة: ص 310، الإقبال: ج 1 ص 196، بحار الأنوار: ج 97، ص 352.

مفطرات، شرط درستی روزه و اجتناب از سایر گناهان، شرط قبولی آن است. روشن است که این درجه از روزه: به مجاهدت و تلاش فراوان نیاز دارد. از این رو، تنها مجاهدان می توانند حایز این درجه شوند و بدین جهت روزه خواص نامیده می شود.

### درجه سوم. روزه خواص خواص

این مرتبه از روزه داری، با باز داشتن قلب و نگهداری آن از هر چیزی بجز خدا که اشغال کننده دل (چه حلال و چه حرام) است، به دست می آید. ابو حامد غزالی (م 505 ق) در توصیف این مرتبه از روزه می گوید:

اما روزه خواص خواص، روزه دل از همّت های دون و اندیشه های دنیوی و باز داشتن کلی آن از غیر خداوند است. شکستن این مرتبه از روزه، با اندیشه در باره غیر خدا و قیامت، و فکر در باره دنیا تحقق می یابد - مگر دنیایی که به خاطر دین خواسته شود، که چنین دنیایی، توشه آخرت است و دنیا نیست - تا آن جا که اهل دل گفته اند: «هر کس در روزش به تدبیر آنچه با آن افطار می کند، اهتمام ورزد، برای او گناه نوشته می شود؛ چرا که این، از کم اطمینانی به فضل خدا و یقین اندک به روزی وعده داده شده خویش است».

این درجه، رتبه پیامبران، صدیقان و مقربان است. در تفصیل قولی آن، نباید درنگ طولانی داشت؛ ولی در تحقق عملی آن، تأمل به جاست؛ چرا که آن، رویکرد به خداوند و روی گردانی از غیر خدا با همه همّت است و آراسته شدن به این سخن خداست که: (قُلِ اللَّهُ ثُمَّ دَرَّهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ؛ [1](#)) بگو: «خدا». سپس وا گذارشان تا در باطل خویش به بازیچه مشغول باشند). [\(2\)](#)

ص: 88

---

1- انعام: آیه 91.

2- إحياء العلوم: ج 1 ص 350، المحجّة البيضاء: ج 2 ص 131.

در حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است:

صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ وَصِيَامِ اللِّسَانِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ. (1)

روزه دل، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان، بهتر از روزه شکم.

هر يك از این دو درجهٔ اخیر نیز به نسبت تلاش روزه داران و آمادگی آنان، مراتب بسیاری دارد، افزون بر این که خود روزه داری هم از زاویه انگیزه های روزه دار، گوناگون است. نقطهٔ اوج روزه داری، آن جاست که انگیزه روزه داری، نه بیم از کیفر و نه شوق به ثواب، بلکه تنها به خاطر فرمان بُرداری از فرمان الهی، علاقه مندی به تقرب به خدای سبحان و کسب رضا و لقای او باشد.

ص: 89

---

1- . غرر الحکم: ج 4 ص 223 ح 5890، عیون الحکم و المواعظ: ص 305 ح 5425.



131. رسول الله صلى الله عليه وآله: رَجَبُ شَهْرُ اللَّهِ الْأَصْبُّ، يَصُبُّ اللَّهُ فِيهِ الرَّحْمَةَ عَلَى عِبَادِهِ. (1)

132. عنه صلى الله عليه وآله: سُمِّيَ شَهْرُ رَجَبٍ «شَهْرَ اللَّهِ الْأَصْبُّ» لِأَنَّ الرَّحْمَةَ عَلَى أُمَّتِي تُصَبُّ صَبًّا فِيهِ، وَيُقَالُ «الْأَصْمُّ» لِأَنَّهُ نُهِيَ فِيهِ عَنِ قِتَالِ الْمُشْرِكِينَ، وَهُوَ مِنَ الشُّهُورِ الْحُرْمِ. (2)

133. بحار الأنوار عن عبد الله بن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَاءَ شَهْرُ رَجَبٍ جَمَعَ الْمُسْلِمِينَ حَوْلَهُ وَقَامَ فِيهِمْ خَطِيْبًا... ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! قَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ مُبَارَكٌ، وَهُوَ شَهْرُ الْأَصْبِّ، يَصُبُّ فِيهِ الرَّحْمَةَ عَلَى مَنْ عَبَدَهُ؛ إِلَّا عَبْدًا مُشْرِكًا أَوْ مُظْهِرَ بَدْعَةٍ فِي الْإِسْلَامِ. (3)

134. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ: الدَّاعِي،

- 
- 1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 71 ح 331، بحار الأنوار: ج 97 ص 36 ح 16.
  - 2- . النوادر للأشعري: ص 18 ح 2، بحار الأنوار: ج 97 ص 39 ح 24.
  - 3- . بحار الأنوار: ج 97 ص 47 ح 33 نقلاً عن النوادر للراوندي، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 531 ح 8827.

## فصل چهارم فضیلت ماه رجب و روزه آن

### 4/1 گستره رحمت الهی در ماه رجب

131. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رجب، ماه ریزانِ خداست. خداوند، در این ماه، رحمت [خود] را بر بندگانش فرو می ریزد.

132. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رجب را «ماه ریزانِ خدا» نامیده اند؛ چون در این ماه، رحمت بر امت من، به شدت فرو می بارد. به آن ماه «أصم» نیز گفته می شود؛ زیرا در این ماه - که از ماه های حرام است - از جنگ با مشرکان، نهی شده است.

133. بحار الأنوار - به نقل از عبد الله بن عباس - : چون ماه رجب فرا می رسید، پیامبر خدا، مسلمانان را گرد خود جمع می کرد و برای ایشان سخن می گفت... و می فرمود: «ای مسلمانان! ماهی بزرگ و مبارک بر شما سایه افکنده است. این ماه، ماه ریزان است. خداوند، در این ماه، رحمت خود را بر کسانی که او را عبادت می کنند، فرو می ریزد، مگر آن که بنده ای مشرک یا پدید آورنده بدعتی در اسلام باشد».

### 4/2 ندای فرشته آواگر

134. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، در آسمان هفتم، فرشته ای گماشته است که به

فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: «طوبى لِلذَّاكِرِينَ، طوبى لِلطَّائِعِينَ»، وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي، وَمُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي، وَغَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي، الشَّهْرُ شَهْرِي، وَالْعَبْدُ عَبْدِي، وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي، فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَحَبَّهُ، وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ، وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ، وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَّ إِلَيَّ (1).

4/3 فَضْلُ الصِّيَامِ فِي هَذَا الشَّهْرِ

135. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا فَمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ يَوْمًا إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا اسْتَوْجَبَ رِضْوَانَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ، وَأَطْفَأَ صَوْمُهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ غَضَبَ اللَّهِ، وَأَغْلَقَ عَنْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ، وَلَوْ أُعْطِيَ مِلءَ الْأَرْضِ ذَهَبًا مَا كَانَ بِأَفْضَلَ مِنْ صَوْمِهِ، وَلَا يَسْتَكْمِلُ أَجْرَهُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا دُونَ الْحَسَنَاتِ إِذَا أَخْلَصَهُ لِلَّهِ، وَلَهُ إِذَا أَمْسَى عَشْرَ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ إِنْ دَعَا بِشَيْءٍ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ، وَإِلَّا ادَّخَرَ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ أَفْضَلَ مَا دَعَا بِهِ دَاعٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَأَحِبَّائِهِ وَأَصْفِيَائِهِ (2).

136. فضائل الأشهر الثلاثة عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عليه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ.

فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَا ثَوَابُ مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ؟

ص: 92

1- . الإقبال: ج 3 ص 174، بحار الأنوار: ج 98 ص 377 ح 1.

2- . ثواب الأعمال: ص 79 ح 4، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 24 ح 12.

آن، «داعی (آواگر)» می گویند و چون ماه رجب فرا می رسد، آن فرشته، هر شب آن ماه را تا صبح، ندا می دهد: «خوشا بر ذاکران! خوشا بر طاعت کنندگان!».

خداوند متعال نیز می فرماید: «من، همنشین کسی هستم که با من، همنشین باشد و مطیع کسی هستم که اطاعت کند و آمرزنده کسی هستم که از من، آمرزش بخواهد. ماه، ماه من است و بنده، بنده من است و رحمت، رحمت من. هر که مرا در این ماه بخواند، پاسخش می گویم و هر که از من [چیزی] بخواهد، عطایش می کنم و هر که از من هدایت جوید، هدایتش می کنم. این ماه را رشته ای بین خودم و بندگام قرار داده ام. هر کس به این رشته (ریسمان) چنگ زند، به من می پیوندد».

### 4/3 فضیلت روزه در ماه رجب

135. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی از ماه رجب را از سر ایمان و برای خدا روزه بگیرد، رضوان بزرگ الهی را برای خود واجب می کند و روزه آن روزش، خشم خدا را خاموش می نماید و دری از درهای دوزخ را بر او می بندد و اگر برابر با زمین به او طلا بدهند، برتر از روزه اش نخواهد بود و اجرش را با هیچ چیز دنیایی نمی تواند کامل کند، مگر با کارهای نیکی که خالصانه برای خدا به جا می آورد. و چون روز را به پایان برد، ده دعای مستجاب دارد که اگر برای امور دنیایی دعا کند، خداوند به او می بخشد؛ و گرنه خداوند برایش از امور خیر، بهترین آنچه را که اولیا و دوستان و برگزیدگانش دعا کرده و خواسته اند، ذخیره می کند.

136. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از مالک بن انس - : امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم از پدرش از جدش برایم نقل نمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس يك روز از ماه رجب را از سر ایمان و برای خدا روزه بگیرد، آمرزیده می شود».

به امام صادق علیه السلام گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! پاداش کسی که يك روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، چیست؟

قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ. (1)

137. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ سَبْعِينَ خَنْدَقًا، عَرَضُ كُلِّ خَنْدَقٍ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. (2)

138. فضائل الأشهر الثلاثة عن أبي رمحة الحضرمي عن الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ؟ فَيَقُومُ أَنَاسٌ يُضِيءُ وُجُوهَهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ، عَلَى رُؤْسِهِمْ تِيْجَانُ الْمُلْكِ مُكَلَّلَةٌ بِالذَّرِّ وَالْيَقُوتِ، مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَلْفُ مَلَكٍ عَنِ يَمِينِهِ وَأَلْفُ مَلَكٍ عَنِ يَسَارِهِ، يَقُولُونَ: هَنِيئًا لَكَ كَرَامَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَبْدَ اللَّهِ. فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: عِبَادِي وَإِمَائِي! وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، لَا كَرَمٍ مَثْوَاكُمْ، وَلَا جُزْلَنَ عَطَاكُمْ، وَلَا وَتَيْتَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرْفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرِ الْعَامِلِينَ. إِنَّكُمْ تَطَوَّعْتُمْ بِالصَّوْمِ لِي فِي شَهْرِ عَظُمَتْ حُرْمَتُهُ، وَأَوْجِبْتُ حَقَّهُ. مَلَأْتُكُمْ! ادْخُلُوا عِبَادِي وَإِمَائِي الْجَنَّةَ.

ثُمَّ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئًا وَلَوْ يَوْمًا وَاحِدًا فِي أَوَّلِهِ أَوْ وَسَطِهِ أَوْ آخِرِهِ. (3)

139. الإمام الكاظم عليه السلام: رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُوفُ فِيهِ السَّيِّئَاتِ، مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (4)

ص: 94

1- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 38 ح 16، الأماي للصدوق: ص 636 ح 852.

2- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 17 ح 2، الأماي للصدوق: ص 59 ح 15.

3- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 31 ح 13، روضة الواعظين: ج 2 ص 318 ح 1239.

4- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 92 ح 1822، ثواب الأعمال: ص 78 ح 3.

فرمود: «پدرم از پدرش از جدش برایم نقل کرد که پیامبر خدا فرمود: هر کس روزی از ماه شعبان را از سر ایمان و برای خدا روزه بگیرد، آمرزیده می شود».

137. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی از ماه رجب را از سر ایمان و برای خدا روزه بگیرد، خداوند - تبارک و تعالی - میان او و آتش [دوزخ]، هفتاد خندق فاصله می اندازد که عرض هر خندق، میان آسمان تا زمین است.

138. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از ابورمحه حنبلی - امام صادق علیه السلام فرمود: «چون روز قیامت فرا رسد، ندا دهندة الهی از درون عرش ندا می دهد: "کجایند آنان که ماه رجب را گرامی داشتند؟". گروهی بر می خیزند که نور چهره هایشان، اهل محشر را روشن می کند و بر سرشان، تاج های دُر و یاقوت شاهی می نهند. با هر يك از آنان، هزار فرشته از راست و هزار فرشته از چپ هست که می گویند: "کرامت الهی گوارایت باد، ای بنده خدا!" و ندا از سوی خدای جلیل بشکوه می آید که: "غلامان و کنیزان من! به عزت و جلالم سوگند که جایگاهتان را گرامی می دارم و عطایتان را فراوان می نمایم و غرفه هایی در بهشت به شما می دهم که از زیر آنها، جوی ها روان اند و برای همیشه در آن جا خواهید بود. چه پاداش خوبی برای عمل کنندگان است! شما در ماهی برای من داوطلبانه روزه گرفتید که حرمتش را بزرگ داشته و حقش را واجب کرده بودم. فرشتگان من! غلامان و کنیزان مرا به بهشت درآورید».

آن گاه امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «این برای کسی است که چیزی از ماه رجب را حتی يك روز از آغاز یا میان یا پایان آن را روزه بگیرد».

139. امام کاظم علیه السلام: رجب، ماه بزرگی است که خداوند، [پاداش] نیکی ها را در آن، دو چندان و زشتی ها را در آن، محو می کند. هر کس يك روز از روزه بگیرد، آتش [دوزخ] به فاصله يك سال راه از او دور می شود و هر کس سه روز را روزه بگیرد، بهشت برایش واجب می شود.

140. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ رَجَبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ وَأَرْضَى عَنْهُ خُصَمَاءَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ فَتُحَتَّ أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ بِرُوحِهِ إِذَا مَاتَ حَتَّى يَصِلَ إِلَى الْمَلَكَوَاتِ الْأَعْلَى، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ فَتُحَتَّ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، وَمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا قَضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَهُ فِي مَائِثٍ أَوْ فِي قَطِيعَةٍ رَحِمٍ، وَمَنْ صَامَ شَهْرَ رَجَبٍ كُلَّهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَأَعْتَقَ مِنَ النَّارِ، وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَعَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ. (1)

4/4 صِيَامُ أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْهُ

141. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ رَغِبَتْ فِي ثَوَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ صَامَ يَوْمًا فِي وَسْطِهِ شُفِعَ فِي مِثْلِ رِبِيعَةَ وَمُضَرَّ، وَمَنْ صَامَ فِي آخِرِهِ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ مَلُوكِ الْجَنَّةِ وَشَفَعَهُ فِي أَبِيهِ وَأُمِّهِ، وَابْنِهِ وَابْنَتِهِ، وَأَخِيهِ وَأَخِيهِ، وَعَمِّهِ وَعَمَّتِيهِ، وَخَالِهِ وَخَالَتِيهِ، وَمَعَارِفِهِ وَجِيرَانِهِ، وَإِنْ كَانَ فِيهِمْ مُسْتَوْجِبًا لِلنَّارِ. (2)

4/5 صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْهُ

142. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صِيَامَ

ص: 96

1- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 39 ح 18؛ المعجم الكبير: ج 6 ص 69 ح 5538.

2- . عيون أخبار الرضا: ج 1 ص 291 ح 40، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 17 ح 1.

140. امام رضا علیه السلام: هر کس روز اول ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند در روزی که با او دیدار می کند، از او خشنود خواهد بود. هر کس دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند در روزی که با او دیدار می کند، از او خشنود خواهد بود و هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند در روزی که با او دیدار می کند، از او خشنود خواهد بود و او را خشنود می سازد و کسانی را که با او کشمکش دارند، راضی می کند، و هر کس هفت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، چون بمیرد، درهای هفت آسمان برای روح او گشوده می شوند تا آن که به ملکوت اعلا برسد، و هر کس هشت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هشتگانه بهشت برای او گشوده می شوند، و هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، هر حاجتی که دارد، برآورده می شود، مگر درخواستی حرام یا قطع رحم باشد، و هر کس تمام ماه رجب را روزه بگیرد، از گناهانش بیرون می آید، مانند روزی که از مادر زاده شده است و از آتش دوزخ، آزاد می گردد و همراه برگزیدگان نیکوکار وارد بهشت می شود.

#### 4/4 روزه نخستین روز ماه رجب

141. امام رضا علیه السلام: هر کس روز اول ماه رجب را به اشتیاق ثواب الهی روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می گردد و هر کس يك روز در میانه ماه رجب روزه بگیرد، برای افرادی به شمار ربيعه و مضر [که دو طایفه پرجمعیت بودند]، شفاعت می کند و هر کس يك روز در آخر آن روزه بگیرد، خداوند، او را از پادشاهان یا سروران اهل بهشت قرار می دهد و شفاعت او را در باره پدر، مادر، پسر، دختر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، آشنایان و همسایگانش می پذیرد، گرچه در میان آنان کسی باشد که سزاوار دوزخ است.

#### 4/5 روزه سه روز از ماه رجب

142. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند برای هر



سَنَةٍ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ غُلِّقَتْ عَنْهُ سَبْعَةُ أَبْوَابِ النَّارِ، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ فُتِّحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، وَمَنْ صَامَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا حَاسِبَهُ اللَّهُ حِسَابًا يَسِيرًا، وَمَنْ صَامَ رَجَبًا كُلَّهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ رِضْوَانَهُ؛ وَمَنْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ رِضْوَانَهُ لَمْ يُعَذِّبْهُ. (1)

143. مسأله الشيعة - في فضيلة صوم رجب - : روي أن من صام من أوله سبعة أيام متتابعات غلقت عنه سبعة أبواب النار، فإن صام ثمانية أيام فتحت له ثمانية أبواب الجنان، فإن صام منه خمسة عشر يوماً أعطي سؤله، فإن صام الشهر كله أعتق الله الكريم رقبته من النار، وقضى له حوائج الدنيا والآخرة، وكتبه في الصديقين والشهداء. (2)

راجع: وسائل الشيعة: ج 10 ص 481 (باب استحباب صوم رجب

كله أو بعضه وخصوصاً الأيام البيض...)

والحدائق الناظرة: ج 13 ص 361.

ص: 98

1- . مصباح المتهجد: ص 797، الإقبال: ج 3 ص 192.

2- . مسأله الشيعة (المطبوع في مصنفات الشيخ المفيد: ج 7) ص 57، وسائل الشيعة: ج 10 ص 481 ح 13899.

روزش، روزه يك سال می نویسد و هر کس هفت روز از رجب را روزه بگیرد، هفت درِ دوزخ بر او بسته می شود و هر کس هشت روز از رجب را روزه بگیرد، هشت درِ بهشت برایش گشوده می شود و هر کس پانزده روز روزه بگیرد، خداوند، حسابش را آسان می کند و هر کس همه ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند، رضایتش را برای او می نویسد و کسی که خداوند رضایتش را برایش نوشت، عذابش نمی کند.

143. مسأله الشیعة - در بیان فضیلت روزه ماه رجب - : روایت شده است که هر کس هفت روز اول رجب را پشت سر هم روزه بگیرد، هفت درِ دوزخ بر او بسته می شود و اگر هشت روز روزه بگیرد، هشت درِ بهشت بر او گشوده می شود و اگر پانزده روز از آن را روزه بگیرد، خواسته اش برآورده می شود و اگر همه ماه را روزه بگیرد، خداوند کریم، گردنش را از آتش می رهاوند و حاجت های دنیا و آخرتش را روا می کند و نامش را در جرگه صدیقان و شهیدان می نویسد.

ر. ك: وسائل الشیعة: ج 10 ص 481 (باب استحباب روزه همه یا

بخشی از ماه رجب، بویژه روزهای میانه ماه...)

والحدائق الناضرة: ج 13 ص 361.

ص: 99

الكتاب

(فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ). (1)

الحديث

144. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا أُعْطِيَ أَرْبَعًا، وَتَفْسِيرُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ أُعْطِيَ الذِّكْرَ ذَكَرَهُ اللَّهُ؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ...). (2)

145. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ سُبْحَانَهُ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ) بِنِعْمَتِي، وَاذْكُرُونِي بِالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ أَذْكُرْكُمْ بِالنَّعْمِ وَالْإِحْسَانِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ. (3)

146. عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي؛ فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ. (4)

ص: 100

1- . البقرة: 152.

2- . شعب الإيمان: ج 4 ص 126 ح 4529.

3- . عدّة الداعي: ص 238، بحار الأنوار: ج 93 ص 163 ح 42.

4- . صحيح البخاري: ج 6 ص 2694 ح 6970، صحيح مسلم: ج 4 ص 2061 ح 2.

قرآن

(پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس بگزارید و ناسپاسی مرا نکنید).

حدیث

144. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس چهار چیز داده شود، چهار چیز دیگر نیز عطا می شود و تفسیر این، در کتاب خداوند عزوجل آمده است: به هر کس یاد کردن از خدا داده شود، خداوند نیز او را یاد می کند؛ زیرا خداوند می فرماید: (پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم)....

145. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان می فرماید: «پس مرا یاد کنید تا شما را با نعمت بخشیدنم یاد کنم و مرا از طریق فرمانبری و بندگی، یاد کنید تا من نیز از طریق نعمت ها و نیکی و مهربانی و خشنودی [خویش]، شما را یاد کنم».

146. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «من آن گونه ام که بنده ام در باره من گمان می برد، و هر گاه مرا یاد کند، من با او هستم. پس اگر در درونش مرا یاد کند، من نیز میان [فرشتگان] خودم او را یاد می کنم، و اگر در میان جمعی مرا یاد کند، من او را در میان جمعی بهتر از آنان، یاد می کنم».

147. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَا يَذْكُرُنِي عَبْدِي فِي نَفْسِهِ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنْ مَلَائِكَتِي، وَلَا يَذْكُرُنِي فِي مَلَأٍ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى. (1)

148. المحاسن عن بشير الدهان عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِبْنِ آدَمَ، أذْكَرْنِي فِي نَفْسِكَ أذْكَرَكَ فِي نَفْسِي. إِبْنِ آدَمَ، أذْكَرْنِي فِي خَلَاءٍ أذْكَرَكَ فِي خَلَاءٍ. إِبْنِ آدَمَ، أذْكَرْنِي فِي مَلَأٍ أذْكَرَكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَيْكَ.

وقال: مَا مِنْ عَبْدٍ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي مَلَأٍ مِنْ النَّاسِ، إِلَّا ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. (2)

149. الكافي عن ابن فضال رفعه، قال: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عِيسَى، أذْكَرْنِي فِي نَفْسِكَ أذْكَرَكَ فِي نَفْسِي، وَأذْكَرْنِي فِي مَلَأٍ (ك) أذْكَرَكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَأِ الْآدَمِيِّينَ. (3)

150. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ ذَكَرَنِي سِرًّا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً. (4)

151. الإمام الباقر عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ) -: يَقُولُ: ذَكَرَ اللَّهُ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرَ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ)؟ (5)

152. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، إِلَّا ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ. (6)

153. تفسير الطبري عن أنس: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَسْكَنَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ... فَنَادَاهُمْ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: عِبَادِي، ارْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ عَمَلٍ

ص: 102

1- . المعجم الكبير: ج 20 ص 182 ح 391، كنز العمال: ج 1 ص 420 ح 1796.

2- . المحاسن: ج 1 ص 110 ح 98، عوالي اللآلي: ج 1 ص 125 ح 59.

3- . الكافي: ج 2 ص 502 ح 3، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 143.

4- . الكافي: ج 2 ص 501 ح 1، عدّة الداعي: ص 244، بحار الأنوار: ج 93 ص 342 ح 11.

5- . تفسير القمّي: ج 2 ص 150، بحار الأنوار: ج 82 ص 199.

6- . التاريخ الكبير: ج 1 ص 383 الرقم 1226؛ مكارم الاخلاق: ج 2 ص 85 ح 2227.

147. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال می فرماید: «هر گاه بنده ام در تنهایی اش مرا یاد کند، من در میان جمعی از فرشتگانم یادش می کنم، و هر گاه در میان جمعی یادم کند، من در میان جمع برین (رفیق اعلا) (1) یادش می کنم».

148. المحاسن - به نقل از بشیر دهان - : امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال می فرماید: ای پسر آدم! مرا در درونت یاد کن تا تو را در میان [فرشتگان] خودم یاد کنم. ای پسر آدم! مرا در خلوت یاد کن تا تو را در خلوت، یاد کنم. ای پسر آدم! مرا در میان جمع یاد کن تا تو را در میان جمعی بهتر از جمع تو، یاد کنم».

[سپس] فرمود: «هیچ بنده ای نیست که خدا را در میان جمعی از مردم یاد کند، مگر آن که خداوند در میان جمعی از فرشتگان، از او یاد می کند».

149. الکافی - به نقل از ابن فضال، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است - : خداوند عزوجل به عیسی علیه السلام فرمود: «ای عیسی! مرا در درونت یاد کن تا من نیز تو را میان [فرشتگان] خودم یاد کنم، و در میان جمع یادم کن تا من نیز در میان جمعی بهتر از آدمیان، تو را یاد کنم».

150. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل فرموده است: «هر کس مرا در نهان یاد کند، من در آشکار، یادش می کنم».

151. امام باقر علیه السلام - در باره این سخن خداوند متعال: (ویاد خدا بزرگ تر است) - : یاد کردن خدا از اهل نماز، بزرگ تر از یاد کردن آنان از خداست. آیا نمی بینی که او خود می فرماید: (مرا یاد کنید، شما را یاد می کنم)؟

152. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای یاد کردن از خداوند عزوجل گرد هم نیامدند، مگر آن که خداوند در میان کسانی که نزد او هستند، از ایشان یاد کرد.

153. تفسیر الطبری - به نقل از انس - : خداوند، هر گاه اهل بهشت را در بهشت جای دهد... پروردگار متعال، ایشان را بانگ می دهد که: «ای بندگان من! سرهایتان را بلند کنید؛ زیرا این جا دیگر سرای عمل و خانه رنج [وزحمت]

ص: 103

---

1- . مقصود، پیامبران یا پیامبران و صدیقان و شهیدان یا فرشتگان مقرب اند. (م)

ولا دار نَصَبٍ، إِنَّمَا هِيَ دَارُ جَزَاءٍ وَثَوَابٍ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! مَا خَلَقْتُهَا إِلَّا مِنْ أَجْلِكُمْ، وَمَا مِنْ سَاعَةٍ ذَكَرْتُمُونِي فِيهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَّا ذَكَرْتُكُمْ فَوْقَ عَرْشِي. (1)

154. رسول الله صلى الله عليه وآله: إَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ، وَلَا يَخْذُلُ مَنْ نَصَرَهُ. (2)

155. الإمام علي عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ -: أذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ؛ فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ، وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ دَاعٍ دَعَا. (3)

156. الإمام الحسين عليه السلام - مِنْ دُعَايِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ -: يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ. (4)

157. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَايِهِ لِدَوَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ [أَيَّ الْعِبَادِ] بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرغِيكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ، عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تَدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ)، وَقُلْتَ: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) (5)... فَذْكُرُوا بِمَنَّا، وَشْكُرُوا بِفَضْلِكَ. (6)

158. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. (7)

159. عنه عليه السلام - فِي رِسَالَتِهِ إِلَى جَمَاعَةٍ مِنْ شِيعَتِهِ وَأَصْحَابِهِ -: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ

ص: 104

1- . تفسير الطبري: ج 26 الجزء 26 ص 174، الدر المنثور: ج 7 ص 607.

2- . تاريخ المدينة: ج 2 ص 598.

3- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 432 ح 1263، مصباح المتهجد: ص 384 ح 509.

4- . الإقبال (طبعة دار الكتب الإسلامية): ص 350، بحار الأنوار: ج 98 ص 226 ح 3.

5- . إبراهيم: 7.

6- . الصحيفة السجادية: ص 173 الدعاء 45، المزار الكبير: ص 621.

7- . الكافي: ج 2 ص 498 ح 13، المحاسن: ج 1 ص 110 ح 98.

نیست؛ بلکه سرای مزد و پاداش است. به عزّتم سوگند که این [بهشت] را جز به خاطر شما نیافریدم. هیچ لحظه ای در سرای دنیا نبود که در آن از من یاد کنید، مگر آن که من نیز در فراز عرشم از شما یاد کردم».

154. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که خداوند، کسی را که به یاد او باشد، فراموش نمی کند و کسی را که یاری اش دهد، و انمی گذارد.

155. امام علی علیه السلام - از خطبه ایشان در روز جمعه - : به یاد خدا باشید تا به یاد شما باشد؛ زیرا هر کس به یاد او باشد، خدا نیز به یاد اوست، و از خداوند، از رحمت و فضلش درخواست کنید؛ زیرا هیچ کس نیست که از او بخواهد و از درگاهش نومید برگردد.

156. امام حسین علیه السلام - از دعای ایشان در روز عرفه - : ای آن که جامه های هیبتش را بر قامت دوستانش پوشانده است و از این رو، در پیشگاه او به آمرزش خواهی ایستاده اند! تو پیش از آن که یاد کنندگان از تو یاد کنند، از آنان یاد می کنی.

157. امام زین العابدین علیه السلام - از دعای وداع ایشان با ماه رمضان - : تو آنی که با سخنان غیبی ات و با ترغیب هایت - که سعادت بندگانت در آنهاست - ، آنان را به چیزی (حقایق غیبی) راه نمایی کردی که اگر آن را از ایشان پوشیده می داشتی، نه دیدگانشان آن را در می یافت و نه گوش هایشان آن را می شنید و نه اندیشه هایشان به آنها می رسید. آن گاه فرمودی: (پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس بگزارید و ناسپاسی مرا نکنید) و فرمودی: (اگر سپاس گزارید، افزونتان می دهم و اگر ناسپاسی کنید، بی گمان، عذاب من سخت است)... و بندگانت هم به لطف تو، یادت کردند و به فضل تو، سپاست گفتند.

158. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل فرموده است: «هر آن که مرا در جمعی از مردم یاد کند، او را در جمعی از فرشتگان، یاد می کنم».

159. امام صادق علیه السلام - در نامه ایشان به گروهی از پیروان و یارانش - : تا می توانید، در هر ساعتی از ساعت های شبانه روز، فراوان یاد خدا باشید؛ زیرا خداوند



لَهُ، وَاللَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَذْكُرْهُ أَحَدٌ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ذَكَرَهُ بِخَيْرٍ. (1)

160. جامع الأخبار: أوحى الله تعالى إلى عيسى بن مريم عليه السلام: يا عيسى، إني لا أنسى من ينساني، فكيف أنسى من يذكرني؟! أنا لا أبخل على من عصاني، فكيف أبخل على من يطيعني؟! (2)

161. لقمان عليه السلام - في مواعظه لابنه -: يا بني، ومن ذا الذي ذكره فلم يذكره؟! (3)

162. مسكن الفؤاد: أوحى الله تعالى إلى بعض الصّديقين: إن لي عباداً من عبادي يحبونني وأحبهم، ويشتاقون إليّ وأشتاق إليهم، ويذكرونني وأذكُرهم، فإن أخذت طريقتهم أحببتك، وإن عدلت عنهم مقتك. (4)

5/2 طرد الشيطان

الكتاب

(إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ). (5)

(وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُمْ وَمَنْ يَصِرْ عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (6).

ص: 106

1- . الكافي: ج 8 ص 7 ح 1، تحف العقول: ص 314.

2- . جامع الأخبار: ص 509 ح 1417.

3- . الاختصاص: ص 337، بحار الأنوار: ج 13 ص 428 ح 23.

4- . مسكن الفؤاد: ص 28، بحار الأنوار: ج 70 ص 26 ح 28.

5- . الأعراف: 201.

6- . آل عمران: 135.

فرمان داده است او را بسیار یاد کنند، و آن کس از مؤمنان که به یاد خدا باشد، خدا نیز به یاد اوست، و بدانید که هیچ يك از بندگان مؤمن خدا او را یاد نمی کند، مگر آن که خداوند از او به نیکی یاد می نماید.

160. جامع الأخبار: خدای متعال به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! من [حتی] کسی را که فراموشم کند، فراموش نمی کنم. پس چگونه کسی را که به یاد من است، فراموش کنم؟! من [حتی] به کسی که نافرمانی ام کند، بخل نمی ورزم. پس چگونه به کسی که فرمانم می برد، بخل ورزم?!».

161. لقمان علیه السلام - در اندرزهایش به پسرش - : پسر عزیزم! کیست که او (خدا) را یاد کرد و او یادش نکرد؟!!

162. مسکن الفؤاد: خدای متعال به یکی از صدیقان وحی فرمود که: «در میان بندگانم، بندگانم دارم که دوستم می دارند و دوستشان می دارم، و مشتاق من اند و من، مشتاق آنانم، و مرا یاد می کنند و من، یادشان می کنم. پس اگر راه آنان را در پیش گیری، تو را نیز دوست دارم، و اگر از راه آنان منحرف شوی، دشمنم می دارم».

## 5/2 راندن شیطان

قرآن

(پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد [خدا و پاداش و کیفر او] می افتند و [در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و ناگهان بینا می گردند].

(و آنها که وقتی عمل زشتی انجام می دهند یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند - و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ - و بر گناه، اصرار نمی ورزند، با این که می دانند).

ص: 107

163. تفسير العياشي عن علي بن أبي حمزة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألته في قول الله: (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ) ما ذلك الطائف؟ فقال: هو السيئ يهيم العبد به، ثم يذكر الله فيبصر ويقصر (1). (2)

164. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا سمع الشيطان ذكر الله، ذهب حتى يكون كما كان الروحاء (3). (4)

165. عنه صلى الله عليه وآله: على كل قلب جائم من الشيطان، فإذا ذكر اسم الله خنس الشيطان وذاب، وإذا ترك الذكر التعمه الشيطان فجذبته وأغواه واسترله وأطغاه. (5)

166. عنه صلى الله عليه وآله: إن الشيطان واضع خطمه (6) على قلب ابن آدم، فإن ذكر الله خنس، وإن نسي التعم قلبه، فذلك الوسواس الخناس. (7)

167. علل الشرائع عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألت عن الخناس؟ قال: إن إبليس يلتئم القلب، فإذا ذكر الله خنس؛ فلذلك سمي الخناس. (8)

ص: 108

1- . أفصّر فلان عن الشيء: إذا كف عنه وانتهى (لسان العرب: ج 5 ص 97 «قصر»).

2- . تفسير العياشي: ج 2 ص 44 ح 129، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 201.

3- . الروحاء: موضع بين الحرمين الشريفين [مكة والمدينة]، على ثلاثين أو أربعين أو ستّة وثلاثين ميلاً من المدينة (تاج العروس: ج 4 ص 67 «روح»).

4- . مسند أبي يعلى: ج 2 ص 471 ح 2289.

5- . عدّة الداعي: ص 192، إرشاد القلوب: ص 61.

6- . أصل الخطم في السباع: مقادير أنوفها وأفواهها (النهاية: ج 2 ص 50 «خطم»).

7- . مسند أبي يعلى: ج 4 ص 222 ح 4285؛ بحار الأنوار: ج 63 ص 194.

8- . علل الشرائع: ص 526 ح 1، بحار الأنوار: ج 63 ص 197 ح 7.

163. تفسیر العیاشی - به نقل از علی بن ابی حمزه - از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند: (در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد می آورند و به ناگاه، بینا می شوند) پرسیدم که: این وسوسه چیست؟

فرمود: «مقصود، گناه است که بنده، قصد آن می کند. سپس به یاد خدا می افتد و چشمش باز می شود و خودداری می ورزد».

164. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، هر گاه نام و یاد خدا را بشنود، تا محلّ رَوْحاً (1) دور می شود.

165. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، بر روی هر دلی، بختک انداخته است. هر گاه دل، نام خدا را یاد کند، شیطان وا پس می رود و ذوب می شود، و هر گاه یاد خدا را وا نهد، شیطان، او را فرو می بلعد و به سوی خود می کشد و فریض می دهد و می لغزاند و به سرکشی می افکند.

166. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا شیطان، پوزه خود را بر روی دل آدمیزاد نهاده است. هر گاه او خدا را یاد کند، شیطان پوزه اش را کنار می کشد و هر گاه خدا را از یاد ببرد، شیطان در آن نجوا (وسوسه) می کند. این است [معنای] وسواسِ خنّاس.

167. علل الشرائع - به نقل از ابو بصیر - از امام صادق علیه السلام در باره معنای «خنّاس» پرسیدم. فرمود: «ابلیس، دل را فرو می بلعد و هر گاه خدا یاد شود، وا پس می رود. بدین سبب، او را خنّاس (وا پس رونده) نامیده اند.

ص: 109

1- . رَوْحاً: محلّی میان مکه و مدینه در سی یا چهل میلی مدینه است و نیز روستایی در رجبه شام است. در اینجا مراد، جای دور دست است.

168. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى، اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ وَالْدُّنْيَا عَنْهُمْ، فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا: أَلَا تَرَيْنَ مَا يَصْنَعُونَ؟ فَتَقُولُ الدُّنْيَا: دَعَهُمْ، فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَعْنَاقِهِمْ. (1)

169. فضائل الأشهر الثلاثة عن عبد الرحمن بن هبيرة: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا، فَقَالَ: رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَابًا! قَالَ: فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رَأَيْتَ، حَدَّثْنَا فِدَاكَ أَنْفُسَنَا وَأَهْلُونَا وَأَوْلَادُنَا؟

فَقَالَ: ... رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدِ احْتَوَسَّتْهُ الشَّيَاطِينُ، فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَتَنَجَّاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ. (2)

170. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ: الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ، وَالْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَغْفِرُونَ بِالسَّحَابِ. (3)

171. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَأْمُرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَعْمَلُوا بِهَا... فَقَالَ: ... أَمْرُكُمْ أَنْ تَذْكُرُوا اللَّهَ؛ فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ خَرَجَ الْعَدُوُّ فِي أَثَرِهِ سِرَاعًا، حَتَّى إِذَا أَتَى عَلَى حِصْنٍ حَصِينٍ فَأَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنْهُمْ؛ كَذَلِكَ الْعَبْدُ لَا يُحْرَزُ نَفْسَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ. (4)

172. الإمام علي عليه السلام: ذَكَرَ اللَّهُ مَطْرَدَةَ الشَّيْطَانِ. (5)

173. عنه عليه السلام: ذَكَرَ اللَّهُ رَأْسَ مَا لِكُلِّ مُؤْمِنٍ، وَرَبِحُهُ السَّلَامَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ. (6)

174. عنه عليه السلام: ذَكَرَ اللَّهُ دِعَامَةَ الْإِيمَانِ، وَعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ. (7)

ص: 110

1- . أعلام الدين: ص 273، إرشاد القلوب: ص 60.

2- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 112 ح 107؛ المعجم الكبير: ج 25 ص 282 ح 39.

3- . إرشاد القلوب: ص 196؛ كنز العمال: ج 15 ص 841 ح 43343 نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب.

4- . سنن الترمذي: ج 5 ص 481 ح 2863، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 90 ح 17170.

5- . غرر الحكم: ج 4 ص 28 ح 5162، عيون الحكم والمواعظ: ص 255 ح 4717.

6- . غرر الحكم: ج 4 ص 30 ح 5171، عيون الحكم والمواعظ: ص 256 ح 4746.

7- . غرر الحكم: ج 4 ص 30 ح 5172، عيون الحكم والمواعظ: ص 256 ح 4747.

168. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه عده ای گرد آیند و به یاد خدای متعال پردازند، شیطان و دنیا از ایشان کناره می گیرند، و شیطان به دنیا می گوید: نمی بینی چه می کنند؟ دنیا می گوید: مهم نیست؛ زیرا پراکنده که شدند، گردنشان را می گیرم.

169. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از عبد الرحمان بن هبیره - : روزی نزد پیامبر خدا بودیم که فرمود: «دیشب [در رؤیا] عجایبی دیدم!».

گفتیم: چه دیدی، ای پیامبر خدا؟ خودمان و زنان و فرزندانمان به فدایت! برایمان باز گو.

فرمود: «... مردی از اتمم را دیدم که اهریمنان، او را در میان گرفته اند، و یاد خداوند عزوجل به یاری او آمد و از میان اهریمنان نجاتش داد».

170. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه گروه اند که از گزند ابلیس و لشکریان او مصون اند: کسانی که به یاد خدا هستند، کسانی که از خوف خدا گریان اند، و آمرزش خواهان در سحرگاه.

171. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به یحیی پسر زکریا، پنج فرمان داد که هم خود به کار ببندد و هم به بنی اسرائیل بفرماید که آنها را به کار ببندند... پس فرمود: «... شما را فرمان می دهم که خدا را یاد کنید؛ زیرا داستان یاد خدا کردن، داستان آن مردی است که دشمن در پی او شتابان روان گشته است و او به دژی استوار می رسد و خود را از گزند دشمن، نگه می دارد. بنده نیز خویشتن را از گزند شیطان، نگه نمی دارد، مگر با یاد و نام خدا.

172. امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایه رانده شدن شیطان است.

173. امام علی علیه السلام: یاد خدا، سرمایه هر مؤمنی است و سود آن، به سلامت ماندن از شیطان است.

174. امام علی علیه السلام: یاد خدا، ستون ایمان و نگه دارنده از شیطان است.

175. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَعِيدُ وَأَعْتَصِمُ، وَبِرُكْنِكَ الْوُدَّ وَأَتَحَزَّمُ. (1)

176. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : لا يَتَمَكَّنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِ اللَّهِ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَسْكَنَ إِلَى نَهْيِهِ، وَنَسِيَ إِطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّهِ. (2)

5/3 إنشراح الصدر

الكتاب

(أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ). (3)

الحديث

177. الإمام علي عليه السلام: الذِّكْرُ يَشْرَحُ الصَّدْرَ. (4)

5/4 جلاء القلب

178. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَقَالَةً، وَإِنَّ سَقَالَةَ الْقُلُوبِ ذِكْرُ اللَّهِ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْجَى مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (5)

ص: 112

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 153 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

2- . مصباح الشريعة: ص 225، بحار الأنوار: ج 72 ص 124 ح 2.

3- . الزمر: 22.

4- . غرر الحكم: ج 1 ص 210 ح 835، عيون الحكم والمواعظ: ص 32 ح 542.

5- . شعب الإيمان: ج 1 ص 396 ح 522، تنبيه الغافلين للسمرقندي: ص 397 ح 601.

175. امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! به یاد تو پناهنده و متوسل می شوم و به تکیه گاه تو پناه می آورم و کمر می بندم.

176. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است - : شیطان، نمی تواند بنده را وسوسه کند، مگر آن که خدا را و فرمان او را سبک شمرده و به نهی او روی آورده و فراموش کرده باشد که خداوند، از درون او آگاه است.

### 5/3 گشایش سینه

قرآن

(آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده و پرتو نوری از خدایش با خود دارد [همچون کوردلان بی فروغ است]؟! وای بر سخت دلانی که خدا را یاد نمی کنند! آنها در گم راهی ای آشکار هستند).

حدیث

177. امام علی علیه السلام: یاد خدا، سینه را گشایش می دهد [و ظرفیت فکری و روحی او را برای پذیرش حق می افزایش دهد].

### 5/4 جلای دل

178. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی را صیقل دهنده ای است و صیقل دهنده دل ها، یاد خداست. هیچ چیز مانند یاد خدا، آدمی را از عذاب خدا نجات نمی دهد.

ص: 113



179. الإمام عليّ عليه السلام - مِنْ كَلَامٍ لَهُ عِنْدَ تِلَاوَتِهِ: (يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ \* رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ) (1)  
:- إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ، وَتَتَقَادُّ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ. (2)

5/5 شِفَاءُ الْقَلْبِ

180. رسول الله صلى الله عليه وآله: ذِكْرُ اللَّهِ شِفَاءُ الْقُلُوبِ. (3)

181. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ، وَإِيَّاكُمْ وَذِكْرَ النَّاسِ فَإِنَّهُ دَاءٌ. (4)

182. الإمام عليّ عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَالَ النَّفُوسِ. (5)

183. عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كُمَيْلٍ -: يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ. (6)

5/6 صَلاَحُ الْقَلْبِ

184. الإمام عليّ عليه السلام: أَصْلُ صَلاَحِ الْقَلْبِ اسْتِغَالَةُ بِذِكْرِ اللَّهِ. (7)

185. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفِرَاقِ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ،  
وَإِنِّطْلِقِ السِّنِّتِنَا فِي وَصْفِ مَنِّتِكَ. (8)

ص: 114

- 1- . النور: 36-37.
- 2- . نهج البلاغة: الخطبة 122، ارشاد القلوب: ص 59.
- 3- . الجامع الصغير: ج 1 ص 665 ح 4330 نقلاً عن الديلمي.
- 4- . تنبيه الخواطر: ج 1 ص 8.
- 5- . غرر الحكم: ج 4 ص 30 ح 5169، عيون الحكم والمواعظ: ص 255 ح 4714.
- 6- . مصباح المتهجد: ص 850 ح 910، الإقبال: ج 3 ص 337.
- 7- . غرر الحكم: ج 2 ص 415 ح 3083، عيون الحكم والمواعظ: ص 120 ح 2736.
- 8- . الصحيفة السجادية: ص 37 الدعاء 5.

179. امام علی علیه السلام - از سخن ایشان به هنگام تلاوت آیه (در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه، او را تنزیه می کنند مردانی که نه تجارت، و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، به خود مشغول نمی دارد) - : خداوند پاک و بلندمرتبه، یاد [خود] را جلا دهنده دل ها قرار داد. با یاد او دل های ناشنوا شنوا می شوند و دل های نابینا بینا می گردند و دل های ستیزه گر، رام می شوند.

### 5/5 شفای دل

180. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، شفای دل هاست.

181. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را یاد کنید، که یاد خدا درمان است، و مردم را یاد نکنید، که آن، درد [و بیماری] است.

182. امام علی علیه السلام: یاد خدا، دوی بیماری جان هاست.

183. امام علی علیه السلام - در دعای ایشان، معروف به «دعای کمیل» - : ای کسی که نامش دوا و یادش شفاست!

### 5/6 سامان دل

184. امام علی علیه السلام: بن مایه سامان دل، مشغول داشتن آن به یاد خداست.

185. امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و سلامت دل های ما را صرف یاد عظمت خودت، و فراغت تن هایمان را صرف سپاس گذاری نعمت هایت، و گویایی زبان هایمان را صرف بیان نوازش هایت گردان.

ص: 115

186. الإمام عليّ عليه السلام: مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الأرواحِ، ومِفْتَاحُ الصَّلَاحِ. (1)

5/7 حَيَاةُ القَلْبِ

187. رسول الله صلى الله عليه وآله: بِذِكْرِ اللهِ تَحْيَا القُلُوبُ، وَنِسْيَانِهِ مَوْتُهَا. (2)

188. عنه صلى الله عليه وآله - في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ -: تَبَّهْ بِالذِّكْرِ قَلْبَكَ، وَجَافِ عَنِ النَّوْمِ جَنبَكَ، وَاتَّقِ اللهَ رَبَّكَ. (3)

189. الإمام عليّ عليه السلام: فِي الذِّكْرِ حَيَاةُ القُلُوبِ. (4)

190. عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَا اللهُ قَلْبَهُ، وَنَوَّرَ عَقْلَهُ وَوَجَّهَ لُبَّهُ. (5)

191. عنه عليه السلام: الذِّكْرُ نُورُ العَقْلِ، وَحَيَاةُ النُّفُوسِ، وَجِلاءُ الصُّدُورِ. (6)

192. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَاءِ أَبِي حَمزَةَ الثُّمَالِيِّ -: مَوْلَايَ، بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَّدَتِ أَلَمَ الخَوْفِ عَنِّي. (7)

5/8 عِمَارَةُ القَلْبِ

193. الإمام عليّ عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللهِ - أَيِ بُنْيٍ - وَلُزُومِ أَمْرِهِ، وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ

بِذِكْرِهِ. (8)

ص: 116

- 
- 1- . غرر الحكم: ج 6 ص 137 ح 9832، عيون الحكم والمواعظ: ص 487 ح 9006.
  - 2- . تنبيه الخواطر: ج 2 ص 120.
  - 3- . تنبيه الخواطر: ج 2 ص 117.
  - 4- . غرر الحكم: ج 4 ص 394 ح 6445، عيون الحكم والمواعظ: ص 354 ح 5991.
  - 5- . غرر الحكم: ج 5 ص 387 ح 8876، عيون الحكم والمواعظ: ص 458 ح 8301.
  - 6- . غرر الحكم: ج 2 ص 108 ح 1999، عيون الحكم والمواعظ: ص 60 ح 1523.
  - 7- . مصباح المتهجد: ص 592 ح 691، الإقبال: ج 1 ص 168، بحار الأنوار: ج 98 ص 89 ح 2.
  - 8- . نهج البلاغة: الكتاب 31؛ نظم درر السمطين: ص 162.

186. امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا، خوراکِ جانِها و کلیدِ سامانِ گرفتن است.

### 5/7 زنده شدن دل

187. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با یاد خدا، دلِها زنده می شوند و با فراموش کردنِ او می میرند.

188. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به ابو ذر - : دلت را با یاد [خدا] بیدار بدار، و پهلویت را از [بستر] خواب، دور گردان، و از پروردگارت، خدای یگانه، پروا داشته باش.

189. امام علی علیه السلام: یاد خدا، حیاتبخش دل هاست.

190. امام علی علیه السلام: هر که خدای سبحان را یاد کند، خداوند، دلش را زنده می گرداند و خرد و مغزش را روشن می سازد.

191. امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشناییِ خرد، زندگی بخش جانِها، و جلا دهندهٔ سینه هاست.

192. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای ابو حمزه ثمالی - : آقای من! با یاد توست که دلم زندگی می کند، و با راز و نیاز با توست که درد ترس را در من فرو نشانده ای.

### 5/8 آبادی دل

193. امام علی علیه السلام - از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام - : تو را - ای پسر - به ترس از خدا و پایبندی به فرمان او و آباد کردن دلت به یاد او، سفارش می کنم.

194. عنه عليه السلام: إلهي!... أناديك بقلب قريح، وأناجيك بدمع سفوح، وأعوذ بك من قوتي، وأعوذ بك من جراتي، وأستجير بك من جهلي، وأتعلق بعري أسبابك من ذنبي، وأعمر بذكرك قلبي. (1)

5/9 نور القلب

195. الإمام علي عليه السلام: استديموا الذكر فإنه ينير القلب، وهو أفضل العبادة. (2)

196. عنه عليه السلام: دوام الذكر ينير القلب والفكر. (3)

197. عنه عليه السلام: ثمرة الذكر استنارة القلوب. (4)

198. عنه عليه السلام: عليك بذكر الله؛ فإنه نور القلب. (5)

199. عنه عليه السلام: الذكر يؤنس اللب، وينير القلب، ويستنزل الرحمة. (6)

200. عنه عليه السلام: ذكر الله ينير البصائر، ويؤنس الضمائر. (7)

5/10 حكمة القلب

201. الإمام علي عليه السلام: من ألزم قلبه فكراً، ولسانه الذكر، ملأ الله قلبه إيماناً ورحمةً، ونوراً وحكمةً. (8)

ص: 118

- 1- . بحار الأنوار: ج 87 ص 246 ح 56 نقلاً عن الاختيار لابن باقي.
- 2- . غرر الحكم: ج 2 ص 255 ح 2536، عيون الحكم والمواعظ: ص 92 ح 2172.
- 3- . غرر الحكم: ج 4 ص 21 ح 5144، عيون الحكم والمواعظ: ص 250 ح 4683.
- 4- . غرر الحكم: ج 3 ص 330 ح 4631، عيون الحكم والمواعظ: ص 208 ح 4170.
- 5- . غرر الحكم: ج 4 ص 288 ح 6103، عيون الحكم والمواعظ: ص 335 ح 5728.
- 6- . غرر الحكم: ج 2 ص 66 ح 1858، عيون الحكم والمواعظ: ص 55 ح 1429.
- 7- . غرر الحكم: ج 4 ص 29 ح 5167، عيون الحكم والمواعظ: ص 255 ح 4720.
- 8- . إرشاد القلوب: ص 100.

194. امام علی علیه السلام: معبودا!... با دلی ریش، صدایت می زنم و با اشکی ریزان، آهسته می خوانمت و از نیروی خویش به تو پناه می آورم و از گستاخی خویش به تو پناه می برم و از نادانی خویش به تو پناه می آورم و از گناهان خود به دستگیره های رشته های تو چنگ می زنم و دلم را به یاد تو آباد می کنم.

### 9/5 نور دل

195. امام علی علیه السلام: بر یاد خدا مداومت ورزید، که این کار، هم دل را نورانی می کند و هم برترین عبادت است.

196. امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا، دل و اندیشه را روشن می گرداند.

197. امام علی علیه السلام: ثمره یاد خدا، نورانی شدن دل هاست.

198. امام علی علیه السلام: بر تو باد یاد خدا؛ چرا که روشنایی دل است.

199. امام علی علیه السلام: ذکر، همدم خرد می گردد، دل را روشن می دارد و رحمت را فرود می آورد.

200. امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنایی بخش بینش ها و رام کننده درون هاست.

### 10/5 حکمت دل

201. امام علی علیه السلام: هر که دلش را با اندیشیدن و زبانش را با یاد خدا همراه سازد، خداوند، دلش را از ایمان و مهر و روشنایی و حکمت، آکنده می سازد.

202. الكافي عن السندي عن الإمام الباقر عليه السلام: ما أخلص العبد الإيمان بالله عزوجل أربعين يوماً - أو قال: ما أجمَل عبدٌ ذكرَ الله عزوجل أربعين يوماً - إلا زهدهُ اللهُ عزوجل في الدنيا، وبصره داءها ودواءها؛ فأثبت الحكمة في قلبه، وأنطقَ بها لسانه. (1)

5/11 هداية العُقُول

203. الإمام عليّ عليه السلام: الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ، وَتَبَصُّرَةُ النُّفُوسِ. (2)

204. عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبَصَرَ. (3)

205. عنه عليه السلام: لَا هِدَايَةَ كَالذِّكْرِ. (4)

5/12 نَجَاحُ الْأُمُورِ

206. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَذْكَرُ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى مَا تَطْلُبُ. (5)

207. الإمام عليّ عليه السلام: خَيْرٌ مَا اسْتَنْجَحْتَ بِهِ الْأُمُورَ ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (6)

208. عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ تُسْتَنْجَحُ بِهِ الْأُمُورُ، وَتَسْتَنْبِرُ بِهِ السَّرَائِرُ. (7)

5/13 الرِّزْقُ بِغَيْرِ بِضَاعَةٍ

209. رسول الله صلى الله عليه وآله: اِتَّخِذُوا ذِكْرَ اللَّهِ تِجَارَةً، يَا أَيُّكُمْ الرِّزْقُ بِغَيْرِ بِضَاعَةٍ. (8)

ص: 120

1- . الكافي: ج 2 ص 16 ح 6، بحار الأنوار: ج 70 ص 240 ح 8.

2- . غرر الحكم: ج 1 ص 369 ح 1403.

3- . غرر الحكم: ج 5 ص 166 ح 7800، عيون الحكم والمواعظ: ص 429 ح 7297.

4- . غرر الحكم: ج 6 ص 350 ح 10460، عيون الحكم والمواعظ: ص 536 ح 9828.

5- . تنبيه الغافلين للسمرقندي: ص 471 ح 732؛ بحار الأنوار: ج 21 ص 60 ح 12.

6- . غرر الحكم: ج 3 ص 427 ح 4987، عيون الحكم والمواعظ: ص 238 ح 4527.

7- . غرر الحكم: ج 4 ص 30 ح 5168، عيون الحكم والمواعظ: ص 255 ح 4718.

8- . الفردوس: ج 2 ص 119 ح 2624، فردوس الأخبار: ج 2 ص 193 ح 2446.

202. الکافی - به نقل از سی‌ندی - : امام باقر علیه السلام فرمود: «بنده، چهل روز ایمان به خداوند عزوجل را خالص نگردانید» یا فرمود: «هیچ بنده ای چهل روز، خداوند عزوجل را به خوبی یاد نکرد، مگر آن که خداوند عزوجل او را به دنیا زاهد گرداند و درد و درمان دنیا را به او نمایاند و حکمت را در دلش استوار کرد و زبانش را به آن، گویا ساخت».

### 5/11 راه نمایی خردها

203. امام علی علیه السلام: ذکر، ره نمود خردها و بیداری جان هاست.

204. امام علی علیه السلام: آن که خدا را یاد کند، بینا می شود.

205. امام علی علیه السلام: هیچ هدایتی مانند یاد خدا نیست.

### 5/12 کامیابی در کارها

206. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را یاد کن؛ چرا که یاد خدا، تو را در آنچه می طلبی، کمک می کند.

207. امام علی علیه السلام: بهترین وسیله موفقیت تو در کارها، یاد خداوند سبحان است.

208. امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایه موفقیت در کارها و نورانیت درون هاست.

### 5/13 روزی بی سرمایه

209. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا را [سرمایه] تجارت قرار دهید تا بی کالا و سرمایه به شما روزی برسد.



210. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ رَزَقَهُ اللَّهُ. (1)

5/14 التَّجَاهُ مِنَ الشَّدَائِدِ

211. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ أَحَدٍ يَمُوتُ عَطْشَانَ، إِلَّا ذَاكِرَ اللَّهِ. (2)

212. الإمام علي عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ طَارِدُ اللَّأْوَاءِ وَالْبُؤْسِ. (3)

213. الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ مُوسَى: ... إلهي! فَمَا جَزَاءُ مَنْ لَمْ يَفْتُرْ لِسَانَهُ عَن ذِكْرِكَ وَالتَّضَرُّعِ وَالِاسْتِعَانَةِ لَكَ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ: يَا مُوسَى، أُعِينُهُ عَلَى شَدَائِدِ الْآخِرَةِ. (4)

214. الإمام الهادي عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ مُوسَى: ... إلهي! فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلسَانِهِ وَقَلْبِهِ؟

قَالَ: يَا مُوسَى، أُظِلُّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظِلِّ عَرْشِي، وَأَجْعَلُهُ فِي كَنَفِي. (5)

5/15 حُسْنُ الذِّكْرِ

215. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛ فَإِنَّهُ رَوْحُكَ فِي السَّمَاءِ، وَذِكْرُكَ فِي الْأَرْضِ. (6)

ص: 122

- 1- . دعائم الإسلام: ج 2 ص 116 ح 385، بحار الأنوار: ج 66 ص 325 ح 12.
- 2- . الدعوات: ص 237 ح 660، بحار الأنوار: ج 81 ص 240 ح 26.
- 3- . غرر الحكم: ج 4 ص 30 ح 5170، عيون الحكم والمواعظ: ص 255 ح 4715.
- 4- . فضائل الأشهر الثلاثة: ص 88 ح 68، بحار الأنوار: ج 69 ص 412 ح 131.
- 5- . الأمالي للصدوق: ص 276 ح 307؛ البداية والنهاية: ج 9 ص 287.
- 6- . مسند ابن حنبل: ج 4 ص 163 ح 11774، كنز العمال: ج 15 ص 826 ح 43284.

210. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند، روزی اش می دهد.

#### 5/14 رهایی از سختی ها

211. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه تشنه می میرند، مگر ذاکر خدا.

212. امام علی علیه السلام: یاد خدا، دور کننده تنگ دستی و بینوایی است.

213. امام باقر علیه السلام: چون خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: ... معبودا! پاداش کسی که در دنیا زبانش از یاد تو و التماس و کمک جستن از تو سست نشود، چیست؟

فرمود: «ای موسی! او را در سختی های آخرت، کمک می کنم».

214. امام هادی علیه السلام: آن گاه که خداوند عزوجل با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: معبودا! پاداش کسی که با زبان و دلش تو را یاد کند، چیست؟

فرمود: «ای موسی! روز قیامت، او را در سایه عرشم در می آورم و در پناه خویش می گیرم».

#### 5/15 نام نیک

215. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد یاد خدا و تلاوت قرآن؛ چرا که این کار، مایه خوش بویی تو در آسمان و نیک نامی ات در زمین است.

ص: 123

216. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا؛ فَإِنَّهُ ذَكَرَ لَكَ فِي السَّمَاءِ، وَنُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ. (1)

217. الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ اشْتَغَلَ بِذِكْرِ اللَّهِ، طَيَّبَ اللَّهُ ذِكْرَهُ. (2)

5/16 كَفَّارَةُ السَّيِّئَاتِ

218. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَابِدُوا اللَّيْلَ بِالصَّلَاةِ، وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا؛ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ. (3)

219. الإمام عليّ عليه السلام: عَوَّدَ نَفْسَكَ الْإِسْتِهْتَارَ بِالذِّكْرِ وَالْإِسْتِغْفَارِ، فَإِنَّهُ يَمْحُو عَنْكَ الْحَوْبَةَ، وَيُعْظِمُ لَكَ الْمَثُوبَةَ. (4)

5/17 قُوَّةُ الْإِيمَانِ

220. رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ الْقُرْآنَ وَالذِّكْرَ لَيُنْبِتَانِ الْإِيمَانَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْعُشْبَ. (5)

5/18 التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

221. كنز العمال عن خالد بن الوليد: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنِّي سَأَلْتُكَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَقَالَ لَهُ: سَلْ عَمَّا بَدَأَ لَكَ... قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ أَحْصَى النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

قَالَ: أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، تَكُنْ أَحْصَى الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى. (6)

ص: 124

1- . الخصال: ص 525 ح 13؛ المعجم الكبير: ج 2 ص 157 ح 1651.

2- . غرر الحكم: ج 5 ص 257 ح 8235، عيون الحكم والمواعظ: ص 445 ح 7832.

3- . الأمالي للمفيد: ص 189 ح 16، بحار الأنوار: ج 82 ص 223 ح 45.

4- . غرر الحكم: ج 4 ص 328 ح 6230، عيون الحكم والمواعظ: ص 340 ح 5792.

5- . الفردوس: ج 3 ص 115 ح 4319.

6- . كنز العمال: ج 16 ص 127 ح 44154 نقلاً عن أبي العباس المستغفري.

216. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد تلاوت قرآن و یاد کردن بسیار از خدا؛ چرا که این کار در آسمان، برایت نام و در زمین، برایت نور است.

217. امام علی علیه السلام: هر که به یاد خدا سرگرم شود، خداوند، نام و یاد او را خوش می گرداند.

### 5/16 زدودن زشتی ها

218. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رنج نماز شبانگهی را بر خود، هموار سازید و خدای را بسیار یاد کنید تا گناهانتان را از شما بزداید.

219. امام علی علیه السلام: خویشتن را به آزمندی بر یاد خدا و آمرزش خواهی عادت ده؛ زیرا این کار، گناه را از تو می زداید و پاداشت را بزرگ می گرداند.

### 5/17 قوت ایمان

220. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست، [تلاوت] قرآن و یاد [خدا]، ایمان را در دل می رویانند، چنان که آب، گیاه را می رویاند.

### 5/18 نزدیکی به خدا

221. کنز العمال - به نقل از خالد بن ولید - : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: می خواهم در باره دنیا و آخرت از شما بپرسم.

به او فرمود: «آنچه می خواهی، بپرس...».

گفت: دوست می دارم که خاص ترین مردم نزد خدای متعال باشم.

فرمود: «خدا را بسیار یاد کن تا خاص ترین بندگان نزد خدای متعال باشی».

ص: 125

222. الإمام عليّ عليه السلام: الذِّكْرُ مِفْتَاحُ الأَنْسِ. (1)

223. عنه عليه السلام: ذَاكِرُ اللّهِ مُؤَانِسُهُ. (2)

224. رسول الله صلى الله عليه وآله - في دُعَاءِ الجَوْشَنِ الكَبِيرِ -: يَا أُنَيْسَ الذَّاكِرِينَ. (3)

225. الإمام عليّ عليه السلام: اللّهُمَّ إِنَّكَ أَسُّ الأَيْسِينَ لِأَوْلِيَانِكَ، وَأَحْضَرُهُم بِالْكِفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، تُشَاهِدُهُمْ فِي سَرَائِرِهِمْ، وَتَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي ضَمَائِرِهِمْ، وَتَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ، فَاسْرَارُهُمْ لَكَ مَكشُوفَةٌ، وَقُلُوبُهُمْ إِلَيْكَ مَلهُوفَةٌ، إِنْ أَوْحَشْتَهُمُ الغُرْبَةَ أَنْسَهُمْ ذِكْرَكَ. (4)

226. عدّة الداعي: في بعض الأحاديث القدسيّة: أَيُّمَا عَبْدٍ أَطْلَعْتُ عَلَى قَلْبِهِ فَرَأَيْتُ الغَالِبَ عَلَيْهِ التَّمَسُّكَ بِذِكْرِي، تَوَلَّيْتُ سِيَّاسَتَهُ، وَكُنْتُ جَلِيسَهُ وَمُحَادِثَهُ وَأُنَيْسَهُ. (5)

5/20 حُبُّ اللّهِ

227. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللّهُ. (6)

228. عنه صلى الله عليه وآله - في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ -: يَا أبا ذَرٍّ، إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ اللّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَكْثَرُكُمْ ذِكْرًا لَهُ. (7)

ص: 126

1- . غرر الحكم: ج 1 ص 145 ح 541، عيون الحكم والمواعظ: ص 40 ح 886.

2- . غرر الحكم: ج 4 ص 28 ح 5160، عيون الحكم والمواعظ: ص 256 ح 4741.

3- . البلد الأمين: ص 410، المصباح للكفعمي: ص 346، بحار الأنوار: ج 94 ص 395 ح 3.

4- . نهج البلاغة: الخطبة 227، بحار الأنوار: ج 69 ص 329 ح 40.

5- . عدّة الداعي: ص 235، بحار الأنوار: ج 93 ص 162 ح 42.

6- . الكافي: ج 2 ص 499 ح 3، الزهد للحسين بن سعيد: ص 55 ح 148.

7- . مكارم الأخلاق: ج 2 ص 375 ح 2661، بحار الأنوار: ج 77 ص 86 ح 3.

222. امام علی علیه السلام: یاد خدا، کلید همدمی است.

223. امام علی علیه السلام: یاد کننده خدا، همدم اوست.

224. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعای «جوشن کبیر» - : ای همدمِ ذاکران!

225. امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو برای دوستانت نزدیک ترین همدمانی، و برای کارسازی توکل کنندگان به تو، آماده ترینی. در نهان هایشان، آنان را می بینی و از درون هایشان آگاهی و اندازه یبیش هایشان را می دانی. پس رازهای ایشان، برای تو آشکار است و دل هایشان، آرزومندِ توست. اگر وحشت تنهایی آنان را فرا گیرد، یاد تو همدمشان می شود.

226. عدّة الداعی: در یکی از احادیث قدسی آمده است: «هر بنده ای که بر دلش نظر افکنم و ببینم که تمسک به یاد من بر آن چیره است، تربیت او را خود بر عهده می گیرم و همنشین و همسخن و همدم او می شوم».

## 5/20 مهر خدا

227. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بسیار به یاد خدا عزوجل باشد، خداوند دوستش می دارد.

228. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به ابو ذر - : ای ابو ذر! محبوب ترین شما نزد خداوند عزوجل کسی است که بیشتر به یاد او باشد.

229. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّهُمْ [أَيُّ النَّاسِ] إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا. (1)

230. الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُؤْنِسُكَ بِذِكْرِهِ، فَقَدْ أَحَبَّكَ. (2)

231. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ! وَدِدْتُ أَنِّي أَعْلَمُ مَنْ تُحِبُّ مِنْ عِبَادِكَ فَأُحِبُّهُ.

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي يُكْثِرُ مِنْ ذِكْرِي، فَأَنَا أَذِنْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَأُحِبُّهُ، وَإِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي لَا يَذْكُرُنِي، فَأَنَا حَاجِبْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، وَأَنَا أَبْغِضُهُ. (3)

5/21 لِقَاءُ اللَّهِ

232. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي، جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتَّهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتَّهُ فِي ذِكْرِي عَشِيْقَتِي وَعَشِيْقَتُهُ، فَإِذَا عَشِيْقَتِي وَعَشِيْقَتُهُ رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَصِرْتُ مَعَالِمًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ لَا يَسْهُو إِذَا سَهَى النَّاسُ؛ أَوْلِيكَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ، أَوْلِيكَ الْأَبْطَالُ حَقًّا، أَوْلِيكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ عُقُوبَةً وَعَذَابًا ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَ رَفْتُ ذَلِكَ عَنْهُمْ. (4)

5/22 الْعِصْمَةُ مِنَ السَّهْوِ

233. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: إِذَا عَلِمْتُ أَنَّ الْغَالِبَ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ

ص: 128

1- . إرشاد القلوب: ص 133.

2- . غرر الحكم: ج 3 ص 131 ح 4040، عيون الحكم والمواعظ: ص 135 ح 3070.

3- . تاريخ دمشق: ج 61 ص 147 ح 12565؛ الدعوات: ص 20 ح 18.

4- . حلية الأولياء: ج 6 ص 165 الرقم 364، كنز العمال: ج 1 ص 433 ح 1872.

229. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین مردم نزد خدا، کسی است که بیشتر از او یاد می کند.

230. امام علی علیه السلام: هر گاه دیدی خداوند عزوجل تو را همدم یاد خود ساخته، در حقیقت، تو را دوست داشته است.

231. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام گفت: ای پروردگار من! دوست دارم بدانم از بندگان چه کسی را دوست داری تا من نیز دوستش بدارم.

خداوند فرمود: «هر گاه دیدی که بنده ام مرا بسیار یاد می کند، من اجازه این کار را به او داده ام. پس او را دوست می دارم، و هر گاه دیدی که بنده ام مرا یاد نمی کند، من او را از این کار مانع شده ام و من، دشمنش می دارم».

### 5/21 دیدار خدا

232. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «هر گاه غالب حالات بنده ام پرداختن به من باشد، خوشی و لذت او را در یاد کردنش از من قرار می دهم، و هر گاه خوشی و لذتش را در یادم قرار دهم، او عاشق من می شود و من، عاشق او می شوم، و هر گاه او عاشق من شود و من عاشق او شوم، پرده میان خودم و او را کنار می زنم و نشانه هایی فرا چشم او می شوم، به طوری که هر گاه مردم دچار غفلت شوند، او دچار غفلت نمی شود [و همواره به یاد من است]. این گونه بندگان، سخنشان، سخن پیامبران است. اینان، پهلوانان حقیقی هستند. اینان، کسانی هستند که هر گاه بخواهم زمینیان را کیفر و عذاب کنم، به یاد ایشان می افتم و کیفر و عذاب را از مردمان می گردانم».

### 5/22 جلوگیری از غفلت

233. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان فرمود: «هر گاه بدانم که بنده ام غالباً به یاد من است، میل او را به درخواست و راز و نیاز با خودم منتقل می کنم، و هر گاه بنده ام چنین باشد [و همواره خواهان درخواست از من و راز و نیاز با من



بي، نَقَلْتُ شَهْوَتَهُ فِي مَسْأَلَتِي وَمُنَاجَاتِي، فَإِذَا كَانَ عَبْدِي كَذَلِكَ فَأَرَادَ أَنْ يَسْهُوَ حُلْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ يَسْهُوَ؛ أَوْلِيكَ أَوْلِيَانِي حَقًّا، أَوْلِيكَ الْأَبْطَالُ حَقًّا. (1)

راجع: نهج الذكر: ج 1 ص 144 ح 471.

5/23 نُزُولُ الْمَلَائِكَةِ

234. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَمْرُونَ عَلَى حَلْقِ الذِّكْرِ، فَيَقُومُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَيَكُونُ لِيُكَايِبِهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ لِذَعَائِهِمْ، فَإِذَا صَعِدُوا [إِلَى] (2) السَّمَاءِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي أَيْنَ كُنْتُمْ؟ - وَهُوَ أَعْلَمُ - فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا إِنَّا حَضَرْنَا مَجْلِسَ الذِّكْرِ، فَرَأَيْنَا أَقْوَامًا يُسَبِّحُونَكَ وَيُمَجِّدُونَكَ وَيُقَدِّسُونَكَ، وَيَخَافُونَ نَارَكَ.

فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي، إِزُوهَا عَنْهُمْ، وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ، وَأَمَنْتُهُمْ مِمَّا يَخَافُونَ. فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا، إِنَّ فِيهِمْ فُلَانًا وَإِنَّهُ لَمْ يَذْكُرْكَ! فَيَقُولُ: قَدْ غَفَرْتُ لَهُ بِمَجَالَسَتِهِ لَهُمْ؛ فَإِنَّ الذَّاكِرِينَ مَنْ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ. (3)

235. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطَّرِيقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ؛ فَيَحْفُونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا.

فَيْسَأَلُهُمْ رَبُّهُمْ - وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ -: مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ تَقُولُ: يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيَحْمَدُونَكَ، وَيُمَجِّدُونَكَ. فَيَقُولُ: هَلْ رَأَوْنِي؟ فَيَقُولُونَ: وَاللَّهِ مَا

ص: 130

1- . عدّة الداعي: ص 235، بحار الأنوار: ج 93 ص 162 ح 42.

2- . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

3- . عدّة الداعي: ص 241، أعلام الدين: ص 280، إرشاد القلوب: ص 61، بحار الأنوار: ج 75 ص 468 ح 20.

باشد]، اگر بخواهد دچار غفلت شود، مانع غفلت او می شوم. اینان، اولیای حقیقی من اند. اینان، پهلوانان حقیقی اند».

ر. ک: نهج الذکر: ج 1 ص 145 ح 471.

### 23/5 فرود آمدن فرشتگان

234. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشتگان بر مجالس ذکر [خدا] می گذرند و بر فراز سر ایشان می ایستند و با گریستن آنان می گیرند و برای دعایشان «آمین» می گویند. و چون به آسمان بر شوند، خدای متعال - با آن که خود، بهتر می داند - می پرسد: «کجا بودید، ای فرشتگان من؟».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! در مجلسی از مجلس های ذکر، حاضر شدیم. مردمانی را دیدیم که تو را به پاکی و بزرگی و قداست می ستایند و از آتش تو بیمناک اند.

خدای سبحان می فرماید: «ای فرشتگان من! آتش را از آنان، دور گردانید و گواه باشید که ایشان را آمرزیدم و از آنچه بیمناک اند، در امانشان داشتم».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! فلانی هم در میان ایشان بود و او ذکر تو را نمی گفت.

خداوند می فرماید: «او را هم به سبب همنشینی اش با ایشان آمرزیدم؛ زیرا ذاکران، کسانی هستند که به برکت آنان، همنشینان محروم نمی شود».

235. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، فرشتگانی دارد که در گذرگاه ها در جستجوی اهل ذکر می گردند و هر گاه گروهی را ببیند که ذکر خدا می گویند، صدا می زند که: بیایید حاجتتان را بگیرید! و با بال های خود، آنان را تا آسمان زیرین در میان می گیرند.

پروردگارشان - با آن که خود، از فرشتگان، بهتر می داند - از آنان می پرسد: «بندگانم چه می گویند؟».

فرشتگان می گویند: تو را به پاکی و منزه بودن می ستایند و سپاست می گویند و تمجیدت می کنند.

خداوند می فرماید: «آیا مرا دیده اند؟».

رَأَوْكَ! فَيَقُولُ: وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمَجِيداً، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحاً. يَقُولُ: فَمَا يَسْأَلُونَنِي؟ [يَقُولُونَ: (1)] يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ. يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا، يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ أَنْتَهُمْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَوْ أَنْتَهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصاً، وَأَشَدَّ لَهَا طَلْباً، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً. قَالَ: فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ؟ يَقُولُونَ: مِنَ النَّارِ. يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا، يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَاراً، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً.

فَيَقُولُ: فَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ. يَقُولُ مَلَكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: فِيهِمْ فُلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ! قَالَ: هُمْ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ. (2)

5/24 نُزُولُ الرَّحْمَةِ

236. المستدرک علی الصحیحین عن أبي عثمان: كان سلمان في عصابة يذكرون الله، فمرّ بهم رسول الله صلى الله عليه وآله، فجاءهم قاصداً حتى دنا منهم، فكفّوا عن الحديث إعظاماً لرسول الله صلى الله عليه وآله.

فَقَالَ: مَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ؟ فَإِنِّي رَأَيْتُ الرَّحْمَةَ تَنْزِلُ عَلَيْكُمْ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُشَارِكَكُمْ فِيهَا! (3)

ص: 132

1- . سقط ما بين المعقوفين من المصدر، وأثبتناه من المصادر الأخرى.

2- . صحيح البخاري: ج 5 ص 2353 ح 6045، صحيح مسلم: ج 4 ص 2069 ح 25.

3- . المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 210 ح 419، كنز العمال: ج 1 ص 447 ح 1932.

فرشتگان می گویند: به خدا سوگند که تو را ندیده اند!

خداوند می فرماید: «اگر مرا دیده بودند، چه می کردند؟».

فرشتگان می گویند: اگر تو را دیده بودند، بیشتر بندگی ات می کردند و بزرگت می داشتند و تسبیحت می گفتند.

خداوند می فرماید: «از من چه می خواهند؟».

[فرشتگان می گویند: از تو بهشت می خواهند.

خداوند می فرماید: «آیا آن را دیده اند؟».

فرشتگان می گویند: نه، به خدا سوگند - ای پروردگار -، آن را ندیده اند.

خداوند می فرماید: «پس اگر آن را دیده بودند، چه می کردند؟».

فرشتگان می گویند: اگر آن را دیده بودند، به آن، آزمندتر و طالب تر و راغب تر می بودند.

خداوند می فرماید: «از چه پناه می برند؟».

فرشتگان می گویند: از آتش دوزخ.

خداوند می فرماید: «آیا آن را دیده اند؟».

فرشتگان می گویند: نه به خدا سوگند - ای پروردگار -، آن را ندیده اند.

خداوند می فرماید: «پس اگر آن را دیده بودند، چه می کردند؟».

فرشتگان می گویند: اگر آن را دیده بودند، از آن گریزان تر و بیمناک تر می بودند.

خداوند می فرماید: «پس گواه باشید که آنان را آمرزیدم».

فرشته ای از فرشتگان می گوید: در میان ایشان، فلانی است که از آنان نیست؛ بلکه برای حاجتی آمده است.

خداوند می فرماید: «آنان، همشین اند و به برکت آنان، همشینشان، محروم نمی شود».

## 24/5 فرود آمدن رحمت

236. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو عثمان -: سلمان با گروهی نشسته بود و از خدا یاد می کردند. پیامبر خدا بر آنان گذشت و به سوی ایشان آمد. چون نزدیک آنان رسید، به احترام پیامبر خدا از سخن گفتن، باز ایستادند.

فرمود: «چه می گفتید؟ زیرا دیدم رحمت بر شما فرو می بارد و دوست داشتم من نیز در آن [رحمت] با شما شریک شوم».

ص: 133

237. الإمام عليّ عليه السلام: بِذِكْرِ اللَّهِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ. (1)

5/25 نُزُولُ السَّكِينَةِ

238. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَقَعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ. (2)

239. عنه صلى الله عليه وآله: مَجَالِسُ الذِّكْرِ تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَتَحُفُّ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَغْشَاهُمُ الرَّحْمَةُ، وَيَذْكُرُهُمُ الرَّبُّ تَعَالَى عَلَى عَرْشِهِ. (3)

5/26 غُفْرَانُ اللَّهِ

240. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ عَلَى ذِكْرِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ إِلَّا قِيلَ لَهُمْ: قَوْمًا مَغْفُورًا لَكُمْ. (4)

5/27 تَبْدِيلُ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ

241. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ فَيَقُومُونَ حَتَّى يُقَالَ لَهُمْ: قَوْمًا؛ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ، وَبَدَّلَتْ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ. (5)

ص: 134

- 1- . غرر الحكم: ج 3 ص 204 ح 4209، عيون الحكم والمواعظ: ص 188 ح 3856.
- 2- . صحيح مسلم: ج 4 ص 2074 ح 39، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 85 ح 2227.
- 3- . تاريخ بغداد: ج 3 ص 128 الرقم 1146، حلية الأولياء: ج 5 ص 118 الرقم 308.
- 4- . الإصابة: ج 3 ص 175، كنز العمال: ج 1 ص 422 ح 1809.
- 5- . المعجم الكبير: ج 6 ص 212 ح 6039، شعب الإيمان: ج 1 ص 454 ح 695.

237. امام علی علیه السلام: با یاد خدا، رحمت فرود می آید.

### 5/25 فرود آمدن آرامش

238. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای یاد کردن از خداوند عزوجل ننشستند، مگر آن که فرشتگان، آنان را در میان گرفتند و رحمت، آنها را فرو پوشاند و آرامش، بر آنان فرود آمد و خداوند، در جمع کسانی که نزد او هستند، از ایشان یاد کرد.

239. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر انجمن های یاد خدا، آرامش فرود می آید، فرشتگان، آنان را در میان می گیرند، رحمت، آنها را فرو می پوشاند و پروردگار متعال، در عرش خود، از ایشان یاد می کند.

### 5/26 آموزش خداوند

240. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای یاد کردن از خدا جمع نشدند، مگر آن که چون پراکنده شدند، به ایشان گفته می شود: «برخیزید که آمرزیده شدید».

### 5/27 تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها

241. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای ذکر خداوند عزوجل گرد هم نمی نشینند، مگر آن که چون بخواهند برخیزند، به ایشان گفته می شود: «برخیزید، که خداوند، گناهان شما را آمرزید و بدی هایتان به خوبی تبدیل گردید».

242. عنه صلى الله عليه وآله: ما من قوم اجتمعوا يذكرون الله لا يريدون بذلك إلا وجهه، إلا ناداهم من السماء: أن قوموا مغفوراً لكم، فقد بدلت سيئاتكم حسنات. (1)

5/28 مباحة الله

243. صحيح مسلم عن معاوية: إن رسول الله صلى الله عليه وآله خرج على حلقة من أصحابه فقال: ما أجلسكم؟ قالوا: جلسنا نذكر الله ونحمده على ما هدانا للإسلام ومن به علينا.

قال: آله! ما أجلسكم إلا ذاك؟ قالوا: وآله ما أجلسنا إلا ذاك!

قال: أما إني لم أستحلفكم تهمَةً لكم، ولكنني أتاني جبريل فأخبرني أن الله عز وجل يباهي بكم الملائكة. (2)

5/29 الدخول في رياض الجنة

244. سنن الترمذي عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا مررتُم برياض الجنة فارتعوا. قال: وما رياض الجنة؟ قال: حلق الذكر. (3)

245. الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: بادروا إلى رياض الجنة. قالوا: وما رياض الجنة؟ قال: حلق الذكر. (4)

ص: 136

- 1- . مسند ابن حنبل: ج 4 ص 286 ح 12456، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 161 ح 4127.
- 2- . صحيح مسلم: ج 4 ص 2075 ح 40، سنن الترمذي: ج 5 ص 460 ح 3379.
- 3- . سنن الترمذي: ج 5 ص 532 ح 3510، منية المرید: ص 106.
- 4- . الأمالي للصدوق: ص 444 ح 592، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 409 ح 5888.



242. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مردمی برای ذکر خدا گرد هم آیند و قصدشان از این کار، فقط رضای خدا باشد، ندا دهنده ای از آسمان، ندایشان می دهد که: «برخیزید که آمرزیده شدید؛ زیرا بدی های شما به نیکی تبدیل شد».

### 28/5 مباحث کردن خداوند

243. صحیح مسلم - به نقل از معاویه - : پیامبر خدا بر حلقه ای از یارانش گذشت. فرمود: «برای چه گرد هم نشسته اید؟».

گفتند: نشسته ایم و خدا را یاد می کنیم و او را برای نعمت اسلام که به ما داد و ما را بدان ره نمون شد، سپاس می گوئیم.

فرمود: «شما را به خدا، فقط برای همین نشسته اید؟».

گفتند: به خدا که فقط برای همین نشسته ایم!

فرمود: «بدانید که من، از سرِ بدگمانی به شما سوگندتان ندادم؛ بلکه جبرئیل علیه السلام نزد آمد و مرا خبر داد که خداوند عزوجل به وجود شما بر فرشتگان مباحث می کند».

### 29/5 وارد شدن به باغ های بهشت

244. سنن الترمذی - به نقل از انس - : پیامبر خدا فرمود: «هر گاه به باغ های بهشت رسیدید، گشت زنید».

انس گفت: باغ های بهشت، کدام اند؟

فرمود: «جلسه های یاد خدا».

245. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «به سوی باغ های بهشت بشتابید».

گفتند: باغ های بهشت، کدام اند؟

فرمود: «جلسه های یاد خدا».

246. عدّة الداعي: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: ارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَجَالِسُ الذِّكْرِ، أُغْدُوا وَرَوْحُوا وَادْكُرُوا. (1)

5/30 نُورُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

247. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ ذَاكَرَ اللَّهِ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ نُورٌ كَنُورِ الشَّمْسِ، أَوْ بُرْهَانٌ كَبُرْهَانِ الشَّمْسِ. (2)

248. عنه صلى الله عليه وآله: لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ أَقْوَامًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وُجُوهِهِمُ النَّوْرُ عَلَى مَنَابِرِ اللُّؤْلُؤِ، يَغِيْطُهُمُ النَّاسُ، لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ؛ هُمْ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ قِبَائِلِ شَتَّى وَبِلَادِ شَتَّى، يَجْتَمِعُونَ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ يَذْكُرُونَهُ. (3)

5/31 سَبَقُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

249. سنن الترمذي عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ، قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمُسْتَهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ؛ يَضَعُ الذِّكْرَ عَنْهُمْ أَثْقَالَهُمْ، فَيَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِفَافًا. (4)

250. مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنِ الْمُفْرَدُونَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ. (5)

ص: 138

1- . عدّة الداعي: ص 238، أعلام الدين: ص 275.

2- . معجم السفر: ص 112 ح 333.

3- . كنز العمال: ج 1 ص 438 ح 1893 نقلاً عن المعجم الكبير.

4- . سنن الترمذي: ج 5 ص 577 ح 3596، كنز العمال: ج 1 ص 417 ح 1773.

5- . مسند ابن حنبل: ج 3 ص 210 ح 8297، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 673 ح 1823.

246. عده الداعی: روایت شده است که پیامبر خدا بر یارانش وارد شد و فرمود: «در باغ های بهشت، گشت زنید».

گفتند: ای پیامبر خدا! باغ های بهشت، کدام اند؟

فرمود: «جلسه های یاد خدا. بام و شام، خدا را یاد کنید».

### 5/30 روشنایی در روز قیامت

247. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا، روز قیامت، در حالی می آید که روشنایی ای چون روشنایی خورشید، یا دلیلی چون دلیل آفتاب دارد.

248. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، در روز قیامت، مردمانی را برمی انگیزد که چهره هایی نورانی دارند و بر منبرهایی از مرواریدند و مردم بر آنان، رشک می برند. آنان، نه پیامبرند و نه شهید. آنان، مردمانی از هر قبیله و آبادی اند که برای خدا یکدیگر را دوست می دارند [و] برای یاد کردن خدا گرد هم می آیند و از او یاد می کنند.

### 5/31 پیشتازی در روز قیامت

249. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا فرمود: «تنهایان، پیشی گرفتند».

گفتند: تنهایان کیستند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «سودائیان یاد خدا. یاد خدا، بارهای گران (گناهان) آنان را از دوش ایشان برمی دارد و روز رستاخیز، سبک بار [از گناه] می آیند».

250. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا فرمود: «تنهایان، پیشی می گیرند».

گفتند: ای پیامبر خدا! تنهایان، کیان اند؟

فرمود: «آنان که سودازده یاد خدایند».

251. صحيح مسلم عن أبي هريرة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسِيرُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ، فَمَرَّ عَلَى جَبَلٍ يُقَالُ لَهُ: جُمْدَانُ، فَقَالَ: سَيَرُوا، هَذَا جُمْدَانُ، سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قالوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ. (1)

5/32 خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

252. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا، فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (2)

253. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَجَسَدًا عَلِيَّ الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَزَوْجَةً مُؤْمِنَةً. (3)

254. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (4)

ص: 140

1- . صحيح مسلم: ج 4 ص 2062 ح 4، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 385 ح 9343.

2- . الكافي: ج 2 ص 499 ح 1، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1182 ح 8989.

3- . الكافي: ج 5 ص 327 ح 2، مشكاة الأنوار: ص 481 ح 1600.

4- . الصحيفة السجادية: ص 87 الدعاء 20.

251. صحیح مسلم - به نقل از ابو هُرَیره - پیامبر خدا در راه مکه می رفت و بر کوهی به نام جُمدان گذشت. فرمود: «به پیش! این، جُمدان است. تنهایان، پشتازند».

گفتند: تنهایان، کیستند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «مردان و زنانی که فراوان، خدا را یاد می کنند».

### 5/32 خیر دنیا و آخرت

252. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس زبانی ذِکرگو داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است.

253. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عزوجل فرمود: «هر گاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را به مسلمانی بدهم، به او دلی خاشع و زبانی ذِکرگو و تنی شکیبیا در برابر بلا و همسری باایمان، عطا می کنم».

254. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای ایشان معروف به «مکارم الأَخلاق» - : بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلتم، مرا متوجّه یاد خودت گردان و در ایّام فرصتم، مرا در طاعتت به کار گیر، و برای رسیدن به محبّتت، راهی هموار برایم بگشای و بدین سان، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل ساز.

ص: 141



### اشاره

بر پایه آموزه های اسلامی، «یاد خدا» رمز خودسازی و سازندگی، و راه ارتقا به سوی کمالات و مقامات والای انسانی و بهترین سرمایه تأمین رفاه فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی است و در يك جمله، یاد خدا، یاد خویش است و از یاد بُردن او، از یاد بُردن خود.

### برکات یاد خدا در قرآن و احادیث

### اشاره

آنچه را که در قرآن و احادیث برای تبیین این حقیقت آمده است، در چند عنوان می توان خلاصه کرد:

#### 1. جامع ترین برکت یاد خدا

خداوند متعال، وعده قطعی داده است که هر کس او را یاد کند، او نیز متقابلاً یاد کننده خود را یاد می نماید و این، جامع ترین برکت ذکر است:

(فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ (1).

پس مرا یاد کنید، شما را یاد می کنم).

همه آثار و برکات ذکر، در جمله (أَذْكُرْكُمْ؛ شما را یاد می کنم) خلاصه شده است. بی تردید، یاد کردن خداوند متعال از یاد کننده خود، به معنای توجه علمی به او نیست؛ چرا که توجه علمی (آگاهی داشتن) او به همه چیز و همه کس، یکسان است؛ بلکه مقصود، یاد کردن با نعمت و رحمت و احسان و

ص: 143

رضوان است. (1) همچنین مراتب نعمت و رحمتِ متقابل الهی نسبت به یاد کننده خود، متناسب با مراتب ذکر اوست. هر چه ذکر، عمیق تر و گسترده تر باشد، برکات الهی، ذاکر را بیشتر فرا خواهد گرفت.

بر این اساس، همه آثار و برکات ذکر - که در فصل پنجم این فرهنگ نامه بیان گردیده است -، در واقع، تبیین چگونگی یاد کردن خدا از یاد کننده خود و تشریح نعمت هایی است که در نتیجه ذکر، به ذاکر می رسد.

## 2. نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگی

نخستین اثر یاد کردن متقابل خداوند از ذاکر، آفت زدایی از زندگی اوست. همه آیات و احادیثی که می گویند «ذکر، شیطان را از انسان دور می کند، گناهان را پاک می کند و بلکه به حسنات تبدیل می نماید، بیماری های جان را درمان می کند و دل را سالم می سازد»، (2) در واقع، تبیین کننده نقش ذکر در زدودن آسیب های زندگی اند.

## 3. نقش یاد خدا در سازندگی جان

اثر دیگر ذکر، سازندگی جان و پرورش روح است. آدمی در پرتو یاد خدا، دلش آرام می گیرد، سینه اش گشاده می گردد، روحش صیقل می یابد و جانش زنده و قلبش آباد می شود (3) و بدین سان، به کمالات والای معنوی و مقامات بلند انسانی دست می یابد.

## 4. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی

یاد خدا، دل را نورانی می کند و انسان در پرتو این نورانیت، به علم، نور و حکمت حقیقی دست می یابد و در نتیجه، به نیروی بینش و بصیرت الهی مجهز می گردد و حقایقی را دریافت می کند که از راه تعلیم و تعلم، به آنها

ص: 144

---

1- ر. ک: فصل پنجم، باب اول.

2- ر. ک: فصل پنجم، باب های 5 و 6 و 26 و 27.

3- ر. ک: فصل پنجم، باب های 3-8.



نمی تواند دست یابد. در این هنگام، ایمان او به حقایق غیبی تقویت می گردد و به مرتبه یقین می رسد و یقین، او را به مرز عصمت، نزدیک می گرداند. (1)

## 5. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی

یاد خدا، هنگامی که در جان نفوذ کند، خودخواهی را - که اصلِ اصولِ فتنه ها (2) و ریشه ی رذایل اخلاقی است -، از بین می برد و جای خود را به خداخواهی می دهد و بدین سان، همه کارهای انسان، نیکو می گردد و انسان نیکوکار، در دنیا و آخرت، خوش نام خواهد بود. (3)

## 6. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حلّ مشکلات زندگی

یاد خدا، علاوه بر این که راه رسیدن به کمالات معنوی است، موجب گشایش در کارها و حلّ مشکلات زندگی و تأمین نیازهای مادی نیز هست؛ زیرا ذکر، تقوا می آفریند و خداوند متعال، تأمین نیازها و حلّ مشکلات انسان های پرهیزگار را تضمین کرده است. (4) به سخن دیگر، یکی از مصادیق یاد کردن خدا از یاد کننده خود، تأمین نیازها و حلّ مشکلات اوست. (5)

## 7. نقش ذکر در محبت

بزرگ ترین برکت یاد خدا و مهم ترین ثمره آن، محبت خداست. ذکر، در نخستین گام، ذاکر را از آلودگی های اخلاقی و عملی پاک می کند و زمینه

ص: 145

1- ر. ک: فصل پنجم، باب های 9-11 و 22.

2- این تعبیر در نامه امام خمینی 1 به فرزندش حاج سید احمد خمینی، به تاریخ پانزدهم ربیع الأول 1407 آمده است: «... فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به در آی که این، ارث شیطان است... و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم، از این ارث شیطانی است که اصلِ اصولِ فتنه است» (ر. ک: صحیفه امام: ج 20 ص 154). ظاهراً مقصود بنیان گذار جمهوری اسلامی از «اصول فتنه»، اخلاق رذیله است که ریشه در خودخواهی و خودبینی و انانیت انسان دارد.

3- ر. ک: فصل پنجم، باب های 6 و 15.

4- ر. ک: فصل پنجم، باب های 12-14.

5- (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او گشایشی فراهم می سازد و از جایی که گمان نمی برد، او را روزی می بخشد) طلاق: آیه 2 و 3.

نزدیک شدن او به درگاه قرب الهی را فراهم می سازد و در گام دوم، انسان را به پروردگار خود، نزدیک می نماید. آن گاه به تدریج، انسان با خدا انس می گیرد و به او عشق می ورزد و در گام سوم، محبت حقیقی، زمینه کمال معرفت و دیدار قلبی خدا را - که مقصد اعلای عارفان است - فراهم می سازد و ذاکرانی که به این مقصد رسیده اند، پیشتاز نیکان در قیامت اند. (1)

## 8. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت

در آغاز، گفتیم که جامع ترین برکت ذکر، یاد کردن متقابل خداوند متعال از یاد کننده خویش است و در ادامه، با الهام گرفتن از قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام یاد کردن متقابل خداوند را به آفت زدایی از زندگی، سازندگی جان، رسیدن به علم و حکمت و عصمت روانی، نیکوکاری و خوش نامی، تأمین رفاه مادی و در نهایت، دستیابی به کیمیای محبت خدا و مقصد اعلای انسانیت، تفسیر کردیم.

اکنون می گوئیم که جامع ترین تفسیر یاد کردن متقابل خداوند، تأمین خیر دنیا و آخرت ذاکر (یاد کننده خدا) است. این تفسیر را از کلام دقیق و زیبای امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجّادیه در مقام نیایش بر گرفته ایم که در پایان دعای «مکارم الأخلاق»، گویی به عنوان فشرده خواست های خود از خداوند متعال، در دعایش می فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَهْنِي لِيذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (2)

بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلت، مرا به یاد خودت متوجه گردان و در روزهای مهلت (زندگی)، مرا

ص: 146

1- ر. ك: فصل پنجم، باب های 18-21.

2- ر. ك: الصحیفه السجّادیه: ص 87 دعای 20.

به طاعتت برگمار و مرا در راهی آسان و هموار به سوی محبتِ بپر و با آن محبت، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردان.

از این سخن نورانی می توان چنین برداشت کرد که اگر بیماری «غفلت» در انسان درمان شود و یاد خدا در دل او تداوم یابد، یاد حقیقی خدا، زمینه ساز فرمانبری مطلق از اوست و بدین سان، انسان می تواند با یاری پروردگار، به آسانی به کیمیای محبت او دست یابد و با این کیمیا، خیر دنیا و آخرت خود را کامل نماید. (1)

### زیان های فراموش کردن خدا

همان گونه که جامع ترین برکت یاد خدا، یاد کردنِ متقابل پروردگار است، خطرناک ترین زیان فراموش کردن خداوند متعال نیز به فراموشی سپردنِ متقابل خداوند متعال (به معنای رها کردنِ فراموشکار و قطع رحمت از او) خواهد بود.

هنگامی که انسان به حال خود رها شود، دچار خودفراموشی می گردد:

(نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ. (2)

[به کلی] خدا را فراموش کردند، خدا هم خود آنان را از یادشان برد).

در این حال، شیطان بر آدمی مسلط می گردد و او را به کارهای ناشایست، وا می دارد و در اثر گناه، آینه دلش زنگار می گیرد و به قساوت قلب، مبتلا می شود. زندگی، بر چنین انسانی، سخت و تنگ می گردد و انواع بدی ها، مصیبت ها و گرفتاری های دنیا و آخرت، او را احاطه می نمایند. (3)

ص: 147

---

1- . برای توضیح بیشتر در این باره، ر. ک: دوستی در قرآن و حدیث: ص 431 (تحقیقی در باره بنیاد محبت خدا).

2- . حشر: آیه 19.

3- . ر. ک: نهج الذکر: ج 1 ص 281 (فصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا).

الكتاب

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا). (1)

(وَأُذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا). (2)

الحديث

255. الإمام الصادق عليه السلام: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ؟ فَقَالَ: أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا. (3)

256. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، فَقَدْ بَرِيَ مِنَ النَّفَاقِ. (4)

257. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يُكْثِرْ ذِكْرَ اللَّهِ، فَقَدْ بَرِيَ مِنَ الْإِيمَانِ. (5)

258. عنه صلى الله عليه وآله: ذِكْرُ اللَّهِ عَلَمُ الْإِيمَانِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ، وَحِصْنٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَحِرْزٌ مِنَ النَّارِ. (6)

ص: 148

1- . الأحزاب: 41-42.

2- . الإنسان: 25.

3- . الكافي: ج 2 ص 499 ح 1، عدّة الداعي: ص 234.

4- . المعجم الأوسط: ج 7 ص 86 ح 6931، المعجم الصغير: ج 2 ص 77.

5- . الدرّ المنثور: ج 6 ص 620 نقلاً عن الطبراني في المعجم الأوسط.

6- . تنبيه الغافلين للسمرقندي: ص 395 ح 598؛ لبّ اللباب للراوندي: ج 1 ص 67.

قرآن

(ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام، او را تسبیح گویند).

(ونام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور).

حدیث

255. امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: بهترین اهل مسجد، کیست؟ فرمود: «کسی که خدا را بیشتر یاد کند».

256. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خدا را بسیار یاد کند، از نفاق، رها شده است.

257. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خدا را بسیار یاد نکند، از ایمان، دور شده است.

258. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، نشانه ایمان، مایه رهیدن از نفاق، دژی در برابر شیطان، و نگه دارنده از آتش است.

259. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كَتَبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ: بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ. (1)

260. الإمام عليّ عليه السلام: أَرَبَعٌ لَا تَصِيرُ إِلَّا لِلْعَجَبِ: طُولُ الصَّمْتِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، وَقَلَّةُ الشَّيْءِ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَثِيرًا؛ فَإِنَّهُ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تَعَالَى بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ. (2)

261. عنه عليه السلام: أفيضوا في ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ النِّفَاقِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَتَذَكِيرٌ لِصَاحِبِهِ عِنْدَ كُلِّ خَيْرٍ يَقْسِمُهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ، وَلَهُ دَوِيٌّ تَحْتَ الْعَرْشِ. (3)

262. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، أَظْلَمَهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ. (4)

263. عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّى يَقُولَ الْمُنَافِقُونَ: إِنَّكُمْ مُرَاوُونَ. (5)

264. عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَلَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَلَا أَنْجَى لِعَبْدِهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (6)

265. مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: اسْتَكْثَرُوا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمِلَّةُ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟... قَالَ: التَّكْبِيرُ، وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّسْبِيحُ، وَالتَّحْمِيدُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (7)

ص: 150

- 1- . الكافي: ج 2 ص 500 ح 3، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1181 ح 8988.
- 2- . الجعفریات: ص 235، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 290 ح 5885.
- 3- . تحف العقول: ص 149، بحار الأنوار: ج 77 ص 290 ح 2.
- 4- . الكافي: ج 2 ص 122 ح 4، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 191.
- 5- . الزهد لابن حنبل: ص 134، الزهد والرقائق: ص 362 ح 1022.
- 6- . شعب الإيمان: ج 1 ص 395 ح 521، كنز العمال: ج 1 ص 426 ح 1836.
- 7- . مسند ابن حنبل: ج 4 ص 150 ح 11713، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 694 ح 1889.

259. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خدا را بسیار یاد کند، دو برات برایش نوشته می شود: برات رهایی از آتش و برات رهایی از نفاق.

260. امام علی علیه السلام: چهار چیز است که پایانشان خوشایند است: دم فرو بستن بسیار - مگر به نیکی -، تنگ دستی، فروتنی و فراوان یاد نمودن از خداوند عزوجل؛ زیرا کسی که بسیار یاد خدا کند، خداوند متعال برایش برات آزادی از آتش و برات آزادی از نفاق می نویسد.

261. امام علی علیه السلام: در یاد خدای والایاد غوطه ور شوید، که بهترین یاد کردن است و مایه ایمنی از نفاق و رهایی از آتش است و صاحبش (ذکرگو) را در هنگام هر خیری که خداوند عزوجل قسمت می کند، به یاد خدا می آورد و یاد خدا در زیر عرش، طنین می افکند.

262. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند عزوجل او را در سایه سار بهشتش جای می دهد.

263. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عزوجل را فراوان یاد کنید تا جایی که منافقان بگویند: شما ریاکارید.

264. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در همه حال، خداوند عزوجل را بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند، محبوب تر و برای بنده، نجات بخش تر از یاد خدا در دنیا و آخرت نیست.

265. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا فرمود: «ماندگارهای نیک، بسیار انجام دهید».

گفته شد: ماندگارهای نیک، چیستند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آیین».

گفته شد: آیین چیست، ای پیامبر خدا؟...

فرمود: «گفتنِ الله اکبر و لا إله إلا الله و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوّة إلا بالله».

266. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ لَكُمْ، وَأَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ، وَأُزَكِّهَا عِنْدَ مَلِكِكُمْ، وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنَ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ، وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَمْتَلُوهُمْ وَيَمْتَلَوْكُمْ؟ فَقَالُوا: بَلَى! فَقَالَ: ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرًا. (1)

267. الإمام عليّ عليه السلام: اِعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ، فَاشْتَغِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسَعِدُوا، وَأَرْفُضُوا الْقَالَ وَالْقَبِيلَ تَسْلَمُوا، وَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَغْنَمُوا. (2)

268. عنه عليه السلام: قَدْ أَبْلَغَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ، وَفَصَّلَ لَكُمْ الْقَوْلَ، وَعَلَّمَكُمْ السُّنَّةَ، وَشَرَحَ لَكُمْ الْمَنَاهِجَ؛ لِيزِيحَ الْعِلَّةَ، وَحَثَّ عَلَى الذِّكْرِ، وَدَلَّ عَلَى النَّجَاةِ، وَإِنَّهُ مِنْ انتَصَحَ لَهُ وَاتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدَاهُ لِتَنِي هِيَ أَقْوَمُ، وَوَفَّقَهُ لِلرَّشَادِ، وَسَدَّدَهُ وَيَسَّرَهُ لِلْحُسْنَى، فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ مَحْفُوظٌ، وَعَدُوُّهُ خَائِفٌ مَغْرُورٌ، فَاحْتَرَسُوا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ. (3)

269. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ -: فَإِنَّ أَحَبَّ إِخْوَانِي إِلَيَّ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا، وَأَشَدُّهُمْ مِنْهُ خَوْفًا. وَأَنَا أَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (4)

270. عنه عليه السلام: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَكْثَرُ النَّاسِ لَهُ ذِكْرًا، وَأَدْوَمُهُمْ لَهُ شُكْرًا، وَأَعْظَمُهُمْ عَلَى بَلَايِهِ صَبْرًا. (5)

271. عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ، فَاسْتَشَعَرَ الْحُزْنَ، وَتَجَلَّبَبَ الْخَوْفَ، فَزَهَرَ مِصْبَاحُ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ، وَأَعَدَّ الْقِرَى لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ، فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ الْبَعِيدَ، وَهَوَّنَ الشَّدِيدَ، نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَذَكَرَ فَاسْتَكْتَر. (6)

ص: 152

- 1- . الكافي: ج 2 ص 499 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 109 ح 96.
- 2- . غرر الحكم: ج 6 ص 469 ح 11005، عيون الحكم والمواعظ: ص 552 ح 10183.
- 3- . الكافي: ج 8 ص 389 ح 586، بحار الأنوار: ج 77 ص 368 ح 34.
- 4- . تحف العقول: ص 177، بحار الأنوار: ج 33 ص 586 ح 733.
- 5- . غرر الحكم: ج 2 ص 557 ح 3571، عيون الحكم والمواعظ: ص 155 ح 3376.
- 6- . نهج البلاغة: الخطبة 87، أعلام الدين: ص 127، بحار الأنوار: ج 2 ص 56 ح 36.



266. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما از بهترین اعمالتان که از همه اعمالتان بلندپایه تر و پروردگارتان، پاکیزه تر و برایتان از [انفاق] در هم و دینار، بهتر است و از این که با دشمنان رو به رو شوید و بگشاید و کشته شوید، با ارزش تر است، خبر ندهم؟».

گفتند: چرا.

فرمود: «یاد کردن بسیار از خداوند عزوجل».

267. امام علی علیه السلام: بدانید که جهاد بزرگ تر، جهاد با نفس است. پس به جهاد با نفس های خویش بپردازید تا سعادتمند شوید و قیل و قال را وانهید تا به سلامت مانید و خدا را بسیار یاد کنید تا سود برید.

268. امام علی علیه السلام: خداوند عزوجل پیام را به شما ابلاغ کرده و حقیقت را برایتان روشن ساخته و راه و رسم را به شما آموخته و راه ها را برایتان هویدا کرده است تا عذر و بهانه را از میان بردارد، و به یاد کردن [از خودش و دوری از غفلت]، تشویق کرده و راه نجات را نشان داده است.

هر کس پند خداوند را گوش کند و سخن او را راه نمای خود گیرد، خداوند، به درست ترین راه، ره نمونش می شود و به طریق حق، توفیقش می دهد و استوارش می سازد و کار نیک را برایش آسان می کند؛ زیرا پناهنده به خدا، در امان و محفوظ است و دشمن او، ترسان و فریب خورده است. پس با بسیاری یاد [خدا]، خویشتن را از [عذاب] خداوند، ننگه دارید.

269. امام علی علیه السلام - از نامه ایشان به محمد بن ابی بکر - : محبوب ترین برادرانم نزد من، آن کس است که بیشتر به یاد خدا باشد و از خداوند، بیشتر بترسد، و من امیدوارم که به خواست خدا، تو از جمله آنان باشی.

270. امام علی علیه السلام: اولیای خدا، بیش از هر کس به یاد خدا هستند و پیوسته او را سپاس می گویند و بر بالای او شکیباترین اند.

271. امام علی علیه السلام: از جمله محبوب ترین بندگان خدا نزد او، آن بنده ای است که خداوند، او را در برابر نفسش یاری کرده و او جامه اندوه پوشیده و ردای ترس [از خدا] به تن کرده است. پس چراغ هدایت در دلش روشن شده و برای آن روزی که میهمان او می شود (مرگ و پس از مرگ)، سفره پذیرایی (اعمال صالح) را آماده ساخته است و دور (مرگ و قیامت) را نزدیک می بیند و سختی ها را [برای خود] آسان کرده است. می نگرد و بینا می شود و [خدا را] یاد می کند و فراوان یاد می کند.

272. عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ - : اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْتَبِرُ ذِكْرَكَ، وَيَتَابِعُ شُكْرَكَ، وَيَلْزِمُ عِبَادَتَكَ. (1)

273. عنه عليه السلام - فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - : خَاشِعًا قَلْبُهُ، ذَاكِرًا رَبَّهُ... مُحْكَمًا أَمْرُهُ، كَثِيرًا ذِكْرُهُ. (2)

274. عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ... وَقَوْرٌ ذِكْوَرٌ. (3)

275. الإمام الباقر أو الإمام الصادق 8: أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ. (4)

276. الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا قِيلَ لَهُ: مَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ؟ - : أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلَّهِ، وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ. (5)

277. الكافي عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ؛ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ، فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْفَرَائِضَ؛ فَمَنْ أَذَاهُنَّ فَهُوَ حَادُّهُنَّ، وَشَهْرَ رَمَضَانَ؛ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَادُّهُ، وَالْحَجَّ؛ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَادُّهُ، إِلَّا الذِّكْرَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ، وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا) (6). فَقَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ.

قَالَ: وَكَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الذِّكْرِ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَأَكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَلَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَمَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَكُنْتُ

ص: 154

- 1- . فلاح السائل: ص 439 ح 302، بحار الأنوار: ج 86 ص 113 ح 1.
- 2- . الكافي: ج 2 ص 230 ح 1، صفات الشيعة: ص 99 ح 35.
- 3- . الكافي: ج 2 ص 227 ح 1، بحار الأنوار: ج 67 ص 365 ح 70.
- 4- . الكافي: ج 2 ص 506 ح 2، ثواب الأعمال: ص 18 ح 13.
- 5- . المحاسن: ج 2 ص 432 ح 2499، تحف العقول: ص 364.
- 6- . الأحزاب: 41 و 42.

272. امام علی علیه السلام - از دعای ایشان پس از نماز عشا - : بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که فراوان یاد تو می کنند و پیاپی، سپاس تو می گویند و پیوسته به عبادت تو می پردازند.

273. امام علی علیه السلام - در توصیف مؤمن - : دلش خاشع است، پروردگارش را یاد می کند...، کارش استوار است و بسیار ذکر می گوید.

274. امام علی علیه السلام: مؤمن... باوقار و همواره به یاد خداست.

275. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» را بسیار بگویند؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند عزوجل محبوب تر از گفتن «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست.

276. امام صادق علیه السلام - در پاسخ این پرسش که: گرامی ترین بندگان نزد خداوند کیست؟ - : آن که بیشتر به یاد خدا باشد و در طاعت او بیشتر بکوشد.

277. الکافی - به نقل از ابن قده - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر چیزی حدی دارد که در آن جا به پایان می رسد، مگر یاد خدا که حدی پایان پذیر ندارد. خداوند عزوجل فرایض را واجب گردانید و هر کس آنها را به جای آورد، همان، حد آنهاست. ماه رمضان را واجب گردانید و هر کس این ماه را روزه بدارد، همان، حد آن است. حج را واجب گردانید و هر کس حج بگذارد، همان، حد آن است، بجز یاد خدا که خداوند عزوجل به اندک آن، رضایت نداده و برای آن، حدی که در آن جا پایان پذیرد، قرار نداده است».

سپس این آیه را تلاوت فرمود: (ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید \* و بام و شام، او را به پاکی بستنید). سپس فرمود: «خداوند عزوجل برای ذکر، حدی پایان پذیر، قرار نداده است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم بسیار [خدا را] یاد می کرد. من به همراه او می رفتم و او یاد خدا می کرد. با او غذا می خوردم و می دیدم که خدا را یاد می کند. با مردم، سخن (برای مردم، حدیث) می گفت؛ ولی این کار، او را از

أرى لسانه لازقاً بحنكه يقول: لا إله إلا الله. وكان يجمعنا فيأمرنا بالذكر حتى تطلع الشمس. ويأمر بالقراءة من كان يقرأ منا، ومن كان لا يقرأ منا أمره بالذكر. (1)

278. الإمام الصادق عليه السلام: أنصف الناس من نفسك، وواسيهم في مالك، وأرض لهم بما ترضى لنفسك، وأذكر الله كثيراً، وإياك والكسل والضجر. (2)

279. عنه عليه السلام: قال الله عز وجل لموسى عليه السلام: اجعل لسانك من وراء قلبك تسلم، وأكثر ذكري بالليل والنهار. (3)

280. الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إن موسى عليه السلام ناجاه الله تبارك وتعالى، فقال له في مناجاته: يا موسى... أكثر ذكري بالليل والنهار تغنم. (4)

281. إرشاد القلوب: كان مما ناجى به الباري تعالى داود عليه السلام: ... يا داود! إذا جنَّ عليك الليل فانظر إلى ارتفاع النجوم في السماء، وسبحني وأكثر من ذكري، حتى أذكرك. (5)

282. رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا إن خير أعمالكم، وأذاها عند مليككم، وأرفعها عند ربكم في درجاتكم، وخير ما أطلعت عليه الشمس؛ ذكر الله سبحانه وتعالى. (6)

ص: 156

1- . الكافي: ج 2 ص 498 ح 1، عده الداعي: ص 233.

2- . الأمالي للمفيد: ص 182 ح 4، الزهد للحسين بن سعيد: ص 19 ح 43.

3- . الكافي: ج 2 ص 498 ح 10، بحار الأنوار: ج 13 ص 343 ح 23.

4- . الكافي: ج 8 ص 42 ح 8، تحف العقول: ص 493.

5- . إرشاد القلوب: ص 86.

6- . إرشاد القلوب: ص 60.

یاد خدا باز نمی داشت. من زبانش را می دیدم که پیوسته به کامش چسبیده و لا إله إلا الله می گوید. ما را جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع آفتاب، ذکر بگوییم و به هر يك از ما که قرآن خواندن بلد بودیم، می فرمود که قرآن بخوانیم و به آن که قرآن خواندن نمی دانست، دستور می داد ذکر بگوید.

278. امام صادق علیه السلام: با مردم، به انصاف باش و در دارایی خود، شریکشان گردان و برای ایشان، آن چیزی را بپسند که برای خود می پسندی و خدا را فراوان یاد کن و از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز.

279. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل به موسی علیه السلام فرمود: «زبانَت را در پسِ دلت قرار ده (کمتر سخن بگو) تا به سلامت مانی و شب و روز، فراوان از من یاد کن».

280. الکافی - به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است - : خداوند - تبارک و تعالی - با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او فرمود: «ای موسی!... شب و روز، مرا بسیار یاد کن تا سود ببری».

281. إرشاد القلوب: از جمله سخنانی که آفریدگار متعال در گفتگوش با داوود علیه السلام فرمود، این بود که: «... ای داوود! چون شب بر تو فرا رسد، به برآمدن ستارگان در آسمان، بنگر و مرا به پاکی بستای و فراوان، مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم».

282. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که بهترین اعمال شما و پاک ترین آنها در نزد مالکتان، و بلندمرتبه ترین آنها در پیشگاه پروردگارتان و بهترین چیزی که خورشید بر آن طلوع کرده، یاد خداوند پاک و بلندمرتبه است.

283. الامام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أخبركم بخير أعمالكم لكم، أرفعها (1) في درجاتكم، وأزكاها عند مليككم، وخير لكم من الدينار والدرهم، وخير لكم من أن تلقوا عدوكم فتقتلوهم ويقتلوكم؟ فقالوا: بلى.

فقال: ذكر الله كثيراً. (2)

6/2 كثرة الاستغفار

284. رسول الله صلى الله عليه وآله: أكثروا من الاستغفار في شهر رجب، فإن لله في كل ساعة منه عتقاء (3) من النار، وإن لله مدائن لا يدخلها إلا من صام [شهر (4)] رجب. (5)

285. عنه صلى الله عليه وآله: رجب شهر الاستغفار لأمتي، أكثروا فيه الاستغفار، فإنه غفور رحيم، وشعبان شهري، استكثروا في رجب من قول: «استغفر الله»، وأسألوا الله الإقالة والتوبة فيما مضى، والعصمة فيما بقي من آجالكم. (6)

6/3 الأُنس بالله

286. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يستوحش من كان الله أنيسه، ولا يذل من كان الله

ص: 158

1- في الوسائل ج 7 ص 155 ح 8986: «وأرفعها».

2- الكافي: ج 2 ص 499 ح 1؛ سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1245 ح 3790.

3- في النسخة التي بأيدينا: «منها عتقاء»، وما أثبتناه من كنز العمال.

4- ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمال.

5- الفردوس: ج 1 ص 81 ح 247، كنز العمال: ج 1 ص 481 ح 2101.

6- النوادر للأشعري: ص 17 ح 2، بحار الأنوار: ج 97 ص 38 ح 24.

283. امام صادق صلی الله علیه و آله: به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را از بهترین اعمالتان و پسندیده ترین آنها در نزد مالکتان، و بلندمرتبه ترین آنها - که برایتان از انفاق کردن زر و سیم و [حتی] از این که با دشمنان رو به رو شوید و گردن آنها را بزنید و گردنتان را بزنند، بهتر است -، آگاهتان نسازم؟».

گفتند: آن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «بسیار یاد خدا کردن».

## 6/2 استغفار فراوان

284. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در ماه رجب، بسیار آمرزش خواهی کنی؛ زیرا در هر ساعتی از این ماه، خداوند، عده ای را از آتش می رها کند. برای خدا شهرهایی است که تنها کسانی وارد آنها می شوند که [ماه] رجب را روزه بگیرند.

285. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رجب، ماه آمرزش خواهی اُمّت من است. پس در این ماه، بسیار آمرزش بخواهید که خدا، آمرزگاری مهربان است. شعبان، ماه من است. در رجب، جمله «استغفر الله» را فراوان بگویند و از خداوند، در باره [گناهان] گذشته، پوزش و توبه بخواهید و برای باقی مانده عمرتان، مصونیت [از گناه].

## 6/3 انس با خدا

286. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که مونسش خدا باشد، احساس تنهایی نمی کند و کسی که خدا عزیزش داشته باشد، خوار نمی شود و کسی که با خدا بی نیاز گشته

ص: 159

أَعَزَّةً، وَلَا يَقْتَرِرُ مَنْ كَانَ بِاللَّهِ غَنَاؤُهُ، فَمَنْ اسْتَأْنَسَ بِاللَّهِ أَنْسَهُ اللَّهُ بِغَيْرِ أُنَيْسٍ. (1)

287. عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ، آمِنِينَ بِوَعْدِكَ، آسِينَ مِنْ خَلْقِكَ، آسِينَ بِكَ، مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ، رَاضِينَ بِقَضَائِكَ، صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ. (2)

288. الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ... كُنْ لِي أُنَيْسًا مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَأَعِصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ. (3)

289. عنه عليه السلام: مَنْ انْفَرَدَ عَنِ النَّاسِ أَنْسَ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ. (4)

290. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَأْنُسُ بِاللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَوْحِشُ مِنَ الْخَلْقِ؟ (5)

291. عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْآسِينَ لِأَوْلِيَانِكَ، وَأَحْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، تُشَاهِدُهُمْ فِي سَرَائِرِهِمْ، وَتَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي ضَمَائِرِهِمْ، وَتَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ.

فَأَسْرَأُهُمْ لَكَ مَكْشُوفَةً، وَقُلُوبُهُمْ إِلَيْكَ مَلْهُوفَةً، إِنْ أَوْحَشَتْ تَهُمُ الْعُرْبَةَ أَنْسَهُهُمْ ذِكْرُكَ، وَإِنْ صَدَّبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَّوْا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ، عِلْمًا بِأَنَّ أَرْزَمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ، وَمَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ. (6)

292. عنه عليه السلام - مِنْ كَلَامٍ لَهُ -: كُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا، وَبِذِكْرِهِ آسِيًا، وَتَمَثَّلْ فِي حَالِ تَوَلِّيكَ عَنْهُ إِقْبَالَهِ عَلَيْكَ، يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ وَيَتَغَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ وَأَنْتَ مُتَوَلِّئٌ إِلَى غَيْرِهِ. (7)

293. عنه عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُؤْنِسُكَ بِذِكْرِهِ فَقَدْ أَحْبَبَكَ. إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُؤْنِسُكَ بِخَلْقِهِ وَيُوحِشُكَ مِنْ ذِكْرِهِ فَقَدْ أَبْغَضَكَ. (8)

ص: 160

1- . مشكاة الأنوار: ص 223 ح 618.

2- . جامع الأخبار: ص 364 ح 1013، بحار الأنوار: ج 95 ص 360 ح 16.

3- . مهج الدعوات: ص 152 و 143، بحار الأنوار: ج 95 ص 252 ح 32.

4- . غرر الحكم: ج 5 ص 338 ح 8644، عيون الحكم والمواعظ: ص 440 ح 7647.

5- . غرر الحكم: ج 4 ص 566 ح 7003، عيون الحكم والمواعظ: ص 383 ح 6475.

6- . نهج البلاغة: الخطبة 227، بحار الأنوار: ج 69 ص 329 ح 40.

7- . نهج البلاغة: الخطبة 223، غرر الحكم: ج 4 ص 615 ح 7187.

8- . غرر الحكم: ج 3 ص 131 ح 4040 و 4041، عيون الحكم والمواعظ: ص 135 ح 3070 و 3071.



باشد، نیازمند نمی شود و کسی که با خدا انس گرفته باشد، خداوند، او را بدون مونس نیز از تنهایی در می آورد.

287. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار الها! ما را به فرمانت مشغول، به وعده ات مطمئن، از آفریده ات نومید، با خودت مأنوس، از غیر خودت، گریزان، به قضایت، خشنود و بر بلایت شکیبیا بگردان.

288. امام علی علیه السلام: خدایا!... مونس من در هر تنهایی باش و مرا از هر هلاکتی حفظ فرما.

289. امام علی علیه السلام: پیوستن به خدا، در بریدن از مردم است.

290. امام علی علیه السلام: چگونه با خدا انس گیرد، آن که از مردم، دوری نگزیده است؟!

291. امام علی علیه السلام: بار الها! تو برای دوستانت، همدم ترین همدمانی و برای توکل کنندگان به تو، از همه کاردان تر. بر نهانی هایشان بینایی و از درون هایشان باخبری و از حدّ بینش آنان، آگاهی. رازهایشان بر تو آشکارند و دل هایشان شیفته تو. اگر غربت به وحشتشان اندازد، یاد تو آرامشان می سازد و اگر مصیبت ها بر آنان فرو بارد، به سوی تو پناه می آورند؛ زیرا می دانند که سررشته کارها به دست تو و خاستگاه آنها قضای توست.

292. امام علی علیه السلام: فرمان بردار خدا و با یادش دمخور باش و در آن وقت که از او روی می گردانی، رویکرد او را به خود در نظر آور. او تو را با آن که از وی روی گردانده ای و به دیگری روی آورده ای، به عفو و بخشایش خویش فرا می خواند و تو را غرق در فضل و کرم خود می گرداند.

293. امام علی علیه السلام: هر گاه دیدی که خداوند سبحان، تو را انیس یاد خود کرده است، بی گمان دوستت دارد و هر گاه دیدی که تو را با خلقش انیس کرده و از یاد خویش جدایت ساخته است، بی گمان، تو را ناخوش می دارد.

294. عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ حَنَّتْ قُلُوبُ الْمُحِبِّينَ، وَبِكَ أُنْسَتْ عُقُولُ الْعَاقِلِينَ. (1)

295. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دعاء أبي حمزة الثمالي - : إلهي!... إرحم في هذه الدنيا غربتي، وعند الموت كرتي... حتى لا أستأنس بغيرك، يا سيدي إن وكلتني إلى نفسي هلكت. (2)

296. عنه عليه السلام - في مناجاة المحبين - : إلهي! من ذا الذي ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلاً، ومن ذا الذي أنس بقربك فابتغى عنك حولاً (3)، إلهي! فاجعلنا ممن اصطفتيه لقربك وولايتك. (4)

297. عنه عليه السلام: إلهي!... أستغفرُك من كل لذة بغير ذكرك، ومن كل راحة بغير أنسك، ومن كل سرور بغير قربك، ومن كل شغل بغير طاعتك. (5)

298. الإمام الصادق عليه السلام: إن معرفة الله عزوجل أنس من كل وحشة، وصاحب من كل وحدة، ونور من كل ظلمة، وقوة من كل ضعف، وشفاء من كل سقم. (6)

299. عنه عليه السلام - من دعائه عند الصباح - : اللَّهُمَّ... وأنت أنس الأنسين لأوليائك، وأحرى بكفاية المتوكل عليك، وأولى بنصر الواثق بك، وأحق برعاية المنقطع إليك، سيري لك مكشوف وأنا إليك ملهوف، وأنا عاجز وأنت قدير، وأنا صغير وأنت كبير، وأنا ضعيف وأنت قوي، وأنا فقير وأنت غني، إذا وحشتني الغربة أنسني ذكرك. (7)

ص: 162

1- . بحار الأنوار: ج 87 ص 242 ح 51 نقلاً عن مصباح السيد ابن الباقي.

2- . مصباح المتهجد: ص 593 ح 691، الإقبال: ج 1 ص 169.

3- . التحوّل: التّنقل من موضع إلى موضع، والاسم: الحوّل (الصحاح: ج 4 ص 1680 «حول»).

4- . بحار الأنوار: ج 94 ص 148 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

5- . بحار الأنوار: ج 94 ص 151 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

6- . الكافي: ج 8 ص 247 ح 347.

7- . مهج الدعوات: ص 227، بحار الأنوار: ج 94 ص 277 ح 1.

294. امام علی علیه السلام: بار الها! دل های افتادگان، مشتاق توست و خرد خردمندان، با تو همدم شده است.

295. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای معروف به ابو حمزه -: خدایا!... رحم کن در این دنیا به غربتم، و هنگام مرگ به غم و حسرتم... تا جز با تو اُنس نگیرم! سرورا! اگر مرا به خودم وا نهی، تباه می شوم.

296. امام زین العابدین علیه السلام - در مناجات معروف به «مناجات محبین» -: بار الها! چه کسی شیرینی محبت تو را چشید و پس از آن، در پی جای گزینی برایت برآمد؟! چه کسی به نزدیکی با تو اُنس گرفت و پس از آن، خواستار جا به جایی از کنارت شد؟! بار الها! ما را از کسانی قرار ده که برای نزدیکی و دوستی ات برگزیدی.

297. امام زین العابدین علیه السلام: بار الها!... از هر لذتی جز یاد تو، از هر آسایشی جز همدمی تو، از هر شادمانی ای جز نزدیکی به تو، و از هر کاری جز فرمانبری ات، به درگاه تو آمرزش می خواهم.

298. امام صادق علیه السلام: در حقیقت، شناخت خدا، مونسی در برابر هر بی کسی، همدمی در برابر هر تنهایی، نوری در برابر هر تاریکی، نیرویی در برابر هر ناتوانی، و درمانی برای هر بیماری است.

299. امام صادق علیه السلام - در دعای صبح گاهان -: خدایا!... تو اُنس گیرنده ترین مونسان با اولیای هستی و شایسته ترین کس به کفایت کردن توکل کنندگان بر او، و سزاوارترین فرد به یاری اعتماد کنندگان بر وی، و مُحق ترین کس به مراقبت از گسستگان از همه و پیوسته به او. رازم برایت آشکار است و فریاد رسم تویی. من ناتوانم و تو توانایی. من کوچکم و تو بزرگی. من ضعیفم و تو نیرومندی. من نیازمندم و تویی نیازی. چون از غربتم احساس تنهایی می کنم، ذکر تو مونسم می شود.

300. الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أُنِسَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، لَمْ تُوَحِّشْهُ مُفَارَقَةُ الْإِخْوَانِ. (1)

301. جامع الأخبار: اسْتَوْصَى رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خُرُوجِهِ إِلَى السَّفَرِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إِنْ أَرَدْتَ الْمُؤْنِسَ فَالْقُرْآنُ يَكْفِيكَ. (2)

302. الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي دُعَائِهِ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُؤْنِسًا، وَمِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسْوَاسِ حَارِسًا. (3)

303. الإمام الصادق عليه السلام - مِنْ قَوْلِهِ بَعْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ -: اللَّهُمَّ ... اجْعَلْهُ لِي أُنْسًا فِي قَبْرِي، وَأُنْسًا فِي حَشْرِي، وَأُنْسًا فِي نَشْرِي. (4)

6/5 الأُنس بِكُتُبِ الْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ

304. رسول الله صلى الله عليه وآله: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ... وَهُوَ أُنْسٌ فِي الْوَحْشَةِ، وَصَاحِبٌ فِي الْوَحْدَةِ. (5)

305. عنه صلى الله عليه وآله: الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ، وَالْجِلْمُ وَزِيرُهُ، وَالْعَقْلُ دَلِيلُهُ، وَالْعَمَلُ قِيَمُهُ، وَاللَّيْنُ أَخُوهُ، وَالرِّفْقُ وَالرِّدْهُ، وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ. (6)

ص: 164

1- . غرر الحكم: ج 5 ص 369 ح 8790، عيون الحكم والمواعظ: ص 437 ح 7575.

2- . جامع الأخبار: ص 511 ح 1431، مستدرك الوسائل: ج 8 ص 244 ح 9355.

3- . الصحيفة السجادية: ص 159 الدعاء 42، مصباح المتهجد: ص 520 ح 603.

4- . الإختصاص: ص 141، الإقبال: ج 1 ص 234.

5- . الخصال: ص 522 ح 12، الأمالي للصدوق: ص 713 ح 982.

6- . المجازات النبوية: ص 188 ح 154، تهذيب الكمال: ج 6 ص 241 الرقم 1248.

## 6/4 اُنس با قرآن

300. امام علی علیه السلام: هر که به تلاوت قرآن اُنس گیرد، جدایی برادران، او را به تنهایی نمی اندازد.

301. جامع الأخبار: مردی هنگام مسافرت رفتن از امیر مؤمنان علی علیه السلام خواست که سفارشی به وی بکند. امام علیه السلام فرمود: «اگر مونسى خواستی، قرآن کفایت می کند».

302. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای خود هنگام ختم قرآن - : خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و قرآن را در تاریکی شب ها مونس ما، و در کشش ها و گذر و سوسه های شیطانی [بر دل]، نگهدار ما قرار بده.

303. امام صادق علیه السلام - از آنچه بعد از قرائت قرآن می فرمود - : خداوندا!... آن را همدم من در گورم و مونس من در حشر و نشرم در قیامت قرار بده.

## 6/5 اُنس به کتاب های علمی و معرفت افزا

304. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش بیاموزید... که همدم بی کسی و همراه در تنهایی است.

305. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش، دوست مؤمن است و بردباری، وزیر او و خرد، راه نمایش و عمل، نگهبان او و شکیبایی، سردار لشکریانش و مدارا، پدرش و نیکوکاری، برادر اوست.

ص: 165

306. عنه صلى الله عليه وآله: أطلُّبوا العِلْمَ في مَظَانِّهِ... لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَمَنَارُ سُدِّ بَيْلِ الْجَنَّةِ، وَالْمُؤَسُّسُ فِي الْوَحْشَةِ، وَالصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالْوَحْدَةِ، وَالْمُحَدِّثُ فِي الْخَلْوَةِ. (1)

307. الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَةٌ. (2)

308. الإمام الباقر عليه السلام: العِلْمُ ثِمَارُ الْجَنَّةِ، وَأَنْسُ فِي الْوَحْشَةِ. (3)

309. الإمام الصادق عليه السلام - لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ - : أَكْتُبُ وَبُتَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ، فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرِثْ كُتُبَكَ بَنِيكَ؛ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْتُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ. (4)

6/6 التَّهْجُدُ

أ - فَضْلُ قِيَامِ اللَّيْلِ

الكتاب

(تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \* فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (5)

(إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً). (6)

الحديث

310. الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا

ص: 166

1- . الأماي للطوسي: ص 488 ح 1069، عدّة الداعي: ص 63.

2- . غرر الحكم: ج 5 ص 233 ح 8126، عيون الحكم والمواعظ: ص 442 ح 7727.

3- . أعلام الدين: ص 302، نزهة الناظر: ص 162 ح 318.

4- . الكافي: ج 1 ص 52 ح 11، منية المرید: ص 341.

5- . السجدة: 16.

6- . المزمّل: 6.

306. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش را از جایگاه های آن بجویید...؛ زیرا دانش، وسیله شناختِ حلال و حرام و نشان راه های بهشت است و همدم بی کسی، و یار در غربت و تنهایی، و هم سخن در خلوت است.

307. امام علی علیه السلام: کسی که خود را با کتاب ها آرامش دهد، هیچ آرامشی را از دست نمی دهد.

308. امام باقر علیه السلام: دانش، میوه بهشت و مونس در تنهایی است.

309. امام صادق علیه السلام - خطاب به مفضل بن عمر - : بنویس و دانشت را در میان برادرانت پراکنده ساز و هنگام مرگ، کتاب هایت را برای پسرانت به ارث بگذار، که روزگاری آشفته بر مردم می آید که در آن، جز به کتاب هایشان اُنس نمی گیرند.

## 6/6 شب زنده داری

### الف - فضیلت شب زنده داری

#### قرآن

(پهلوهایشان از بسترها دور می شود [و به نماز می ایستند] و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. پس هیچ کس نمی داند به پاداش کارهایی که می کردند، چه روشنی چشمی برای آنان نهفته [و اندوخته] شده است!)

(بی گمان [برای بندگی]، عبادت شبانه، گامی پا بر جاتر و سخنی استوارتر است).

#### حدیث

310. امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام - در باره آیه (بی گمان [برای بندگی]، عبادت شبانه

ص: 167

وَأَقُومُ قِيَالًا) - هُوَ الْقِيَامُ آخِرَ اللَّيْلِ إِلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ. (1)

311. الإمام الصادق عليه السلام - في قولِ الله تعالى: (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيَالًا) -: يَعْنِي بِقَوْلِهِ: (وَأَقُومُ قِيَالًا) قِيَامُ الرَّجُلِ عَنِ فِرَاشِهِ يُرِيدُ بِهِ اللَّهُ لَا يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ. (2)

312. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْمَكْتُوبَةِ الصَّلَاةُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ. (3)

313. عنه صلى الله عليه وآله: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ، وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ. (4)

314. عنه صلى الله عليه وآله: فَضْلُ صَلَاةِ اللَّيْلِ عَلَى صَلَاةِ النَّهَارِ كَفَضْلِ صَدَقَةِ السَّرِّ عَلَى الْعَلَانِيَةِ. (5)

315. رسول الله صلى الله عليه وآله - في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ فَرَاحَاتٍ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ، وَتَقْطِيرُ الصَّائِمِ، وَالتَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ. (6)

ب - الْحَثُّ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ

الكتاب

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا). (7)

الحديث

316. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ يُوصِينِي [جَبْرَيْلُ] بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ خِيَارَ أُمَّتِي لَنْ يَنَامُوا. (8)

317. عنه صلى الله عليه وآله - في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَا عَلِيُّ، صَلِّ مِنَ اللَّيْلِ وَلَوْ قَدَرَ حَلَبِ شَاةٍ، وَبِالْأَسْحَارِ

ص: 168

- 1- . التبيان في تفسير القرآن: ج 10 ص 163، تفسير القرطبي: ج 19 ص 40.
- 2- . الكافي: ج 3 ص 446 ح 17، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 336 ح 1385.
- 3- . صحيح مسلم: ج 2 ص 821 ح 1163، الإقبال: ج 3 ص 44.
- 4- . علل الشرائع: ص 35 ح 4؛ تفسير القرطبي: ج 5 ص 401.
- 5- . المعجم الكبير: ج 10 ص 179 ح 10382، الزهد والرقائق: ص 9 ح 25.
- 6- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 360 ح 5762، الخصال: ص 125 ح 121.
- 7- . الإسراء: 79.
- 8- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 13 ح 4968؛ مسند أبي حنيفة: ص 167 ح 28.



گامی پا بر جاتر و سخنی استوارتر است) - منظور، برخاستن در ساعات پایانی شب برای نماز شب است.

311. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خداوند متعال: (بی گمان [برای بندگی]، عبادت شبانه، گامی پا بر جاتر و سخنی استوارتر است) - منظور از (وسخنی استوارتر است)، این است که شخص، تنها برای خدا و نه جز او، از بسترش برخیزد.

312. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین نماز پس از نماز واجب، نماز در دل شب است.

313. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، ابراهیم علیه السلام را خلیل [خود] نمود، مگر از آن رو که مردم را إطعام می کرد و شب هنگام که مردم خفته بودند، به نماز می ایستاد.

314. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فضیلت نماز شب بر نماز روز، به سان فضیلت صدقه نهانی بر صدقه آشکار است.

315. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش ایشان به علی علیه السلام - : ای علی! سه چیز مایه شادمانی مؤمن در دنیا است: دیدار برادران، افطاری دادن به روزه دار، و عبادت آخر شب.

## ب - ترغیب به شب زنده داری

قرآن

(وافزون بر واجبات، پاسی از شب را شب زنده داری کن. امید است پروردگارت تو را به مقامی ستوده برانگیزد).

حدیث

316. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [جبرئیل] پیوسته مرا به شب زنده داری سفارش می کرد، چندان که گمان کردم نیکان امت من هرگز نخواهند خفت.

317. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش ایشان به علی علیه السلام - : ای علی! پاسی از شب را نماز

ص: 169

فَادْعُ؛ لَا تُرَدُّ لَكَ دَعْوَةٌ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: (وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ) (1). (2)

318. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْصَانِي بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ...: دَاوِمِ عَلَيَّ التَّهَجُّدَ بِاللَّيْلِ؛ فَإِنَّ أُمُورَ الْمُؤْمِنِ تَسْتَقِيمُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ. (3)

ج - فَضْلُ الْمُتَهَجِّدِ

الكتاب

(لَيْسُوا سِوَاءَ مَنْ أَهَلَ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ). (4)

(وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا\* وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا). (5)

(أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ). (6)

(كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ\* وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ). (7)

الحديث

319. الإمام الباقر عليه السلام - في قوله تعالى: (آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ) -: يعنى صلاة الليل. (8)

320. الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله تعالى: (كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ) (9) -: كانوا أقل الليالي تفوتهم لا يقومون فيها. (10)

ص: 170

1- . آل عمران: 17.

2- . مكارم الأخلاق: ج 2 ص 54 ح 2134، شعب الإيمان: ج 3 ص 162 ح 3216.

3- . لبّ الباب للراوندي: ج 1 ص 117، مستدرک الوسائل: ج 6 ص 338 ح 6948.

4- . آل عمران: 113.

5- . الفرقان: 63-64.

6- . الزمر: 9.

7- . الذاريات: 17-18.

8- . الكافي: ج 3 ص 444 ح 11، علل الشرائع: ص 363 ح 8.

9- . الذاريات: 17.

10- . الكافي: ج 3 ص 446 ح 18، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 336 ح 1386.

بخوان، اگرچه به اندازهٔ زمان دوشیدن گوسفندی باشد، و در سحرگاهان دعا کن، که دعایت رد نمی شود؛ زیرا خداوند - تبارک و تعالی - [در وصف پرهیزگاران] می فرماید: (وآمزش خواهان در سحرگاهان).

318. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، مرا به پنج چیز سفارش فرمود: «... [و این که] پیوسته شب زنده داری کن؛ زیرا کارهای مؤمن، در عبادت شبانگاهی سامان می یابد».

### ج - فضیلت شب زنده دار

قرآن

(آنها (اهل کتاب) یکسان نیستند. از ایشان، گروهی راست کردارند که در طول شب و سجده کنان، آیات خدا را می خوانند).

(بندگان [خاصّ خدای] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هنگامی که نابخردان، آنها را مخاطب سازند [و سخنان نابخردانه گویند]، به آنها سلام می گویند [و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند]؛ کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند).

([آیا کسی که تنها به گاه نیاز، خدایش را می خواند، با ارزش است] یا کسی که در درازای شب در سجده و قیام به طاعت مشغول است و از روز واپسین پروا دارد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟).

(آنها اندکی از شب را می خوابیدند و در سحرگاهان، استغفار می کردند).

حدیث

319. امام باقر علیه السلام - در بارهٔ این سخن خدای متعال: (در درازای شب، در سجده و قیام به طاعت مشغول است و از روز واپسین پروا دارد و به رحمت پروردگارش امیدوار است) - مقصود، نماز شب است.

320. امام صادق علیه السلام - در بارهٔ این سخن خدای متعال: (آنها اندکی از شب را می خوابیدند) - کمتر شبی بود که آن را از دست بدهند و برای عبادت در آن برنخیزند.

ص: 171

321. رسول الله صلى الله عليه وآله - في قوله تعالى: (وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) - : يُصَلُّونَ. (1)

322. عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَأَفْشَى السَّلَامَ، وَصَلَّى النَّاسُ نِيَامًا. (2)

323. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا بْنَ عِمْرَانَ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّه يُجِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي؛ أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟! هَا أَنَا ذَا يَا بْنَ عِمْرَانَ مُطَّلِعٌ عَلَى أَحِبَّائِي، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ حَوَّلْتُ أَبْصَارَهُمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَمَثَلْتُ عَقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ، يُخَاطِبُونِي عَنِ الْمُشَاهَدَةِ، وَيُكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ.

يَابْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِي مِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ، وَمِنْ بَدَنِكَ الْخُضُوعَ، وَمِنْ عَيْنِكَ الدُّمُوعَ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ، وَادْعُنِي؛ فَإِنَّكَ تَجِدُنِي قَرِيبًا مُجِيبًا. (3)

د - عَظْمَةُ ثَوَابِ قِيَامِ اللَّيْلِ

الكتاب

(تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \* فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (4)

الحديث

324. الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ عَمَلٍ حَسَنٍ يَعْمَلُهُ الْعَبْدُ إِلَّا وَلَهُ ثَوَابٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا صَلَاةَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَيِّنْ ثَوَابَهَا لِعَظَمِ خَطَرِهَا عِنْدَهُ، فَقَالَ: (تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \* فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (5)

ص: 172

1- . الفردوس ح: ج 4 ص 413 ح 7201 عن ابن عمر، مجمع البيان ح: ج 9 ص 234.

2- . الكافي: ج 4 ص 50 ح 3؛ مسند ابن حنبل: ج 8 ص 449 ح 22968.

3- . الأمالي للصدوق: ص 438 ح 577؛ ربيع الأبرار: ج 2 ص 95.

4- . السجدة: 16 و 17.

5- . تفسير القمّي: ج 2 ص 168، مجمع البيان: ج 8 ص 518.

321. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در باره این سخن خدای متعال: (و در سحرگاهان آمرزش می خواستند) -: یعنی نماز می گزاردند.

322. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما، کسی است که [به دیگران] طعام بدهد و سلام را همگانی گرداند و آن گاه که مردم خفته اند، به نماز برخیزد.

323. امام صادق علیه السلام: از جمله رازگویی های خداوند عزوجل با موسی بن عمران علیه السلام آن بود که به او فرمود: «ای پور عمران! دروغ می گوید آن که می پندارد دوستم می دارد و چون شب می آید، از من غفلت می کند و می خوابد. مگر هر دوستداری، خلوت با محبوبش را دوست ندارد؟! ای پور عمران! اینک، این منم که بر دوستانم آگاهم که چون شب آنان را فرو پوشد، دیده دلشان را [از دیدن غیر] بر می گردانم و کیفرم (مجازاتم) را پیش چشمانشان مجسم می کنم و چنان با من سخن می گویند که گویی مرا می بینند و چنان مرا مخاطب می سازند که گویی در حضورم هستند.

ای پور عمران! از قلبت، شکستگی، از تنت، افتادگی و از چشمانت، اشک ها را در تاریکی شب، نثار من کن و مرا بخوان که مرا نزدیک و اجابت کننده خواهی یافت».

## د - پاداش بزرگ شب زنده داری

قرآن

(پهلوهایشان از بسترها دور می شود [و به نماز می ایستند] و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. پس هیچ کس نمی داند به پاداش کارهایی که می کردند، چه روشنی چشمی برای آنان نهفته (اندوخته) شده است!).

حدیث

324. امام صادق علیه السلام: هر کار نیکی که بنده می کند، در قرآن برایش ثوابی ذکر شده، جز نماز شب که از بس نزد خدا پُراهمیت است، پاداشش را بیان نکرده و فرموده است: (پهلوهایشان از بسترها جدا می شود [و به نماز می ایستند] و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. پس هیچ کس نمی داند به پاداش کارهایی که می کردند، چه روشنی چشمی برای آنان نهفته (اندوخته) شده است!).

ص: 173

هـ - إهِتِمَامُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالتَّهَجُّدِ

الكتاب

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا). (1)

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا). (2)

(وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ \* وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ). (3)

(يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ \* فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا). (4)

(إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ). (5)

الحديث

325. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا) -: أمره أن يصلي في ساعات من الليل،

فَفَعَلَ. (6)

326. تهذيب الأحكام عن عمارة الساباطي: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِنَى، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا تَقُولُ فِي التَّوَافِلِ؟ فَقَالَ:

فَرِيضَةٌ، فَفَزِعْنَا وَفَرَعَ الرَّجُلُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا أَعْنِي صَلَاةَ اللَّيْلِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَمِنَ

اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ). (7)

327. الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله تعالى: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ) -: هُوَ الْوَتْرُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ. (8)

ص: 174

1- . الإنسان: 26.

2- . الإسراء: 79.

3- . الطور: 48-49.

4- . المزمّل: 1-4.

5- . المزمّل: 20.

6- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 211، بحار الأنوار: ج 87 ص 159 ح 47.

7- . تهذيب الأحكام: ج 2 ص 242 ح 959، بحار الأنوار: ج 87 ص 122.

8- . دعائم الإسلام: ج 1 ص 204، الذكري (المطبوعة في رسائل الشهيد الأول ج 6): ج 2 ص 277.

قرآن

(وپاسی از شب، برای او سجده نما و شبی دراز، تسبیحش کن).

(وافزون بر واجبات، پاسی از شب را، بیدار باش. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد).

(وهنگامی که بر می خیزی، پروردگارت را تسبیح و حمد گوی و لختی از شب، او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان [در سپیده دمان]).

(ای جامه به خود پیچیده! شب را، جز کمی، به پا خیز. نیمی از شب، یا کمی از آن بکاه، یا بر آن بیفزا و قرآن را با دقت و تأمل بخوان).

(پروردگارت می داند که تو [پیامبر] و گروهی از آنها که با تو هستند، نزدیک دو سوم شب یا نیم یا یک سوم آن را به پا می خیزند).

حدیث

325. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خداوند متعال: (وپاسی از شب، برای او سجده نما و شبی دراز، تسبیحش کن) - به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که در ساعاتی از شب، نماز بخواند و پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد.

326. تهذیب الأحکام - به نقل از عمّار ساباطی - در من نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم. مردی به ایشان گفت: در باره نافله ها چه نظر دارید؟ فرمود: «واجب اند». ما و آن مرد [از شنیدن این سخن که تکلیف سختی را بر عهده ما می نهاد]، هراسناک شدیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصودم نماز شب برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. خداوند می فرماید: (وافزون بر واجبات، پاسی از شب را شب زنده داری کن)».

327. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خدای متعال: (لختی از شب، او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان [در سپیده دمان]) - مقصود، نماز وتر در پایان شب است.

ص: 175

328. الإمام الباقر عليه السلام - في قولِ اللَّهِ تَعَالَى: (قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا) -: أَمْرُهُ اللَّهُ أَنْ يُصَلِّيَ كُلَّ لَيْلَةٍ، إِلَّا أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ لَيْلَةٌ مِنَ اللَّيَالِي لَا يُصَلِّي فِيهَا شَيْئًا. (1)

و- إهِتِمَامُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالتَّهَجُّدِ

329. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ أَمِيرِنَا أَنْ نُطْعِمَ الطَّعَامَ، وَنُؤَدِّيَ فِي النَّاسِ الْبَائِئَةَ (2)، وَنُصَلِّيَ إِذَا نَامَ النَّاسُ. (3)

330. المناقب لابن شهر آشوب عَنِ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَرَكْتُ صَلَاةَ اللَّيْلِ مُنْذُ سَمِعْتُ قَوْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «صَلَاةُ اللَّيْلِ نُورٌ».

فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ: وَلَا لَيْلَةَ الْهَرِيرِ؟! قَالَ: وَلَا لَيْلَةَ الْهَرِيرِ. (4)

331. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ عَنِ الأَصْبَغِ بْنِ نَابَتَةَ: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ صَدْرَةَ مَرَّةً التَّهَشَّدَ لِيُحْيِيَ عَلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ، فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلِيًّا... فَقَالَ ضِرَارٌ:

رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا! كَانَ - وَاللَّهِ - طَوِيلَ الشُّهَادِ، قَلِيلَ الرُّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ، وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ، وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ، لَا تُغْلَقُ لَهُ السُّتُورُ، وَلَا يَدَخُرُ عَنَّا الْبُدُورُ (5)، وَلَا يَسْتَلِينُ الإِتِّكَاءَ، وَلَا يَسْتَخْشِنُ الْجَفَاءَ. وَلَوْ رَأَيْتَهُ إِذْ مَثَلَ فِي مِحْرَابِهِ، وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ، يَتَمَلَّمُ تَمَلَّمُ السَّلِيمِ (6)، وَيَبْكِي بِكَاءِ الْحَزِينِ، وَهُوَ يَقُولُ:

ص: 176

- 1- . تهذيب الأحكام: ج 2 ص 335 ح 1380، بحار الأنوار: ج 87 ص 127.
- 2- . الظاهر أن المراد من البائنة هو العطاء، يقال: أَبْتَنَكَ بِنَحْلٍ؛ أَي أَعْطَيْتَكَ (أنظر: لسان العرب: ج 13 ص 64 «بين»).
- 3- . الكافي: ج 4 ص 50 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 142 ح 1368.
- 4- . المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 23؛ المصنّف لعبد الرزّاق: ج 11 ص 33 ح 19828.
- 5- . البدرّة: كيس فيه ألف أو عشرة آلاف، والجمع: البُدُور (لسان العرب: ج 4 ص 49 «بدر»).
- 6- . السَّلِيم: اللدّيع، يقال: سَلَمْتَهُ الْحَيَّةُ؛ أَي لَدَغْتَهُ (النهاية: ج 2 ص 396 «سلم»).



328. امام باقر علیه السلام - در باره این سخن خدای متعال: (جز اندکی از شب را به پاخیز) - خداوند به او فرمان داده است که هر شب نماز بگذارد، مگر آن که در میان شب ها شبی پیش آید که در آن، هیچ نمازی نخواند (تواند بخواند).

## و - اهتمام اهل بیت علیهم السلام به شب زنده داری

329. امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام پیوسته می فرمود: «ما خاندانی هستیم که فرمان یافته ایم خوراک اطعام کنیم و به دیگران عطایا و صله بدهیم و هنگامی که مردم خفته اند، نماز بگذاریم».

330. المناقب، ابن شهر آشوب: امام علی علیه السلام فرمود: «از زمانی که این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را که: "نماز شب، نور است" شنیدم، دیگر آن را ترک نکردم».

ابن کوا گفت: حتی در شب هریر؟

فرمود: «حتی در شب هریر» (1).

331. الامالی، صدوق - به نقل از اصیغ بن نباته -: ضرار بن صَدْمَرَة نَهْشَلِي، بر معاویة بن ابی سفیان وارد شد. معاویة به او گفت: علی را برایم توصیف کن.... ضرار گفت: رحمت خدا بر علی باد! به خدا سوگند، او بسیار بیدار بود و کم می خفت. شب و روز، کتاب خدا را تلاوت می کرد. خون قلبش را در راه خدا نثار می کرد و به پیشگاه او با اشک پناه می بُرد. پرده های حاجب برایش افکنده نمی شد (همواره در دسترس مردم بود) و کیسه های زر و سیم را از ما دریغ نمی کرد [تا برای خود بیندوزد]. بر نازبالش تکیه نمی زد و جامه زبر را زُمُخت و خشن به شمار نمی آورد. کاش آن هنگام که شب، پرده های سیاهش را فرو می آویخت و ستارگانش غروب می کردند و او در محرابش می ایستاد، می دیدی اش که چگونه محاسنش را در دست گرفته است و چونان مار گزیده، به خود می پیچد و غمگینانه ناله سر می دهد و می گوید:

ص: 177

1- . لیلۃ الہریر: آخرین شب جنگ صِمْقین و سخت ترین زمان آن، که شدت نبرد به حدی بود که رزمندگان، نماز خود را بر روی اسب می خواندند. صبح روز بعد، مالک اشتر موفق شد خود را به نزدیکی مقر فرماندهی معاویة برساند؛ اما با توطئه عمرو عاص و خوارج، نتیجه جنگ به حکمیت سپرده شد. واژه «هریر»، به معنای زوزه سگ در هنگام شدت سرماست. شدت جنگ و چکاچک شمشیرها و شاید ناله ها سبب تشبیه این شب به «لیلۃ الہریر» شده است.

يا دُنْيا! إِلَيَّ تَعَرَّضْتَ، أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقَتْ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لا حَاجَةَ لِي فِيكَ، أُبْتِكُ ثَلَاثًا لا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ. (1)

332. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعائه يَوْمَ عَرَفَةَ - : وَأَعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْظَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَقَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَتَجَرُّدِي بِسَدِّ كَوْنِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. (2)

333. تاريخ بغداد عن يحيى العلوي: كَانَ مَوْسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُدْعَى الْعَبْدَ الصَّالِحَ؛ مِنْ عِبَادَتِهِ وَاجْتِهَادِهِ. رَوَى أَصْحَابُنَا أَنَّهُ دَخَلَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَدَّ سَجْدَةَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ، وَسَمِعَ وَهُوَ يَقُولُ فِي سُدُودِهِ: «عَظِيمُ الذَّنْبِ عِنْدِي، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ عِنْدَكَ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ»، فَجَعَلَ يُرَدِّدُهَا حَتَّى أَصْبَحَ. (3)

334. مصباح الزائر - في زيارة الإمام الكاظم عليه السلام - : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ... الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُؤَاصَلَةِ الْإِسْتِغْفَارِ، حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ، وَالذُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ، وَالْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ. (4)

ز - اهْتِمَامُ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالتَّهَجُّدِ

335. الإمام الصادق عليه السلام - في صِفَةِ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : رِجَالٌ لا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيٌّ فِي مُصَلَّاهُمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ، وَيُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَدِّ يَدِهَا، كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ، وَهُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ،

ص: 178

1- . الأُمالي للصدوق: ص 724 ح 990، نهج البلاغة: الحكمة 77.

2- . الصحيفة السجادية: ص 119 الدعاء 47، المصباح للكفعمي: ص 899.

3- . تاريخ بغداد: ج 13 ص 27 الرقم 6987، تهذيب الكمال: ج 29 ص 44 الرقم 6247 وفيه «عظم» بدل «عظيم».

4- . مصباح الزائر: ص 382، بحار الأنوار: ج 102 ص 17 ح 10.

«ای دنیا! آیا خود را به من می نمایانی؟ یا آرزومند منی؟ هرگز، هرگز! مرا به تو نیازی نیست. سه طلاقه ات کرده ام و دیگر مرا به تو رجوعی نیست.»

332. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای روز عرفه - : [خدایا!] شبم را با بیدار کردنم برای عبادتت، و با تنها به شب زنده داری پرداختن برای تو، و از همه دل بریدن و به تو آرام گرفتن، و آوردن حاجت هایم به درگاه تو، و درخواست های مکرّم برای آزاد کردن خود از آتش تو، و پناه بردن به تو از عذابی که دوزخیان در آن به سر می برند، آباد ساز.

333. تاریخ بغداد - به نقل از یحیی علوی - : امام کاظم علیه السلام به سبب عبادت و سخت کوشیدنش، «عبد صالح» نامیده می شد. اصحاب ما روایت کرده اند که او داخل مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شد و در آغاز شب، سجده ای کرد و شنیده شد که در سجده اش می فرمود: «بس بزرگ است گناه من، و عفو از تو نیکوست. ای آن که سزاواری از تو پروا کنند و ای آن که سزاوار آمرزیدنی!» و این جمله را تا صبح تکرار می کرد.

334. مصباح الزائر - در زیارت امام کاظم علیه السلام - : خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و نیز بر موسی بن جعفر علیه السلام درود فرست... که تا سحر با آمرزش خواهی پی در پی، شب زنده داری می کرد؛ همو که هم پیمان سجده های طولانی و اشک های روان و مناجات های فراوان بود.

### ز - اهتمام یاران امام مهدی علیه السلام به شب زنده داری

335. امام صادق علیه السلام - در بیان ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام - : مردانی هستند که شب نمی خوابند و در نمازهایشان مانند زنبور، زمزمه و ناله می کنند، شب ها بر سر انگشتان پا و دست خود می ایستند (شب زنده داری می کنند) و صبح ها بر اسبانشان می نشینند. راهبان شب و شیران روزند و در اطاعت از او، از کنیز در برابر آقايش، مطیع ترند، و به روشنایی چراغ اند، گویی که در دل هایشان مشعل افروخته اند و آنان از بیم خدا بیمناک اند، شهادت را در

يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ، وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ: يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْتِ أَرْسَالاً(1)، بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ(2).

ح - الدُّعَاءُ الْمَأْثُورُ بَعْدَ الْوَتْرِ مِنْ نَافِلَةِ اللَّيْلِ فِي رَجَبٍ

336. مصباح المتهجد: زَوَى ابْنُ عِيَّاشٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْهَاشِمِيِّ الْمَنْصُورِيِّ، عَنِ أَبِيهِ أَبِي مُوسَى، عَنِ الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ كَانَ يَدْعُو فِي هَذِهِ السَّاعَةِ(3) بِهِ، فَادْعُ بِهِذَا فَإِنَّهُ خَرَجَ عَنِ الْعَسْكَرِيِّ فِي قَوْلِ ابْنِ عِيَّاشٍ:

يَا نَوْرَ النُّورِ، يَا مَدْبَرَ الْأُمُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ، وَكَنْزِي حِينَ تُعْجِزُنِي الْمَكَاسِبُ، وَمُونِسِي حِينَ تَجْفُونِي الْأَبْعَادُ وَتَمَلُّنِي الْأَقَارِبُ، وَمُنْزَهِي بِمُجَالَسَةِ أَوْلِيَائِهِ وَمُرَافِقَةِ أَحِبَّائِهِ فِي رِيَاضِهِ، وَسَاقِي بِمُؤَانَسَتِهِ مِنْ نَمِيرِ حِيَاضِهِ، وَرَافِعِي بِمُجَاوَزَتِهِ مِنْ وَرَطَةِ الذُّنُوبِ إِلَى رَبْوَةِ التَّغْرِيْبِ، وَمُبَدِّلِي بِوَلَايَتِهِ عِزَّةَ الْعَطَايَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَايَا.

أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ بِالْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ، وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ، وَبِمَا جَرَى بِهِ قَلَمُ الْأَقْلَامِ بِغَيْرِ كَفٍّ وَلَا إِبْهَامٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ، وَبِحُجَجِكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْامِ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ أَفْضَلُ السَّلَامِ، وَبِمَا اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ أَسْمَائِكَ الْكِرَامِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ، وَأَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ الْقِيَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْمِنَّنِ الْجِسَامِ، وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنَّا أَفْضَلُ السَّلَامِ(4).

ص: 180

- 1- . أَرْسَالاً: أَيُ أَفْوَاجاً وَفِرْقاً مُتَقَطَّعةً، يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً (النهاية: ج 2 ص 222 «رسل»).
- 2- . بحار الأنوار: ج 52 ص 307 ح 82.
- 3- . أي بعد الوتر من نافلة الليل من رجب.
- 4- . مصباح المتهجد: ص 800 ح 861، الإقبال: ج 3 ص 188.

دعایشان می طلبند و آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند، و شعارشان، «یا لثارات الحسین» است. هنگامی که حرکت می کنند، هراس از آنها به فاصله يك ماه راه، جلویشان حرکت می کند. به سوی مرگ، روان می شوند و خداوند، امام حق را با آنان یاری می دهد».

### ح - دعای روایت شده برای پس از نماز وتر ماه رجب

336. مصباح المتهجد: ابن عیاش از محمد بن احمد هاشمی منصورى از پدرش ابو موسى نقل می کند که: امام هادی علیه السلام در این ساعت (پس از نماز وتر) چنین دعا می کرد و تو نیز همان را بخوان. به گفته ابن عیاش از امام هادی علیه السلام نقل شده است: «ای نور نورها ای تدبیر کننده کارها! ای روان ساز دریاها! ای برانگیزنده ساکنان قبرها! ای که چون از راه ها باز مانم، پناه منی و چون از درآمدها ناتوان شوم، اندوخته منی و چون از دشمنان جفا بینم، مونس منی و چون از خویشان ملول شوم، مونس منی و ای که با همنشینی اولیا و همدمی دوستانش در گلزارها [ای یادش]، پاك کننده منی و با انس با خود، از آب زلال آبگیرها [ای معرفت] ش، ساقی منی و با مجاورت [عبادت] خود، از درّه گناهان، به بلندای قربش بالا برنده منی! و با ولایت خود، خواری خطاهایم را به عزت بخشش هایش تبدیل کننده ای!

از تو - ای مولای من به حق سپیده دم، و به شب های دهگانه، و به زوج و فرد، و به شب، آن گاه که سپری می شود، و به حق آن [قضا و قدری] که قلم قلم ها، بدون کف دست و انگشت ابهام بر آن جاری شده، و به حق نام های بزرگت، و به حق حجت هایت بر همه مردمان - که بهترین درودهایت بر ایشان باد - و به حق آن نام ها [و حقایق] ارجمندت که نزد ایشان به راز سپرده ای، درخواست می کنم که بر ایشان درود فرستی و در این ماه، و ماه ها و روزهای آینده به ما ترحم فرمایی و امسال و در هر سال، ما را به ماه قیام (ماه مبارك رمضان) برسانی، ای صاحب شکوه و بزرگواری و نعمت های بزرگ! و بهترین سلام های ما بر محمد و خاندان او باد!».

337. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ أَيَّامَ الْبَيْضِ مِنْ رَجَبٍ أَوْ قَامَ لَيْالِيهَا، وَيُصَلِّيَ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِئَةَ رَكَعَةٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ اسْتَغْفَرَ سَبْعِينَ مَرَّةً، رُفِعَ عَنْهُ شَرُّ أَهْلِ السَّمَاءِ، وَشَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَشَرُّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَإِنْ مَاتَ فِي هَذَا الشَّهْرِ مَاتَ [شَهِيداً(1)]، وَيَقْضِي اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ(2).

## 6/8 صلاة ليلة النصف من رجب

338. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ رَجَبٍ عَشْرَ رَكَعَاتٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً، فَإِذَا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَسَجَدَ وَسَبَّحَهُ وَمَجَّدَهُ وَكَبَّرَهُ مِئَةَ مَرَّةٍ، لَمْ يَكْتَبْ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ الْقَابِلِ(3).

## 6/9 عمل أم داود

339. فضائل الأشهر الثلاثة عن فاطمة بنت عبد الله بن إبراهيم [بن الحسين]: لَمَّا قَتَلَ أَبُو الدَّوَانِقِ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بَعْدَ قَتْلِ ابْنَيْ مُحَمَّدٍ

ص: 182

1- ما بين المعقوفين أثبتناه من مستدرك الوسائل.

2- بحار الأنوار: ج 97 ص 50 ح 38، مستدرك الوسائل: ج 7 ص 533 ح 8829 كلاهما نقلاً عن النوادر للراوندي.

3- بحار الأنوار: ج 97 ص 50 ح 39 نقلاً عن النوادر للراوندي.

## 6/7 نماز حاجت

337. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در ایام البیض ماه رجب، روزه بگیرد یا شب های آن را به عبادت بگذراند و شب نیمه [ی این ماه] صد رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت، ده مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) بخواند و پس از این نماز، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبد، گزند آسمانیان و گزند زمینیان و گزند ابلیس و سربازانش، از او دور داشته می شود و اگر در این ماه بمیرد، شهید مُرده است و خداوند، هزار حاجت او را برآورده می سازد.

## 6/8 نماز شب نیمه ماه رجب

338. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شب نیمه ماه رجب، ده رکعت نماز بگذارد، در هر رکعتی یک مرتبه سوره فاتحه و سی مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) بخواند و چون [نمازش را تمام کرد]، از خدا آمرزش بخواهد و سجده کند و او را تسبیح و تمجید گفته، صد مرتبه «الله أكبر» بگوید، تا رجب آینده، گناهی برایش نوشته نمی شود.

## 6/9 عمل امّ داوود

339. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از فاطمه دختر عبد الله بن ابراهیم بن حسین - : هنگامی که منصور دوانیقی، عبد الله بن حسن بن حسین را پس از کشتن دو

وإبراهيم، حملَ ابني داودَ بنَ الحُسينِ مِنَ المَدِينَةِ مُكْتَبِلًا بِالحَدِيدِ مَعَ بَنِي عَمِّهِ الحَسَنِينِ إِلَى العِرَاقِ، فَغَابَ عَنِّي حِينًا، وَكَانَ هُنَاكَ مَسْجُونًا، فَانْقَطَعَ خَبْرُهُ وَأَعْمِيَ أَثْرُهُ، وَكُنْتُ أَدْعُو اللَّهَ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَأَسْأَلُهُ خَلَاصَهُ، وَأَسْتَعِينُ بِإِخْوَانِي مِنَ الرُّهَادِ وَالْعِبَادِ وَأَهْلِ الجَدِّ وَالإِجْتِهَادِ وَأَسْأَلُهُمْ أَنْ يَدْعُوا اللَّهَ لِي أَنْ يَجْمَعَ بَيْنِي وَبَيْنَ وُلْدِي قَبْلَ مَوْتِي، فَكَانُوا يَفْعَلُونَ وَلَا يَقْصِرُونَ فِي ذَلِكَ، وَكَانَ يَصِلُ إِلَيَّ أَنَّهُ قَدْ قُتِلَ، وَيَقُولُ قَوْمٌ: لَا، قَدْ بُنِيَ عَلَيْهِ أُسْطُوَانَةٌ مَعَ بَنِي عَمِّهِ، فَتَعْظُمُ مُصِيبَتِي وَأَشْتَدُّ حُزْنِي، وَلَا أَرَى لِذُعَائِي إِجَابَةً وَلَا لِمَسْأَلَتِي نُجْحًا. فَضَاقَ بِذَلِكَ ذُرْعِي وَكَبُرَ سَيْتِي وَرَقَّ عَظْمِي، وَصِرْتُ إِلَى حَدِّ اليَأْسِ مِنَ وُلْدِي؛ لِضَعْفِي وَانْقِضَاءِ عُمْرِي.

قَالَتْ: ثُمَّ إِنِّي دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ عَلِيًّا، فَلَمَّا سَأَلْتُهُ عَنْ حَالِهِ وَدَعَوْتُ لَهُ وَهَمَمْتُ الإِنْصِرَافَ، قَالَ لِي:

يَا أُمَّ دَاوُدَ، مَا الَّذِي بَلَغَكَ عَن دَاوُدَ؟ وَكُنْتُ قَدْ أَرْضَعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بِلَبَنِيهِ، فَلَمَّا ذَكَرَهُ لِي بَكَيْتُ وَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيْنَ دَاوُدُ؟! دَاوُدُ مُحْتَبَسٌ فِي العِرَاقِ، وَقَدْ انْقَطَعَ عَنِّي خَبْرُهُ، وَيَسْتُ مِنَ الإِجْتِمَاعِ مَعَهُ، وَإِنِّي لَشَدِيدَةٌ الشُّوقِ إِلَيْهِ وَالتَّلَهُّفِ عَلَيْهِ، وَأَدَا أَسْأَلُكَ الدُّعَاءَ لَهُ فَإِنَّهُ أَخْوَكُ مِنَ الرِّضَاعَةِ.

قَالَتْ: فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: يَا أُمَّ دَاوُدَ، فَأَيْنَ أَنْتِ عَن دُعَاءِ الإِسْتِفْتَاكِ وَالِإِجَابَةِ وَالنَّجَاحِ؟! وَهُوَ الدُّعَاءُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَتَتَلَقَّى المَلَائِكَةُ وَتُبَشِّرُ بِالإِجَابَةِ، وَهُوَ الدُّعَاءُ المُسْتَجَابُ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا لِصَاحِبِهِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَوَابٌ دُونَ الجَنَّةِ.

قَالَتْ: قُلْتُ: وَكَيْفَ لِي يَا بَنَ الأَطْهَارِ الصَّادِقِينَ؟



فرزندش، محمّد و ابراهیم، کشت، فرزندم داوود بن حسین را در غل و زنجیر و همراه پسرعموهایش از سادات حسنی، از مدینه به عراق برد. وی مدّتی ناپیدا و در آن جا (عراق) زندانی بود و خبر و ردّ پایی از او نبود و من خدا را می خواندم و به درگاهش می نالیدم و رهایی او را می طلبیدم و از برادران زاهد و عابد و اهل جد و اجتهاد [در طاعت خدا] یاری می جستیم و از آنها می خواستم که دعا کنند خداوند پیش از مرگم، من و فرزندم را گرد هم آورد. آنان نیز چنین می کردند و در این امر، کوتاهی نمی نمودند. پیوسته به من خبر می رسید که او کشته شده است و گروهی می گفتند: نه، ستونی را بر او و عموزادگانش بنا کرده اند [و آنها را زیر آن نهاده اند] و بدین گونه مصیبتم بزرگ می شد و اندوهم شدید می گشت و اجابتی برای دعایم و کامیابی ای برای درخواستم نمی دیدم. طاقتم رو به پایان بود و سنّم زیاد و استخوانم نازک شد و به دلیل ناتوانی و پایان گرفتن عمرم، به سر حدّ یأس از فرزندم رسیدم.

در این حال بر ابو عبد الله، امام جعفر صادق علیه السلام، وارد شدم که بیمار بود. هنگامی که جویای حالش شدم و برایش دعا نمودم و خواستم باز گردم، به من فرمود: «ای اُمّ داوود! چه خبری از داوود به تو رسیده است؟».

من که امام جعفر صادق را در زمان شیردهی فرزندم، داوود، نیز شیر می دادم، هنگامی که از او یاد کرد، به گریه افتادم و گفتم: فدایت شوم! داوود کجاست؟! داوود در عراق زندانی است و خبری از او ندارم و از این که با او در يك جا گرد آیم، ناامیدم و اشتیاقم به او افزون و اندوهم بر او فراوان است. من از شما می خواهم که برایش دعا کنید، که او برادر شیری شماست.

امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای اُمّ داوود! چرا از دعای استفتاح و اجابت و کامیابی غافل؛ دعایی که خداوند عزوجل درهای آسمان را برایش می گشاید و فرشتگان از آن [دعا] استقبال می کنند و بشارت اجابت آن را می دهند و آن، دعای مستجابی است که از خداوند عزوجل پوشیده نمی ماند و دعا کننده اش نزد خدای - تبارک و تعالی -، جزایی جز بهشت ندارد؟».

گفتم: این دعا چگونه است، ای فرزند پاکان راستین؟

قَالَ: يَا أُمَّ دَاوُدَ، فَقَدْ دَنَا هَذَا الشَّهْرُ الْحَرَامُ - يُرِيدُ شَهْرَ رَجَبٍ - وَهُوَ شَهْرٌ مُبَارَكٌ عَظِيمٌ الْحُرْمَةِ، مَسْمُوعُ الدُّعَاءِ فِيهِ، فَصُومِي مِنْهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ: الثَّلَاثَ عَشَرَ وَالرَّابِعَ عَشَرَ وَالخَامِسَ عَشَرَ، وَهِيَ الْأَيَّامُ الْبَيْضُ، ثُمَّ اغْتَسَلِي فِي يَوْمِ النِّصْفِ مِنْهُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَصَلِّي الزَّوَالَ ثَمَانِ رَكَعَاتٍ تُرْسِلِينَ فِيهِنَّ وَتُحْسِنِينَ رُكُوعَهُنَّ وَسُجُودَهُنَّ وَفُنُوتَهُنَّ، تَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، وَفِي الثَّانِيَةِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَفِي السُّتِّ الْبَوَاقِي مِنَ السُّورِ الْقِصَارِ مَا أَحَبَبْتَ، ثُمَّ تَصَلِّينَ الظُّهْرَ، ثُمَّ تَرَكَعِينَ بَعْدَ الظُّهْرِ ثَمَانِ رَكَعَاتٍ تُحْسِنِينَ رُكُوعَهُنَّ وَسُجُودَهُنَّ وَفُنُوتَهُنَّ، وَلِتَكُنْ صَلَاتُكَ فِي أَطْهَرِ أَثْوَابِكَ، فِي بَيْتِ نَظِيفٍ عَلَى حَصِيرٍ نَظِيفٍ، وَاسْتَعْمِلِي الطَّيِّبَ فَإِنَّهُ تُحِبُّهُ الْمَلَائِكَةُ، وَاجْتَهِدِي أَنْ لَا يَدْخُلَ عَلَيْكَ أَحَدٌ يُكَلِّمُكَ أَوْ يَسْغَلُكَ.

- [قال المصنّف: ابنُ] الباقي ذَكَرَ فِي كِتَابِ عَمَلِ السَّنَةِ، مَا كَتَبْتُ هَاهُنَا، مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتُبَ فَلْيَكْتُبْ مِنْ عَمَلِ السَّنَةِ -.

فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَاسْجُدِي عَلَى الْأَرْضِ وَعَقْرِي خَدِّكَ عَلَى الْأَرْضِ، وَقُولِي:

لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَكَبُوتِي لِيُوجِّهِي.

وَاجْهَدِي أَنْ تَسْبِحَ (تَسْحَحَ) عَيْنَاكَ وَلَوْ مِقْدَارَ رَأْسِ الذُّبَابِ دُمُوعًا؛ فَإِنَّهُ آيَةٌ إِجَابَةٌ هَذَا الدُّعَاءِ حُرْقَةُ الْقَلْبِ وَانْسِدَابُ الْعَبْرَةِ، فَاحْفَظِي مَا عَلَّمْتُكَ ثُمَّ احْذَرِي أَنْ يَخْرُجَ عَنْ يَدَيْكَ إِلَى يَدِ غَيْرِكَ مِمَّنْ يَدْعُو بِهِ لِغَيْرِ حَقٍّ؛ فَإِنَّهُ دُعَاءٌ شَرِيفٌ وَفِيهِ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَأَعْطَى، وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتَقًا وَالْبِحَارُ بِأَجْمَعِهَا مِنْ دُونِهَا، وَكَانَ ذَلِكَ كُلُّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ حَاجَتِكَ، يُسَدُّ هَلَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْوُصُولَ إِلَى مَا تُرِيدِينَ، وَأَعْطَاكَ طَلِبَتِكَ وَقَضَى لَكَ حَاجَتَكَ وَبَلَّغَكَ آمَالَكَ، وَلِكُلِّ مَنْ دَعَا بِهِذَا الدُّعَاءِ إِجَابَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى

فرمود: «ای امّ داوود! این ماه - یعنی ماه رجب - نزدیک گشته و آن ماهی مبارك و محترم است و دعا در آن شنیده می شود. سه روز از آن: روزهای سیزده و چهارده و پانزده را - که همان ایّام البیض(1) است - روزه بگیر و ظهر روز نیمه ماه (پانزدهم) غسل کن و هشت رکعت نماز نافله ظهر را تند و مختصر می خوانی و رکوع و سجود و قنوتشان را خوب می گزاری و در رکعت اول، حمد را با سوره کافرون و در رکعت دوم با سوره توحید می خوانی و در شش رکعت باقی مانده، هر کدام از سوره های کوتاه را که خواستی، می خوانی. آن گاه نماز ظهرت را می خوانی و سپس بعد از نماز ظهرا، هشت رکعت نافله عصر می خوانی و رکوع و سجود و قنوتشان را نیکو به جا می آوری و نمازت در پاکیزه ترین جامه ات و در جایی تمیز و بر روی زیراندازی تمیز باشد و عطر بزن - که فرشتگان، آن را دوست دارند - و بکوش کسی نزد تو نیاید تا با تو سخن بگوید یا مشغولت کند».

ابن باقی در کتاب عمل السنه، چیزهایی [از اذکار و دعا] ذکر کرده است که من این جا ننوشتم. هر کس می خواهد بنویسد، از کتاب عمل السنه بنویسد.

[دنباله حدیث، چنین است:] «و چون از دعا فارغ شدی، بر زمین سجده کن و گونه هایت را بر زمین بمال و بگو: "برای تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم. پس بر خواری ام و بی چیزی ام و به روی افتادتم رحم کن" و بکوش که از چشمانت، قطره های اشکی هر چند اندک بریزی که نشان اجابت این دعا، سوزش دل و ریزش اشک است. آنچه را به تو یاد دادم، حفظ کن و مواظب باش تا از دست تو به دست کسانی نرود که از این دعا برای مقاصد ناروا استفاده می کنند؛ چرا که آن، دعایی شریف است و اسم اعظم خدا در آن است؛ اسمی که چون خدا را با آن بخوانند، اجابت و عطا می کند و اگر آسمان ها و زمین بسته باشند و همه دریاها هم میان تو و حاجتت فاصله انداخته باشند، خداوند عزوجل رسیدن تو به خواسته ات را برایت هموار می کند و خواسته ات را می دهد و حاجتت را برآورده می نماید و به آرزوهایت می رساند. هر کس، مرد یا زن، خدا را با این دعا بخواند، خداوند متعال اجابتش می کند.

ص: 187

---

1- . به معنای روزهای سپید و میانه ماه با شب هایی روشن و مهتابی.

ذَكَرًا كَانَ أَوْ أَنْثَى، وَلَوْ أَنَّ الْجَنِّ وَالْإِنْسَ أَعْدَاءَ لَوْلَدِكَ لَكَفَاكَ اللَّهُ مُؤَوَّنَتَهُمْ وَأَخْرَسَ عَنكَ أَلْسِنَتَهُمْ وَذَلَّلَ لَكَ رِقَابَهُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قَالَتْ أُمُّ دَاوُدَ: فَكَتَبَ لِي هَذَا الدُّعَاءَ وَأَنْصَرَ رَفْتُ (إِلَى) مَنْزِلِي، وَدَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ، فَتَوَخَّيْتُ الْأَيَّامَ وَصَدَمْتُهَا، وَدَعَوْتُ كَمَا أَمَرَنِي، وَصَلَّيْتُ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَأَفْطَرْتُ، ثُمَّ صَلَّيْتُ مِنَ اللَّيْلِ مَا سَخَّ لِي مَرْتَبَ (وَبِتُّ) فِي لَيْلِي، وَرَأَيْتُ فِي نَوْمِي كَمَا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ (1) مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالْأَبْدَالِ وَالْعِبَادِ، وَرَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِذَا هُوَ يَقُولُ لِي: يَا بَنِيَّةُ يَا أُمَّ دَاوُدَ، أَبَشِّرِي، فَكُلُّ مَنْ تَرَيْنَ أَعْوَانِكَ وَإِخْوَانِكَ وَشُدَّ فَعَاؤُكَ، وَكُلُّ مَنْ تَرَيْنَ يَسْتَغْفِرُونَ لَكَ وَيُسِّرُونَكَ بِنُجْحِ حَاجَتِكَ، فَأَبَشِّرِي بِمَغْفِرَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ، فَجُزَيْتِ خَيْرًا عَنِ نَفْسِكَ، وَأَبَشِّرِي بِحِفْظِ اللَّهِ لَوْلَدِكَ وَرَدِّهِ عَلَيْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قَالَتْ أُمُّ دَاوُدَ: فَانْتَبَهْتُ عَنْ نَوْمِي، فَوَ اللَّهُ مَا مَكَّثْتُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا مِقْدَارَ مَسَافَةِ الطَّرِيقِ مِنَ الْعِرَاقِ لِلرَّاكِبِ الْمُجِدِّ الْمُسْرِعِ حَتَّى قَدِمَ عَلَيَّ دَاوُدُ، فَقَالَ: يَا أُمَّاهُ، إِنِّي لَمُحْتَبَسٌ بِالْعِرَاقِ فِي أَضْيَقِ الْمَحَاسِبِ وَعَلَيَّ ثِقَلُ الْحَدِيدِ، وَأَنَا فِي حَالِ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلَاصِ، إِذْ نِمْتُ فِي لَيْلَةِ النَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ فَرَأَيْتُ الدُّنْيَا قَدْ خُفِضَتْ لِي حَتَّى رَأَيْتُكَ فِي حَصِيرٍ فِي صَلَاتِكَ وَحَوْلِكَ رِجَالٌ رُؤُوسُهُمْ فِي السَّمَاءِ وَأَرْجُلُهُمْ فِي الْأَرْضِ، عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ خُضْرٌ يَسُدُّ بَحُونَ مِنْ حَوْلِكَ، وَقَالَ قَائِلٌ جَمِيلُ الْوَجْهِ (حَلِيَّتُهُ) حَلِيَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَظِيفُ الثَّوْبِ طَيِّبُ الرَّيْحِ حَسَنُ الْكَلَامِ، فَقَالَ يَا بَنَ الْعَجُوزِ الصَّالِحَةِ، أَبَشِّرْ فَقَدْ أَجَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ أُمَّكَ. فَانْتَبَهْتُ فَإِذَا أَنَا بِرَسُولِ أَبِي الدَّوَانِيقِ، فَأَدْخَلْتُ عَلَيْهِ مِنَ اللَّيْلِ فَأَمَرَ بِفَكِّ حَدِيدِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ، وَأَمَرَ لِي بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَأَنْ أُحْمَلَ عَلَى نَجِيبٍ وَأُسْتَسْعَى بِأَشَدِّ السَّيْرِ. فَاسْرَعْتُ حَتَّى دَخَلْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ.

ص: 188

1- . الظاهر أنَّ الصحيح: «كُلُّ مَنْ صَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ» كما في الإقبال هامش المصدر.

اگر جن و انس، دشمن فرزند تو باشند، خداوند، تو را از آنان کفایت می کند و زبانشان را در برابر تو گنگ می نماید و گردنشان را در برابرت رام می کند، *إن شاء الله*».

اُمّ داوود می گوید: امام علیه السلام این دعا را برایم نوشت و به منزلم باز گشتم. ماه رجب فرا رسید و منتظر روزهای میانی ماه شدم و آنها را روزه گرفتم و همان گونه که به من فرمان داده بود، دعا کردم و نماز مغرب و عشا را خواندم و افطار نمودم و از شب، به اندازه ای که توانستم، نماز گزاردم و شب خوابیدم و فرشتگان و پیامبران و شهدا و نیکان و عابدان را به همان ترتیبی که بر ایشان درود فرستاده بودم، در خواب دیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز دیدم که به من می فرمود: «ای دختر عزیزم، ای اُمّ داوود! بشارت باد که همه کسانی که می بینی، یاوران و برادران و شفیعان تو هستند. همه کسانی که می بینی، برایت استغفار می کنند و به روا شدن حاجت بشارت می دهند. پس به تو مغفرت الهی و رضوان او مژده باد و جزای خیر بیایی و بشارت باد که خداوند، فرزندت را حفظ نمود و او را به تو باز گرداند، *إن شاء الله*».

اُمّ داوود می گوید: از خواب، بیدار شدم و به خدا سوگند، پس از این رؤیا، تنها به فاصله این که يك سوار کوشای شتابان از عراق بیاید، طول کشید تا داوود بر من وارد شد و گفت: ای مادر! من در عراق در تنگ ترین زندان ها، زندانی و در غل و زنجیر آهنین و از آزاد شدن مأیوس بودم. در شب نیمه ماه رجب خوابیده بودم که دیدم دنیا برایم فرود آمد و تو را در حصیری دیدم که نماز می خوانی و گرداگردت، مردانی هستند که سرهایشان در آسمان و پاهایشان در زمین است و جامه هایی سبز دارند و گرد تو تسبیح می گویند و گویند ای زیبارو، به سان پیامبر صلی الله علیه و آله با لباسی پاکیزه، خوش بو و خوش کلام گفت: ای فرزند پیرزن شایسته! مژده ات باد که خداوند عزوجل دعای مادرت را مستجاب کرد.

من بیدار شدم و دیدم فرستاده منصور دوانیقی آمده است. مرا شبانه نزد منصور بردند و او فرمان داد بند از من بکشایند و به من نیکی نمود و فرمان داد ده هزار درهم به من بدهند و مرا بر اسبی اصیل سوار کنند و به سرعت هر چه تمام تر به مدینه روانه کنند و من با سرعت تمام حرکت کردم تا به مدینه وارد شدم.

قَالَتْ أُمُّ دَاوُدَ: فَمَضَيْتُ بِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَحَدَّثْتُهُ بِحَدِيثِهِ، فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَبَا الدَّوَانِقِ رَأَى فِي النَّوْمِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَهُ: «أَطْلِقْ وَلَدِي وَإِلَّا لَأُلْقِيَنَّكَ فِي النَّارِ»، وَرَأَى كَأَنَّ تَحْتَ قَدَمَيْهِ النَّيْرَانَ، فَاسْتَيْقَظَ وَقَدْ سُقِطَ فِي يَدِهِ، فَأَطْلَقَكَ. (1)

340. السيد ابن طاووس - في بيان دعاء أم داود - : إعلم أن هذا الدعاء الذي تذكره في هذا الفصل دعاء عظيم الفضل معروف بدعاء أم داود، وهي جدتنا الصالحة المعروفة بأم خالد البربرية، أم جدنا داود بن الحسن بن الحسن ابن مولانا علي بن أبي طالب أمير المؤمنين عليه السلام. وكان خليفة ذلك الوقت قد خافه على خلافته، ثم ظهر له براءة ساحته فأطلقه من دون آل أبي طالب الذين قبض عليهم، وسد يأتي شرح حال حبس ولدها جدنا داود، وحديث الدعاء الذي استجاب له الله جل جلاله منها رضي الله عنها، وجمع شملها به بعد بعد العهود....

فمن الروايات في ذلك أن المنصور لما حبس عبد الله بن الحسن وجماعة من آل أبي طالب، وقتل ولديه محمد وإبراهيم، أخذ داود بن الحسن بن الحسن - وهو ابن داية أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام لأن أم داود أرضعت الصادق عليه السلام؛ منها بلبن ولدها داود - وحمله مكبلاً بالحديد.

قالت أم داود: فغاب عني حيناً بالعراق، ولم أسمع له خبراً، ولم أزل أدعو وأتضرع إلى الله جل اسمه، وأسأل إخواني من أهل الديانة والجد والاجتهاد أن يدعوا الله تعالى لي، وأنا في ذلك كله لا أرى في دعائي الإجابة.

فدخلت على أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام يوماً أعوده من علة وجدها،

ص: 190

اُمّ داوود می گوید: او را نزد امام صادق علیه السلام بردم. فرزندم بر او سلام داد و ماجرایش را گفتم. امام صادق علیه السلام فرمود: «منصور دوانیقی در خواب، علی علیه السلام را دید که به او می گوید: "فرزندم را آزاد کن، و گرنه تو را در آتش می افکنم" و منصور زیر پایش را به شکل آتش دید، در حالی که یقین داشت هلاک می شود، از این رو آزادت کرد.

340. سیّد ابن طاووس - در توصیف دعای اُمّ داوود - : بدان دعایی را که در این فصل ذکر می کنیم، دعایی بزرگ و معروف به دعای «اُمّ داوود» است. وی مادر بزرگ شایسته ما معروف به اُمّ خالد بربری، مادر نیای ما داوود بن حسن بن حسن [مجتبی]، فرزند مولایمان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب است که خلیفه معاصرش از او بر خلافتش ترسید و سپس پاکی اش از این امر برای خلیفه روشن شد و او را آزاد کرد، بدون این که دیگر افراد خاندان ابو طالب را که به این خاطر دستگیر کرده بود، رها نماید. شرح حال زندانی شدن فرزند این بانو، یعنی نیای ما، داوود، به زودی می آید و نیز حدیث دعایی از اُمّ داوود که خداوند جلیل مستجاب نمود و کارش را پس از مدّت ها پریشانی، سر و سامان داد....

یکی از گزارش ها در این باره، آن است که چون منصور عبّاسی، عبد الله بن حسن و گروهی از خاندان ابو طالب را زندانی نمود و دو فرزند عبد الله، محمّد و ابراهیم، را کشت، داوود بن حسن بن حسن را نیز دستگیر کرد و او را در غل و زنجیر برد. او فرزند دایه امام جعفر صادق علیه السلام بود؛ زیرا مادر داوود، امام صادق علیه السلام را در دوران شیردهی داوود، شیر داده بود.

اُمّ داوود می گوید: داوود مدّتی در عراق از نزد من ناپیدا شد و خبری از او نداشتم و همواره دعا و تضرّع به درگاه خداوند والانام می نمودم و از برادران دینی و اهل جدّ و جهد در عبادت می خواستم که نزد خدای متعال برایم دعا کنند؛ ولی در این مدّت، اجابتی برای دعایم نمی دیدم.

روزی برای عیادت ابو عبد الله، امام جعفر صادق علیه السلام که دچار بیماری ای

فَسَأَلْتُهُ عَنْ حَالِهِ وَدَعَوْتُ لَهُ. فَقَالَ لِي: يَا أُمَّ دَاوُدَ مَا فَعَلَ دَاوُدُ؟ - وَكُنْتُ قَدْ أَرْضَعْتُهُ بِرَبِّهِ - فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي، وَأَيْنَ دَاوُدُ؟! وَقَدْ فَارَقَنِي مُنْذُ مُدَّةٍ طَوِيلَةٍ، وَهُوَ مَحْبُوسٌ بِالْعِرَاقِ. فَقَالَ: وَأَيْنَ أَنْتِ عَنْ دُعَاءِ الْإِسْتِفْتَاكِ؟ وَهُوَ الدُّعَاءُ الَّذِي تُفْتَحُ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَيَلْقَى صَاحِبُهُ الْإِجَابَةَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَلَيْسَ لِصَاحِبِهِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ. فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ ذَلِكَ يَا بَنَ الصَّادِقِينَ؟

فَقَالَ لِي: يَا أُمَّ دَاوُدَ، قَدْ دَنَا الشَّهْرُ الْحَرَامُ الْعَظِيمُ شَهْرُ رَجَبٍ، وَهُوَ شَهْرٌ مَسْمُوعٌ فِيهِ الدُّعَاءُ، شَهْرُ اللَّهِ الْأَصَمِّ، فَصُومِي الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ الْبَيْضَ: وَهُوَ يَوْمُ الثَّلَاثِ عَشَرَ وَالرَّابِعَ عَشَرَ وَالْخَامِسَ عَشَرَ، وَاغْتَسِدِي لِي فِي يَوْمِ الْخَامِسِ عَشَرَ وَقْتَ الزَّوَالِ، وَصَلِّي الزَّوَالِ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ. ثُمَّ صَلِّي الظُّهْرَ، وَتَرَكَعِينَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَتَقُولِينَ بَعْدَ الرَّكَعَتَيْنِ: «يَا قَاضِي حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ» مِئَةَ مَرَّةٍ، ثُمَّ تُصَلِّينَ بَعْدَ ذَلِكَ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، ثُمَّ صَلِّي الْعَصْرَ.

وَلِتَكُنِّي صَلَاتُكَ فِي ثَوْبٍ نَظِيفٍ، وَاجْتَهِدِي أَنْ لَا يَدْخُلَ عَلَيْكَ أَحَدٌ يُكَلِّمُكَ، ثُمَّ اسْتَقْبِلِي الْقِبْلَةَ، وَاقْرَأِي الْحَمْدَ مِئَةَ مَرَّةٍ، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِئَةَ مَرَّةٍ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ اقْرَأِي سُورَةَ الْأَنْعَامِ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ وَسُورَةَ الْكَهْفِ وَلُقْمَانَ وَيَسَ وَالصَّافَّاتِ وَحَمَّ السَّجْدَةِ وَحَمَّعَسَقَ وَحَمَّ الدُّخَانَ وَالْفَتْحَ وَالْوَاقِعَةَ وَسُورَةَ الْمُلْكِ وَ«ن وَالْقَلَمِ» وَ«إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» وَمَا بَعْدَهَا إِلَى آخِرِ الْقُرْآنِ، وَإِنْ لَمْ تُحْسِنِي ذَلِكَ وَلَمْ تُحْسِنِي قِرَاءَتَهُ مِنَ الْمُصْحَفِ كَرَّرْتِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أَلْفَ مَرَّةٍ....

ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي إِحْدَى الرِّوَايَاتِ -: فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ ذَلِكَ وَأَنْتِ مُسْتَقْبِلَةُ الْقِبْلَةِ فَقُولِي:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَلِيمُ



شده بود، نزد ایشان رفتم و از حالش جويا شدم و برايش دعا کردم. به من فرمود: «ای اُمّ داوود! داوود چه کرد؟». من که از شیر داوود به امام شیر داده بودم، گفتم: ای سرور من! داوود کجاست؟! مدتی طولانی است که از من جدا افتاده و در عراق زندانی است. فرمود: «چرا از دعای استفتاح غافلی؛ دعایی که درهای آسمان برايش گشوده می شود و دعا کننده با آن در همان ساعت دعا، اجابتش را می بیند و نزد خدای متعال، جزایی جز بهشت ندارد؟».

گفتم: این دعا چگونه است، ای فرزند انسان های راستین؟

فرمود: «ای اُمّ داوود! ماه بزرگ حرام، ماه رجب، نزدیک است؛ ماهی که دعا در آن شنیده می شود، ماه بی صدای جنگ خدا. سه روز میانه ماه (روزهای سیزده و چهارده و پانزدهم) را روزه بگیر و ظهر روز پانزدهم، غسل کن و هشت رکعت نماز نافله ظهر را می خوانی و سپس نماز ظهر را می گزاری و پس از ظهر، دو رکعت نماز می خوانی و در پی آن، صد بار می گویی: "ای برآورنده حاجات درخواست کنندگان!". آن گاه پس از آن، هشت رکعت نماز (نافله عصر) را می خوانی و سپس نماز عصر را می خوانی.

و نمازت در جامه ای تمیز باشد و بکوش که کسی نزد تو نیاید تا با تو سخن بگوید. سپس رو به قبله صد مرتبه سوره حمد را بخوان و نیز صد مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و ده مرتبه «آیه الکرسی» و آن گاه سوره [های] انعام، بنی اسرائیل، سوره کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده، حم عسق (سوره شورا)، حم دخان، فتح، واقعه، سوره ملک، (ن وَالْقَلَمِ)، (إِذَا أَلْسَمَاءُ انشَبَّتْ) و پس از آن تا آخر قرآن را می خوانی و اگر از عهده اینها خوب بر نمی آیی و نمی توانی این سوره ها را از قرآن به خوبی بخوانی، (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را هزار مرتبه تکرار می کنی...

سپس بر اساس یکی از گزارش ها، امام صادق علیه السلام فرمود: «چون از اینها فارغ شدی، در همان حال که رو به قبله هستی، بگو: "به نام خداوند مهرگستر مهربان. خدای بزرگ راست فرمود؛ همو که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده و شکوهمند و گرامی و مهرگستر و مهربان و بردبار و کریم است،

الكَرِيمُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْحَبِيرُ، (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) (1)، وَبَلَغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الْمَجْدُ، وَلَكَ الْعِزُّ، وَلَكَ الْقَهْرُ، وَلَكَ النِّعْمَةُ، وَلَكَ الْعِظَمَةُ، وَلَكَ الرَّحْمَةُ، وَلَكَ الْمَهَابَةُ، وَلَكَ السُّلْطَانُ، وَلَكَ الْبَهَاءُ،  
وَلَكَ الْإِمْتِنَانُ، وَلَكَ التَّسْبِيحُ، وَلَكَ التَّقْدِيسُ، وَلَكَ التَّهْلِيلُ، وَلَكَ التَّكْبِيرُ، وَلَكَ مَا يَرَى، وَلَكَ مَا لَا يَرَى، وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَلَكَ  
مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى، وَلَكَ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى، وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنِّعْمَاءِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرَائِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْمُرْسَلِينَ الْأَعْدَاءِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ، وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَائِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ، وَصَاحِبِ الصُّورِ، الْمُتَنْظِرِ لِأَمْرِكَ، وَالْوَجَلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عِزْرَائِيلَ مَلَكِ الرَّحْمَةِ، الْمُؤَكَّلِ عَلَى عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ، الْمُطِيعِ فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ، قَابِضِ أَرْوَاحِ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِأَمْرِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةَ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى السَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجِنَانِ، وَخَزَنَةِ  
التَّيْرَانِ، وَمَلَائِكَةِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَبِيْنَا آدَمَ، بَدِيعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأَبَحْتَهُ جَنَّتِكَ.

ص: 194

همو که هیچ چیز مانندش نیست، و او شنوا و دانا و بینا و آگاه است. (و خدا، خود - که همواره به عدل قیام دارد -، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز گواهی می دهند که جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. \* همانا دین [راستین] نزد خدا، اسلام است) و رسولان ارجمندش، پیام او را رساندند و من هم بر این امر از گواهی دهندگانم.

خدایا! ستایش، مخصوص توست و مجد، خاصّ توست و عزّت، برای توست و فخر، از آن توست و چیرگی، برای توست و نعمت، از آن توست و عظمت، خاصّ توست و رحمت، خاصّ توست و مهابت، مخصوص توست و پادشاهی، ویژه توست و زیبایی، خاصّ توست و بخشش، خاصّ توست و تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر، همه ویژه تو اند، و دیدنی و نادیدنی و آنچه دیده نمی شود و آنچه بالای آسمان های بلند و آنچه در زیر زمین است و زمین های پایین تر و دنیا و آخرت، همه از آن تو اند، و حمد و ثنا و شکر و نعمتی از آن تو که خود می پسندی.

خدایا! بر جبرئیل درود فرست که امین وحی توست و در کارت نیرومند و در آسمان ها و جایگاه های کرامت هایت، مطاع و و یاور اولیای و نابود کننده دشمنان توست.

خدایا! بر میکائیل درود فرست که فرشته رحمت توست و برای رأفت تو آفریده شده و برای اهل طاعتت آمرزش خواه و یاری دهنده است.

خدایا! بر اسرافیل درود فرست که بر دوش کشنده عرش توست و صاحب صور و منتظر فرمان توست [تا در آن بدمد] و ترسان و بیمناک از خوف توست.

خدایا! بر عزرائیل درود فرست که فرشته رحمت و گمارده شده بر بندگان و کنیزانت است و فرمانبر تو در زمین و آسمانت است و گیرنده جان همه آفریدگانت به فرمانت است.

خدایا! بر حاملان پاك عرش، و بر فرشتگان آورنده (نویسنده) ارجمند و نيك و پاك، و بر فرشتگان بزرگواری که اعمال بندگان را می نویسند، و بر فرشتگان بهشت و نگهبانان دوزخ و فرشته مرگ و دستیارانش درود فرست، ای خدای شکوهمند بزرگواری!

خدایا! بر پدرمان آدم، این آفریده بدیع بی نظیرت که او را مسجود فرشتگان قرار دادی و بهشت را ارزانی اش کردی، درود فرست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ، الْمُصَفَّاءِ مِنَ الدَّنَسِ، الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَشِيثَ وَإِدْرِيسَ وَنُوحَ وَهُودَ وَصَالِحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطِ وَلُوطَ وَشُعَيْبَ وَأَيُّوبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَيُوشَعَ وَمِيشَا وَالْخِضْرَ وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ وَالْيَاسَ وَالْيَسَعَ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا وَشُعَيْبًا وَيَحْيَى وَتُورَخَ وَمَتَّى وَإِرْمِيَا وَحَقِيقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرَ وَعِيسَى وَشَمْعُونَ وَجَرَجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْأَتْبَاعَ وَخَالِدَ وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأئِمَّةِ الْهُدَى.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ، وَالسِّيَّاحِ وَالْعَبَادِ، وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ، وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ، وَاخْصَصْ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَإِكْرَامًا، حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفْضَلِ الْمُقَرَّبِينَ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أَسْمِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ، وَبِكَرَمِكَ إِلَى كَرَمِكَ، وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ مَسْمُوعَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ.

خدایا! بر مادرمان حوّا که از پلیدی، پاک و از آلودگی، مبرا بود و به جایگاه های قدس و پاکی در آمد و شد بود، درود فرست.

خدایا! بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط [یعقوب] و لوط و شعیب و ایوب و موسی و هارون و یوشع و میثا و خضر و ذو القرنین و یونس و الیاس و یسع و ذو الکفل و طالوت و داوود و سلیمان و زکریّا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریان و پیروان و خالد و حنظله و لقمان، درود فرست.

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر محمّد و خاندان محمّد رحم کن و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود و رحمت و برکت فرستادی، که تو ستوده و بزرگواری.

خدایا! بر اوصیا [ی پیامبران] و بر نیک بختان و شهدا (/گواهان) و پیشوایان هدایت، درود فرست.

خدایا! بر ابدال و اوتاد و روزه داران و عابدان و مخلصان و زاهدان و اهل کوشش و تلاش، درود فرست و برترین درودهایت و بیشترین کرامت هایت را ویژه محمّد و خاندان او گردان و درود و سلام مرا به جان و جسم شریف او برسان و بر فضیلت و شرافت و بزرگواری او بیفز تا آن که او را به بالاترین درجات شرافتمندان، یعنی پیامبران و فرستادگان و مقربان برتر درگاهت، نائل گردانی.

خدایا! بر همه آنها که نام بردم و بر دیگر فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و اهل طاعتت که نام نبردم، درود فرست و درود مرا به آنان و به ارواح پاکشان برسان و آنان را برادران من در راه خودت و یاوران من در دعایم به درگاهت قرار ده.

خدایا! من تو را شفیع خودم به درگاهت قرار می دهم و برای بهره مندی از کرمّت، به کرمّت متوسّل می شوم و برای جودت، به جودت و برای رحمتت، به رحمتت، و اهل طاعتت را شفیع خودم به آستانت قرار می دهم و از تو درخواست می کنم - ای خداوند - هر گونه درخواست عالی پذیرفته شده ای را که هر يك از اینان آن را از تو خواسته اند و هر گونه دعای اجابت شده رد نشده ای را که با آن تو را خوانده اند.

يا الله، يا رحمن، يا رحيم، يا حليم، يا كريم، يا عظيم، يا جليل، يا منيل، يا جميل، يا كفيّل، يا وكيل، يا مقيل، يا مجير، يا خبير، يا منير، يا  
مبير، يا منيع، يا مديل، يا محيل، يا كبير، يا قدير، يا بصير، يا شكور، يا برّ، يا طهر، يا طاهر، يا قاهر، يا ظاهر، يا باطن، يا ساير، يا محيط، يا  
مقتدر، يا حفيظ، يا مجير، يا قريب، يا ودود، يا حميد، يا مجيد، يا مبدئ، يا معيد، يا شهيد.

يا محسن، يا مجمل، يا منعم، يا مفضل، يا قابض، يا باسط، يا هادي، يا مرسل، يا مرشد، يا مسدد، يا معطي، يا مانع، يا دافع، يا رافع، يا  
باقي، يا واق، يا خلاق، يا وهاب، يا تواب، يا فتاح، يا نفاع، يا مرتاح، يا من بيده كل مفتاح، يا نفاع، يا رؤوف، يا عطوف، يا كافي، يا شافي،  
يا معافي، يا مكافي، يا وفي، يا مهيم، يا عزيز، يا جبار، يا متكبر، يا سلام، يا مؤمن.

يا أحد، يا صمد، يا نور، يا مدبر، يا فرد، يا وتر، يا قدوس، يا ناصر، يا مؤنس، يا باعث، يا وارث، يا عالم، يا حاكم، يا بادي، يا متعالي، يا  
مصور، يا مسلم، يا متحّب، يا قائم، يا دائم، يا عليم، يا حكيم، يا جواد، يا بارئ، يا باثر، يا سائر، يا عدل، يا فاضل، يا ديان، يا حنان، يا متان،  
يا سامع، يا بديع، يا خفيّر، يا مغير، يا مفتي، يا ناشر، يا غافر، يا قديم، يا سهل، يا مسر.

يا مميّت، يا محيي، يا رافع، يا رازق، يا مقتدر، يا مسبّب، يا مغيث، يا مغني، يا مقني، يا خالق، يا راصد، يا واحد، يا حاضر، يا جابر، يا  
حافظ، يا شديد، يا غياث، يا عائذ، يا قابض.

ای خدا! ای مهر گستر! ای مهربان! ای بردبار! ای کریم! ای بزرگ! ای شکوهمند! ای عطابخش! ای زیبا! ای به عهده گیرنده! ای کارساز! ای نادیده گیرنده! ای پناه دهنده! ای آگاه! ای تابنده! ای نابودکننده! ای تسخیرناپذیر! ای چرخاننده روزگار! ای دگرگون کننده حالات! ای بزرگ! ای توانا! ای بینا! ای قدردان! ای نیکوکار! ای پاک! ای پاکیزه! ای چیره! ای آشکار! ای پنهان! ای خطاپوش! ای فراگیر! ای مقتدر! ای نگاهبان! ای پناه ده! ای نزدیک! ای مهرورز! ای ستوده! ای باشکوه! ای آغاز کننده! ای باز گرداننده! ای گواه!

ای نیکوکار! ای زیبایی بخش! ای نعمت بخش! ای عطابخش! ای گیرنده! ای دهنده! ای راهبر! ای فرستنده! ای ارشاد کننده! ای استوار کننده! ای بخشنده! ای جلوگیری! ای دفع کننده! ای بالا برنده! ای باقی! ای نگاهدار! ای آفریننده! ای بخشنده! ای توبه پذیر! ای گشاینده! ای پُر دَهِش! ای خرسند کننده! ای که هر کلیدی به دست اوست! ای سودبخش! ای رؤف! ای توجّه کننده! ای بسنده! ای شفابخش! ای عافیت بخش! ای سزا دهنده! ای باوفا! ای نگاهبان! ای شکست ناپذیر! ای جبران کننده! ای بزرگ منش! ای آرامش دهنده! ای امان دهنده!

ای یگانه! ای بی نیاز! ای نور! ای تدبیرگر! ای یکتا! ای بی همتا! ای قدّوس! ای یاور! ای همدم! ای برانگیزنده! ای وارث! ای دانا! ای داور! ای آفریننده! ای بلندمرتبه! ای صورت بخش! ای سلامت بخش! ای دوستی کننده! ای پایدار! ای جاوید! ای دانا! ای حکیم! ای بخشنده! ای آفریننده! ای نیکوکار! ای خرسند کننده! ای عدل! ای بافضیلت! ای پاداش دهنده! ای پُر مهر! ای پُر بخشش! ای شنوا! ای نوآفرین! ای پناه ده! ای دگرگون کننده! ای روشن کننده! ای گستراننده! ای آمرزنده! ای کهن! ای هموار کننده! ای آسان کننده!

ای میراننده! ای زنده کننده! ای بالا برنده! ای روزی دهنده! ای توانا! ای سبب ساز! ای فریادرس! ای بی نیاز کننده! ای سرمایه بخش! ای آفریننده! ای کمین کننده! ای یگانه! ای حاضر! ای جبران کننده! ای حافظ! ای استوار! ای دادرس! ای پناه بخش! ای گیرنده!"

وفي بعض الروايات:

يا مُنِيبُ، يا مُبِينُ، يا طاهرُ، يا مُجِيبُ، يا مُتَفَضِّلُ، يا مُسْتَجِيبُ، يا عادِلُ، يا بَصِيرُ، يا مُؤَمِّلُ، يا مُسَدِّدُ، يا أوابُ، يا وافي، يا راشدُ، يا مَلِكُ، يا رَبُّ، يا مُعَزُّ، يا مُذِلُّ، يا ماجِدُ، يا رازِقُ، يا وَلِيُّ، يا فاضِلُ، يا سُبْحانُ.

يا مَنْ عَلَا فَاسْتَعَلَى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يا مَنْ قَرَّبَ فَدَنَا، وَبَعَدَ فَنَأَى، وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفَى، يا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمَقادِيرُ، يا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرُ، يا مَنْ هُوَ عَلَى ما يَشَاءُ قَدِيرٌ.

يا مُرْسِلَ الرِّياحِ، يا فالِقَ الإِصباحِ، يا باعثَ الأرواحِ، يا ذا الجودِ وَالسَّماحِ، يا رادًّا ما قَدِ فأتَ، يا ناشِرَ الأمواتِ، يا جامعَ الشَّئاتِ، يا رازِقَ مَنْ يَشَاءُ، وفاقِلَ ما يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ، ويا ذا الجلالِ وَالإِكرامِ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا حَيُّ حينَ لا حَيِّ، يا حَيُّ يا مُحييَ المَوْتى، يا حَيُّ لا إلهَ إلا أنتَ بَدِيعَ السَّماءاتِ وَالأَرْضِ.

يا إلهي! صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْراهِيمَ وَآلِ إِبْراهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَارْحَمْ ذُلِّي وَفاقَتِي وَفَقْرِي وَأَنْفِرادِي وَوَحْدَتِي وَخُضوعي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاعْتِمادِي عَلَيْكَ، وَتَصَدَّقْ رُعي إِلَيْكَ.

أَدْعوكَ دُعاءَ الخاضِعِ الذَّلِيلِ، الخاشِعِ الخائِفِ، المُشفِقِ البائِسِ، المَهينِ الحَقيرِ، الجائِعِ الفَقيرِ، العائِدِ المُسْتَجيرِ، المُقَرَّبِ بَدَنِهِ المُسْتَغْفِرِ مِنْهُ، المُسْتَكينِ لِرَبِّهِ، دُعاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَّتُهُ، وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ، وَعَظَمَتْ فَجِيعَتُهُ، دُعاءَ حَرِّ حَرِّينِ، ضَعيفِ مَهينِ، بائِسِ مِسكينِ بِكَ مُسْتَجيرِ.

ص: 200



"ای باز گردنده! ای روشنگر! ای پاك! ای اجابت کننده! ای بسیار بخشنده! ای پاسخ دهنده! ای عادل! ای بیبا! ای برآورنده آرزو! ای استوار کننده! ای برگشت کننده! ای کامل! ای راه نما! ای فرمان روا! ای سامان ده! ای عزت بخش! ای خوار کننده! ای باشکوه! ای روزی رسان! ای سرپرست! ای با فضیلت! ای منزه!

ای که بالا رفت و اوج گرفت و در دیدگاهی بالاتر قرار یافت! ای که نزدیک و نزدیک تر شد، و دور و دور از دسترس شد و راز و ضمیر ناآگاه را می داند! ای که تدبیر با اوست و اندازه دهی ها با او! ای که دشوار بر او آسان و اندک است! ای که بر آنچه بخواهد، توانایی دارد!

ای فرستنده بادها! ای شکافنده سپیده دم! ای برانگیزاننده جان ها! ای صاحب جود و بخشش! ای بازگرداننده آنچه از دست رفته! ای زنده کننده مردگان! ای گردآورنده پراکندگی! ای روزی دهنده هر که می خواهد و ای کننده هر کاری که می خواهد، به هر گونه که بخواهد و ای صاحب جلالت و کرامت! ای زنده! ای پایدار! ای زنده هنگامی که زنده ای نباشد! ای زنده، ای زنده کننده مردگان! ای زنده ای که جز تو، پدیدآورنده آسمان ها و زمین، معبودی نیست!

ای معبود من! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر محمد و خاندان محمد رحم کن و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی و برکت دادی و رحم کردی، که تو پسندیده و بزرگواری، و بر خواری ام، بیچارگی ام، ناداری ام، یگه بودنم، تنهایی ام، خضوعم در برابرت و اعتمادم به تو و زاری ام نزد تو.

تو را می خوانم خواندن انسان فروتن، خوار، خاشع، ترسان، هراسان، بیچاره، بینوا، حقیر، گرسنه، بی چیز، پناه برنده، پناهخواه، اعتراف کننده به گناهش، آمرزش خواه از آن، خوار در درگاه پروردگارش؛ خواندن کسی که معتمدانش او را تسلیم کرده و دوستانش او را و نهاده اند و دردش بزرگ است؛ خواندن دل سوخته اندوهگین، ناتوان خوار، نیازمند بینوای پناهنده به تو.

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ، وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَدِيثًا، وَإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ، وَيَا مَنْ رَدَّ يَوْسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ، وَيَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ، وَيَا رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ، وَزَانِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ، يَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ، وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى، وَلِمَرْيَمَ عِيسَى، يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ، وَيَا كَافِلَ وُلْدِ أُمِّ مُوسَى عَن وَالِدَتِهِ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ، وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ وَجَنَانَكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُفَكَّ عَنِّي كُلَّ حَلَقَةٍ ضَمِيئَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ، وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعَبٍ، وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ، وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ، وَتَكْفُفَ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ، وَتَكْبِتَ عَنِّي كُلَّ عَادُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ، وَتَمْنَعَ عَنِّي كُلَّ ظَالِمٍ، وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ وُلْدِي، وَيُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ، وَيُثَبِّطَنِي عَن عِبَادَتِكَ.

يَا مَنْ الْجَمَّ الْحِجْنَ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَقَهَرَ عُتَاةَ الشَّيَاطِينِ، وَأَذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبَّرِينَ، وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَدِّ لَطِينِ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَسَهِّلُكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِي مَا تَشَاءُ.

ثُمَّ اسْجُدِي عَلَى الْأَرْضِ وَعَفِّري خَدَيْكَ وَقُولِي:

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي

بار خدایا! از تو می خواهیم؛ زیرا تو مسلطی و تو هر کاری خواهی، انجام می شود و تو بر هر چیزی که خواهی، توانایی و از تو می خواهیم به حرمت این ماه حرام و خانه محترم و شهر محترم و رکن (حجر الأسود) و مقام [ابراهیم] و مشاعر بزرگ (عرفات و مزدلفه) و به حق پیامبرت محمد - بر او و خاندانش درود -.

ای که شیث را به آدم بخشید و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم و ای که یوسف را به یعقوب باز گرداند و ای که پس از بلا، سختی ایوب را برطرف کرد! ای برگرداننده موسی به مادرش و فزاینده دانش خضر! ای که سلیمان را به داوود و یحیی را به زکریا، و عیسی را به مریم بخشید، ای نگاهدار دختر شعیب و ای عهده دار فرزند مادر موسی برای مادرش!

از تو می خواهیم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همه گناهانم مرا بیامرزی و از عذاب خودت پناهم دهی و رضوان و امان و احسان و آمرزش و بهشت خود را برایم حتمی کنی و از تو می خواهیم که هر پیوند میان من و آزارسانم را بگسلی و برایم هر دری را بگشایی و برایم هر سختی را هموار و هر دشواری را آسان کنی و هر بدگوی مرا لال کنی و هر متجاوزی را از من باز داری و هر دشمن و حسودی را که دارم، سرکوب کنی و هر ستمکاری را از من باز داری و هر مانعی را که میان من و حاجتم حایل می شود و می کوشد که میان من و طاعتت جدایی افکند و مرا از عبادتت باز دارد، کفایت کنی.

ای کسی که جنیان سرکش را لجام کرد و شیاطین گردن فراز را مغلوب نمود و گردن های جبّاران را رام کرد و نیرنگ سلطه جویان را از مستضعفان باز گرداند! به حق توانایی ات بر هر چه می خواهی و آسان کردنت برای هر چه می خواهی به هر گونه که می خواهی، از تو می خواهیم که بر آوردن حاجتم را در آنچه می خواهی، قرار دهی."

سپس بر زمین سجده کن و گونه هایت را به زمین بمال و بگو: "بار خدایا! برای تو سجده می کنم و به تو ایمان دارم. پس بر خواری من و ناداری من و

وَتَصْرُعِي وَمَسْكَنْتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ.

وَاجْتَهْدِي أَنْ تَسُحَّ عَيْنَاكَ وَلَوْ بِقَدْرِ رَأْسِ الذُّبَابَةِ دُمُوعًا، فَإِنَّ ذَلِكَ عِلَامَةٌ الْإِجَابَةِ...

قَالَتْ أُمُّ دَاوُدَ: فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَيِّدِي، أَيْدَعِي بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي غَيْرِ رَجَبٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَوْمَ عَرَفَةَ، وَإِنْ وَافَقَ ذَلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهُ مِنْهُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، وَفِي كُلِّ شَهْرٍ إِذَا أَرَادَ ذَلِكَ صَامَ الْأَيَّامَ الْبَيْضَ، وَدَعَا بِهِ فِي آخِرِهَا كَمَا وَصَفْتُ. (1)

6/10 الدَّعَوَاتُ الْعَامَّةُ فِي شَهْرِ رَجَبٍ

341. الإقبال عن أبي سعيد الخدري: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا إِنَّ رَجَبًا شَهْرُ اللَّهِ الْأَصْمُ. وَذَكَرَ فَضْلَ صِيَامِهِ وَمَا لِيَصِيَامَ أَيَّامِهِ مِنَ الثَّوَابِ. ثُمَّ قَالَ فِي آخِرِهِ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى هَذِهِ الصُّفَةِ يَصْنَعُ مَاذَا لِيَنَالَ مَا وَصَفْتَ؟ قَالَ: يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ إِلَى تَمَامِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا بِهَذَا التَّسْبِيحِ مِئَةَ مَرَّةٍ:

سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ. (2)

342. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى فِي رَجَبٍ سِتِّينَ رَكْعَةً؛ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهُ رَكْعَتَيْنِ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِنْهُمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً، وَ«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مَرَّةً، فَإِذَا سَلَّمَ مِنْهُمَا رَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ

ص: 204

1- . الإقبال: ج 3 ص 239، مصباح المتهجد: ص 807 ح 872.

2- . الإقبال: ج 3 ص 197، ثواب الأعمال: ص 83 ح 4.

کوشش من و زاری من، بر بینوایی من و بر نیازمندی من به خودت رحم کن، ای پروردگرم».

و بکوش که از چشمانت، اشکی هر چند اندک بریزی که این نشان از اجابت دعایت دارد...».

اُمّ داوود می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ای سرور من! آیا این دعا در ماه های دیگر جز رجب هم خوانده می شود؟

فرمود: «آری، روز عرفه و اگر آن روز با روز جمعه مقارن شود، دعا کننده آن را به پایان نبرده است که خداوند، او را می آمرزد، و در هر ماه اگر این را بخواند، روزهای میانه ماه را روزه می گیرد و در روز آخر (پانزدهم ماه)، آن دعا را همین گونه بخواند که توضیح دادم».

### 10/6 دعاهای عمومی ماه رجب

341. الإقبال - به نقل از ابو سعید خُدری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید که رجب، ماه خدا و بدون غوغای جنگ است» و فضیلت روزه آن و پاداش روزه داشتن روزهای آن را بیان نمود و سپس در پایان سخنش، در پاسخ این که: اگر کسی نتوانست روزه بگیرد، چه کند تا به این پاداش ها برسد؟ فرمود: «در هر روز ماه رجب تا پایان آن، خدای متعال را با این ذکر، صد مرتبه تسبیح کند: "منزّه است معبود جلیل! منزّه است کسی که جز تنزیه او، روا نیست! منزّه است آن که عزیزترین و بزرگوارترین است! منزّه است آن که جامه عزّت به تن نموده و شایسته آن است"».

342. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر شب از ماه رجب، شصت رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت آن، یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره کافرون و یک مرتبه سوره توحید بخواند و چون سلام آن دو رکعت را بدهد، دستانش را بالا ببرد و بگوید: «معبودی جز خدای یگانه بی شریک نیست، فرمان روایی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ.

وَيَمَسُحُ بِيَدَيْهِ وَجْهَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَسْتَجِيبُ الدُّعَاءَ، وَيُعْطِي ثَوَابَ سِتِّينَ حَبَّةً وَسِتِّينَ عُمْرَةً. (1)

343. المزار الكبير عن طاووس اليماني: مَرَرْتُ بِالْحَجْرِ فِي رَجَبٍ، وَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ، فَتَأَمَّلْتُهُ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ: يَا نَفْسِي، رَجُلٌ صَالِحٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَاللَّهِ لَأَعْتَمِنَنَّ دُعَاءَهُ. فَجَعَلْتُ أَرْقُبُهُ حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، وَرَفَعَ بَاطِنَ كَفَّيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَجَعَلَ يَقُولُ:

سَيِّدِي سَيِّدِي، هَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذَّنُوبِ مَمْلُوءَةً، وَعَيْنَايَ إِلَيْكَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةٌ، وَحَقُّ لِمَنْ دَعَاكَ بِاللَّدَمِ تَذَلُّلاً، أَنْ تُجِيبَهُ بِالكَرَمِ تَفَضُّلاً.

سَيِّدِي! مِنْ أَهْلِ الشَّفَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكَائِي؟ أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي؟

سَيِّدِي! الْضَرْبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي؟ أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي؟

سَيِّدِي! لَوْ أَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ، لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ.

سَيِّدِي! لَوْ أَنَّ عَذَابِي يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ، غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ، وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةَ الْعَاصِينَ.

سَيِّدِي! مَا أَنَا وَمَا خَطْرِي؟ هَبْ لِي خَطَايَايَ بِفَضْلِكَ، وَجَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ.

إِلَهِي وَسَيِّدِي! ارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَجْبَتِي،

ص: 206

و می میراند و او زنده ای نامیراست. خیر به دست اوست و او بر هر کاری تواناست و کار به او می انجامد و نیرو و توانی جز به خداوند والای بزرگ نیست. خدایا! بر محمد، پیامبر امی و خاندانش درود فرست» و دستانش را به صورتش بکشد، خداوند سبحان، دعایش را مستجاب می کند و پاداش شصت حج و شصت عمره به او عطا می نماید.

343. المزار الکبیر - به نقل از طاووس یمانی - : [در کنار کعبه] از حجر اسماعیل گذشتم. شخصی را در رکوع و سجود دیدم. خوب به او نگریستم و دریافتم که علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام است. با خود گفتم: مردی صالح از خاندان نبوت! به خدا سوگند، دعایش را باید مغتنم بشمرم. پس مراقبش بودم تا از نمازش فارغ شد و کف دست هایش را رو به آسمان گرفت و این دعا را شروع نمود:

«سَرورم، سَرورم! این دستانِ پر از گناه من است که به سوی تو بلند کرده ام و چشمانِ پُرامیدم که به سوی تو دوخته ام و حقّ آن که با خواری و پشیمانی، تو را می خواند، آن است که به تفضّل و کرم، اجابتش کنی.

سَرورم! آیا مرا از شوربختان آفریده ای تا گریه ام را به درازا کشم، یا از خوش بختان آفریده ای تا امیدم را بشارت دهم؟

سَرورم! آیا اعضايم را برای زده شدن با گرزها آفریده ای؟ یا روده هایم را برای نوشیدن آب جوشانِ دوزخ آفریده ای؟

سَرورم! اگر بنده ای را توانایی گریز از مولایش بود، من نخستین گریزندگان از تو بودم؛ اما می دانم که از دست تو به در نمی روم.

سَرورم! اگر عذاب کردنم، بر فرمان روایی تو می افزاید، از تو شکیش را خواهانم؛ اما می دانم که نه اطاعت مطیعان، به مُلک تو می افزاید و نه نافرمانی نافرمانان، از آن می کاهد.

سَرورم! من چه هستم و چه منزلتی دارم؟! خطاهایم را به فضلت بر من ببخشای و پرده سترت را بر من بپوشان و با روی کریمانه ات، از توبیخ من چشم بپوش.

معبود من و سَرورم! بر من هنگامی که در بستر مرگ افتاده ام، رحم کن؛

وَارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُعْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِبْرَتِي، وَارْحَمْنِي مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحَشْتِي وَغُرْبَتِي وَوَحْدَتِي، فَمَا لِلْعَبْدِ مَنْ يَرْحَمُهُ إِلَّا مَوْلَاهُ!

ثُمَّ سَجَدَ وَقَالَ:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ حَرِّهَا لَا يُطْفِئُ، وَجَدِيدِهَا لَا يَبْلَى، وَعَطَشَانِهَا لَا يَرَوِي.

وَقَلَبَ خَذَهُ الْأَيْمَنَ وَقَالَ:

اللَّهُمَّ لَا تُقَلِّبْ وَجْهِي فِي النَّارِ بَعْدَ تَغْفِيرِي وَسُجُودِي لَكَ بِغَيْرِ مَنْ مَنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْنُ عَلَيَّ.

ثُمَّ قَلَبَ خَذَهُ الْأَيْسَرَ وَقَالَ:

إِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ.

ثُمَّ عَادَ إِلَى السُّجُودِ وَقَالَ:

إِنْ كُنْتُ بِسِئْسِ الْعَبْدِ، فَأَنْتَ نِعَمَ الرَّبِّ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ - مِئَةَ مَرَّةٍ -.

قَالَ طَاووسٌ: فَبَكَيْتُ حَتَّى عَلَا نَحْيِي، فَالْتَقَتْ إِلَيَّ وَقَالَ: مَا يُبْكِيكَ يَا يَمَانِي؟ أَوْ لَيْسَ هَذَا مَقَامَ الْمُذْنِبِينَ؟! فَقُلْتُ: حَبِيبِي! حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرُدَّكَ وَجَدُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

قَالَ طَاووسٌ: فَلَمَّا كَانَ فِي الْعَامِ الْمُقْبِلِ فِي شَهْرِ رَجَبٍ بِالْكَوْفَةِ فَمَرَرْتُ بِمَسْجِدِ غَنِيٍّ، فَرَأَيْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فِيهِ وَيَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَفَعَلَ كَمَا فَعَلَ فِي الْحِجْرِ. (1)

344. الإقبال عن أبي معشر عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: إِنَّهُ كَانَ إِذَا دَخَلَ رَجَبٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِهِ:

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ الْمُؤَلِّمُونَ إِلَّا بِكَ، وَأَجْدَبَ الْمُتَنَجِّعُونَ إِلَّا مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ، بِأَبُكَ

ص: 208



هنگامی که دستان دوستانم مرا می چرخانند و نیز هنگامی که در غسل خانه نهاده اند و همسایگان صالحم مرا غسل می دهند و نیز هنگامی که جنازه ام بر دوش نزدیکانم برده می شود و نیز بر تنهایی و غربت و بی کسی ام در آن خانه تاریک، رحم کن، که به بنده جز مولایش رحم نمی کند؟».

سپس به سجده رفت و گفت: «به تو پناه می برم از آتشی که حرارتش خاموش نمی شود و هیچ گاه کم و ضعیف نمی شود و عطشش فرو نمی نشیند!».

و گونه راستش را بر زمین نهاد و گفت: «خدایا! رویم را از پس این سجده و صورت به خاک نهادنم، به سوی آتش مگردان، بی آن که با آن، مَنّی بر تو نهم که تو بر من مَنّت داری و ستایش، از آن توست».

و پس از آن، گونه چپش را بر زمین نهاد و گفت: «رحم کن بر کسی که بد کرد و گناه نمود و خوار شد و اعتراف نمود».

آن گاه به حالت سجده باز گشت و گفت: «اگر من بد بنده ای بودم، تو بهترین پروردگاری. العفو العفو» تا صد مرتبه.

چنان گریستم که ناله ام بلند شد. امام علیه السلام به من رو کرد و فرمود: «چرا می گریی، ای یمانی؟ آیا این جایگاه گناهکاران نیست؟».

گفتم: ای محبوب من! برای من مسلم است که خداوند تو را رد نمی کند در حالی که جدّت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ماه رجب سال بعد در کوفه بودم. از مسجد غنی عبور می کردم که دیدم امام زین العابدین علیه السلام در آن نماز می گزارد و همین دعا را می خواند و همان کاری را کرد که در حجر اسماعیل کرده بود.

344. الإقبال - به نقل از ابو معشر - چون ماه رجب فرا می رسید، امام صادق علیه السلام این دعا را در هر روز از آن می خواند:

«آنان که بر غیر تو بار یافتند، ناامید گشتند، و آنان که به جز تو پرداختند، زیانکار شدند، و آنان که به جز تو روی آوردند، به تباهی رسیدند، و آنان که روزی خود را از غیر تو جستند، دچار قحطی شدند. دروازه ات به روی

مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ، وَخَيْرُكَ مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ، وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَنَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلآمِلِينَ، وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَحِلْمُكَ مُتَعَرِّضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الإِحْسَانُ إِلَى المُسِيئِينَ، وَسَبِيلُكَ الإِبْقَاءُ عَلَى المُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى المُهْتَدِينَ، وَارزُقْنِي اجْتِهَادَ المُجْتَهِدِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الغَافِلِينَ المُبْعَدِينَ، وَاغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ. (1)

345. الإقبال عن محمد السجاد [بن ذكوان]: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هَذَا رَجَبٌ عَلَّمَنِي فِيهِ دُعَاءٌ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِ، قَالَ: فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أُكْتُبُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَقُلْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ صَدِّحًا وَمَسَاءً، وَفِي أَعْقَابِ صَدِّحَاتِكَ فِي يَوْمِكَ وَلَيْلَتِكَ:

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَأَمَّنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الكَثِيرَ بِالقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الآخِرَةِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمًا.

قَالَ: ثُمَّ مَدَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ اليُسْرَى فَقَبَضَ عَلَى لِحْيَتِهِ، وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَهُوَ يَلُودُ بِسَبَابَتِهِ اليُمْنَى، ثُمَّ قَالَ بَعْدَ ذَلِكَ:

يَا ذَا الجَلَالِ وَالإِكْرَامِ، يَا ذَا النِّعَمَاءِ وَالجُودِ، يَا ذَا المَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّمِ شَيْئِي عَلَى النَّارِ.

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى لِحْيَتِهِ، وَلَمْ يَرْفَعْهَا إِلَّا وَقَدْ امْتَلَأَ ظَهْرُهُ دُمُوعًا. (2)

346. مصباح المتهجد عن ابن عيَّاش: خَرَجَ إِلَى أَهْلِي عَلَى يَدِ الشَّيْخِ أَبِي القَاسِمِ 2

ص: 210

1- . الإقبال: ج 3 ص 209، بحار الأنوار: ج 98 ص 389 ح 1.

2- . الإقبال: ج 3 ص 211، الكافي: ج 2 ص 584 ح 20.

مشتاقان، باز است و خیرت برای خوانندگان، در دسترس است و احسانت برای نیازمندان، بی مانع است و عطایت برای آرزومندان، آماده است و روزی ات حتی برای روی گردانان از فرمانت، گسترده است و بردباری ات، دشمنانت را نیز در بر می گیرد. شیوه ات، احسان به بدکاران، و روشت، باقی گذاشتن متجاوزان است. خدایا! مرا به راه ره یافتگان ره نمون شو، و تلاش تلاشگران را روزی ام فرما و مرا از بی خبران دور شده قرار مده و روز جزا مرا بیامرز».

345. الإقبال - به نقل از محمد سجاد بن ذکوان - : به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! این، ماه رجب است. دعایی به من بیاموز که خدا با آن، سودی به من رساند.

امام صادق علیه السلام به من فرمود: «بنویس: بسم الله الرحمن الرحيم و در هر روز از ماه رجب، صبح و شب و در تعقیب نمازهای شب و روزت، بگو:

"ای که برای هر خیری، به او امید دارم و در هر شری، از خشمش آسوده ام! ای که در برابر کم، فراوان می بخشد! ای که به هر که از او بخواهد، عطا می کند! ای که به کسی که از او نخواست است، نیز عطا می کند و از سر رحمت و مهرورزی، به کسی که او را نشناخته نیز می بخشد! به خاطر درخواستم از تو، همه خیر دنیا و همه خیر آخرت را به من عطا بنما و همه شر دنیا و شر آخرت را از من بگردان، که آنچه تو دهی، ناتمام نیست. و [لی] از فضلت بر من بیفز، ای بزرگوار!"

سپس امام صادق علیه السلام دست چپش را دراز نمود و محاسنش را گرفت و در حالی که با انگشت اشاره دست راستش به خدا پناه می جست، این دعا را خواند و پس از آن گفت:

«ای صاحب جلالت و بزرگواری! ای صاحب نعمت و سخاوت! ای صاحب بخشش و عطا! موی سپیدم را بر آتش دوزخ حرام کن».

و در حدیث دیگری آمده است: سپس دستش را بر محاسنش نهاد و آن را بر نداشت تا اشک، پشت دستش را فرا گرفت.

346. مصباح المتهجد - به نقل از ابن عیّاش - : در مدتی که شیخ ابو القاسم

في مقامه عندهم هذا الدعاء في أيام رجب:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالمَوْلُودِينَ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنتَجَبِ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ القُرْبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ المَعْرُوفُ طُلِبَ، وَفِيما لَدَيْهِ رُغِبَ، أَسْأَلُكَ سُؤلاً مُقْتَرِفاً مُذْنِبٍ، قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقْتَهُ عُيُوبُهُ، فَطالَ عَلَيَّ الخَطايا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرِّزايا خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الأُوبَةِ، وَالتَّزُوعَ عَنِ الحُوبَةِ، وَمِنَ النَّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ، وَالعَفْوَ عَمَّا فِي رِقَبَتِهِ، فَأَنْتَ يا مَولايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ.

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسائِلِكَ المُنيِفَةِ، أَنْ تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ واسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِما رَزَقْتَهَا فائِعَةٍ، إلى نُزُولِ الحافِرَةِ وَمَحَلِّ الآخِرَةِ، وَما هِيَ إِلَيْهِ صائِرَةٌ. (1)

347. مصباح المتهجد عن الحسين بن روح رضی الله عنه: زُرْتُ أَيَّ المَشاهِدِ كُنْتُ بِحَضْرَتِها فِي رَجَبٍ، تَقُولُ إِذا دَخَلْتَ:

الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أوليائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمَ ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْمُنتَجَبِ، وَعَلَى أَوْصِيائِهِ الحُجُبِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعَدَهُمْ، وَأورِدنا مَورِدَهُمْ، غَيْرَ مُحَلِّينَ عَن وِرْدِ فِي دارِ المَقامَةِ وَالخُلْدِ، وَالسَّلَامَ عَلَيكُمْ.

إِنِّي قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسأَلَتِي وَحاجَتِي، وَهِيَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دارِ القَرارِ، مَعَ شيعَتِكُمُ الأَبْرارِ، وَالسَّلَامُ

ص: 212

[حسین بن روح نوبختی، نایب سوم امام زمان] نزد خانواده ام بود، دعایی برای ایشان به دست او [از سوی ناحیه مقدسه] آمد که در روزهای رجب خوانده می شود: «خدایا! به [حق] دو مولود در رجب: محمد بن علی دوم (امام جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد برگزیده (امام هادی علیه السلام) (1) از تو درخواست می کنم و بهترین تقرب را با آن دو، به تو می جویم. ای که احسان را از او می جویند و به آنچه نزد اوست، رغبت می ورزند! از تو درخواست می کنم، درخواست گنهکاری که دستاوردش گناه است و گناهانش او را هلاک کرده و عیب هایش او را به بند کشیده اند و به خطا خو گرفته و مصیبت های سهمگین دیده است و حال از تو می خواهد که توبه کند و به نیکی باز گردد و دل از معصیت بر کند و گردنش از آتش رهانیده شود و از آنچه گریبانگیرش شده در گذری، که تو - ای مولای من - بزرگ ترین امید و تکیه گاه او هستی.

خدایا! به خواست های گران بها از تو و وسیله های والایت از تو می خواهم که مرا در این ماه با رحمت گسترده ات و نعمت های باز دارنده ات [از حرام ها و زیان ها] و جانی قناعت کننده به روزی ات به آن، در بر گیری تا آن گاه که گام به برزخ و جایگاه اخروی و آنچه ره سپار آن می شویم، بگذاریم».

347. مصباح المتهدّد - به نقل از ابو القاسم حسین بن روح - هر کدام از مزارهای مقدّس را که در نزدیکشان بودی، در ماه رجب، زیارت کن و به هنگام ورود بگو:

«ستایش، ویژه خدایی است که ما را در یکی از بارگاه های اولیای خود، در [ماه] رجب، حاضر کرد و حقوق واجب آنها را بر ما، لازم ساخت. خداوند، بر محمد برگزیده اش و بر اوصیای حاجب درگاهش، درود فرستد. خدایا! همان گونه که ما را در بارگاه ایشان، حاضر کردی، وعده به ایشان را [در پاداش دادن به زائرشان] برایمان حتمی گردان و ما را همراه ایشان و بی منع و باز داشتن، به همان سرای ماندن و جاودانگی، وارد کن.

سلام، بر شما! من آهنگ شما کرده ام و در درخواست و حاجتم، به شما تکیه دارم. درخواستم، رهایی از آتش و منزل یافتن با شما در سرای قرار،

ص: 213

---

1- . در برخی نقل ها، ولادت امام جواد و امام هادی 8 را در ماه رجب گفته اند.

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَعِمَّ عُنُقِي الدَّارِ، أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ، فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّقْوِيضُ وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيضُ، فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ، وَيُشْفَى الْمَرِيضُ، وَمَا تَرَدَّادُ الْأَرْحَامُ وَمَا نَعِيضُ.

إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَقَضَائِهَا وَإِمضَائِهَا، وَإِنجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا، وَبِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُؤَدَّعٌ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُؤَدَّعٌ، يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَسَعِيَهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلَى جَنَابِ مُمْرِعٍ وَخَفِضِ مُوسَّعٍ، وَدَعَاةٍ وَمَهَلٍ، إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ، فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ، وَشَرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ، وَعَلٍّ وَنَهْلٍ، لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ، وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَالْفُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمَرَتِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (1)

348. الإقبال - فيما رواه من كتاب «معالم الدين» - : ذَكَرَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الرَّوَادِ الرَّوَّاسِيُّ أَنَّهُ خَرَجَ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الدَّهَّانِ إِلَى مَسْجِدِ السَّهْلَةِ فِي يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ، فَقَالَ: مِلْ بِنَا إِلَى مَسْجِدِ صَعَصَعَةَ فَهُوَ مَسْجِدٌ مُبَارَكٌ، وَقَدْ صَلَّى بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَطْنُهُ الْحُجَّاجُ بِأَقْدَامِهِمْ، فَمِلْنَا إِلَيْهِ، فَمِينَا نَحْنُ نَصَلِّي إِذَا بَرَجَلٍ قَدْ نَزَلَ عَن نَاقَتِهِ وَعَقَلَهَا بِالظَّلَالِ، ثُمَّ دَخَلَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ أَطَالَ فِيهِمَا، ثُمَّ مَدَّ يَدَيْهِ فَقَالَ - وَذَكَرَ الدُّعَاءَ الَّذِي يَأْتِي ذِكْرُهُ -

ص: 214

همراه با پیروان نیکوکار شماست؛ و سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان و چه نیکو سرانجامی است فرجام این سرای! من در آنچه به شما واگذار شده است، از شما خواستارم و به شما، امیدوار. بر شماست عوض (پاداش دادن). پس به وسیله شما، شکستگی ها ترمیم می شود و بیمار، شفا می یابد و فزونی و کاستی رَحِم ها (فرزندان) هم به وسیله شماست.

من، به نهان شما، ایمان دارم و سختتان را پذیرا هستم و برای بازگشت با حاجت های امضا و روا شده و بر آوردن و بزرگ داشتن آنها، خدا را به شما و شأن و صلاح نزد شما، سوگند می دهم.

و سلام و رحمت و برکات و درودهای خدا بر شما باد؛ سلام کسی که در حال وداع است و حاجت هایش را به شما می سپارد و از خدا می خواهد که به سوی شما، باز گردد و شتافتش به سوی شما، قطع نشود! [از خدا می خواهم که] مرا با بهترین حالت، از سوی شما باز گرداند، به جایی آباد، و آسایشی گسترده، و راحتی و آرامش تا به هنگام فرارسیدن آجل، و رفتن به بهترین جا و فرود آمدن در نعمت جاوید و زندگی بدون پیری، با خوردن همیشگی و نوشیدن شرابِ گوارا و سر به مُهر بهشتی، از نخستین جرعه آن تا جام های پی در پی، بدون دل زدگی و ملول شدن، تا بازگشت به حضور شما و رستگاری در بازگشت شما، و محشور شدن در زمرة شما.

سلام و رحمت و برکات خدا و درودها و تحیات او بر شما، که او، ما را کافی و بهترین وکیل است».

348. الاقبال - به نقل از کتاب معالم الدین - : محمد بن ابی زؤاد روّاسی ذکر کرد که با محمد بن جعفر دهّان (روغن فروش) در روزی از روزهای ماه رجب به سوی مسجد سهله حرکت کردیم. او گفت: ما را به سوی مسجد صعصعه ببر که مسجدی مبارک است و امیر مؤمنان علی علیه السلام در آن جا نماز گزارده و حجّت های الهی به آن پا نهاده اند. ما به سوی آن رفتیم و در حال نماز در آن جا بودیم که مردی از شترش پیاده شد و آن را در سایه بست و وارد شد و دو رکعت نماز طولانی خواند و سپس دستانش را دراز کرد و دعایی را خواند -

ثُمَّ قَامَ إِلَى رَاحِلَتِهِ وَرَكِبَهَا، فَقَالَ لِي ابْنُ جَعْفَرٍ الدَّهَّانُ: أَلَا نَقُومُ إِلَيْهِ فَنَسَأُ لَهُ مِنْ هُو؟ فَقَمْنَا إِلَيْهِ فَقَلْنَا لَهُ: نَاشِدُنَاكَ اللَّهُ مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: نَاشِدُتُكُمَا اللَّهُ مَنْ تَرَيَانِي؟ قَالَ ابْنُ جَعْفَرٍ الدَّهَّانُ: نَظُنُّكَ الْخِضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: وَأَنْتَ أَيْضًا؟ فَقُلْتُ: أَطُنُّكَ إِيَّاهُ، فَقَالَ: وَاللَّهِ، إِنِّي لَمَنْ الْخِضِرُ مُفْتَقِرٌ إِلَى رُؤْيَيْتِهِ، إِنصِرْفَا فَاإِنَّا إِمَامُ زَمَانِكُمَا.

وهذا لَفَظُ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنَّعْمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ.

يَا مَنْ لَا يُنَعْتُ بِتَمَثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ.

يَا مَنْ خَلَقَ فَرْزَقًا، وَالْهَمَّ فَانْطَقَ، وَأَبَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَاتَّقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ.

يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ حَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَارَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سَمَاطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَأَنْحَسَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ؛ أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَبْغِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِذَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ، وَيَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَيَا



که خواهیم آورد - . آن گاه به سوی مرکبش رفت و سوارش شد. ابن جعفر دهان به من گفت: آیا بر نخیزیم تا به سویش برویم و بپرسیم او کیست؟ برخاستیم و به سوی رفتیم و به او گفتیم: تو را به خدا سوگندت می دهیم که تو کیستی؟ او ما را سوگند داد که وی را چه کسی می پنداریم. ابن جعفر دهان گفت: گمان می کنیم که تو خضر هستی. او گمان مرا هم جو یا شد. گفتم: من نیز همین گمان را دارم. او گفت: به خدا سوگند، من کسی هستم که خضر هم نیازمند دیدن اوست. باز گردید که من امام زمان شما هستم. و این، متن دعایش است:

«خدایا! ای صاحب الطاف فراوان و نعمت های گوناگون و رحمت گسترده و قدرت کامل و نعمت های بزرگ و بخشش های سترگ و یاری های زیبا و عطاهای فراوان! ای آن که با مثال زدن، توصیف نمی گردی و به مانند، تشبیه نمی شوی و به کمک و پشتیبانی، مغلوب نمی گردی!

ای آن که آفرید و روزی داد، و الهام کرد و گویا گرداند، و نوآوری کرد و آغاز نمود، و بلندمرتبه و والاست، و اندازه گیری کرد و نیک نگاشت، و صورتگری کرد و استوار ساخت، و حجت آورد و رساند، و نعمت داد و گستراند، و بخشید و افزود، و عنایت کرد و برتری داد!

ای آن که در عزت، مقام بلند دارد، چنان که از نگاه دیده ها برون است و در لطف، نزدیک است، چنان که در افکار، خطور می کند!

ای آن که در حکمرانی، یکتاست و شریکی برای او در قلمرو فرمان روایی اش نیست، و در نعمت ها و بزرگی ها، یگانه ای است که در جبروت مقام خود، ضدی ندارد!

ای که در بزرگی هیبت او، اندیشه ها و افکار نازک بین، حیران می مانند و جهش دیده مردم در برابر درک عظمتش سرشکسته می گردد! ای آن که چهره ها در برابر هیبت او سر افکنده اند و گردن ها در برابر عظمتش فروتن اند و دل ها از بیمش لرزان اند!

با این ستایش که جز برای تو شایسته نیست، و به خاطر آنچه بر خودت برای مؤمنانی که تو را می خوانند، مقرر کردی و به خاطر این که پاسخ مثبت دادن به خوانندگان خویش را ضمانت نمودی، از تو درخواست می کنم، ای شنواترین شنوندگان و بیناترین بینایان و مراقب ترین مراقبان و سریع ترین حسابگران! ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَنْ تَقْسِمَ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَأَنْ تَحْتِمَ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَتَحْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَيَمَنَ حَتَمْتَ، وَأَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمْتِنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مَسْأَلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلِّ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَقُولُ مِنْ غَيْرِ تِلْكَ الرَّوَايَةِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَقْدِ عَزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى رَحْمَتِكَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ، وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلَّهَا أَنْ تُصَلِّ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى بِعَهْدِكَ، وَأَقْضَى لِحَقِّكَ، وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ، وَخَيْرًا لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ، وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ، أَنْ تُعْطِيَنِي جَمِيعَ مَا أَحْبَبْتُ، وَتَصْرِفَ عَنِّي جَمِيعَ مَا أَكْرَهُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَجَدْنَا هَذَا الدُّعَاءَ وَهَذِهِ الزِّيَادَاتِ فِيهِ مَرْوِيًّا عَنْ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ. (1)

349. مصباح المتهجد عن ابن عيَّاش: مِمَّا خَرَجَ عَلَى يَدِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ، مَا حَدَّثَنِي بِهِ جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كَتَبْتُهُ مِنَ التَّوْقِيعِ الْخَارِجِ إِلَيْهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَدْعُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلَاةُ أَمْرِكَ، الْمَأْمُونُونَ عَلَى

ص: 218

أحکم الحاکمین و ای أرحم الراحمین! بر محمد، خاتم پیامبران، و بر خاندان پاک و برگزیده او درود فرست، و در این ماه، بهترین چیزی را که قسمت خواهی کرد، برای من قسمت کن، و در مقدرات، بهترین چیزی را که خود، در سرنوشت رقم زده ای، برای من رقم زن، و مرا در جمع آنان که عاقبتشان را به سعادت مندی ختم می کنی، مقرر فرما، و هر مقدار که مرا زنده نگه می داری، برخوردار، زنده نگه دار، و مرا شادمان و آمرزیده بمیران و خودت نجاتم را از پرسش برزخ، متولی باش، و نکیر و منکر (دو فرشته پرسشگر قبر) را از من بگردان، و بشیر و مبرر را به من بنمایان، و برای من به خشنودی و بهشت و زندگی خوش و فرمان روایی بزرگ، راهی قرار ده. صبحگاهان و شبانگاهان بر محمد و خاندانش درود خدا باد، ای مهربان ترین مهربانان!.

در روایتی دیگر آمده است: سپس می گویی:

«بار خدایا! من به [حق] گره عزت بر ارکان عرش، و نهایت مهربانی ات در قرآن، و اسم اعظم و یاد برتر و برترینت، و همه کلمه های تمامت، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان او درود فرستی، و از تو می خواهم که به من، هر چه را که به عهد تو وفا کننده تر، و برای حق تو ادا کننده تر، و برای تو خشنود کننده تر، و برای من در روز بازگشت به نزدت و به سویت بهتر است، تا آن جا که دوست دارم، بدهی و از من، هر آنچه را دوست ندارم، باز گردانی، که تو بر هر چیزی توانایی، به رحمتت، ای مهربان ترین مهربانان!».

[سید ابن طاووس در این جا می نویسد:] این دعا و افزوده آن را از امیر مؤمنان علیه السلام هم یافته ایم [و از ایشان هم برای ما روایت شده است].

349. مصباح المتهجد - به نقل از ابن عیاش - : جبیر بن عبد الله برایم گفت: این متن را از روی توقیعی نوشتم که از طرف ناحیه مقدسه به دست شیخ بزرگ، ابو جعفر محمد بن عثمان رسید:

(به نام خداوند مهرگستر مهربان. در هر روز از ماه رجب، این دعا را بخوان:

"خدایا! من از تو درخواست می کنم به معنای همه آنچه والیان امرت، تو را به آن خوانده اند؛ آن والیانی که رازنگهدار تو، بشارت یافتگان امر تو، توصیفگران قدرتت و

سِرِّكَ، المُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، المُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ.

وَأَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئَتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ، الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ، يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا إِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقْهَرُهَا وَيَرْتُقُّهَا بِيَدِكَ، بَدْوُهَا مِنْكَ، وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ، وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادٌ، وَحَفْظَةٌ وَرَوَادٌ، فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَشْبِيهًا، يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفَرِّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذَّيْجُورِ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِ، حَادٌّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدٌ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدٌ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيٌّ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدٌ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ.

يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دِيمُومٌ يَا قِيُومٌ، وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ، وَبِهِمْ [البهم] الصَّافِينَ الْحَاقِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النَّعْمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِرْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي وَصَدَّعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَأَغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا مِنْهَا وَلَا نَعَلَّمْنَا، وَأَعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ، وَآكِفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنَا عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا حَبِيبَةَ أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (1)

ص: 220

آشکار کنندگان بزرگی ات هستند. از تو می خواهم به آنچه از خواستت در باره آنها گفتم [و موجود شد] و آنها را معادن کلمه هایت و ستون های توحیدت و نشانه ها و جایگاه ها [ی معرفت] قرار دادی؛ نشانه هایی که هیچ جایی از آنها تهی نیست و هر کس تو را شناخته، به آنها شناخته است و تفاوتی میان تو و آنها نیست، جز آن که آنان بندگان و مخلوق تو هستند و باز و بست و آغاز و پایانشان با توست. یاران و گواهان، آزمودگان و مدافعان و حافظان و پیش گامان اند که آسمان و زمینت را با ایشان پُر کردی، تا آن جا که یکتایی و بی همتایی ات پدیدار شد.

به وسیله اینها و نیز به جایگاه های عزت برخاسته از رحمت و به مقامات و نشانه هایت، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و استواری من بیفزایی. ای نهان در پیدایی اش و پیدا در نهان و پوشیدگی اش! ای جدا کننده نور و تاریکی! ای وصف شده، بی آن که به ژرفایش توان رسید! ای معروف، بی آن که مشابهی داشته باشد! [ای] مرز گذارنده برای هر محدود و گواه هر مشهود، و پدید آورنده هر موجود و به شمار آورنده هر معدود و سراغدار هر مفقود! هیچ معبودی جز تو نیست. ای که شایسته کبریایی و جودی!

ای که نه به چگونگی، توصیف می شود و نه جایی برایش معین می شود! ای نهان از هر دیده! ای پاینده بر پا دارنده، و دانا به هر دانسته! بر بندگان برگزیده ات و انسان های در حجاب گذاشته ات و فرشتگان مقربت و ناشناختگان صف کشیده حلقه زننده [بر گرد عرش] درود فرست و این ماه رجب گرامی و دیگر ماه های حرام پس از آن (ذی قعدة، ذی حجه و محرم) را برای ما مبارك گردان و نعمت هایت را در آن بر ما به فراوانی فرو بریز و بهره ما را بیشتر کن و سوگند ما را در آن، رد مکن [و درخواست ما را بپذیر]، به نام بزرگ سترگت، جلیل ترین و کریم ترین نامت؛ همان که بر روز نهادی و روشن شد و بر شب نهادی و تاریک شد. آنچه را تو از ما می دانی و ما نمی دانیم، بیامرز و ما را از گناهان به بهترین حفظ، محفوظ بدار و ما را با تقدیرهای کفایت کننده ات کفایت کن و با حسن نظرت، بر ما منت بنه و ما را به غیر خودت وا مگذار و از خیرت باز مدار و در عمری که برایمان نوشته ای، برکت ده و رازهای نهفته مان را سامان ده و از جانب خودت امانمان ده و ما را با ایمانی نیکو به کار گیر و ما را به ماه روزه و روزها و سال های پس از آن نیز برسان، ای صاحب شکوه و کرامت!«.

350. الإمامُ زین العابدین علیہ السلام:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، إلهی! أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِيَأْسَ مَسْكَنَتِي، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُعَيْتِي، وَيَا سُؤْلِي وَمُنِيَّتِي، فَوَعَزَّتْكَ مَا أَحْدُدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا، وَلَا أَرَى لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ بِالْإِسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟ فَوَا أَسَّ مَا مِنْ حَاجَلَتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَا مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي.

أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَاسِرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مَوْبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَلَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ، وَلَا تُعْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ.

إلهي! ظَلَّلَ عَلَيَّ ذُنُوبِي عَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسَلَ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ.

إلهي! هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبْقَى إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ؟

إلهي! إِنْ كَانَ النَّدْمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ التَّادِمِينَ، وَإِنْ كَانَ الْإِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى.

350. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! خطاها لباس خواری بر من پوشانده و دوری از تو، جامه بیچارگی ام را بر تنم افکنده و گناه بزرگم، دلم را میرانده است. پس توباً بازگشتی از خودت [به سوی من] زنده اش کن، ای آرزو و مطلوب من و ای خواسته و آرمانم! به عزّت سوگند برای گناهانم جز تو آمرزنده ای نمی یابم و برای شکستگی ام جز تو شکسته بندی نمی بینم و من با بازگشت به سویت خاضع گشته ام و با رام شدن در برابرت، خوار شده ام. پس اگر تو مرا از درگاه خویش برانی، به که روی آورم؟ و اگر تو از نزد خویش بازگردانی، به که پناه برم؟ و بسی افسوس از شرمندگی و رسوایی ام و ای دریغ از زشتکاری و گناهانم!

از تو می خواهم - ای آمرزنده گناه بزرگ و ای ترمیم گر استخوان شکسته - که گناهان هلاک کننده را بر من بیخشی و کارهای پنهانی رسوا کننده را بر من بپوشانی و در جایگاه حضور در قیامت، مرا از خوشی بخشش و آمرزش، بی بهره نگذاری و از لباس زیبای گذشت و پرده پوشی ات برهنه ام ننهی. خدایا! سایه ابر رحمتت را بر گناهانم بینداز و ابر مهربانی ات را برای [شستشوی] عیب هایم روانه کن.

معبود من! آیا بنده فراری جز به درگاه مولایش باز می گردد، یا جز او، کسی هست که وی را از خشمش پناه دهد؟!

معبود من! اگر پشیمانی بر گناه، توبه شمرده می شود، پس به عزّت سوگند که من از پشیمانانم و اگر آمرزش خواهی از خطا آن را پاک می کند، پس من از آمرزش خواهانم. از کرده ام پشیمانم و از تو می خواهم که از من راضی شوی.

إلهي! بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبِّ عَلَيَّ، وَبِحِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِي ارْفُقْ بِي.

إلهي! أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، فَقُلْتَ: (تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً) (1)، فَمَا عَظُمَ مِنْ أَعْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ؟

إلهي! إِنْ كَانَ قَبِيحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ.

إلهي! مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجَدَّتْ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ، يَا جَمِيلَ السِّتْرِ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِحَنَانِكَ وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي، بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (2)

2-6/11 مُنَاجَاةُ الشَّاكِينَ

351. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إلهي! إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسَّوِّءِ أَمَّارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلِّعَةً، وَبِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعْبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ.

ص: 224

1- . التحريم: 8.

2- . بحار الأنوار: ج 94 ص 142 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.



معبود من! به قدرتت بر من، به سویم باز گرد [و توبه مرا بپذیر] و به بردباری ات با من، مرا ببخش و به آگاهی ات از من، با من مدارا کن.

معبود من! تویی که دری به بخشش خود برای بندگان گشودی و آن را توبه نامیدی و فرمودی: (به سوی خدا باز گردید، باز گشت خالصانه صادقانه). پس دیگر چه عذری دارد آن کس که از وارد شدن در این در باز شده، غفلت ورزد؟

معبود من! اگر گناه کردن از بنده ات زشت است، ولی گذشت، از تو زیباست.

معبود من! من نخستین کسی نیستم که نافرمانی ات کرده و توبه اش را پذیرفته ای و خواستار احسانت گشته و تو بر او بخشیده ای. ای پاسخگوی در ماندگان (/بیچارگان)! ای گشایش دهنده در سختی! ای بزرگ احسان! ای دانا به اسرار نهان! ای زیبا پرده پوش! به بخشش و بزرگواری ات شفاعت جستیم و به مهر و رحمتی که نزد خود داری، توسل نمودم. پس دعایم را مستجاب کن و امیدم را به خودت ناامید نکن و توبه ام را بپذیر و خطایم را به گرم و مهربانی ات نادیده گیر، ای مهربان ترین مهربانان!

## 2-6/11 مناجات شکوه کنندگان

351. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! به سوی تو شکایت می آورم از نفسی که مرا همواره به بدی فرمان می دهد و به سوی گناه می شتابد و به نافرمانی هایت حریص است و به موجبات خشم دست می یازد و مرا به راه های هلاکت می کشاند و مرا خوارترین هلاک شده نزد تو می کند؛ هلاک شده ای با عیب هایی فراوان و آرزویی دراز. اگر شری به آن رسد، بی تابی کند و اگر خیری نصیبش گردد، آن را [از دیگران] باز می دارد. گرایشش به بازی و سرگرمی است، آکنده از غفلت و بی خبری است، مرا به سوی گناه می شتاباند و توبه ام را به امروز و فردا می افکند.

ص: 225

إلهي! أشكو إليك عدوًّا يَصِدُّ لمني، وشيطاناً يُعويني، قد مَلَأَ بالوسواسِ صدري، وأحاطت هواجسه بقلبي، يُعاضدُ لي الهوى، ويُرِيئُ لي حُبَّ الدنيا، ويحولُ بيني وبين الطاعةِ والرِّفَى.

إلهي! إليك أشكو قلباً قاسياً، مع الوسواسِ مُتَقَلِّباً، وبالرَّينِ والطَّبعِ مُتَلَبِّساً، وعيناً عن البكاءِ من خوفك جامدةً، وإلى ما يسرُّها طامحةً.

إلهي! لا حولَ لي ولا قوَّةَ إلا بقدرتك، ولا نِجاةَ لي من مكارِهِ الدنيا إلا بعصمتِكَ، فأسألك بِبِلاغةِ حِكْمَتِكَ، ونِفاذِ مَشِيئَتِكَ، أن لا تجعلني لِغَيْرِ جودِكَ مُتَعَرِّضاً، ولا- تُصَدِّقْني لِلْفِتَنِ غَرَضاً، وكُنْ لي عَلَى الأعداءِ ناصِراً، وَعَلَى المَحْزَازِي وَالْعُيُوبِ سائِراً، وَمِنَ البَلَايَا وإِقْيَاءً، وَعَنِ المَعَاصِي عاصِماً، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

3-6/11 مُنَاجَاةُ الخَائِفِينَ

352. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إلهي! أتركَ بعدَ الإيمانِ بِكَ تُعَذِّبُني؟ أم بعدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُني؟ أم معَ رَجائي لِرَحْمَتِكَ وَصَدْفِجِكَ تَحْرِمُني؟ أم معَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَلِّمُني؟ حاشا لَوَجْهِكَ الكَرِيمِ أن تُخَيِّبَني، لَيْتَ شِعْرِي، أَلِلْشَّقَاءَ وَلَدَتْنِي أُمِّي أم لِلْعَنَاءِ رَبَّتْني؟! فَلَيْتَها لَمْ تَلِدْني وَلَمْ تُرَبِّني، وَلَيْتَني عَلِمْتُ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي؟ وَبِقُرْبِكَ وَجِوَارِكَ خَصَصْتَنِي؟ فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ عَيْنِي، وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي.

ص: 226

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 143 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

معبود من! از دشمنی پیش تو شِ کوه می کنم که گم راهم می کند و از شیطانی که مرا به بیراهه می کشاند. سینه ام را از وسواس، آکنده و دمدمه هایش دلم را احاطه کرده است. هوسم را پشتیبانی می کند و محبت دنیا را برایم می آراید و میان من و فرمان برداری و نزدیکی به تو جدایی می اندازد.

معبود من! پیش تو شِ کوه می آورم از دلی سخت که به دست وسوسه ها می گردد و زنگار و مهر [تغییرناپذیری] به تن نموده است، و از دیده ای که از گریه برای تو خشک شده و نگاهش به چیزی خیره است که شادش نماید.

معبود من! نیرو و توانی برای من نیست جز با نیروی تو و راه نجاتی از ناخوشی های دنیا ندارم جز با نگهداری تو. پس، از تو می خواهم به حکمت رسایت و نفوذ خواسته ات که مرا جویای عطا و بخشش دیگران نکنی و در معرض تیرهای بلا قرار ندهی و در برابر دشمنان، یاور من و بررسوایی و عیب های من، پوشاننده و از بلاها حافظ و از گناهان، نگاهدارم باشی، به مهر و رحمت، ای مهربان ترین مهربانان!

### 3-11/6 مناجات بیمناکان

352. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! آیا چنان می بینی که پس از ایمان آوردنم به تو، عذابم کنی؟ یا پس از محبتم به تو، از خودت دورم سازی؟ یا با وجود امیدم به رحمت و چشم پوشی ات، محرومم نمایی؟ یا با پناه آوردنم به عفو، به [دوزخم] بسپاری؟ دور است از روی کریمانه ات که ناکامم کنی. کاش می دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی زایید یا برای رنج و مشقت پرورید! [که برای رنج و مشقت است] کاش مرا نزیاییده و پرورانده بود! و کاش می دانستم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده ای و به مقام قرب و جوار خویش مخصوصم گردانده ای تا چشمم به آن روشن شود و دلم بدان مطمئن گردد!

إلهي! هل تُسودُّ وجوهاً خَرَّتْ ساجِدةً لِعَظَمَتِكَ؟ أو تُخرِسُ السِّدَّةَ نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ وَجَلالَتِكَ؟ أو تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ انطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ؟ أو تُصِمُّ أَسْماعاً تَلَدَّدَتْ بِسَماعِ ذِكْرِكَ فِي إِرادَتِكَ؟ أو تُغْلُّ أَكْفافاً رَفَعَتْها الأَمالُ إِلَيْكَ رَجاءَ رَأْفَتِكَ؟ أو تُعاقِبُ أبداناً عَمِلَتْ بِطاعَتِكَ حَتَّى نَحَلَتْ فِي مُجاهدَتِكَ؟ أو تُعَذِّبُ أَرْجالاً سَعَتْ فِي عبادَتِكَ؟

إلهي! لا تُغْلِقْ عَلَى مُوحِدِكَ أبوابَ رَحْمَتِكَ، ولا تَحْجُبْ مُشتاقِكَ عَنِ النَّظَرِ إِلى جَميلِ رُؤْيَتِكَ.

إلهي! نَفْسٌ أَعزَزَتْها بِتَوَحُّيدِكَ، كَيْفَ تُدِلُّها بِمَهانَةِ هِجرانِكَ؟ وَضَميرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ تُحرِّفُهُ بِحرارةِ نيرانِكَ؟

إلهي! أَجرني مِنَ الأيمِ عَضْبِكَ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ، يا حَتانُ يا مَنانُ، يا رَحيمُ يا رَحمنُ، يا جَبارُ يا قَهَّارُ، يا غَفَّارُ يا سَتَّارُ، نَجِّني بِرَحْمَتِكَ مِنَ عَذابِ النَّارِ، وَفَضِيحَةِ العارِ، إِذا اَمْتارَ الأَخيَّارُ مِنَ الأَشْرارِ، وَهالَتِ الأَهْوالُ، وَقَرَّبَ المُحسِنونَ، وَبَعَدَ المُسيؤونَ، وَوَفَّيْتَ كُلَّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَهُم لا يُظَلِّمونَ. (1)

4-6/11 مناجاة الرّاجين

353. المناقب لابن شهر آشوب عن طاووس اليماني - في ذكر أحوال الإمام زين العابدين عليه السلام - : رَأَيْتُهُ يَطُوفُ مِنَ العِشاءِ إِلى السَّحَرِ وَيَتَعَبَّدُ، فَلَمّا لَم يَر أَحداً رَمَقَ السَّماءَ بِطَرْفِهِ وَقَالَ:

إلهي! غارت نجوم سَمَواتِكَ، وَهَجَعَتِ عُيونُ أَنامِكَ، وَأَبوابُكَ مُفْتَحاتٌ لِلسَّائِلينَ، جَنَّتِكَ لِتَغْفِرَ لي وَتَرَحِّمَني وَتُرِيني وَجَهَ جَدِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَرَصاتِ القِيامَةِ.

ص: 228

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 143 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

معبود من! آیا چهره‌هایی را که در برابر عظمتت به سجده افتاده‌اند، سیاه می‌کنی؟ یا زبان‌هایی را که به ستایش مجد و شوکتت گویا شده‌اند، لال می‌کنی؟ یا بر دل‌هایی که دوستی تو را در بر دارند، مَهر می‌زنی؟ یا گوش‌هایی را که به شنیدن ذکر در ارادت و رزی به تو لذت برده‌اند، کر می‌کنی؟ یا دست‌هایی را که آرزوها آنها را به امید رأفت به سویت بلند کرده‌اند، در بند می‌نمایی؟ یا پیکره‌هایی را که در طاعتت کار کرده، تا آن جا که در کوشش برای تو، لاغر گشته‌اند، کیفر می‌دهی؟ یا پاهایی را که در بندگی ات دویده‌اند، عذاب می‌کنی؟

معبود من! درهای رحمت را به روی یکتاپرستانت میند و مشتاقانت را از مشاهده جمال دیدارت مانع مشو.

معبود من! نفسی را که با یکتاپرستی ات عزیز داشته‌ای، چگونه با خواریِ هجرانت خوار می‌کنی و درونی را که به دوستی تو گره خورده است، چگونه با حرارت آتشت می‌سوزانی؟

معبود من! از خشم دردناک و ناخشنودی بزرگت پناهم ده، ای مِه‌روز، ای پربخشش، ای هم‌اره مهربان، ای بخشاینده، ای جبران‌کننده، ای بسیار چیره، ای بسیار آمرزشگر، ای پرده‌پوش! به رحمت، از عذاب آتش [دوزخ] و رسوایی ننگ، نجاتم ده، آن هنگام که نیکان از بدان جدا می‌گردند و هراس‌ها می‌ترسانند و نیکوکاران، نزدیک و مقرب می‌شوند و بدکاران دور می‌شوند و به هر کس تمام آنچه کرده، داده می‌شود و به ایشان ستم نمی‌شود.

#### 4-11/6 مناجات امیدواران

353. المناقب، ابن شهر آشوب - به نقل از طاووس یمانی، در بیان حالات امام زین العابدین علیه السلام - : امام علیه السلام را دیدم که از هنگام نماز عشا تا سحر، مشغول طواف و عبادت بود و وقتی دیگر کسی را [در اطراف کعبه] ندید، نگاهی به آسمان انداخت و فرمود: «معبود من! ستارگان آسمان هایت غروب کرده‌اند و چشمان آفریدگانت خفته‌اند و درهای [رحمت] توبه روی سائلان گشوده است. به پیشگاهت آمده‌ام تا مرا بیامرزی و بر من رحم آوری و رخسار جدم محمد صلی الله علیه و آله را در عرصه‌های قیامت، نشانم دهی».

ثُمَّ بَكَى وَقَالَ:

وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ! مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَةِ يَتِي مُخَالَفَتِكَ، وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِكَ شَاكٌّ، وَلَا بِنِكَالِكَ جَاهِلٌ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَكِنْ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَأَعَانَنِي عَلَى ذَلِكَ سَتْرُكَ الْمُرْخَى بِهِ عَلَيَّ، فَأَنَا الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي؟ وَبِحَبْلِ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي؟ فَوَا سَوَاتَاهُ عَدَاً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذَا قِيلَ لِلْمُخْفَيْنِ: جُوزُوا، وَلِلْمُثْقَلِينَ: حُطُّوا، أَمَعَ الْمُخْفَيْنِ أَجُوزٌ، أَمْ مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحُطُّ؟! وَيَلِي! كَلَّمَا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ خَطَايَايَ وَلَمْ أَتُبْ، أَمَا أَنْ لِي أَنْ أَسْتَجِيَ مِنْ رَبِّي؟!!

ثُمَّ بَكَى، ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ:

أُتَحَرِّفُنِي بِالنَّارِ يَا غَايَةَ الْمُنَى \*\*\* فَأَيْنَ رَجَائِي ثُمَّ أَيْنَ مَحَبَّتِي

أَتَيْتُ بِأَعْمَالٍ قِيَاحٍ رَدِيَّةٍ \*\*\* وَمَا فِي الْوَرَى حَلَقٌ جَنَى كِجْنَائِي

ثُمَّ بَكَى وَقَالَ:

سُبْحَانَكَ! تُعْصَى كَمَا أَنْتَ لَا تَرَى، وَتَحْلُمُ كَمَا أَنْتَ لَمْ تُعْصَ، تَتَوَدَّدُ إِلَى خَلْقِكَ بِحُسْنِ الصَّنِيعِ كَمَا أَنَّ بِكَ الْحَاجَةَ إِلَيْهِمْ، وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي الْغَنِيُّ عَنْهُمْ.

ثُمَّ خَرَّ إِلَى الْأَرْضِ سَاجِداً. (1)

354. الإمام زين العابدين عليه السلام - في المُنَاجَاةِ الْمَعْرُوفَةِ بِمُنَاجَاةِ الرَّاجِينَ -:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَّلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مِنْهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَبَهُ وَأَدَانَهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيْهِ وَغَطَّاهُ، وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَّاهُ.

ص: 230

1- . المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 151، بحار الأنوار: ج 46 ص 81 ح 75.

سپس گریست و فرمود: «به عزّت و جلالَت سوگند که معصیتم نه از سر مخالفت با تو، و نافرمانی ام نه از روی تردید در تو و نه از بی خبری از کیفیت و نه این که [از سر ناباوری و بی اعتنایی به خشم] خود را در معرض مجازات تو قرار دهم؛ بلکه نفسم گناهان را در نظرم آراست و پرده پوشی تو نیز در این راه، مرا مدد رساند. اینک کیست که مرا از عذاب تو برهاند؟ و به ریسمان چه کسی چنگ زخم اگر تو ریسمان خویش را از دستم برهانی؟ ای وای از فردا که در برابرت بایستم، آن گاه که به سبک باران گفته می شود: "بگذرید" و به گران باران گفته می شود: "بایستید"! آیا با سبک باران خواهم گذشت؟ یا با گران باران خواهم ایستاد؟ وای بر من! هر چه بر عمرم افزوده شد، گناهانم فزون تر گشت و توبه نکردم. آیا وقت آن نرسیده است که از پروردگارم شرم کنم؟».

امام علیه السلام سپس گریست و شروع به خواندن این ابیات کرد:

«ای نهایت آرزوها! آیا مرا به آتش می سوزانی؟

پس امید و محبت من [به تو] چه می شود؟

[هر چند] من اعمال زشت و پستی آورده ام

و در میان مردمان، گنهکاری چون من یافت نمی شود».

سپس دوباره گریست و فرمود: «منزّهی! چنان از تو نافرمانی می شود که انگار نمی بینی و چنان بردباری نشان می دهی که گویی نافرمانی نمی شوی. با خوش رفتاری ات، محبت خود را به بندگانت ابراز می کنی، چندان که گویی تو نیازمند آنانی، در حالی که تو - ای آقای من - از آنان بی نیازی».

امام علیه السلام سپس به سجده افتاد.

354. امام زین العابدین علیه السلام - در مناجات معروف به مناجات امیدواران - : ای کسی که هر گاه بنده ای چیزی از او بخواهد، عطایش می کند، و هر گاه بدو امید بندد، امیدش را بر می آورد، و هر گاه بنده ای به او روی آورد، به خود نزدیکش می گرداند، و هر گاه آشکارا نافرمانی اش کند، بر گناهِش پرده می کشد، و هر گاه بر او توکل کند، کفایتش می نماید!

إلهي! مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ (1) فَمَا قَرَيْتَهُ؟ وَمَنْ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ؟ أَيَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا؟! كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ؟ وَكَيْفَ أُؤْمَلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ؟ أَأَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ؟ أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ؟! يَا مَنْ سَدَّ عِدَّ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشَقْ بِتَقَمَّتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ أُنْسَاكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي؟ وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي؟!

إلهي! بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي، وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمَلِي، فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ.

يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي، وَكُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَائِلَهُ، وَلَا يُحَيِّبُ أَمَلَهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَتَجْلُو بِهِ عَن بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (2)

5-11/6 مُنَاجَاةُ الرَّاعِبِينَ

355. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إلهي! إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ

ص: 232

1- . القرى: الضيافة. (مجمع البحرين: ج 3 ص 1475 «قرى»).

2- . بحار الأنوار: ج 94 ص 144.



معبود من! کیست که به امید مهمانداری ات بر تو فرود آید و تو پذیرایی اش نکنی؟ و کیست که به امید بخشش به درگاهت روی آورد و تو به او چیزی نبخشی؟ آیا نیکوست که من از درگاهت ناکام بازگردم، در حالی که جز تو سروری نامور به نیکوکاری نمی شناسم؟ چگونه به غیر تو امید داشته باشم، در حالی که نیکی، همه به دست توست؟ و چگونه غیر تو را آرزو کنم، در حالی که آفرینش و کار به دست توست؟ آیا امیدم را از تو بگسلم، در حالی که آنچه نخواسته ام، به من بخشیده ای؟ یا مرا به بینوایی چون خودم محتاج می کنی، در حالی که به ریسمان تو آویخته ام؟ ای آن که خواستارانش با رحمت او نیک بخت می شوند و آمرزش خواهان، به کیفرش شوربخت نمی گردند. چگونه تو را از یاد برم، در حالی که تو همواره به یاد منی؟ و چگونه از تو غافل شوم، در حالی که تو مرا می پایی؟

معبود من! به دامن کرمت چنگ زده ام و برای رسیدن به عطایت، آرزو گسترده ام. پس به حق یکتایی نابت، مرا [از زنگار شرک و پلیدی،] پاک و خالص گردان و مرا در شمار بندگان برگزیده ات قرار ده.

ای کسی که همه گریختگان، به سوی پناه می آورند و همه خواستاران، به او امید می بندند! ای بهترین امید امیدواران و ای بزرگوارترین مطلوب همگان و ای آن که خواستارش را نمی راند و آرزومندش را نومید نمی گرداند! ای کسی که درگاهش به روی خواندگانش باز و حجابش برای امیدوارانش فرو افکنده است! به کرمت از تو می خواهم که از عطاهایت چندان به من بخشی که به چشمانم روشنی بخشد و از امیدت، چندان دهی که دلم آرام گیرد و آن سان یقینی دهی که بدان، پیشامدهای ناگوار دنیا برایم آسان شوند و حجاب های کوردلی از چشم دلم زدوده گرداند، به مهرت، ای مهربان ترین مهربانان!

#### 5-11/6 مناجات مشتاقان

355. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! اگر توشه ام

إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقَمَتِكَ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَّضَنِي لِعِقَابِكَ، فَقَدْ آذَنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ، وَإِنْ أَنَا مَتَّبِعِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ بَهَتَنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ وَالْأَلَانِكَ، وَإِنْ أَوْحَسَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، فَقَدْ آسَنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَالرِّضْوَانِ.

أَسْأَلُكَ بِسُدُوحَاتِ وَجْهِكَ وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ، وَأَبْتَهَلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ وَلَطَائِفِ بَرَكَاتِكَ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ وَجَمِيلِ إِعْزَامِكَ، فِي الْقُرْبَى مِنْكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ، وَالتَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ، وَهَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ وَعَطْفِكَ، وَمُتَتَّجِعٌ غَيْثَ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فَارْزُقْ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوِّلاً عَلَى مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِراً إِلَى رِعَايَتِكَ.

إلهي! مَا بَدَأَتْ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَهُ، وَمَا وَهَبَتْ لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبَهُ، وَمَا سَتَرَتْهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحِ فِعْلِي فَارْغِفِرْهُ.

إلهي! اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ، أَتَيْتُكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَابِلَ طَوْلِكَ، مُسْتَمِطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قَاصِداً جَنَابَكَ، وَارِداً شَرِيعَةَ رِفْدِكَ، مُلْتَمِساً سَدَّ نِيَّ الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَإفداً إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِيداً وَجْهَكَ، طَارِقاً بَابَكَ، مُسْتَكِيناً لِعِظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقِمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

ص: 234

برای پیمودن راه به سوی تو اندک است، گمانم به توکل و اعتماد بر تو، نیکوست و اگر جرمم مرا از کیفر تو ترسانده است، امیدم نوید ایمنی از انتقامت را به من می دهد و اگر گناهم مرا در معرض مجازات قرار داده، اعتماد نیکویی که به تو دارم، مرا به پاداش نیکت آگاه کرده است و اگر غفلت و بی خبری، مرا از آمادگی دیدارت خوابانده، شناخت گرم و بخشش هایت مرا بیدار کرده است و اگر زیاده روی در نافرمانی و سرکشی، میان من و تو جدایی انداخته، مژده آمرزش و خشنودی ات، مرا به انس با تو کشانده است.

از تو به [حق] تجلیات ذات و انوار مقام قدست درخواست می کنم و تو را با توجهات رحمت و لطائف احسانت خالصانه می خوانم که آرزویم را تحقق بخشی؛ آرزوی تکریم فراوانت و نعمت بخشی بزرگت در نزدیک شدن به تو و منزلت داشتن نزد تو و بهره مندی از نگرستن به تو. و این منم که خود را در معرض نسیم جانبخش لطف و توجهت در آورده ام و جویای باران جود و احسانت هستم، از خشم به سوی خشنودی ات گریزانم و از خودت به سوی خودت گریخته ام و به نیکوترین چیز نزد تو امیدوارم و بر بخشش های تو تکیه دارم و به سرپرستی ات نیازمندم.

معبود من! آنچه از بخششت آغاز کرده ای، به پایان برسان و آنچه از کرمت به من بخشیده ای، از من بگیر و آنچه را به بردباری ات بر من پوشانده ای، نذر و کارهای زشتی را که از من می دانی، بیامرز.

معبود من! خودت را به درگاهت شفیع آورده ام و از تو به خودت پناه بسته ام، به طمع احسانت نزد آمده ام و نیز به اشتیاق نعمت بخشی و رگبار بخششت و باران احسانت و طلب خشنودی ات و تشرّف به آستانت و در آمدن به جویبار عطایت؛ خواستار نیکی های ارجمند از نزد خودت و در آینده به درگاه جمالت و به قصد رویت و کوبنده در کویت و خوار در برابر عظمت و شکوهت. پس آن کار کن که تو شایسته آنی، از آمرزش و بخشش و نه آن که من سزاوار آنم از عذاب و انتقام، به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!

356. الإمام علي عليه السلام - مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ كَثِيرًا :-

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُصْبِحْ بِي مَيِّتًا، وَلَا سَقِيمًا، وَلَا مَضْرُوبًا عَلَى عُرُوقِي بِسَوْءٍ، وَلَا مَأْخُودًا بِأَسْوَى عَمَلِي، وَلَا مَقْطُوعًا دَابِرِي، وَلَا مُرْتَدًّا عَنِ دِينِي، وَلَا مُنْكَرًا لِرَبِّي، وَلَا مُسْتَوْحِشًا مِنْ إِيْمَانِي، وَلَا مُلْتَبِسًا عَقْلِي، وَلَا مُعَذَّبًا بِعَذَابِ الْأَمَمِ مِنْ قَبْلِي، أَصْبَحْتُ عَبْدًا مَمْلُوكًا ظَالِمًا لِنَفْسِي، لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَلَا حُجَّةَ لِي، وَلَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَخْذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَنِي، وَلَا أَنْتَقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَنِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقَرَ فِي غِنَاكَ، أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ، أَوْ أَضَامَ فِي سُلْطَانِكَ، أَوْ أَضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ لَكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي، وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ، أَوْ أَنْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِكَ، أَوْ تَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ. (1)

357. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِلَهِي! أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابُعَ طَوْلِكَ، وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنِي

ص: 236

356. امام علی علیه السلام - در دعایی که بسیار آن را می خوانند - ستایش، خدایی را سزااست که مرا مُرده یا بیمار، به صبح در نیارود و رگ هایم را به ناخوشی، گرفتار نساخت، و به خاطر بدترین رفتارهایم مؤاخذه ام نکرد و مرا هلاکم نگرداند و از دین، باز گشته نگردانید و منکرِ پروردگارم قرار نداد و از ایمان به وحشتم نیفکند و آشفته خردم نگرداند و گرفتار عذاب های ملت های پیشینم نساخت.

[معبود من!] بنده ای بی اختیار و بر خویش ستمکار گشتم. تو را بر من حجت است و مرا حجّتی نیست، و جز آنچه توبه به من می بخشی، توان به دست آوردن چیزی را ندارم و جز از آنچه مرا نگه می داری، نمی توانم خود را از [آسیب] چیزی حفظ کنم.

معبود من! از این که با وجود بی نیازی تو نیازمند گردم یا با وجود هدایت تو گم راه شوم، یا با وجود قدرت تو گرفتار ستم گردم و یا با وجود بودن کار به دست تو، خوار شوم، به تو پناه می برم.

معبود من! جانم را نخستین نعمت گران بهایی از میان نعمت هایت [به من] قرار ده که می ستانی و اولین امانتی از امانت های نعمتت که از من باز پس می گیری.

معبود من! از این که از فرمان تو دور شویم، یا در باره دین تو به فتنه گرفتار شویم و یا به جای هدایتی که از سوی تو می آید، هوای نفسمان بر ما چیره گردد، به تو پناه می بریم.

357. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. خدایا! بخشش پیاپی تو، مرا از برپایی سپاس گزاری ات غافل کرد و ریزش فضل و احسانت مرا از

عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ، وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ، وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ، وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدَ دِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ أَمَلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحْطُّ رِحَالُ الرَّاجِحِينَ، وَبِعَرَصَتِكَ تَقْفُ آمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ آمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَالْإِيَّاسِ، وَلَا تُلْسِنَا سِرْبَالَ الْقَنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ.

إِلَهِي! تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ آلَانِكَ شُكْرِي، وَتَضَاعَلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ وَنَشْرِي، جَلَّلْتَنِي نِعْمَتِكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا، وَصَدَّرْتِ عَلَيَّ لَطَائِفُ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَالًا، وَقَلَّدْتَنِي مِنْنِكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ، وَطَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُقَلُّ، فَالْأُوْكَ جَمَّةٌ ضَدَّ عُفَّ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا، وَنِعْمَا وَكَ كَثِيرَةٌ قَصْرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا، فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ! فَكَلَّمَا قُلْتُ: «لَكَ الْحَمْدُ» وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ: «لَكَ الْحَمْدُ».

إِلَهِي! فَكَمَا غَدَّيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِصَدِّ نِعْمِكَ، فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعْمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ، وَأَتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا عَاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ، وَسُبُوغِ نِعْمَائِكَ، حَمْدًا يُؤَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

ص: 238

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 146 نقلاً عن بعض الكتب.

به شماره درآوردن ستایش عاجز نمود و نیکی های پی در پی تو، مرا از یادکرد نیکویی هایت به خود، مشغول ساخت و پشت هم آمدن احسان هایت، مرا از نشر دادن بخشش هایت درمانده کرد. این، جایگاه کسی است که به گستردگی نعمت های تو و کوتاهی اش در برابر آنها اعتراف می کند و به اهمال و تباهکاری خویش شهادت می دهد. تورثوف و مهربانی، نیکوکار و بزرگواری، و کسی که روی آورندگان به سویش را ناامید نمی گرداند و آرزومندانش را از درگاهش نمی راند. امیدواران، بار امید خود را به آستان تو می افکنند و آرزوهای عطاخواهان، به عرصه تو می ایستند. پس آرزوهای ما را با ناکامی و ناامیدی رو به رو مگردان و جامه یأس و نومیدی بر ما مپوشان.

معبود من! در برابر نعمت های بزرگت، سپاس گزاری من کوچک است و در کنار اکرام و بزرگواری ات، ستایش و پخش [نمودن احسانت از سوی] من، خرد و ناقابل است. نعمت های تو، زیورهایی از انوار ایمان بر من پوشانده و نیکی های لطیف، تاج عزت بر سرم نشانده و احسان هایت، گردن بندهایی ناگشودنی به گردنم افکنده و طوق هایی ناگسستی بر آن آویخته است. نعمت های بسیار تو، زبان مرا از شمردن آنها ناتوان کرده و بخششهای فراوانت، خرد و فهم مرا از ادراک آنها کوتاه کرده، چه رسد به پیجویی همه اش. بدین سان، من چگونه از شکر تو بر آیم، در حالی که همان شکرگزاری من از تو، شکری دیگر نیاز دارد؟ و هر گاه بگویم ستایش، مخصوص توست، برای همین جمله لازم است دوباره بگویم: ستایش، مخصوص توست.

معبود من! همچنان که ما را به لطف خویش غذا دادی و به احسان خود پروردی، نعمت های گسترده ات را بر ما کامل بنما و ناگواری های دشوار را از ما دور کن و از بهره های دو جهان، برتر و بهترش را در اکنون و آینده عطا بفرما. ستایش، از آن توست بر آزمایش نیکویت و نعمت های گسترده ات؛ ستایشی که با خشنودی ات همراه شود و احسان و بخشش بزرگ تو را به سوی ما در آورد، ای بزرگ، ای بزرگوار! به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان!

358. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِلَهِي! أَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ، وَجَنَّبْنَا مَعَاصِيكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا تَمَتَّتِي مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَحْلِلْنَا بُحْبُوبَةَ جَنَانِكَ، وَأَقْشِعْ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ الْإِرْتِيَابِ، وَاكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمِرْيَةِ وَالْحِجَابِ، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَن صَدَمَائِرِنَا، وَأَثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونَ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ، وَمُكَدَّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنَاحِجِ وَالْمَنَنِ.

اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سُدْفُنِ نَجَاتِكَ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ، وَأَوْرِدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَقُرْبِكَ، وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ، وَهَمَّنا فِي طَاعَتِكَ، وَأَخْلِصْ نِيَّتَنَا فِي مُعَامَلَتِكَ، فَإِنَّا بِكَ وَلَكْ، وَلَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا بِكَ.

إِلَهِي! اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ الْأَبْرَارِ، السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ، الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

359. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَى مَنْ لَمْ

ص: 240



358. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! طاعتت را به ما الهام کن و ما را از نافرمانی هایت دور کن و راه رسیدن به آنچه را آرزومندیم یعنی کسب خشنودی ات، برای ما آسان بگردان و ما را در وسط بهشتت جای ده و ابرهای شك و شبهه را از پیش دیدگان ما پراکنده ساز و پرده های دولی و موانع را از دل های ما بزدای و باطل را از نهاد ما بیرون کن و حق را در درون ما استوار بدار، که شك ها و گمان ها، بارور کننده فتنه ها و تیره کننده صفای عطاها و بخشش ها هستند.

خدایا! ما را در کشتی های نجاتت جای ده و از لذت مناجاتت بهره مند ساز و بر لب برکه های محبتت در آور و شیرینی دوستی و نزدیکی ات را به ما بچشان و تلاش مجدانه ما را در راه خودت و همتیمان را در اطاعت خودت قرار ده و نیت های ما را در کار با خودت، خالص کن که ما از تو و برای تو هستیم و وسیله ای جز خودت برای رسیدن به تونداریم.

معبود من! مرا از برگزیدگان نیکوکار قرار ده و به شایستگان نیک رفتار، ملحق کن؛ آنان که به بزرگواری ها پیشی جسته و به سوی کارهای خیر، شتابان اند و برای چیزهای ماندنی و شایسته کار می کنند و برای درجات والا می کوشند. تو بر هر کار، توانایی و به اجابت خواسته ام، سزاواری، به رحمتت، ای مهربان ترین مهربانان!

359. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. منزهی تو! چه اندازه

تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْصَحَ الْحَقُّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ، إِلَهِي! فَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ، وَأَلْحِقْنَا بِالْعِبَادِ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ، وَبَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ، وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ.

الَّذِينَ صَدَّقْتَهُمْ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرِّغَائِبَ، وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ، وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنَ وَصَلِكَ الْمَارِبَ، وَمَلَأْتَ لَهُمْ صَدَمَاتِهِمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شِدْرِكَ، فَبِكَ إِلَى لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا، فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْوْفٌ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَدَوْدٌ عَطُوفٌ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا، وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وُدِّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي.

فَأَنْتَ لَا غَيْرِكَ مُرَادِي، وَلَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسُهَادِي، وَلِقَاؤُكَ قَرَّةٌ عَيْنِي، وَوَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي، وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيِي، وَإِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي، وَرِضَاكَ بُغْيَتِي، وَرُؤْيُوتَكَ حَاجَتِي، وَجِوَارِكَ طَلِبَتِي، وَقُرْبُكَ غَايَةَ سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاتِكَ أُنْسِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عَلَّتِي وَشِفَاءٌ عُذَّتِي، وَبَرْدٌ لَوْعَتِي وَكَشْفٌ كُرْبَتِي، فَكُنْ أُنْسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقْبِلٌ عَثْرَتِي، وَغَافِرٌ زَلَّتِي، وَقَابِلٌ تَوْبَتِي، وَمُجِيبٌ دَعْوَتِي، وَوَلِيٌّ عِصْمَتِي، وَمُغْنِيٌّ فَاقَتِي، وَلَا تَقْطَعْ عَنكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي، وَيَا دُنْيَايَ وَأَخْرَتِي. (1)

ص: 242

تنگ است راه ها بر کسی که تو راه نمایش نبوده ای و چه اندازه حقیقت روشن است نزد کسی که به راهش ره نموده ای. خدایا! ما را به راه های رسیدن به درگاهت در آور و ما را از نزدیک ترین راه درآمدن بر تو بپر. دور را بر ما نزدیک گردان و [راه] سخت و دشوار را بر ما هموار ساز و ما را به آن بندگانت ملحق کن که در پیشی جستن به سوی شتاب می کنند و در خانه ات را همواره می کوبند و تو را در شب و روز می پرستند و از هیبت می هراسند؛ بندگانی که سرچشمه [ی معرفتشان] را صاف و زلال نمودی و به خواسته هایشان رساندی و در آنچه جو یایش بودند، کام رواشان ساختی و حاجت هاشان را در رسیدن به خودت بر آوردی و دل هاشان را سرشار از محبت خویش کردی و از آب زلال [معرفت]، سیرابشان نمودی. پس به وسیله تو به لذت مناجات رسیدند و از سوی تو دورترین مقصودهایشان را به دست آوردند. ای کسی که به روی آورندگان روی می آوری و با توجهی نعمت بخش به سوی آنها باز می گردی و با غافلان از یادت، رثوف و مهربانی و با جذبشان به درگاهت، مهرورزی و پرتوجهی. از تو می خواهم مرا از برخوردارترین ایشان از [نعمت های] تو و دارای والاترین منزلت نزد خودت و دارنده بزرگ ترین سهم از محبت تو و برترین شناخت به تو قرار دهی که همتم از همه بریده و به تو متوجه گشته و رغبتم به سوی تو چرخیده است.

تویی مراد من و نه دیگری، و شب زنده داری و بی خوابی ام، برای توست و نه دیگران. دیدارت، چشم روشنی من است و وصل تو، آرزوی جانم. اشتیاقم به سوی توست و در وادی محبت تو سرگشته ام، و دل دادگی ام، در هوای توست و خواسته ام، خشنودی توست، و حاجتم دیدار توست و مطلوبم، مجاورت با توست و نهایت خواسته ام، نزدیکی به توست و انس و آسودگی ام در مناجات با توست، و دوی دردم و شفای بیماری ام و تسکین اندوهم و برطرف شدن گرفتاری ام نزد توست. پس، تو مونسم در تنهایی ام باش و درگذرنده از خطایم و پوشاننده لغزشم و پذیرنده توبه ام و اجابت کننده دعایم و مسئول نگهداری ام و بی نیاز کننده در ناداری ام. مرا از خود جدا مکن و از خویش دورم مران، ای نعمت جاوید و بهشت من و ای دنیا و آخرت من!

360. رسول الله صلى الله عليه وآله:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ، آمِنِينَ بِوَعْدِكَ، آيسِينَ مِنْ خَلْقِكَ، آنِسِينَ بِكَ، مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ، رَاضِينَ بِقَضَائِكَ، صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ، شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ، مُتَذَكِّرِينَ بِذِكْرِكَ، فَرِحِينَ بِكِتَابِكَ، مُنَاجِينَ إِيَّاكَ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، مُسْتَعِدِّينَ لِلْمَوْتِ، مُشْتَاقِينَ إِلَى لِقَائِكَ، مُبْغِضِينَ لِلدُّنْيَا، مُحِبِّينَ لِلْآخِرَةِ، (وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ) (1). (2)

361. الإمام علي عليه السلام:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْآنِسِينَ لِأَوْلِيَائِكَ، وَأَحْضَ رُهُم بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، تُشَاهِدُهُمْ فِي سَرَائِرِهِمْ، وَتَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي ضَمَائِرِهِمْ، وَتَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ، فَاسْرَأْهُمْ لَكَ مَكشُوفَةً، وَقُلُوبُهُمْ إِلَيْكَ مَلْهُوفَةً، إِنْ أَوْحَشَتْهُمْ الْغُرْبَةُ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ، وَإِنْ صَدَّبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَّوْا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ، عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ، وَمَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ.

اللَّهُمَّ إِنْ فَهَيْتُ عَنْ مَسْأَلَتِي أَوْ عَمَيْتُ عَنْ طَلِبَتِي فَادْنِنِي عَلَى مَصَالِحِي، وَخُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَرَاشِدِي، فَلَيْسَ ذَلِكَ بِنُكْرٍ مِنْ هِدَايَاتِكَ، وَلَا بِيَدْعٍ مِنْ كِفَايَاتِكَ، اللَّهُمَّ احْمِلْنِي عَلَى عَفْوِكَ وَلَا تَحْمِلْنِي عَلَى عَدْلِكَ. (3)

ص: 244

1- . آل عمران: 194.

2- . جامع الأخبار: ص 364 ح 1013، بحار الأنوار: ج 95 ص 360 ح 16.

3- . نهج البلاغة: الخطبة 227، بحار الأنوار: ج 69 ص 329 ح 40.

360. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! ما را به فرمانت مشغول، به وعده ات مطمئن، از آفریده ات نومید، با خودت مأنوس، از غیر خودت گریزان، به قضایت خشنود، بر بلایت شکیب، بر نعمتت سپاس گزار، به یادت کام روا، به کتابت شادمان، با خودت در شبانه روز رازگو، برای مرگ آماده، به دیدارت مشتاق، و دشمن دنیا و دوستدار آخرت بگردان (و آنچه را بر [زبان] فرستادگانت به ما وعده داده ای، به ما عطا کن و در روز قیامت، ما را خوار و رسوا مگردان، که تو هرگز خلف وعده نمی کنی).

361. امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو بیش از هر کس مایه آرامش دوستان خود هستی و برای آنان که بر تو توکل کنند، از همه کارسازتری. آنان را در نهانشان می بینی و بر درویشان، آگاهی داری و نهایت نگرششان را می دانی. پس رازهای آنان بر تو آشکار است و دل هایشان داغ تو دارد. اگر غربت، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرامش می دهد و اگر گرفتاری ها بر آنان سرازیر گردد، به تو پناه می برند؛ چون می دانند که زمام کارها به دست توست و منشأ آنها از قضای توست.

بار خدایا! اگر در درخواستم در ماندم و یا راه درخواست را ندانستم، مرا به مصلحت هایم راه نمایی کن و دلم را به آنچه موجب رشد من است، متوجه نما، که در هدایت های تو، این کار، ناشناخته نیست و در کارسازی های تو، کار تازه ای نیست.

بار خدایا! مرا به بخشش بگیر و به عدالتت مگیر.

362. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِلَهِي! مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذِي أُنِسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا؟ إِلَهِي! فَاجْعَلْنَا  
 مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لُوْدُكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَسَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ، وَرَضَّيْتَهُ بِقَضَائِكَ، وَمَنْحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ،  
 وَأَعَدَدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاقِكَ، وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جَوَارِكِ، وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّمْتَهُ لِإِرَادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ،  
 وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ، وَرَعَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَعَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ،  
 وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاةِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَابَّهُمْ الْإِرْتِيَاخُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهَرُهُمُ الزَّفَرَةُ وَالْأَيْنُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعِظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ  
 سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ، يَا مَنْ أَنْوَارِ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّيهِ رَائِقَةٌ، وَسُدُوحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ  
 عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ تَجْعَلْكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِدًا إِلَى

ص: 246

362. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! چه کسی شیرینی محبت تو را چشید و پس از آن، در پی جای گزینی برایت برآمد؟ چه کسی با نزدیکی تو اُنس گرفت و پس از آن، خواستار جا به جایی از کنارت شد؟

معبود من! ما را از کسانی قرار ده که آنان را برای نزدیکی و دوستی ات برگزیدی، و برای محبت و دوستی ات خالصشان ساختی، و به دیدارت مشتاقشان کردی، و به قضایات خشنودشان نمودی، و نگرستن به رخسارت را به آنان بخشیدی، و خشنودی ات را به آنان عطا کردی، و از دوری و هجرانت ایمنشان ساختی، و در کنارت در جایگاهی راستین، جایشان دادی، و شناختت را ویژه آنان ساختی، و آنان را اهلیت عبادت دادی و شیفته اراده ات کردی و برای مشاهده خودت برگزیدی و روی ایشان را تنها به سوی خود گرداندی و دلشان را به دوستی خودت پرداختی (از اغیار زدودی) و آنان را خواستار آنچه نزدت هست، نمودی، و یادت را به آنان الهام نمودی و شکرگزاری ات را به آنان ارزانی داشتی و به فرمانبری از تو مشغول ساختی و آنان را از صالحان خلقت قرار دادی و آنان را برای نیایش برگزیدی و هر آنچه آنان را از تو ببرد، از آنان بریدی.

خدایا! ما را از کسانی قرار ده که عادتشان، شادابی و شوق به توسل و روزگارشان در سوز و گداز و ناله [ی وصل] توبه سر می شود و پیشانی هایشان برای عظمت توبه سجده درآمده، چشمانشان در خدمت به توشبها بیدار مانده، اشک هایشان از هراست، ریزان است و قلب هایشان به محبت پیوسته و دل هایشان از هیبت و شکوه تو، برکنده است.

ای آن که روشنی های قدسش برای چشمان دوستدارانش می درخشد و تجلیات ذاتش برای دل های عارفانش شوق آور است! ای امید دل های مشتاقان و ای نهایت آرزوهای دوستداران! دوستی تو را و دوستی آنان که دوستت دارند و دوستی هر آن عملی که مرا به نزدیکی تو می رساند، از تو مسئلت می کنم. از تو می خواهم که خودت را نزد محبوب تر از هر آنچه جز توسل، قرار دهی و دوستی مرا با خودت،

رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِداً عَنِ عِصْيَانِكَ، وَآمِنٌ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَانْظُرْ بَعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحُظْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

6/11-12 مُنَاجَاةُ الْمُتَوَسِّلِينَ

363. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِلَهِي! لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْغُمَّةِ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ، وَصَدِّيرَهُمَا لِي وَصَلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ، وَحَطَّ طَمَعِي بِفِنَاءِ جُودِكَ، فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي، وَاخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَحَلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ، وَأَقْرَرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصُّدُقِ فِي جِوَارِكَ.

يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَافِدُونَ عَلَى أَكْرَمِ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَوْى إِلَيْهِ طَرِيدٌ، إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي، وَبَدَّلْتُ كَرَمَكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤَلِّني الحِرْمَانَ، وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْخَيْبَةِ وَالْخُسْرَانِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ. (2)

ص: 248

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 148 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

2- . بحار الأنوار: ج 94 ص 149 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.



راهبر به سوی خشنودی ات و شوق مرا به خودت، بازدارنده از نافرمانی ات قرار دهی. بر من منت بگذار تا به تو بنگرم، و با نگاه دوستی و توجه، به من بنگر و رخسارت را از من بر مگردان و مرا از سعادت‌مندان و بهره‌مندان نزد خودت قرار بده، ای اجابت‌کننده و ای مهربان‌ترین مهربانان!

## 12-6/11 مناجات متوسلان

363. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! وسیله ای جز توجه مهرآمیزت، برای توسل به تو ندارم و جز توجهات رحیمانه ات و شفاعت پیامبرت، پیامبر رحمت و نجات‌دهنده امت از اندوه‌های گره‌خورده، دستاویزی به سوی تو ندارم. پس آن دورا وسیله نیلم به آمرزشت و سببی برای رسیدنم به خشنودی ات قرار ده، که بار امیدم در حریم کرم‌ت فرود آمده و طمعم در آستان بخششت، بار افکنده است. پس، آرزویم در باره ات را محقق کن و پایان‌کارم را ختم به خیر گردان و مرا در جرگه آن دسته از برگزیدگان قرار ده که در وسط بهشتت فرودشان می‌آوری و در خانه بزرگواری ات جایشان می‌دهی و در روز دیدارت، دیده‌شان را با نگرستن به خودت روشن می‌کنی و جایگاه‌های راستی را در کنار خویش بدیشان می‌سانی.

ای کسی که واردشوندگان، بر کریم‌تر از او وارد نمی‌شوند و قصد‌کنندگان، مهربان‌تر از او نمی‌یابند! ای بهترین کسی که در تنهایی، با او خلوت می‌کنند و ای مهربان‌ترین کسی که آواره به او پناه می‌آورد! دست‌انم را به سوی عفوگسترده ات دراز کرده و به دامان کرم‌ت چنگ زده‌ام. پس مرا محروم بر مگردان و به زیان و خسران، دچارم مکن، ای شنوای دعا!

364. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِلَهِي! كَسْرِي لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي لَا يَسِدُّ كُنْهَافَهَا إِلَّا أَمَانُكَ، وَذِلَّتِي لَا يُعْزِّهَا إِلَّا سَدِّ لَطَائِنُكَ، وَأُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ، وَحَاجَّتِي لَا يَقْضِيهَا إِلَّا غَيْرُكَ، وَكُرْبِي لَا يُفَرِّجُهَا إِلَّا سِوَى رَحْمَتِكَ، وَضَرْبِي لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا غَيْرُ رَأْفَتِكَ، وَغُلَّتِي لَا يُبْرِدُهَا إِلَّا وَصْلُكَ، وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبْلُغُهُ إِلَّا النَّظَرُ إِلَى وَجْهِكَ، وَقَرَارِي لَا يَقَرُّ دُونَ دُنُوتِي مِنْكَ، وَلَهْفَتِي لَا يَزِدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ، وَسُقْمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَعَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ، وَجُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَوَسْوَاسُ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ.

فِيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْآمِلِينَ، وَفِيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، وَفِيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَفِيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَفِيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ، وَفِيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَفِيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ، وَفِيَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ، وَفِيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَفِيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَفِيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَفِيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَفِيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُنِيلَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدِيمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ، وَهَذَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَلِنَفْحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ.

ص: 250

364. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! شکستگی مرا جز لطف و مهر تو جبران نمی کند و ناداری ام را جز توجه و احسان تو بر طرف نمی سازد و هراسم را جز امان تو آرام نمی سازد و خواری ام را جز سلطنت تو به عزت مبدل نمی کند و جز فضل تو مرا به آرزویم نمی رساند و کمبودم را جز احسان تو نمی زداید و حاجتم را جز تو بر نمی آورد و گره گرفتاری ام را جز رحمت تو نمی گشاید و درماندگی ام را جز مهر تو بر طرف نمی کند و تشنگی ام را جز وصل تو فرو نمی نشاند و سوز و گداز عشقم را جز دیدار تو خاموش نمی سازد و جز نظر به رویت، آبی بر آتش اشتیاقم نمی افشانند و جز در نزدیکی تو آرام نمی گیرم و افسوسم را جز نسیم [رحمتت] نمی راند و دردم را جز طبابت تو درمان نمی کند و اندوهم را جز قرب تو نمی زداید و زخمم را جز گذشت تو التیام نمی بخشد و زنگار دلم را جز عفو تو جلا نمی دهد و وسوسه های درونم را جز فرمان تو از میان نمی برد.

ای نهایت آرزوی آرزومندان و ای نهایت خواسته در خواست کنندگان و ای دورترین مطلوب طالبان، و ای والاترین اشتیاق مشتاقان و ای سرپرست شایستگان و ای امان بخش بیمناکان و ای اجابت کننده دعای گرفتاران و ای ذخیره ناداران و ای گنج مستمندان و ای فریادرس فریادخواهان و ای برآورنده حاجات فقیران و بینوایان و ای بزرگوارترین بزرگواران و ای مهربان ترین مهربانان! فروتنی و درخواستم، به درگاه تو و زاری و ناله ام، به سوی توست. از تو می خواهم که مرا به نسیم جانبخش خشنودی ات برسانی و نعمت هایی را که بر من منت نهادی، استمرار بخشی و من اینک بر درگاه کرمت ایستاده و خود را در معرض وزش نسیم های رحمتت در آورده و به رشته استوارت چنگ زده و به دستاویز محکمت در آویخته ام.

إلهي! ارحم عبدك الدليل ذا اللسان الكليل، والعمَل القليل، وأمن عليه بطولك الجزيل، واكنفه تحت ظلك الظليل، يا كريم يا جميل، يا أرحم الراحمين. (1)

6/11-14 مُنْجَاةُ الْعَارِفِينَ

365. بحار الأنوار عن نوف البكالي: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُؤَلِّمًا مُبَادِرًا، فَقُلْتُ: أَيْنَ تُرِيدُ يَا مَوْلَايَ؟

فَقَالَ: دَعْنِي يَا نَوْفَ، إِنَّ آمَالِي تَقْدُمُنِي فِي الْمَحْبُوبِ. فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ وَمَا آمَالُكَ؟ قَالَ: قَدْ عَلِمَهَا الْمَأْمُولُ، وَاسْتَغْنَيْتُ عَنْ تَبِيِّهَا لِغَيْرِهِ، وَكَفَى بِالْعَبْدِ أَدْبًا أَلَّا يُشْرِكَ فِي نِعْمِهِ وَإِزْبِهِ غَيْرَ رَبِّهِ.

فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي خَائِفٌ عَلَى نَفْسِي مِنَ الشَّرِّ، وَالتَّطَلُّعِ إِلَى طَمَعٍ مِنَ الدُّنْيَا.

فَقَالَ لِي: وَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ عِصْمَةِ الْخَائِفِينَ، وَكَهْفِ الْعَارِفِينَ؟! فَقُلْتُ: دُنِّي عَلَيْهِ.

قَالَ: اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ؛ نَصِلُ أَمَلُكَ بِحُسْنِ تَفَضُّلِهِ، وَتُقْبَلُ عَلَيْهِ بِهَمِّكَ، وَأَعْرِضْ عَنِ النَّازِلَةِ فِي قَلْبِكَ، فَإِنِ اجْتَلَدَ بِهَا فَأَنَا الضَّامِنُ مِنْ مَوْرِدِهَا، وَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّهُ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لَا قَطْعَنَّ أَمَلٌ كُلٌّ مِنْ يُؤْمَلُ غَيْرِي بِالْيَأْسِ، وَلَا كَسُوتُهُ ثَوْبَ الْمَذَلَّةِ فِي النَّاسِ، وَلَا بُعْدَتَهُ مِنْ قُرْبِي، وَلَا قَطْعَتَهُ عَنْ وَصْلِي، وَلَا خَمَلَنَ ذِكْرَهُ حِينَ يَرَعَى غَيْرِي.

أَيُّمَلُّ - وَيَلَهُ - لِشِدَائِدِهِ غَيْرِي، وَكَشْفُ الشَّدَائِدِ بِيَدِي؟! وَيَرْجُو سِوَايَ

ص: 252

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 149 نقلًا عن بعض كتب الأصحاب.

معبود من! بر این بنده خوارت رحم کن که زبانش گُند و عملش اندک است، و بر او با احسان فراوانت مَنّت بنه و او را در زیر سایه پایدارت بَر، ای بزرگوار، ای زیبا! ای مهربان ترین مهربانان!

#### 14-11/6 مناجات عارفان

365. بحار الأنوار - به نقل از نَوْفِ بکالی - : امیر مؤمنان - که درودهای خدا بر او باد - را روی گردان و شتابان دیدم. گفتم: به کجا می روی، مولای من؟

فرمود: «ای نوف! رهایم کن. آرزوهایم مرا به سوی محبوب کشانده است».

گفتم: مولای من! آرزوهایت چیست؟

فرمود: «آن [خدایی] که مورد آرزوست، آن را می داند و از بیان آن برای دیگری بی نیازم. در ادب و رزی بنده، همین بس که در نعمت ها و نیازهایش، جز پروردگارش را شریک نکند».

گفتم: ای امیر مؤمنان! من از حرص و چشم داشتن بر آرزویی از آرزوهای دنیا بر خود بیمناکم.

به من فرمود: «چرا از نگهدار بیمناکان و پناه عارفان، بهره نمی گیری؟».

گفتم: مرا به آن، راه نمایی کن.

فرمود: «خداوند بلندمرتبه شکوهمند. امیدت را به حُسن لطفش متصل کن و با همه همتت به او روی آور و از آنچه در دلت فرود می آید، روی برتاب. آن گاه اگر آن را تأخیر انداخت، من بر تحقق آن ضامنم. با بریدن از غیر خدا به سوی او روی آور؛ چون او می گوید: "به عزّت و جلالم سوگند که امید هر امید بسته به غیر خودم را با ناامیدی قطع می کنم و تن پوش خواری میان مردم را به وی خواهم پوشاند و او را از پیشگاه دور خواهم ساخت و از مقام وصل خویش جدا خواهم کرد و آن گاه که از غیر من چشم می دارد، یادش را به فراموشی خواهم سپرد».

وای بر او! آیا برای گرفتاری هایش به غیر من امید می بندد، حال آن که گشودن سختی ها به دست من است؟ و به غیر من امیدوار است، حال آن که من، زنده و

وَأَنَا الْحَيُّ الْبَاقِي؟! وَيَطْرُقُ أَبْوَابَ عِبَادِي وَهِيَ مُغْلَقَةٌ وَيَتْرُكُ بَابِي وَهُوَ مَفْتُوحٌ؟! فَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِكَثِيرِ جُرْمِهِ فَحَيِّبْتُ رَجَاءَهُ؟ جَعَلْتُ آمَالَ عِبَادِي مُتَّصِلَةً بِي، وَجَعَلْتُ رَجَاءَهُمْ مَذْخُورًا لَهُمْ عِنْدِي، وَمَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ تَسْبِيحِي، وَأَمَرْتُ مَلَائِكَتِي أَلَّا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي.

أَلَمْ يَعْلَمْ مَنْ قَدَحَتْهُ نَائِبَةٌ مِنْ نَوَائِبِي أَنْ لَا يَمْلِكُ أَحَدٌ كَشْفَهَا إِلَّا بِإِذْنِي؟! فَلِمَ يُعْرِضُ الْعَبْدُ بِأَمْلِهِ عَنِّي وَقَدْ أُعْطِيَتْهُ مَا لَمْ يَسْأَلْنِي، فَلِمَ يَسْأَلْنِي وَسَأَلَ غَيْرِي؟ افْتَرَانِي أَبْتَدِئُ خَلْقِي مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ، ثُمَّ أَسْأَلُ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي؟! أَبْخِيلُ أَنَا فَيُبْخِلُنِي عَبْدِي؟! أَوْ لَيْسَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ لِي؟! أَوْ لَيْسَ الْكَرَمُ وَالْجُودُ صِدْقِي؟! أَوْ لَيْسَ الْفَضْلُ وَالرَّحْمَةُ بِيَدِي؟! أَوْ لَيْسَ الْأَمَالُ لَا تَنْتَهِي إِلَّا إِلَيَّ، فَمَنْ يَقَطُّعُهَا دُونِي؟! وَمَا عَسَى أَنْ يُؤْمَلَ الْمُؤْمَلُونَ مِنْ سِوَايَ؟!

وَعَزَّتِي وَجَلَالِي! لَوْ جَمَعْتُ آمَالَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ثُمَّ أُعْطِيتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ، مَا نَقَصَ مِنْ مُلْكِي بَعْضُ عُضْوِ الذَّرَّةِ، وَكَيْفَ يَنْقُصُ نَائِلٌ أَنَا أَفْضَنُهُ؟ يَا بُوسًا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي، يَا بُوسًا لِمَنْ عَصَانِي وَتَوَثَّبَ عَلَيَّ مَحَارِمِي وَلَمْ يُرَاقِبْنِي، وَاجْتَرَأَ عَلَيَّ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ السَّلَامُ لِي: يَا نَوْفُ، أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

إِلَهِي! إِنْ حَمِدْتُكَ فَبِمَوَاهِبِكَ، وَإِنْ مَجَّدْتُكَ فَبِمُرَادِكَ، وَإِنْ قَدَّسْتُكَ فَبِقُدْرَتِكَ، وَإِنْ هَلَّلْتُكَ فَبِقُدْرَتِكَ، وَإِنْ نَظَرْتُ فَبِحَمَّتِكَ، وَإِنْ عَصَصْتُ فَعَلَى نِعْمَتِكَ.

إِلَهِي! إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ الْوُلُوعُ بِذِكْرِكَ، وَلَمْ يَزُوهُ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ، كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مَيْتَةً، وَمَيْتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً.

باقی هستیم؟ در خانهٔ بندگانم را که بسته است، می زند و در خانهٔ مرا که باز است، رها می کند؟! چه کسی برای گناهان فراوانش، به من امید داشته و امیدش را ناامید کرده ام؟ آرزوهای بندگانم را به خویش وابسته نهاده ام و امیدهایشان را در پیش خود، ذخیره کرده ام و آسمان هایم را از آنانی که از تسبیح من خسته نمی شوند، انباشته ام و به فرشتگانم فرمان داده ام که درهای میان من و بندگانم را نبندند.

آیا آن که حادثه ای از حوادث ناگوار را بر او فرو فرستادم، نمی داند که [اختیار] رهایی از آن را هیچ کس جز به اذن من در دست ندارد؟ پس چرا بنده ام در آرزوهایش از من روی بر می تابد، حال آن که آنچه را از من نخواست، به وی داده ام؟! باز هم از من نخواست و از دیگری خواسته است؟!

با آن که می بینی به بندگانم بی درخواست می دهم، می پنداری که اگر درخواست کنند، پاسخ درخواست کننده را نخواهم داد؟ آیا من بخیلیم که بنده ام بخیلیم می پندارد؟ آیا دنیا و آخرت، از آن من نیست؟ آیا لطف و بخشش، از ویژگی های من نیست؟ آیا بخشش و رحمت، در دست من نیست؟ آیا امیدها جز به من منتهی می شوند؟ چه کسی غیر از من امیدها را می بُرد؟ امید بستگان به غیر من، چه چیزی آرزو می کنند؟!

به جلال و عزّت سوگند، اگر آرزوهای زمینیان و آسمانیان، گرد آید و آرزوی همهٔ آنان را برآورده سازم، به مقدار تگّه ای از اعضای مورچه ای، از دارایی ام کم نمی شود. چگونه بهره ای که من عطا کرده ام، کم شود؟! بدا به ناامیدان از رحمتم! بدا به آن که نافرمانی ام می کند و به سوی حرام هایم خیز بر می دارد و مرا پاس نمی دارد و بر من جرئت می ورزد!«.

آن گاه به من فرمود: «ای نوف! این دعا را بخوان:

"معبود من! اگر سپاست می گویم، به داده های توست و اگر تمجیدت می کنم، به ارادهٔ توست و اگر تقدیست می کنم، به توانایی توست و اگر از تو به یگانگی یاد می کنم، به قدرت توست و اگر می نگرم، به سوی رحمت توست و اگر چیزی را به دندان می گیرم، همانا نعمت توست.

معبود من! آن که حرص یاد تو مشغولش نداشته و سفر به نزد تو، [از دنیا] دورش نساخته است، زندگی اش مُردگی است و مُردنش حسرت است.

إلهي! تناهت أبصارُ الناظرينَ إليك بسدائرِ القلوبِ، وطالعت أصغى السامعينَ لك نجياتِ الصدورِ، فلم يلق أبصارُهُم رُدُّ دونَ ما يريدونَ، هتكتَ بيديك وبينهم حُجبَ الغفلةِ، فسكَنوا في نورِكَ، وتنفسوا بروحِكَ، فصارت قلوبُهُم مغارسَ لهيبَتِكَ، وأبصارُهُم ما كفَ لقدرتِكَ، وقربت أرواحَهُم من قُدسِكَ، فجالسوا اسمَكَ بوقارِ المُجالسةِ وخُضوعِ المُخاطبةِ، فأقبلت إليهم إقبالَ الشفيقِ، وأنصتَ لَهُم إنصاتَ الرقيقِ، وأجبتَهُم إجاباتِ الأحياءِ، وناجيتَهُم مُناجاةَ الأخلَاءِ.

فَبَلِّغْ بِي المَحَلَّ الَّذِي إِلَيْهِ وَصَلُوا، وانقلني من ذكري إلى ذكركَ، ولا تتركَ بيني وبينَ ملكوتِ عزِّكَ باباً إلا فتحتَهُ، ولا حجاباً من حُجبِ الغفلةِ إلا هتكتَهُ، حتَّى تُقيمَ روحي بينَ ضياءِ عرشِكَ، وتجعلَ لها مقاماً نُصبَ نورِكَ، إنَّكَ على كُلِّ شيءٍ قديرٌ.

إلهي! ما أوحشَ طريقاً لا يكونُ رفيقي فيه أملي فيكَ! وأبعدَ سَفراً لا يكونُ رجائي منه دليلي منك! خابَ من اعتصمَ بحبلِ غيرِكَ، وصدَّ عَفَ رُكنُ من استندَ إلى غيرِ رُكنِكَ.

فيا معلِّمَ مؤمليه الأملَ فيذهبَ عنهم كآبةَ الوجَلِ، لا تحرمني صالحِ العملِ، واكلأني كِلاءةَ من فارقتَهُ الحيلُ، فكيفَ يلحقُ مؤمليكَ ذلُّ الفقرِ، وأنتَ الغنيُّ عن مَصارِّ المُذنبينَ؟!

إلهي! وإنَّ كُلَّ حلاوةٍ مُنقطعةٍ، وحلاوةِ الإيمانِ تزدادُ حلاوتُها اتِّصلاً بِكَ.



معبود من! دیدگانِ ناظران به تو، به اسرار سینه ها می فرجامند و گوش دهندگان به تو، نجوای دل ها را می شنوند و دیدگانشان را از آنچه می خواهند، چیزی باز نمی دارد. بین تو و آنان، پرده غفلت، دریده شده است. پس در نور تو جای گزیده اند و با نسیم روح بخش تو آرام گرفته اند و دل هایشان، نهالستان هیبت تو گردیده و دیدگانشان، پناه قدرت تو شده و روحشان به مقام قدس تو نزدیک گردیده است و با وقار همنشینی و فروتنی مخاطبه، با نامت همنشین شده اند، و تو با رویکردی مهربانانه، به آنان روی می آوری و با دوستانه گوش دادن، به آنان گوش می دهی و چون پاسخ دوستانه، پاسخشان می دهی و چون رازگویی همدلان، با آنان راز می گویی.

مرا هم به آن جایی که آنان رسیده اند، برسان و مرا از یادکردِ خودم، به یادکردِ خودت منتقل فرما و بین من و ملکوت عزّتت، دری را ناگشوده رها مکن و هیچ پرده ای از پرده های غفلت را نادریده مگذار، تا آن که روح من در میان روشنایی عرشّت قرار گیرد و جایگاهی در برابر نورت برای آن قرار ده. به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.

معبود من! راهی که در آن، آرزوی تو همراهم نباشد، چه ترسناک است و سفری که امید من در آن، راه بلدی از جانب تو نباشد، چه طولانی است! آن که به غیر ریسمان تو چنگ زد، ناامید گشت و آن که به غیر ستون تو تکیه کرد، سست تکیه گاه گردید.

ای آن که امید می آموزد به آنان که چشم امید به او دوخته اند، تا غم بیمناکی را از آنان بزداید! مرا از کار خیر، محروم مکن و از من محافظت کن، چونان محافظت کردن از کسی که راه چاره از او سلب شده است. چه سان خواری نداری، دامنگیر امیدواران به تو شود، حال آن که تویی نیاز از زیان گنهکارانی؟!

معبود من! هر شیرینی ای پایان پذیر است، جز شیرینی ایمان که با اتصال به تو، هر آن، فزونی می یابد.

إلهي! وإن قلبي قد بسط أمله فيك، فأذقه من حلاوة بسطك إياه البلوغ لما أمل، إنك على كل شيء قدير.

إلهي! أسألك - مسألة من يعرفك كنه معرفتك - من كل خير ينبغي للمؤمن أن يسلكه، وأعوذ بك من كل شر وفتنة أعدت بها أحياءك من خلقك، إنك على كل شيء قدير.

إلهي! أسألك مسألة المسكين الذي قد تحير في رجاء، فلا يجد ملجأ ولا مسنداً يصل به إليك، ولا يستدل به عليك إلا بك، وبأركانك ومقاماتك التي لا تعطيل لها منك، فأسألك باسمك الذي ظهرت به لخاصة أوليائك، فوحدوك وعرفوك فعبدوك بحقيقتك، أن تعرفني نفسك، لإقر لك بربوبيتك على حقيقة الإيمان بك، ولا تجعلني يا إلهي ممن يعبد الاسم دون المعنى.

والحظني بلحظة من لحظاتك، تنور بها قلبي بمعرفتك خاصة، ومعرفة أوليائك، إنك على كل شيء قدير. (1)

366. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إلهي! قصرت الألسن عن بلوغ ثنائك كما يليق بجلالك، وعجزت العقول عن إدراك كنه جمالك، وانحسرت الأبصار دون النظر إلى سُبُحات وجهك، ولم تجعل للخلق طريقاً إلى معرفتك إلا بالعجز عن معرفتك.

إلهي! فاجعلنا من الذين توشحت أشجار الشوق إليك في حداثيتهم، وأخذت لوعة محبتك بمجامع قلوبهم، فهم إلى أوكار الأفكار يأوون، وفي رياض القرب والمكاشفة يرتعون، ومن حياض المحبة بكأس الملاطفة يكرعون، وشرايع المصافاة يردون، قد كشف الغطاء عن أبصارهم، وانجالت ظلمة

ص: 258

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 94 ح 12 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

معبود من! دل من، امیدش را به سوی تو گسترانیده است. اینک تو از شیرینی امید گسترده به دست خویش، رسیدن به آرزویش را به وی بچشان، که تو بر هر چیزی توانایی.

معبود من! از تو، همچون کسی که به گُنه معرفت رسیده است، هر خیری را خواستارم که سزاوار است مؤمنی انجام دهد، و از هر بدی و فتنه ای که دوستانت را از آن پناه داده ای، به تو پناه می جویم، که تو بر هر چیزی توانایی.

معبود من! همانند درخواست بینوایی از تو درخواست می کنم که در امیدش سر در گم است و هیچ پناهگاه و تکیه گاهی نمی یابد که با آن، به تو پیوند خورد و بر تو دلیل به پا دارد، جز خود تو و ارکان تو و مقامات تو که از تو خالی نیستند.

پس به حق نامی از تو که با آن بر اولیای خاص خود جلوه کردی و [در اثر آن جلوه،] آنان، یکتایی تو را شهود کردند و به معرفت [حقیقی] تو رسیدند و به حقیقت تو را عبادت نمودند، از تو می خواهم که خودت را به من بشناسانی تا بر پایه حقیقت ایمان به تو، به ربوبیت اقرار کنم، و مرا از آنانی قرار مده که نام را بدون معنا می پرستند، و با نگاهی از نگرش های خود به من بنگر که دلم را به معرفت ویژه خود و شناخت اولیای خود، نورانی کنی، که تو بر هر چیزی توانایی.

366. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! زبان ها از ادای ثنایت، آن چنان که شایسته عظمت توست، کوتاه اند و خردها از درک ژرفای جمالت، ناتوان اند و دیده ها از تماشای تجلیات ذاتت، درمانده اند و برای آفریدگان، راهی به معرفت جز با ناتوانی از معرفت ننهادی.

معبود من! ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت، در بوستان سینه هایشان آویخته و سوز عشقت، سراسر دل هایشان را فرا گرفته است؛ آنان [که] به آشیانه اندیشه هایشان پناه می برند و در گلستان قرب و مکاشفه ات می گردند و از حوض های محبت با جام ملاطفت می نوشند و به آبشخورهای صفا وارد می شوند، در حالی که پرده از دیدگانشان برداشته شده

الرَّيْبِ عَنِ عَقَائِدِهِمْ مِنْ صَدِّ مَائِهِمْ، وَانْتَفَتِ مُخَالَجَةُ الشُّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَدِّ رَائِرِهِمْ، وَأَنْشَدَتْ رَحَتِ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هَمَمُهُمْ، وَعَذَّبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شَرِبُهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرْبُهُمْ، وَاطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ، وَتَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ، وَاسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ.

إلهي! مَا أَلَذَّ خَوَاطِرَ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ، وَمَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ، وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وَمَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ! فَأَعِزَّنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَحْصَى عَارِفِيكَ، وَأَصْلَحِ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقِ طَائِعِيكَ، وَأَخْلَصِ عِبَادِكَ، يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

6/11-15 مُنَاجَاةُ الذَّاكِرِينَ

367. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إلهي! لَوْلَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَنَزَهْتُمْ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلَى أَنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ؟! وَمِنْ أَعْظَمِ النُّعْمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَى أَلْسِنَتِنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ. إلهي! فَالْهَمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَأَنْسَنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ، وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ، وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ، وَجَازَنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ.

ص: 260

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 150 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

و تاریکی دودلی، از باورهای درونی شان زدوده گشته و خلیجان شك، از دل ها و نهانشان بیرون رفته و سینه هایشان با تحقّق معرفت، گشایش یافته و همّتشان به زهد و بی رغبتی به دنیا برای پیشی جستن به سوی سعادت، اوج گرفته، و نوشیدنشان در چشمه زلال تعامل، گوارا گشته و باطنشان در مجلس انس، خوش گشته و راهشان در جای ترسناك، ایمنی یافته و جانشان با باز گشت به ربّ الأرباب، اطمینان یافته و ارواحشان به کامیابی و رستگاری، یقین یافته و دیدگانشان با نظر به محبوبشان، روشنی گرفته و آرامششان با رسیدن به خواسته و نیل به آرزویشان، قرار یافته و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت، سود کرده است.

معبود من! چه لذّتبخش است خاطرات الهام گرفته از یادت در دل ها، و چه شیرین است سیر به سوی تو با مرکب اندیشه ها در راه های نادیده، و چه خوش است طعم عشقت، و چه گواراست بهره شراب قربت! پس ما را از راندن و دور کردنت پناه ده و از خاص ترین عارفان و شایسته ترین بندگانت و پایدارترین فرمانبرانت و ناب ترین پرستندگانت قرار ده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای رساننده! به مهربانی و بخشش، ای مهربان ترین مهربانان!

### 6/11-15 مناجات ذاکران

367. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! اگر پذیرفتن فرمانت واجب نبود، تو را پاك و دور می داشتم از این که من ذکر تو گویم؛ گذشته از این که ذکر و یاد من از تو، در حدّ و اندازه من است، نه در شأن و اندازه تو. و چه امیدی دارم که قدر و منزلتم آن اندازه بالا رود که محلّ تقدیس تو قرار گیرم؟! و از بزرگ ترین نعمت هایت بر ما، همین جاری بودن ذکرت بر زبان ماست و اجازه ات به ما تا تو را بخوانیم و به پاکی ات بستاییم و تسبیحتم نماییم.

إلهي! بك هامت القلوب الوالهة، وعلى معرفتك جمعت العقول المتباينة، فلا تطمئن القلوب إلا بذكراك، ولا تسكن النفوس إلا عند رؤياك، أنت المسبب في كل مكان، والمعبود في كل زمان، والموجود في كل أوان، والمدعو بكل لسان، والمعظم في كل جنان، وأستغفرك من كل لذة بغير ذكرك، ومن كل راحة بغير أنسك، ومن كل سرور بغير قربك، ومن كل شغل بغير طاعتك.

إلهي! أنت قلت وقولك الحق: (يا أيها الذين آمنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً\* وسبحوه بكرة وأصيلاً) (1)، وقلت وقولك الحق: (فأذكروني أذكركم) (2)، فأمرتنا بذكرك ووعدتنا عليه، أن تذكرنا تشریفاً لنا وتفخيماً وإعظماً؛ وها نحن ذاكرك كما أمرتنا، فأنجز لنا ما وعدتنا، يا ذاكر الذاكرين، ويا أرحم الراحمين. (3)

6/11-16 مناجاة المعتصمين

368. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ، وَيَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا كَنْزَ الْمُفْتَقِرِينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ، وَيَا مَأْوَى الْمُتَقَطِّعِينَ، وَيَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ،

ص: 262

1- . الأحزاب: 41-42.

2- . البقرة: 152.

3- . بحار الأنوار: ج 94 ص 151 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

معبود من! یاد خودت را در خلوت و جلوت و شب و روز و آشکار و نهان و در خوشی و ناخوشی به ما الهام کن و ما را با ذکر پنهان، مأنوس کن و به کار پاکیزه و کوشش موردپسندت وا دار و در پاداش ما سنگ تمام بگذار.

معبود من! دل های شیدا، همه سرگشته تو هستند و خردهای پراکنده و جدا در شناخت تو متفق گشته اند و دل ها جز به یاد تو آرام نمی گیرند و جان ها جز به گاه مشاهدات، تسکین نمی یابند. تویی که در هر جا تسبیح می گویند و در هر زمانی پرستش می کنند و در هر آن، موجود بوده ای و به هر زبان تو را می خوانند و در هر دلی به بزرگی یادت می کنند. از تو آمرزش می خواهیم از هر لذتی جز لذت تو و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر شادمانی ای جز نزدیکی تو و از هر دل مشغولی ای جز فرمان برداری ات.

معبود من! تو گفتی و سخنت حق است: (ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید و او را بامداد و شامگاه تسبیح گوید) و نیز گفتی و سخنت حق است: (مرا یاد کنید، من هم شما را یاد می کنم). پس ما را به یاد کردنت فرمان دادی و به ما وعده دادی که برای شرافت و عزت و عظمت بخشی به ما، تو هم ما را یاد می کنی و ما هم اکنون مطابق فرمانت تو را یاد می کنیم. پس تو هم به وعده خویش وفا کن، ای که از یاد کنندگان یاد می کنی و ای مهربان ترین مهربانان!

### 6/11-16 مناجات در آویختگان

368. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. خدایا! ای پناه پناهجویان و ای پناهگاه پناهندگان و ای نجات بخش هلاک شدگان و ای نگاهدار بیچارگان و ای مهرورز بینویان و ای اجابت کننده گرفتاران و ای گنج فقیران و ای جبران کننده دل شکستگان و ای پناه جدا افتادگان و ای یاور مستضعفان و ای امان دهنده بیمناکان

ويا مُغيثَ المَكروبينَ، ويا حِصنَ اللّاجينَ، إن لَم أعوذ بِعِزَّتِكَ فِمنَ أعوذُ، وإن لَم ألدِّ بِقدْرَتِكَ فِمنَ ألدُّ، وقد أَلجأتني الذنوبُ إلى التَّسبُّثِ بِأذيالِ عَفْوِكَ، وأحوجتني الخطايا إلى استِفتاحِ أبوابِ صَدِّحِك، ودَعَتني الإساءةُ إلى الإناخَةِ بِفِناءِ عِزِّكَ، وحَمَلتني المَخافَةُ مِن نِقَمَتِكَ عَلى التَّمسُّكِ بِعُرْوَةِ عَظْفِكَ، وما حَقُّ مِنِ اعْتِصَمَ بِحَبْلِكَ أن يُخذَلَ، ولا يَلِيقُ بِمنِ اسْتَجارَ بِعِزِّكَ أن يُسَلَمَ أو يُهَمَلَ.

إلهي! فلا تُخلِننا مِن حِمائِكَ، ولا تُعزنا مِن رِعايَتِكَ، وذُنا عَن مَوارِدِ الهَلَكَةِ، فَإِذا بِعَينِكَ وفي كَنفِكَ وَلَكَ، أسألكَ بِأهلِ خاصَّتِكَ مِن ملائِكَتِكَ، وَالصَّالحينَ مِن بَرِيَّتِكَ، أن تَجعَلَ عَلَينا واقِيَةً تُنجِنا مِنَ الهَلَكاتِ، وتُجِنُّنا مِنَ الآفاتِ، وتُكِنُّنا مِن ذِواهي المِصِيباتِ، وأن تُنزلَ عَلَينا مِن سَدِّ كِيبَتِكَ، وأن تُعشِّيَ وُجوهنا بِأنوارِ مَحَبَّتِكَ، وأن تُؤوِنا إلى شَدِيدِ رُكنِكَ، وأن تَحوِنا في أَكْفافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يا أرحَمَ الرَّاحِمينَ. (1)

6/11-17 مُناجاةُ الرَّاهِدِينِ

369. الإمام زين العابدين عليه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إلهي! أسكنتنا داراً حَفَرَتْ لَنا حُفَرَ مَكرِها، وَعَلَّقَتْنا بِأيدي المَنايا في حَبائِلِ غَدْرِها، فَالِيكَ نَلتَجِي مِن مَكانِدِ خُدَعِها، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الإِغْتِرابِ بِزِخارِفِ زِيبَتِها، فَإِنَّها المُهَلِكَةُ طُلا بِها، المُتَلَفَةُ حُلا لَها، المَحْشُوءَةُ بِالآفاتِ، المَشْحُونَةُ بِالنَّكباتِ.

إلهي! فَزَهِّدْنا فيها، وَسَلِّمنا مِنها بِتَوفيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَأَنْزِعْ عَنَّا

ص: 264

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 152 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.



و ای فریادرس رنجوران و ای دژ پناه آورندگان! اگر به عزّت تو پناه نیاورم، پس به که پناه برم؟ و اگر به قدرت تو پناهنده نشوم، پس به که پناهنده شوم؟ [خدایا!] گناهان، ناچارم کرده که به دامن عفوت چنگ زنم و خطاها مرا نیازمند طلب گشوده شدن درهای چشم پوشی ات نموده و زشتکاری، مرا به بار افکندن در آستان عزّت تو کشانده و ترس از انتقامت مرا وا داشته که به رشته مهر تو در آویزم و حقّ آن که به ریسمان تو درآویزد، این نیست که وا نهاده شود و سزاوار نیست آن که به عزّت تو پناه آورد، تسلیم یا به اوبی توجهی شود.

معبود من! ما را از حمایت، بی بهره مگذار و از رعایت خود، محروم مدار و از پرتگاه های هلاکت، دور بدار، که در پیش دید تو و در کنف حمایت تو و برای تو هستیم. به حقّ فرشتگان ویژه درگاهت و بندگان شایسته ات از تو می خواهیم که برای ما نگاه دارنده ای قرار دهی که ما را از مهلکه ها نجات دهد و دور کننده ما از آفت ها باشد و از مصیبت های بزرگ محفوظمان بدارد، و از آرامش بر ما فرو فرستی و چهره هایمان را با انوار محبت پپوشانی و در پناهگاه استوارت جایمان دهی و ما را در کران تا کران نگهداشت خود، در بر گیری، به حقّ عطوفت و رحمت، ای مهربان ترین مهربانان!

### 17-11/6 مناجات زاهدان

369. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. معبود من! ما را در سرایی جا داده ای که چاله های نیرنگش را برای ما فرو کنده و ما را به دست آرزوها در بند رشته های خیانتش آویخته است. از نیرنگ های فریبنده اش، به سوی تو پناه می آوریم و از فریفته شدن به زیورهای آراسته اش، به دامن تو چنگ می زنیم، که دنیا جویندگانش را نابودگر و بار گشودگانش را تلف کننده است و آکنده از آفت ها و سرشار از بدبختی هاست.

معبود من! پس ما را به دنیا بی رغبت کن و با توفیق و نگهداشت خود، ما را از آن به سلامت دار و جامه های مخالفتت را از تن ما بیرون آور و با حُسن کفایتت،

جَلَابِيْبَ مُخَالَفَتِكَ، وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ، وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَأَجْمِلْ صِدْقَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَاغْرِسْ فِي أَفْرَادِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ، وَأَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَوَدَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَأَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَتِكَ، وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا، كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ. (1)

18-11/6 مُنَاجَاةُ الْمَتَدَلِّينِ

370. الإمام زين العابدين عليه السلام:

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي، وَأَنْقَطَعَتِ مَقَالَتِي فَلَا حُجَّةَ لِي، فَأَنَا الْأَسِيرُ بِبَيْتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمَتَرَدِّدُ فِي خَطِيئَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَنِ قَسْصِي، الْمُتَنْقَطِعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذْلَاءِ الْمُذْنِبِينَ، مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّينَ عَلَيْكَ، الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعْدِكَ.

سُبْحَانَكَ أَيَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيَّ تَغْرِيرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِي؟!

مَوْلَايَ! اِرْحَمْ كَبُوتِي لِحُرِّ وَجْهِي وَزَلَّةِ قَدَمِي، وَعُدِّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِإِحْسَانِكَ عَلَيَّ إِسَاءَتِي، فَأَنَا الْمُقَرَّبُ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرَفُ بِخَطِيئَتِي، وَهَذِهِ يَدِي وَنَاصِيئَتِي أَسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي، اِرْحَمْ شَيْبَتِي وَنَفَادَ أَيَّامِي، وَاقْتِرَابَ أَجَلِي، وَضَعْفِي وَمَسْكَنتِي، وَقَلَّةَ حِيلَتِي.

مَوْلَايَ! وَإِرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي، وَامْحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي، وَكُنْتُ فِي الْمَنْسِيِّينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ.

ص: 266

1- . بحار الأنوار، ج 94 ص 152 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

کارهایمان را سرپرستی فرما و سهم ما را از رحمت گسترده ات، افزون و جایزه های ما را از سرچشمه پرفیض بخشش هایت نیکوگردان و نهال های مهتر را در دل های ما بنشان و انوار معرفت را بر ما کامل کن و شیرینی عفو و لذت آمرزش را به ما بچشان و چشمان ما را در روز دیدارت به مشاهده جمالت روشن نما و دوستی دنیا را از دل های ما بیرون کن، آن سان که در باره برگزیدگان و نیکان از خواص درگاہت کردی، به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان و ای بزرگوارترین بزرگواران!

### 18-11/6 مناجات خاکساران

370. امام زین العابدین علیه السلام - در اظهار خاکساری در برابر خدای عزیز جلیل - : پروردگار من! گناهانم مرا خاموش کرده و توان سخن را از من گرفته اند و حجّتی ندارم. من، اسیر گرفتاری خود و در بند کار خویشم. در میان خطایم، سرگردان و از راهم سرگشته و جدا افتاده ام. خود را در جایگاه گناهکاران خوار، قرار داده ام؛ جایگاه شوربختان گستاخ بر تو [و] سبک شمرندگان تهدیدت. منزّهی تو! با کدام جرئت، بر تو گستاخی ورزیدم و به کدامین فریب، خود را فریفتیم؟!

مولای من! بر من رحم کن که پایم لغزیده است و با تمام صورت به زمین خورده ام، و با بردباری ات به سوی نادانی ام و با نیکی ات به بدکاری ام، باز گرد، که من به گناه خود، اقرار دارم و به خطای خویش معترفم و این دست و موی جلوی سرم در اختیار توست تا قصاص از جانم بستانی. بر موی سفیدم، پایان یافتن روزگارم، نزدیک شدن مرگم، ناتوانی ام، بی نوایی ام و بیچارگی ام رحم کن.

مولای من! بر من رحم کن آن گاه که نشانم از دنیا بریده می شود و یادم در میان مخلوقات محو می گردد و میان از یاد رفتگان، جزو فراموش شدگان می شوم.

مَوْلَايَ! وَارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صَوْرَتِي، وَحَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي وَتَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي، وَتَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي، يَا غَفْلَتِي عَمَّا يُرَادُ بِي!

مَوْلَايَ! وَارْحَمْنِي فِي حَشْرِي وَنَشْرِي، وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَفِي أَحِبَّائِكَ مَصْدَرِي، وَفِي جِوَارِكَ مَسْكَنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. (1)

6/11-19 مُنَاجَاةُ الْمُلْحِينِ

371. الإمام زين العابدين عليه السلام:

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَكَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ يَا إِلَهِي مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ، وَكَيْفَ لَا تُحْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ، أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تَدْبِرُهُ، أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ، أَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ؟!

سُبْحَانَكَ! أَخْشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ.

سُبْحَانَكَ! لَا يَنْقُصُ سُلْطَانُكَ مَنْ أَشْرَكَ بِكَ وَكَذَّبَ رُسُلَكَ، وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ، وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ، وَلَا يَقْوَتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ، وَلَا يُعَمَّرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ.

سُبْحَانَكَ! مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ، وَأَفْهَرَ سُلْطَانُكَ، وَأَشَدَّ قُوَّتَكَ، وَأَنْفَذَ أَمْرَكَ.

سُبْحَانَكَ! قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ؛ مَنْ وَحَدَكَ وَمَنْ

ص: 268

مولای من! بر من رحم کن هنگام دگرگونی چهره و حالت، آن گاه که پیکرم می پوسد و اندامم از هم می پاشد و مفصل هایم از هم می گسلند. وای از غفلتم از آنچه از من خواسته شده است!

مولای من! و بر من در برانگیخته شدن و پریشانی روز قیامت، رحم کن و جایگاه ایستادم را در آن روز، کنار اولیایت و جایگاه پس از در آمدن [از محاسبه] را میان دوستانت قرار بده و مرا در جوار رحمتت سکنا ده، ای پروردگار عالمیان!

### 19-6/11 مناجات اصرار کنندگان

371. امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان در اصرار بر خداوند متعال - : ای خدایی که چیزی، نه در زمین و نه در آسمان، بر او پنهان نیست و ای معبود من! چگونه چیزی که خود آفریده ای، بر تو پنهان بماند؟! و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، به شماره در نیاوری؟! یا چگونه آنچه خود تدبیر می کنی، از تو نهان گردد؟! یا چگونه آن که جز با روزی تو زندگی ندارد، می تواند از تو بگریزد؟! یا چگونه آن که راهی جز در سرزمین های تو ندارد، از تورهایی یابد؟!!

تو منزهی! در میان آفریدگانت، بیمناک ترین از تو، داناترین ایشان ست به تو و خاضع ترین آنان در برابرت، کوشاترین آنها در کار طاعت توست، و خوارترین آنها نزد تو، کسی است که تو روزی اش می دهی؛ ولی جز تو را می پرستد.

تو منزهی! آن که برای تو انباز آورد و فرستادگانت را تکذیب کند، از سلطنت تو هیچ نمی کاهد، و آن که قضای تو را خوش ندارد، امرت را رد کردن نمی تواند، و آن که منکر قدرت تو شود، خویشان را از تو در امان نمی تواند بدارد، و آن که غیر تو را بندگی کند، از چنگ تو نمی تواند بگریزد، و آن که دیدار تو را ناخوش دارد، نمی تواند همیشه در دنیا زندگی کند.

تو منزهی! وه که چه بزرگ است مقام تو، و چه چیره است قدرت تو، و چه استوار است نیروی تو، و چه نافذ است فرمان تو!

تو منزهی! مرگ را بر همه آفریدگانت رقم زدی: چه آن که به یگانگی تو

كَفَّرَ بِكَ، وَكُلَّ ذَاتِئُ الْمَوْتِ، وَكُلَّ صَائِرِ إِلَيْكَ.

فَتَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، آمَنْتُ بِكَ، وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ، وَقَبِلْتُ كِتَابَكَ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ، وَبَرَنْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحُ وَأُمْسِي مُسْتَقِيلاً لِعَمَلِي، مُعْتَرِفاً بِذَنْبِي، مُقَرِّراً بِخَطَايَايَ، أَنَا بِإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَلِي أَهْلَكَنِي، وَهَوَايَ أَرْدَانِي، وَشَهَوَاتِي حَرَمَتْنِي.

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَا هَيْبَةَ لِطُولِ أَمَلِهِ، وَبَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُدِّ كَوْنِ عُرُوقِهِ، وَقَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، وَفِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ، سُؤَالَ مَنْ قَدَّ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَفَتَنَهُ الْهَوَى، وَاسْتَمَكَّنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا، وَأَظْلَمَهُ الْأَجَلُ، سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْتَرَ ذُنُوبَهُ، وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ، سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ، وَلَا وَلِيَّ لَهُ دُونَكَ، وَلَا مُنْقِدَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ.

إِلَهِي! أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى، أَنْ تَصَلِّ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ، وَأَنْ تَسَلِّ لِي نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ، وَأَنْ تُنَبِّئَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ، فَإِلَيْكَ أَفْرُ، وَمِنْكَ أَخَافُ، وَبِكَ أَسْتَغِيثُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو، وَلَكَ أَدْعُو، وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَبِكَ أَتَّقُ، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَبِكَ أُوْمِنُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكَلِّ. (1)

ص: 270

باور داشته باشد یا به تو کفر ورزد. همگان، طعم مرگ را می چشند و همگان، ره سپار کوی تو هستند.

تو خجسته و والایی. جز تو معبودی نیست. تویی همتایی. به تو ایمان آوردم و فرستادگانت را تصدیق کردم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم و از کسی که جز تو را می پرستد، بیزاری جستم.

خدایا! صبح را به شام و شام را به صبح می رسانم، در حالی که اعمالم را اندک می بینم، به گناهم معترفم، به خطاهایم اقرار کننده ام و به سبب زیاده روی ام بر جانم، خوارم. کردارم هلاکم ساخته و هوسم، پستم کرده است و خواهش هایم [از عنایتت] محرومم ساخته اند.

مولای من! از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که جانم به آرزوی دور و درازش مشغول گشته و پیکرش در غفلت و آسودگی آرمیده و دلش فریفته نعمت های فراوانش شده و اندیشه اش در باره جایی که ره سپارش است، اندک است؛ درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته و هوس مفتونش کرده و دنیا بر او دست یافته و مرگ بر او سایه افکننده است؛ درخواست کسی که گناهانش را فراوان می یابد و به خطایش اعتراف دارد؛ درخواست کسی که جز تو پروردگاری و غیر تو سرپرستی و از دستت رهاننده ای و از [کیفر] تو به سوی تو پناهگاهی جز خودت ندارد.

معبود من! از تو درخواست می کنم به حق واجب بر همه آفریدگانت و به نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی تا با آن تو را تسبیح گوید، و به حق شاکوه روی کریمانه ات که فرسوده و دگرگون نمی شود و تغییر و فنا نمی پذیرد، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا با بندگی ات از همه چیز بی نیاز سازی و با بیمت، یاد دنیا را از جانم ببری و با فزونی کرامتت، رحیمانه به من روی آوری. تنها به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم و تنها از تو فریادرسی می خواهم و تنها به تو امید دارم و تنها تو را می خوانم و تنها به تو پناه می آورم و تنها به تو اعتماد دارم و تنها از تو کمک می جویم و تنها به تو ایمان دارم و تنها بر تو توکل می کنم و تنها به بخشش و بزرگواری ات تکیه دارم.

372. الإمام زين العابدين عليه السلام:

إلهي! أحمَدُكَ - وأنتَ لِلحمدِ أهلٌ - على حُسنِ صَدَقَتِكَ إِلَيَّ، وَسِدِّبِوْغِ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، وَجَزِيلِ عَطَائِكَ عِنْدِي، وَعَلَى مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَكْرِي، وَلَوْلَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ، وَسُبُوغُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، مَا بَلَغْتُ إِحْرَارَ حَظِّي، وَلَا إِصْلَاحَ نَفْسِي، وَلَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ، وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ، وَصَدَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ، وَمَنَعْتَ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ.

إلهي! فَكَمَ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدِ قَدْ صَدَرَفْتَ عَنِّي، وَكَمَ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَفَرَّتَ بِهَا عَيْنِي، وَكَمَ مِنْ صَدَقَةٍ نَبِيغَةٍ كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي، أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَأَقَلْتَ عِنْدَ الْعَثَارِ رَلَّتِي، وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بَطْلَامَتِي.

إلهي! مَا وَجَدْتُكَ بِخِيَالٍ حِينَ سَأَلْتُكَ، وَلَا مُنْقَبِضاً حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعاً، وَلِمَطَالِبِي مُعْطِياً، وَوَجَدْتُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي، وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ، وَصَدَقَتِكَ لَدَيَّ مَبْرُورٌ، تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي حَمداً يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمداً يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي، فَتَجَنِّي مِنْ سُخْطِكَ.

يَا كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ، وَيَا مُقْبِلِي عَثْرَتِي، فَلَوْلَا سَتْرُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَيَا مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ، فَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ



372. امام زین العابدین علیه السلام - در هنگام زاری و خواری در پیشگاه الهی - : معبود من! تو را برای حسن رفتار و نیکی هایت به من و فراوانی نعمت هایت به من و برای عطای بسیاری به من، و رحمت افزون تری به من می ستایم - و تو سزاوار ستایشی - . نعمت را بر من تمام کردی و چندان با من نیکی نمودی که از عهده شکرش ناتوانم. اگر احسان تو به من و تمام نمودن نعمت هایت بر من نبود، به نصیبم نمی رسیدم و خود را سامان نمی دادم؛ ولی تو پیش از درخواستم، به من احسان کردی و در همه کارها از دیگران بی نیازم کردی و رنج بلا را از من گرداندی و قضای سهمگین خود را از من باز داشتی.

معبود من! چه بسیار بلای جان فرسا که از من بگرداندی، و چه بسیار نعمت کاملی که چشمم را بدانها روشن ساختی، و چه بسیار احسان ارزشمندی که در حق من روا داشتی. تویی که هنگام گرفتاری و بیچارگی، دعایم را اجابت کردی و لغزشم را نادیده گرفتی و حقم را از دشمنان ستاندی.

معبود من! هر گاه از تو چیزی خواسته ام، تو را بخیل نیافته ام و هرگاه آهنگ دیدار تو کرده ام، گرفته ات ندیده ام؛ بلکه تو را شنونده دعایم و عطا کننده خواسته هایم یافته ام و تو را چنین یافته ام که در هر حالی از حالاتم و هر زمان از زمان من، نعمت هایت را بر من تمام می کنی. از این روست که تو نزد من ستوده ای و نیکی ات نزد من، پسندیده است. جان و زبان و خردم تو را می ستایند؛ ستایشی که به حد نعمت تو و حقیقت سپاست برسد؛ ستایشی در منتهای خشنودی تو از من. پس مرا از خشم برهان.

ای جان پناه من، آن گاه که راه های گوناگون، در مانده ام می کنند. ای نادیده گیرنده لغزشم! اگر پرده پوشی تو بر زشتی هایم نبود، از رسوایان بودم. ای استوار کننده من با یاری ات! اگر یاری ام نمی کردی، از شکست خوردگان بودم. ای آن که پادشاهان در پیشگاه تو یوغ ذلت بر گردن نهاده اند و از

الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى، وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، أَسَأَلَكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي، فَلَسْتُ بَرِيئاً  
فَاعْتَدِرْ، وَلَا يَذِي قُوَّةً فَأَنْتَصِرَ، وَلَا مَفَرَّ لِي فَأَفِرَّ، وَأَسْتَقِيلُكَ عَثْرَاتِي، وَأَتَتَّصِلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدِ أُوْبَقْتَنِي، وَأَحَاطَتْ بِي فَأَهْلَكْتَنِي، مِنْهَا  
فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِباً فَتُبَّ عَلَيَّ، مُتَعَوِّذاً فَأَعِدْنِي، مُسْتَجِيراً فَلَا تَخْذُلْنِي، سَائِلاً فَلَا تَحْرِمْنِي، مُعْتَصِماً فَلَا تُسَلِّمْنِي، دَاعِياً فَلَا تُرْذِنِي خَائِئياً.

دَعَوْتُكَ يَا رَبِّ مَسْكِيناً مُسْتَكِيناً، مُشْفِئاً خَائِئياً، وَجِلاً فَقِيراً مُضْطَرّاً إِلَيْكَ، أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءُكَ  
وَالْمُجَانِبَةَ عَمَّا حَذَرْتَهُ أَعْدَاءُكَ، وَكَثْرَةَ هُمُومِي وَوَسْوَاسَةِ نَفْسِي.

إِلَهِي! لَمْ تَقْضَ حَنِي بَسْرِي رِيَّتِي، وَلَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي؛ أَدْعُوكَ فَتُجِيبْنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ تَدْعُونِي، وَأَسَأَلَكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي،  
وَحَيْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي، فَلَا أَدْعُ سِوَاكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ.

لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ، تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ، وَتَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَتُخَلِّصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ، وَتُقَرِّجُ عَمَّنْ لَادَ بِكَ.

إِلَهِي! فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي، وَاعْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمُ مِنْ ذُنُوبِي، إِنْ تَعَدَّبْنَا الظَّالِمُ الْمُفْرَطُ، الْمُضْطَبَّعُ الْآثِمُ، الْمُقْصِرُ  
الْمُضْجِعُ، الْمُغْفَلُ حَظَّ نَفْسِي، وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (1)

ص: 274

قدرت هراسان اند! ای آن که سزامندی بندگان از تو پروا کنند، و ای دارای نام های نیکو! از تو می خواهیم که از من در گذری و مرا بیماری، که نه بی گناهم تا روی عذرخواهی داشته باشم، و نه نیرویی دارم که از آن یاری بگیرم، و نه گریزگاهی که به آن بگریزم. از تو می خواهیم که لغزش هایم را نادیده بگیری، و خود را از گناهانم که مرا به بند کشیده و گرداگردم را فرا گرفته و هلاکم نموده اند، از آنها به سوی تو گریخته و باز گشته ام، ای پروردگار من! پس به سویم باز گرد. به درگاہت پناه آورده ام، پس پناهم ده. از تو پناه می جویم، پس مرا وا مگذار. گدای تو ام، پس محرومم نکن. در تو آویخته ام، پس تسلیمم مکن. تو را می خوانم، پس نومیدم بر مگردان. ای پروردگار من! با بینوایی و خواری و نیز نگران و ترسان و هراسان و فقیر و گرفتار، تو را خوانده ام. ای معبود من! پیش تو شکوه می کنم از کم جانی ام در سرعت ورزیدن به سوی وعده هایی که به اولیایت داده ای، و دوری گزیدن از چیزهایی که دشمنانت را از آنها ترسانده ای، و نیز از فراوانی اندوه و وسوسه نفس خویش. معبود من! تو مرا به سبب درونم رسوا نساختی و به سبب گناهانم به هلاکت نینداختی. چون می خوانمت، پاسخم می گویی، اگر چه هنگامی که تو مرا به سوی خود می خوانی، کندی می کنم. همه حاجت هایم را از تو می طلبم و هر جا که باشم، راز دل را با تو در میان می گذارم. جز تو را نمی خوانم و جز به تو امید نمی بندم.

پیوسته فرمان بردارم. هر کس شکایت پیش تو آورد، آن را می شنوی، و هر کس بر تو توکل کند، به او روی می آوری، و هر کس در تو آویزد، رهایی اش می دهی، و هر کس به تو پناه آورد، گره از کارش می گشایی.

معبود من! مرا به سبب اندک بودن سپاسم، از خیر آخرت و دنیا محروم مساز و گناهانم را که خود از آنها آگاهی، بیماری. اگر عذابم کنی، [چیزی نمی توانم بگویم؛ چرا که] من ستمکارم، سهل انگارم، تبهکارم، گنهکارم، مقصّر، کوتاهی کننده ام و غافل از بهره خویشم؛ اما اگر مرا بیماری، [جای شگفتی نیست؛ چرا که] تو مهربان ترین مهربانانی.

373. بحار الأنوار: المُنَاجَاةُ الْإِنْجِيلِيَّةُ لِمَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ وَجَدْتُهَا فِي بَعْضِ مَرَوِيَّاتِ أَصْحَابِنَا - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - فِي كِتَابِ أَنَيْسِ الْعَابِدِينَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ قُدَمَائِنَا عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهِيَ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِي، وَبِشُكْرِكَ أَسْتَنْجِحُ سُؤَالِي، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فِي كُلِّ أَحْوَالِي، وَإِيَّاكَ أَمَلِي فَلَا تُخَيِّبْ أَمَالِي.

اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَعِيدُ وَأَعْتَصِمُ، وَبِرُكْنِكَ الْوُدَّ وَأَتَحَرِّمُ، وَبِقُوَّتِكَ أَسْتَجِيرُ وَأَسْتَصِيرُ، وَبِنُورِكَ أَهْتَدِي وَأَسْتَبْصِرُ، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ وَأَعْبُدُ، وَإِلَيْكَ أَقْصِدُ وَأَعْمِدُ، وَبِكَ أَخْصِمُ وَأُحَاوِلُ(1)، وَمِنْكَ أَطْلُبُ مَا أُحَاوِلُ، فَأَعِنِّي يَا خَيْرَ الْمُعِينِينَ، وَقِنِي الْمَكَارَةَ كُلَّهَا يَا رَجَاءَ الْمُؤْمِنِينَ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَذْكُورِ بِكُلِّ لِسَانٍ، الْمَشْكُورِ عَلَى كُلِّ إِحْسَانٍ، الْمَعْبُودِ فِي كُلِّ مَكَانٍ، مَدَبِّرِ الْأُمُورِ، وَمُقَدِّرِ الدُّهُورِ، وَالْعَالِمِ بِمَا تُجْنُهُ الْبُحُورُ وَتُكِنُّهُ الصُّدُورُ وَيُخْفِيهِ الظُّلَامُ، وَيُبْدِيهِ النُّورُ، الَّذِي حَارَ فِي عِلْمِهِ الْعُلَمَاءُ، وَسَلَّمْ لِحُكْمِهِ الْحُكَمَاءُ، وَتَوَاضَعْ لِعِزَّتِهِ الْعُظَمَاءُ، وَفَاقَ بِسَعَةِ فَضْلِهِ الْكُرَمَاءُ، وَسَادَ بِعَظِيمِ حِلْمِهِ الْحُلَمَاءُ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ(2) مِنْ انْتِصَارِ بِذِمَّتِهِ، وَلَا يُقَهَّرُ مِنْ اسْتِتْرَاعِ عِظَمَتِهِ، وَلَا يُكْدَى(3) مِنْ أَذَاعِ شُكْرِ نِعْمَتِهِ، وَلَا يَهْلِكُ مِنْ تَعَمُّدِهِ بِرَحْمَتِهِ،

ص: 276

1- . في نسخة: «أجادل»، وهو الأنسب.

2- . الخُفَارَةُ: الذَّمَامُ. وَأَخْفَرْتُ الرَّجُلَ: إِذَا نَقَضْتَ عَهْدَهُ وَذَمَامَهُ، وَالْهَمْزَةُ فِيهِ لِلإِزَالَةِ؛ أَي أزلت خُفَارَتَهُ (النهاية: ج 2 ص 52 «خفر»).

3- . أكَدَى الرَّجُلُ: قَلَّ خَيْرُهُ؛ وَقِيلَ: الْمَكَدِيُّ مِنَ الرَّجَالِ: الَّذِي لَا يَثُوبُ لَهُ مَالٌ وَلَا يَنْمِي (لسان العرب: ج 15 ص 216 «كدا»).

373. بحار الأنوار: مناجات انجیلیه، از مناجات های امام زین العابدین علیه السلام است و آن را در گزارش های همکیشانمان - که خدا از آنان خشنود باد - در کتاب انیس العابدین یافتیم که از تألیفات یکی از عالمان پیشین ماست. وی این مناجات را از آن امام علیه السلام روایت کرده و متن آن، چنین است:

«به نام خداوند مهرگستر مهربان. خدایا! با یاد تو گفتارم را آغاز می کنم و با شکر تو، برآورده شدن خواسته ام را می طلبم. در هر حال، توگلم به توست. امید من تویی، پس امیدهایم را ناکام مگذار.

خدایا! به ذکر تو، پناه می برم و در می آویزم، و به تکیه گاه تو پناه می برم و خود را استوار می دارم، و به نیروی تو پناه می برم و [از آن] یاری می طلبم، و با نور تو راه می یابم و بینا می گردم، و از تو یاری می خواهم و تو را می پرستم، و مقصد و مقصود من تویی، و به مدد تو مجادله (1) و نزاع می کنم، و آنچه را برایش می کوشم، از تو می خواهم. پس ای بهترین یاری کنندگان! یاری ام ده و ای امید مؤمنان! مرا از همه ناخوشی ها محفوظ بدار.

ستایش، ویژه خدایی است که ذکرش، ورد هر زبان است و در برابر هر نیکی، او را سپاس می نهند و در هر مکانی، او را می پرستند؛ تدبیرگر امور و تقدیرگر روزگاران و دانا به آنچه دریاها پوشانده و سینه ها در خود نهفته اند و [آنچه] تاریکی ها پنهان نموده و نور بر نموده است؛ خدایی که دانشمندان در علمش حیران و حکیمان در برابر حکمتش تسلیم اند و بزرگان در مقابل عزتتش سر فرود آورده اند و با بخشش فراخناکش، از هر بخشنده ای بالاتر و با بردباری باعظمتش، از همه بردباران، والاتر است.

ستایش، ویژه خدایی است که هر کس به پیمان یاری او در آید، بدعهدی نمی بیند و کسی که خود را در پناه عظمت او قرار دهد، مغلوب نمی گردد و هر کس نعمت های او را آشکارا سپاس بگذارد، به تنگ دستی نمی افتد و هر کس در پوشش رحمت او قرار گیرد، هلاک نمی گردد؛ آن خدایی که با نعمت هایی بی شمار بر ما ممت نهاده است،

ص: 277

1- . ترجمه بر اساس نسخه ای است که به جای «أحاول»، «أجدل» دارد. (م)

ذِي الْمِنَّةِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُونَ، وَالنَّعْمِ الَّتِي لَا يُجَازِيهَا الْمُجْتَهِدُونَ، وَالصَّنَائِعِ الَّتِي لَا يَسْتَطِيعُ دَفْعَهَا الْجَاهِدُونَ، وَالذَّلَائِلِ الَّتِي يَسْتَبْصِرُ بِنُورِهَا الْمَوْجُودُونَ.

أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ، شَاكِرًا لِرِفْدِهِ، حَمْدًا مُوقَّعًا لِرُشْدِهِ، وَاثِقًا بِعَدْلِهِ، لَهُ الشُّكْرُ الدَّائِمُ، وَالْأَمْرُ اللَّازِمُ.

اللَّهُمَّ يَا كَاسَأَلُ، وَيَا كَأَتَوَسَّلُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَبِفَضْلِكَ أَغْتَنِمُ، وَبِحَبْلِكَ أَعْتَصِمُ، وَفِي رَحْمَتِكَ أُرْغَبُ، وَمِنْ نِقْمَتِكَ أُرْهَبُ، وَبِقُوَّتِكَ أَسْتَعِينُ، وَبِعِظَمَتِكَ أَسْتَكِينُ(1).

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، وَالْغَنِيُّ الْمُرْفِدُ، وَالْعَوْنُ الْمُؤَيَّدُ، [وَ] الرَّاحِمُ الْغَفُورُ، وَالْعَاصِمُ الْمُجِيرُ، وَالْقَاصِمُ الْمُبِيرُ(2)، وَالْخَالِقُ الْحَلِيمُ، وَالرَّازِقُ الْكَرِيمُ، وَالسَّابِقُ الْقَدِيمُ.

عَلِمْتَ فَخَبِرْتَ، وَحَلِمْتَ فَسْتَرْتَ، وَرَحِمْتَ فَغَفَرْتَ، وَعَظُمْتَ فَفَقِهْتَ، وَمَلَكَتَ فَاسْتَأْثَرْتَ، وَأَدْرَكَتَ فَاقْتَدَرْتَ، وَحَكَمْتَ فَعَدَلْتَ، وَأَنْعَمْتَ فَأَفْضَلْتَ، وَأَبْدَعْتَ فَأَحْسَنْتَ، وَصَنَعْتَ فَاتَّقَنْتَ، وَجُدْتَ فَأَغْنَيْتَ، وَأَيَّدْتَ فَكَفَيْتَ، وَخَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ، وَوَفَّقْتَ فَهَدَيْتَ.

بَطَنْتَ الْغُيُوبَ، فَخَبِرْتَ مَكْنُونَ أَسْرَارِهَا، وَحُلْتَ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَبَيْنَ تَصَدُّقِهَا عَلَى اخْتِيَارِهَا، فَأَيَّقَنْتَ الْبَرَايَا أَنَّكَ مُدَبِّرُهَا وَخَالِقُهَا، وَأَذَعَنْتَ أَنَّكَ مُقَدِّرُهَا وَرَازِقُهَا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَنْتَ أَقْرَبُ الشَّاهِدِينَ، وَأَشْهَدُ مَنْ حَضَرَ نِيَّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَنِّي أَشْهَدُ بِسِرِّيَّةِ زَكِيَّةٍ، وَبَصِيرَةٍ مِنَ الشُّكِّ بِرَبِّيَّةٍ،

ص: 278

1- . استكان: خَصَّعَ (النهاية: ج 2 ص 385 «سكن»).

2- . المبير: المهلِكُ (النهاية: ج 1 ص 161 «بور»).

نعمت هایی که شمارشگران از شمارش آن ناتوان اند و کوشندگان از جبرانش بر نمی آیند و نیکی هایی که منکران نمی توانند آنها را انکار کنند و راه نمایانی که موجودات با نور آنها بینش می یابند.

اورا آشکارا می ستایم و عطایش را سپاس می نهم؛ ستایش کسی که توفیق ره یافتن به او را داشته و به عدالت او اطمینان یافته است. سپاس همیشگی و فرمان روایی، همواره تنها خداوند را سزد.

خدایا! من از تو می خواهم و به تو توسل می جویم و به تو توکل می کنم. فضل و بخشش تو را غنیمت می دارم و به ریسمان تو در می آویزم و به رحمت تو رغبت دارم و از خشم تو می هراسم و از نیروی تو کمک می خواهم و به عظمت تو آرام می گیرم.

خدایا! تویی سرپرست راه نما، و توانگر عطا کننده، و یاور استوار کننده، و مهربان آمرزشگر، و نگاهدار پناه دهنده، و درهم کوبنده هلاکگر، و آفریدگار بردبار، و روزی دهنده بزرگوار، و کهن و پیش تر از همه.

دانستی و آگاه کردی. بردباری نمودی و پوشانیدی. مهربانی کردی و آمرزیدی. عظمت یافتی و چیره گشتی. فرمان روایی یافتی و ویژه خود ساختی. دست یافتی و قدرت گرفتی. حکم کردی و عدالت ورزیدی. نعمت دادی و فزونی بخشیدی. بی نمونه آفریدی و نیکو آفریدی. ساختی و استوار ساختی. بخشیدی و بی نیاز کردی. پشتیبانی نمودی و کفایت کردی. آفریدی و تمام کردی. توفیق دادی و ره نمودی.

به درون نهان ها نفوذ کردی و از رازهای نهفته آگاه گشتی. میان قلب ها و تصرفات مختارانه شان جدایی افکندی تا مردم یقین کردند که تو تدبیرگر و آفریدگار آنهایی و اذعان کردند که تو تقدیرگر و روزی دهنده شان هستی. معبودی جز تو نیست و توبسی والا تر از آنی که ستمکاران می گویند.

خدایا! من تو را شاهد می گیرم که از هر شاهدی نزدیک تر هستی، و هر کس را که نزد من حاضر است، از فرشتگان مقربیت تا بندگان صالحت از آدمی و پری، شاهد می گیرم که با نیتی پاک و بصیرتی به دور از تردید و با

شَهَادَةً أَعْتَقِدُهَا بِإِخْلَاصٍ وَإِقْيَانٍ، وَأَعِدُّهَا طَمَعًا فِي الْخَلَاصِ وَالْأَمَانِ، أَسِيرُهَا تَصَدِيقًا بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَأُظْهِرُهَا تَحْقِيقًا لِيُوحِدَانِيَّتِكَ، وَلَا أُصَدِّ عَنْ سَبِيلِهَا، وَلَا أُحِدُّ فِي تَأْوِيلِهَا: أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِكَ أَحَدًا، وَلَا أُحِدُّ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، الْوَاحِدُ الَّذِي لَا يَدْخُلُ فِي عَدَدٍ، وَالْفَرْدُ الَّذِي لَا يُقَاسُ بِأَحَدٍ، عَلَا عَنِ الْمُسَاكَلَةِ وَالْمُنَاسَبَةِ، وَخَلَا مِنَ الْأَوْلَادِ وَالصَّاحِبَةِ. سُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقِ مَا أُصْنَعُهُ، وَرَازِقِ مَا أَوْسَعُهُ، وَقَرِيبِ مَا أَرْفَعُهُ، وَمُجِيبِ مَا أَسْمَعُهُ، وَعَزِيزِ مَا أَمْنَعُهُ، (لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (1).

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا نَبِيَّهُ الْمُرْسَلُ، وَوَلِيُّهُ الْمَفْضَلُ، وَشَهِيدُهُ الْمُسْتَعْدَلُ، الْمُؤَيَّدُ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ، وَالْمُسَدَّدُ بِالْأَمْرِ الْمَرْضِيِّ، بَعَثَهُ بِالْأَمْرِ الشَّافِيَةِ، وَالزَّوْجِرِ النَّاهِيَةِ، وَالِدَلَائِلِ الْهَادِيَةِ، الَّتِي أَوْضَحَ بُرْهَانَهَا، وَشَرَحَ بُنْيَانَهَا، فِي كِتَابٍ مُهِيمٍ عَلَى كُلِّ كِتَابٍ، جَامِعٍ لِكُلِّ رُشْدٍ وَصَوَابٍ، فِيهِ نَبَأُ الْقُرُونِ، وَتَفْصِيلُ الشُّؤْنِ، وَفَرْضُ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَالْفَرْقُ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، فَدَعَا إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ، وَشَفَى مِنْ هَيْبِ الْغَلِيلِ، حَتَّى عَلَا الْحَقُّ وَظَهَرَ، وَزَهَقَ الْبَاطِلُ وَانْحَسَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً مُمَهَّدَةً، لَا تَنْقُضِي لَهَا مُدَّةً، وَلَا يَنْحَصِرُ لَهَا عِدَّةً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا جَرَتِ النُّجُومُ فِي الْأَبْرَاجِ، وَتَلَاطَمَتِ (2) الْبُحُورُ بِالْأَمْوَاجِ، وَمَا ادْلَهَمَ (3) لَيْلٍ دَاجٍ، وَأَشْرَقَ نَهَارٌ ذُو ابْتِلَاجٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَعَاقَبَتِ الْأَيَّامُ، وَتَنَاقَبَتِ الْأَعْوَامُ، وَمَا خَطَرَتِ الْأَوْهَامُ، وَتَدَبَّرَتِ الْأَفْهَامُ، وَمَا بَقِيَ الْأَنَامُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَآلِهِ الْبَرَزَةِ الْأَتْقِيَاءِ، وَعَلَى

ص: 280

1- . الروم: 27.

2- . في المصدر: «طلاطمة» والتصويب من الصحيفة السجادية الجامعة: ص 438.

3- . ادْلَهَمَ: كَثَفَ وَاسْوَدَّ (لسان العرب: ج 12 ص 206 «دلهم»).



اخلاص و یقین گواهی می دهم و این گواهی را به امید آزادی از عذاب و امان، ذخیره می کنم و آن را در حالی که ربوبیت تو را تصدیق می کنم، پنهان می دارم و آن را در حالی که یگانگی ات را حقیقت می دانم، آشکار می سازم و راهش را نمی بندم و در تأویلش الحاد نمی ورزم. بی گمان، تو خداوند یکتا و پروردگار من هستی. هیچ کس را به جای تو شریک نمی گیرم و پناهگاهی جز تو نمی یابم.

[گواهی می دهم که] معبودی جز خداوند یکتا و بی همتا نیست؛ همان خدایی که شمارش نمی پذیرد و همان یگانه ای که با هیچ کس مقایسه نمی شود. والاتر از آن است که همسان و همانند چیزی باشد، یا فرزند و همسری داشته باشد. منزّه است آن آفریدگاری که چه خوب آفریده و آن روزی دهنده ای که چه گسترده روزی می دهد و آن نزدیکی که چه قدر والا مرتبه است و آن اجابت کننده ای که چه قدر شنواست و آن پیروز همیشگی که چه قدر شکست ناپذیر است (و برای اوست توصیف [نمایندگان] برتر در آسمان ها و زمین و او شکست ناپذیر حکیم است).

و گواهی می دهم که محمد، پیام آور و فرستاده اوست و نیز ولی برترین او و شاهد عادل دانسته شده او، و یاری گشته با نور درخشان و استوار گشته با امر پسندیده [ی الهی].

خداوند، او را با اوامر شفافبخش و نواهی بازدارنده و نشانه های هدایتگر برانگیخت؛ نشانه هایی که برهانش را آشکار و بنیانش را تشریح نمود، در کتابی که سایه اش بر سر دیگر کتاب ها و در بر دارنده همه ره نمودها و درستی هاست. در آن، اخبار نسل های گذشته و تفصیل مسائل و فریضه نماز و روزه و تفکیک بین حلال و حرام است. او (پیامبر صلی الله علیه و آله) مردم را به بهترین راه فرا خواند و سرگشتگی دل های آشفته را درمان کرد تا این که حق برتری یافت و چیره گشت و باطل از میان رفت و در مانده شد. درود بی پایان و بی شمار خداوند بر او و خاندان او باد؛ درودی که نه پایان پذیرد و نه به شمار آید!

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود بفرست تا هر زمان که ستارگان در

عِزَّتِهِ النَّجْبَاءِ، صَلَاةً مَعْرُوفَةً [مَقْرُونَةً] بِالْتِمَامِ وَالنَّمَاءِ، وَبَاقِيَةً بِإِلْفَاءٍ وَ [لَا] انْقِضَاءٍ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَقْسَطَ طَهَا، وَمِنَ الْعِبَادَةِ أَنْشَطَ طَهَا، وَمِنَ الزِّيَادَةِ أَسَّ طَهَا، وَمِنَ الْكِرَامَةِ أَغْبَطَهَا، وَمِنَ السَّلَامَةِ أَحْوَطَهَا، وَمِنَ الْأَعْمَالِ أَقْسَطَهَا، وَمِنَ الْأَمَالِ أَوْفَقَهَا، وَمِنَ الْأَقْوَالِ أَصْدَقَهَا، وَمِنَ الْمَحَالِّ أَشْرَفَهَا، وَمِنَ الْمَنَازِلِ الْأَطْفَهَا، وَمِنَ الْحَيَاةِ أَكْنَفَهَا، وَمِنَ الرَّعَايَةِ أَعْطَفَهَا، وَمِنَ الْعِصْمَةِ أَكْفَاهَا، وَمِنَ الرَّاحَةِ [الرَّحْمَةِ] أَشْفَاهَا، وَمِنَ النِّعْمَةِ أَوْفَاهَا، وَمِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا، وَمِنَ الْقِسْمِ أَسْنَاهَا، وَمِنَ الْأَرْزَاقِ أَغْزَرَهَا، وَمِنَ الْأَخْلَاقِ أَطَهَرَهَا، وَمِنَ الْمَذَاهِبِ أَقْصَدَهَا، وَمِنَ الْعَوَاقِبِ أَحْمَدَهَا، وَمِنَ الْأُمُورِ أَرْشَدَهَا، وَمِنَ التَّدَابِيرِ أَوْكَدَهَا، وَمِنَ الْجُدُودِ أَسْعَدَهَا، وَمِنَ الشُّؤُونِ أَعْوَدَهَا، وَمِنَ الْفَوَائِدِ أَرْجَحَهَا، وَمِنَ الْعَوَائِلِ أَنْجَحَهَا، وَمِنَ الزِّيَادَاتِ أَتَمَّهَا، وَمِنَ الْبَرَكَاتِ أَعَمَّهَا، وَمِنَ الصَّالِحَاتِ أَعْظَمَهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلْبًا خَاشِعًا زَكِيًّا، وَلِسَانًا صَادِقًا عَلِيًّا، وَرِزْقًا وَاسِعًا هَنِيئًا، وَعَيْشًا رَغْدًا مَرِيًّا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ضَنْكِ الْمَعَاشِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سَاعٍ وَوَاشٍ، وَغَلَبَةِ الْأَضْدَادِ وَالْأَوْبَاشِ، وَكُلِّ قَبِيحٍ بَاطِنٍ أَوْ فَاشٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ، وَرَجَاءِ مَكْذُوبٍ، وَحِيَاءِ مَسْلُوبٍ، وَاحْتِجَاجٍ مَغْلُوبٍ، وَرَأْيٍ غَيْرِ مُصِيبٍ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُسْتَعَاذُ، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُّ وَبِكَ الْمَلَاذُ، فَأَنْلِنِي لَطَائِفَ مَنِّكَ فَإِنَّكَ لَطِيفٌ، فَلَا تَبْتَلِيَنِي بِمِحْنِكَ فَإِنِّي ضَعِيفٌ، وَتَوَلَّنِي بِعَطْفٍ تَحْنُنِكَ يَا رُؤُوفٌ، يَا مَنْ أَوَى الْمُنتَقِطِينَ إِلَيْهِ، وَأَغْنَى الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْهِ، جُدْ بِغِنَاكَ عَنِّي، وَلَا تُحْمَلْنِي

برج ها حرکت می کنند و دریاها با امواج، متلاطم می گردند و شب تیره، تاریک می گردد و روز روشن، سپید و روشن می درخشد. بر او و خاندانش درود فرست تا آن گاه که روزها از پی هم می آیند و سال ها می آیند و می روند و خیال بر خاطر آدمی می گذرد و اندیشه ها تدبیر و مردمان زندگی می کنند.

خدایا! بر محمد، خاتم پیامبران، و خاندان نیکوکار و پرهیزگارش و نیز بر عترت اصیلش، درودی کامل و فزونی گرفته بفرست؛ درودی که بماند و پایید و پایان نیابد.

خدایا! ای پروردگار جهانیان، ای بهترین داور و مهربان ترین مهربانان! عادلانه ترین شهادت را و نیز بانشاطترین عبادت و گسترده ترین افزونی و رشک آمیزترین تکریم و فراگیرترین سلامت و عادلانه ترین کار و موفق ترین آرزو و صادقانه ترین گفتار و بهترین جا و نزدیک ترین جایگاه [به خودت] و جامع ترین حمایت و باتوجه ترین سرپرستی و کافی ترین نگاهداری و شفا دهنده ترین آسودگی و کامل ترین نعمت و بالاترین همت و والاترین قسمت و فراوان ترین روزی و پاک ترین اخلاق و معتدل ترین روش و ستوده ترین فرجام و درست ترین کار و استوارترین تدبیر و نیک بخت ترین کوشش و مجرب ترین کار و بهترین سود و کامیاب ترین خانواده و کامل ترین بهره و گسترده ترین برکت و بزرگ ترین عمل صالح را از تو می خواهم.

خدایا! من از توفیقی فروافتاده و پاک، زبانی خوش نام و والا، روزی فراخ و گوارا، و زندگی همراه آسایش و خوشی می خواهم و من از سختی زندگی و از شرّ هر سخن چین و سخن کش و چیره گشتن دشمنان و فرومایگان و از هر بدی آشکار و پنهان، به تو پناه می برم و از دعایی که در حجاب بماند و از امید دروغین و از بی حیایی و مناظره شکست خورده و اندیشه نادرست به تو پناه می برم.

خدایا! تویی که از او یاری خواهند و به او پناه برند. تو تکیه گاه و پناهگاهی. پس نعمت های لطیفی را به من برسان، که تو خود، لطیفی، و مرا گرفتار آزمون هایت مکن، که من ناتوانم. سرپرستی مرا با نگاه مهربانت به عهده گیر، ای رؤف! ای خدایی که بریدگان از غیر و پیوسته به او را مأوا می دهد و آنان را که به او توکل کنند، توانگر می سازد! از بی نیازی خود، بر من نیازمند ببخش و

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ جَدَّوْا فِي قَصْدِكَ فَلَمْ يَنْكَلُوا، وَسَلَكُوا الطَّرِيقَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَعْذِلُوا، وَعَاطَمُوا عَلَيْكَ فِي الْوُصُولِ حَتَّى وَصَلُوا، فَرَوَيْتَ قُلُوبَهُمْ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْسَتَ نَفُوسَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، فَلَمْ يَقْطَعْهُمْ عَنْكَ قَاطِعٌ، وَلَا مَنَعَهُمْ عَنْ بُلُوغِ مَا أَمْلَوْهُ لَدَيْكَ مَانِعٌ، فَ - (هُم فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ \* لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (1).

اللَّهُمَّ لَكَ قَلْبِي وَلِسَانِي، وَبِكَ نَجَاتِي وَأَمَانِي، وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِسِرِّي وَإِعْلَانِي، فَأَمِتْ قَلْبِي عَنِ الْبَغْضَاءِ، وَأَصِمْتَ لِسَانِي عَنِ الْفَحْشَاءِ، وَأَخْلِصْ سِرِّي عَنِ عِلَاقِ الْأَهْوَاءِ، وَاكْفِنِي بِأَمَانِكَ عَنِ عَوَاقِبِ الضَّرَائِ، وَاجْعَلْ سِرِّي مَعْقُوداً عَلَى مُرَاقَبَتِكَ، وَإِعْلَانِي مُوَافِقاً لِبَطْنِكَ، وَهَبْ لِي جِسْماً رَوْحَانِيّاً، وَقَلْباً سَمَوايَاً، وَهَمَّةً مُنْصِلَةً بِكَ، وَيَقِيناً صَادِقاً فِي حُبِّكَ، وَالْهَمْنِي مِنْ مَحَامِدِكَ أَمْدَحُهَا، وَهَبْ لِي مِنْ فَوَائِدِكَ أَسْمَحُهَا، إِنَّكَ وَلِيُّ الْحَمْدِ، وَالْمُسْتَوْلِي عَلَى الْمَجْدِ.

يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مَلَكُوتُهُ عِصْيَانُ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَلَا يَزِيدُ جَبْرُوتُهُ إِيمَانُ الْمُؤَحِّدِينَ، إِلَيْكَ أَسْتَشْفِعُ بِقَدِيمِ كَرَمِكَ أَنْ لَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَحْتَنِي مِنْ جَسِيمِ نِعْمِكَ، وَأَصْرِفْنِي بِحُسْنِ نَظَرِكَ لِي عَنْ وَرْطَةِ (2) الْمَهَالِكِ، وَعَرِّفْنِي بِجَمِيلِ اخْتِيَارِكَ لِي مُنْجِيَاتِ الْمَسَالِكِ، يَا مَنْ قَرَّبْتَ رَحْمَتَهُ مَنْ الْمُحْسِنِينَ، وَأَوْجَبَ عَفْوَهُ [مَغْفِرَتَهُ] لِلْأَوَابِينَ، بَلَّغْنَا بِرَحْمَتِكَ غَنَائِمَ الْبِرِّ وَالْإِحْسَانِ، وَجَلَّلْنَا بِنِعْمَتِكَ مَلَابِسَ الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ، وَأَصْحَبَ رَغْبَاتِنَا بِحَيَاءٍ يَقْطَعُهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَاحْشُ قُلُوبَنَا نُوراً يَمْنَعُهَا مِنَ الشُّبُهَاتِ، وَأُودِعْ

1- . الأنبياء: 102-103.

2- . الورطه: الهوة العميقة في الأرض، ثم استعيرت للبلية التي يعسر منها المخرج (مجمع البحرين: ج 3 ص 1926 «ورط»).

تکلیفی افزون بر توانم بر من بار مکن.

خدایا! مرا از کسانی قرار بده که به خاطر تو کوشیدند و از این تلاش دست نکشیدند و راه را به سوی تو پیمودند و کج نشدند و در رسیدن به تو، به خود تو تکیه کردند تا این که رسیدند و دل هایشان را از محبت سیراب و جان هایشان را با معرفت مأنوس ساختی. هیچ چیز، آنان را از تو جدا نمود و مانع رسیدنشان به امیدهایشان نزد تو نگشت. پس (آنان در میان آنچه دلخواه آنهاست، جاودان اند. هراس بزرگ تر (رستاخیز)، آنان را اندوهگین نمی سازد و فرشتگان به پیشوازشان می آیند [و می گویند]: این، همان روزی است که به شما وعده داده می شد).

خدایا! دل و زبانم، از آن توست و نجات و امانم نیز با توست. تو به نهان و آشکار من آگاهی. پس کینه را در دلم بمیران و زبانم را از زشتگویی باز دار و دل مرا از بند خواهش ها رها ساز و با امان خود، مرا در مقابل مشکلاتی که مانع راه من اند، کفایت نما و درون مرا به مراقبت پیوند ده و بروم را با اطاعت همراه کن و جسمی روحانی و دلی آسمانی و همتی پیوسته به خودت و یقینی راستین در دوستی ات، به من عطا کن و از ستایش هایت، آن را که بیشتر با آن ستوده می شوی، به من الهام کن و مناسب ترین و سازگارترین فایده را نصیب من بگردان، که تو صاحب ستایشی و مجد و بزرگواری، در اختیار توست.

ای که سرکشی نافرمانان، از فرمان روایی اش نمی کاهد و ایمان یکتاپرستان بر جبروتش نمی افزاید! کرم و بزرگواری دیرینه ات را شفیع خود در درگاهت می کنم تا نعمت های بزرگی را که به من ارزانی داشته ای، از من نگیری و با حسن نظری که بر من داری، مرا از در افتادن به هلاکت ها باز داری و با تقدیر زیباییت برای من، راه های نجات را به من بشناسانی.

ای که رحمش به نیکوکاران، نزدیک و بخشایشش را برای توبه کنندگان واجب کرده است! با رحمت، نیکی و احسان را نصیب ما کن و با نعمت، لباس بخشش و آمرزش را بر ما بپوشان و خواهش های نفسانی ما را با حیا همراه کن تا آنها را از شهوت ها جدا کند، و دل ما را از نوری آکنده ساز که آن را از شبهه ها باز دارد و هراسی مانند هراس آنان که از حساب سخت [روز

نُفوسنا خَوْفَ الْمُشْفِقِينَ مِنْ سَوْءِ الْحِسَابِ، وَرَجَاءِ الْوَائِقِينَ بِتَوْفِيرِ الثَّوَابِ، فَلَا نَعْتَرُّ بِالْإِمْهَالِ، وَلَا نُقْصِرُ فِي صَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَلَا نَفْتُرُ مِنْ التَّسْبِيحِ بِحَمْدِكَ فِي الْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ.

يَا مَنْ أَنْسَ الْعَارِفِينَ بِطِيبِ مُنَاجَاتِهِ، وَأَلْبَسَ الْخَاطِئِينَ ثَوْبَ مُوَالَاتِهِ، مَتَى فَرِحَ مَنْ فَصَدَّتْ سِوَاكَ هِمَّتُهُ! وَمَتَى اسْتَرَاخَ مَنْ أَرَادَتْ غَيْرَكَ عَزِيمَتُهُ! وَمَنْ ذَا الَّذِي فَصَدَكَ بِصِدْقِ الْإِرَادَةِ فَلَمْ تُشَدِّ مَعَهُ فِي مُرَادِهِ! أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي اعْتَمَدَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ فَلَمْ تَجُدْ بِإِسْعَادِهِ! أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي اسْتَرَشَدَكَ فَلَمْ تَمُنْ بِإِرْشَادِهِ!؟

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ، وَمِسْكِينُكَ اللَّهِيْفُ الْمُسْتَجِيرُ، عَالِمٌ أَنَّ فِي قَبْضَتِكَ أَرْمَةَ التَّدْبِيرِ، وَمَصَادِرَ الْمَقَادِيرِ عَنِ إِرَادَتِكَ، وَأَنَّكَ أَقَمْتَ بِقُدْسِكَ حَيَاةَ كُلِّ شَيْءٍ، وَجَعَلْتَهُ نَجَاةً لِكُلِّ حَيٍّ، فَارْزُقْهُ مِنْ حَلَاوَةِ مُصَافَاتِكَ مَا يَصِيرُ بِهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَهَبْ لَهُ مِنْ خُشُوعِ التَّدَلُّلِ وَخُضُوعِ التَّقَلُّلِ فِي رَهْبَةِ الْإِخْبَاتِ (1)، وَسَدِّ لَامَةِ الْمَحِيَا وَالْمَمَاتِ، مَا تُحْضِرُهُ كِفَايَةَ الْمُتَوَكِّلِينَ، وَتُمِيرُهُ (2) بِهِ رِعَايَةَ الْمَكْفُولِينَ، وَتُعِيرُهُ (3) وَلَايَةَ الْمُتَّصِلِينَ الْمَقْبُولِينَ.

يَا مَنْ هُوَ أَبْرُّ بِي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ، وَأَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الصَّاحِبِ اللَّزِيقِ (4)، أَنْتَ مَوْضِعُ أَنْسِي فِي الْخَلْوَةِ إِذَا أَوْحَشَنِي الْمَكَانُ، وَلَفْظَتْنِي (5) الْأَوْطَانُ، وَفَارَقْتَنِي الْأَلْفَ وَالْحَيْرَانَ، وَأَنْفَرَدْتُ فِي مَحَلِّ ضَنْكَ، فَصِيرِ السَّمَكِ، ضَدِّي الضَّرِيحِ، مُطَبِّقِ الصَّفِيحِ، مَهُولِ مَنْظَرُهُ، ثَقِيلِ مَدْرُهُ، مُحَلَّلَةِ بِالْوَحْشَةِ عَرَصَتُهُ، مُعْشَاةِ بِالظُّلْمَةِ

ص: 286

- 1- . الإخباتُ: الخُشُوعُ والتواضِعُ (مجمع البحرين: ج 1 ص 488 «خبت»).
- 2- . في المصدر: «وَتُمِيرُهُ»، وما أثبتناه من الصحيفة السجادية الجامعة: ص 442. يقال: فلان يميز أهله: إذا حمل إليهم أقواتهم من غير بلدهم (مجمع البحرين: ج 3 ص 1737 «مير»).
- 3- . في المصدر: «وَتُعِزُّهُ»، وما أثبتناه من الصحيفة السجادية الجامعة: ص 442.
- 4- . فلان بلزقي وبلصقي ولزيق: أي بجنبي (مجمع البحرين: ج 5 ص 232 «لزق»).
- 5- . لَفْظُهُ: رَمَى بِهِ (المصباح المنير: ص 555 «لفظ»).

قیامت] می ترسند، بر جان ما مسلط کن و امیدی به دل ما برسان به سان امید کسانی که به فراوانی پاداش اطمینان دارند تا مهلت دادنت ما را نفریبد و در انجام کارهای شایسته کوتاهی نکنیم و از تسبیح و ستایش تو در صبحگاهان و شامگاهان، خسته نگردیم.

ای کسی که عارفان را با خوشیِ مناجاتش اُنس داده و بر گنهکاران، لباس سرپرستی اش را پوشانده است! کی شادمان گردد کسی که همش غیر تو باشد؟! و کی راحتی بیند کسی که عزم غیر تو کرده باشد؟! و کیست آن که با ارادهٔ راستین قصد تو نمود و تو او را برای رسیدن به مقصودش یاری نمودی؟! و کیست آن که در کار خود به تو توکل نمود و تو او را به خوش بختی نرساندی؟! و کیست آن که از تو راه نمایی خواست و تو با راه نمایی اش بر او منت نهادی!؟

خدایا! این بندهٔ ناتوان و بی چیز و بینوا و حسرت به دل و بی پناهت خوب می داند که تدبیر امور، در دست توست و تقدیرها برخاسته از ارادهٔ تو اند و این که تو با قدسیّت خود، حیات همهٔ موجودات را رقم زدی و آن را نجات هر موجود زنده ای قرار داده ای. پس به این بنده ات، از شیرینی مودّتت روزی ده تا او را به خشنودی ات رساند و به او خشوع و خضوعی عطا کن که در روی آوردن به درگاه بیم و هراس تو، خود را خوار و اندک ببیند، و سلامت در زندگی و مرگ عطا کن، آنچه را که توکل کنندگان را کفایت می کند و با آن، افراد تحت تکفل را اداره می کنی و ولایت افراد پیوسته و پذیرفته شده را عاریه می دهی.

ای کسی که بر من از پدر دلسوز، مهربان تری و از یار همراه، به من نزدیک تری. تو مونس تنهایی من هستی آن زمان که در جایی تنها بمانم و از وطنم رانده شوم و همدمان و همسایگان از من بگسلند و من تنها در جایی تنگ با سقفی کوتاه، گوری باریک و سرپوشیده با سنگ قرار گیرم؛ جایی با چشم اندازی ترسناک و خاکی سنگین، با عرصه ای تهی و تنها و فضایی پوشیده از ظلمت، نه بستری و نه بالشی، و نه توشه ای پیش فرستاده و نه آماده

سَاحَتُهُ، عَلَى غَيْرِ مِهَادٍ وَلَا وَسَادٍ، وَلَا تَقْدِمَةَ زَادٍ وَلَا اعْتِدَادٍ، فَتَدَارِكُنِي [هُنَالِكَ] بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ الْأَشْيَاءَ أَكْنَافُهَا، وَجَمَعَتْ الْأَحْيَاءَ أَطْرَافُهَا، وَعَمَّتِ الْبَرَايَا الْطَافُهَا، وَعُدَّ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمٌ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِجَهْلِي يَا رَحِيمٌ.

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَنْ اِكْتَفَتْهُ سَدِّيَاتُهُ، وَأَحَاطَتْ بِهِ حَاطَاتُهُ، وَحَفَّتْ بِهِ جَنَائِثُهُ، بِعَفْوِكَ ارْحَمْ مَنْ لَيْسَ لَهُ مِنْ عَمَلِهِ شَافِعٌ، وَلَا يَمْنَعُهُ مِنْ عَذَابِكَ مَانِعٌ، ارْحَمِ الْغَافِلَ عَمَّا أَظْلَمَهُ (1)، وَالذَّاهِلَ عَنِ الْأَمْرِ الَّذِي خُلِقَ لَهُ، ارْحَمْ مَنْ نَقَضَ الْعَهْدَ وَعَدَّزَ (2)، وَعَلَى مَعْصِيَتِكَ انطوى وَأَصْرَى، وَجَاهَرَكِ بِجَهْلِهِ وَمَا اسْتَتَرَ، ارْحَمْ مَنْ أَلْقَى عَن رَأْسِهِ (3) قِنَاعَ الْحَيَاءِ، وَحَسَرَ عَن ذِرَاعِيهِ جِلْبَابَ الْأَتْقِيَاءِ، وَاجْتَرَأَ عَلَى سَخَطِكَ بِارْتِكَابِ الْفَحْشَاءِ، فَيَا مَنْ لَمْ يَزَلْ عَفْوًا غَفَّارًا، ارْحَمْ مَنْ لَمْ يَزَلْ مُسْقَطًا عَثْرًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا مَضَى مِنِّي، وَاخْتِمْ لِي بِمَا تَرْضَى بِهِ عَنِّي، وَاعْقِدْ عَزَائِمِي عَلَى تَوْبَةٍ بِكَ مُتَّصِلَةٍ، وَلَدَيْكَ مُتَقَبَّلَةٍ، تُثِقِلْنِي بِهَا عَثْرَاتِي، وَتَسْتُرْ بِهَا عَوْرَاتِي، وَتَرْحَمَ بِهَا عِبْرَاتِي، وَتُجِيرُنِي بِهَا إِجَارَةً مِنْ مَعَاطِبِ انْتِقَامِكَ، وَتُنِيلُنِي بِهَا الْمَسْرَةَ بِمَوَاهِبِ إِنْعَامِكَ، يَوْمَ تَبْرُزُ الْأَخْبَارُ، وَتَعْظُمُ الْأَخْطَارُ، وَتُبْلَى الْأَسْرَارُ، وَتُهْتَكُ الْأَسْتَارُ، وَتَشْخَصُ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ، (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) (4)، إِنَّكَ مَعْدِنُ الْآلَاءِ وَالْكَرَمِ، وَصَارِفُ الْآلِوَاءِ (5) وَالنَّقَمِ.

ص: 288

1- . كذا في المصدر، وفي بعض النسخ والصحيفة السجادية الجامعة: ص 443 «أضله».

2- . في الصحيفة السجادية الجامعة: ص 443 «غدر».

3- . في نسخة: «وجهه»، وهو الأنسب.

4- . غافر: 52.

5- . الآلِوَاءُ: الشدة وضيق المعيشة (النهاية: ج 4 ص 221 «لأو»).



گشته. پس، مرا با رحمتت در یاب؛ رحمتی که کرانه هایش همه چیز را در برگرفته و اطراف و جوانبش همه موجودات زنده را گرد آورده و الطاف آن، همه مردم را فرا گرفته است، ای [خدای] کریم! با عفو و بخششست به سوی من باز گرد و مرا به خاطر نابخردی هایم مؤاخذه مکن، ای مهربان!

خدایا! به کسی رحم کن که گناهانش او را در بر گرفته و خطاهایش وی را احاطه نموده و جنایت هایش گرداگرد او را فرا گرفته اند. به عفو و بخششست سوگند، به کسی رحم کن که هیچ کس شفیع کارهایش نیست و هیچ چیز نمی تواند عذابت را از او جلو گیرد. به این بنده ات رحم کن که از آنچه بر وی سایه افکنده، غافل مانده و فراموش کرده که برای چه آفریده شده است. بر کسی رحم کن که پیمان شکنی کرد و عذر(1) آورد و به معصیت تو روی آورد و بر آن اصرار کرد و در آشکار و نهان، نابخردی نمود. بر کسی رحم کن که نقاب حیا را از چهره زدود و لباس پرهیزگاری را از دوش افکند و با زشتکاری به سوی خشمگین کردنت جرئت ورزید. ای کسی که همواره بخشاینده و آمرزنده ای! بر کسی رحم کن که همواره دچار لغزش و خطا می شود.

خدایا! [گناهان] گذشته ام را بیامرز و پایان کارم را چنان قرار ده که رضایت تو در آن باشد و عزمم را بر توبه ای قرار ده که به تو بپیوندد و نزد تو مقبول افتد؛ توبه ای که با آن، لغزش هایم را نادیده بگیری و زشتی هایم را بپوشانی و بر اشک هایم رحم کنی و از انتقام هلاکت بارت پناهم دهی، و با نعمت هایی که به من عطا می کنی، شادمانم سازی، در روزی که همه خبرها آشکار می شوند و خطرهای بزرگ می گردند و نهان ها بر ملا می شوند و پرده ها فرو می افتند و قلب ها و چشم ها از شدت ترس، از حرکت باز می ایستند. (روزی که عذرخواهی ظالمان، سودی برایشان ندارد و لعنت خدا از آنان و جایگاه بدی برای آنهاست). (2) تو سرچشمه نعمت ها و کرامتی و چرخاننده سختی ها و عذاب از بندگان. معبودی جز تو نیست. بر تو تکیه می کنم و از تو یاری می جویم و تو برایم کافی هستی و کافی است که تو وکیل و مدافع من باشی.

ص: 289

---

1- . در صحیفه سجّادیه جامعه، «غدر» به معنای «خیانت کرد» آمده است.

2- . غافر: آیه 52.

لا إله إلا أنت، عَلَيْكَ اعْتِمَادٌ، وَبِكَ اسْتَعِينُ، وَأَنْتَ حَسْبِي، وَكَفَى بِكَ وَكِيلاً، يَا مَالِكَ خَزَائِنِ الْأَقْوَاتِ، وَفَاطِرِ أَصْنَافِ الْبَرِيَّاتِ، وَخَالِقِ سَبْعِ طَرَائِقِ مَسْلُوكَاتٍ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ أَرْضِينَ مُذَلَّلَاتٍ، الْعَالِي فِي وَقَارِ الْعِزِّ وَالْمَنْعَةِ، وَالْدَائِمُ فِي كِبَرِيَاءِ الْهَيْبَةِ وَالرَّفْعَةِ، وَالْجَوَادُ بِنَيْلِهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ سَعَةٍ، لَيْسَ لَهُ حَدٌّ وَلَا أَمَدٌ، وَلَا يُدْرِكُهُ تَحْصِيلٌ وَلَا عَدَدٌ، وَلَا يُحِيطُ بِوَصْفِهِ أَحَدٌ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ أَمْشَاجٍ (1) النَّسَمِ، وَمَوْلِيهِ الْأَنْوَارِ فِي الظُّلَمِ، وَمُخْرِجِ الْمَوْجُودِ مِنَ الْعَدَمِ، وَالسَّابِقِ الْأَزَلِيَّةِ بِالْقَدَمِ، وَالْجَوَادِ عَلَى الْخَلْقِ بِسَوَابِغِ (2) النَّعْمِ، وَالْعَوَادِ عَلَيْهِمُ بِالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، الَّذِي لَا يُعْجِزُهُ كَثْرَةُ الْإِنْفَاقِ، وَلَا يُمْسِكُ خَشْيَةَ الْإِمْلَاقِ، وَلَا يَنْقُصُهُ إِدْرَارُ الْأَرْزَاقِ، وَلَا يُدْرِكُ بِأَنْاسِيِّ الْأَحْدَاقِ، وَلَا يُوَصِّفُ بِمُضَامَّةٍ وَلَا افْتِرَاقٍ.

أَحْمَدُهُ عَلَى جَزِيلِ إِحْسَانِهِ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ حُلُولِ خِذْلَانِهِ، وَأَسْتَهْدِيهِ بِنُورِ بُرْهَانِهِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ حَقَّ إِيمَانِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، الَّذِي عَمَّ الْخَلَائِقَ جَدْوَاهُ (3)، وَتَمَّ حُكْمُهُ فِيمَنْ أَضَلَّ مِنْهُمْ وَهَدَاهُ، وَأَحَاطَ عِلْماً بِمَنْ أَطَاعَهُ وَعَصَاهُ، وَاسْتَوْلَى عَلَى الْمُلْكِ بِعِزِّ أَبَدٍ فَحَوَاهُ، فَسَدَّ بَحْتَهُ السَّمَاوَاتُ وَأَكْنَفَاهَا، وَالْأَرْضُ وَأَطْرَافُهَا، وَالْجِبَالُ وَأَعْرَافُهَا (4)، وَالشَّجَرُ وَأَغْصَانُهَا، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا، وَالنُّجُومُ فِي مَطَالِعِهَا، وَالْأَمْطَارُ فِي مَوَاقِعِهَا، وَوُحُوشُ الْأَرْضِ وَسِبَاعُهَا، وَمَدَدُ الْأَنْهَارِ وَأَمْوَاغُهَا، وَعَذَبُ الْمِيَاهِ وَأُجَاجُهَا (5)، وَهُبُوبُ الرِّيحِ وَعَجَاجُهَا، وَكُلُّ مَا وَقَعَ عَلَيْهِ وَصِفٌ وَتَسْمِيَةٌ، أَوْ يُدْرِكُهُ حَدٌّ يَحْوِيهِ، مِمَّا يَتَّصَرُّ فِي الْفِكْرِ، أَوْ يَتَّمَثَّلُ بِجِسْمٍ أَوْ قَدْرٍ، أَوْ يُنْسَبُ إِلَى عَرَضٍ أَوْ جَوْهَرٍ، مِنْ صَغِيرٍ حَقِيرٍ، أَوْ خَطِيرٍ كَبِيرٍ،

ص: 290

- 1- . الأَمْشَاجُ: أي أخلاط من الدم - النطفة - (مفردات ألفاظ القرآن: ص 769 «مشج»).
- 2- . في المصدر: «بسوابق»، وما أثبت من الصحيفة السجادية الجامعة: ص 444.
- 3- . الجدوى: العطية، كالجداء (لسان العرب: ج 14 ص 134 «جدو»).
- 4- . في المصدر: «أعراقها»، وما أثبت من بعض نسخ المصدر ومن الصحيفة السجادية الجامعة: ص 445. والأعراف - جمع عُرف -: وهو كلُّ عال مرتفع (لسان العرب: ج 9 ص 242 «عرف»).
- 5- . الأجاج: شديد الملوحة والحرارة: (مفردات ألفاظ القرآن: ص 64 «أجاج»).

ای مالک خزانه های خوراک، و آفریدگار گونه های مخلوقات و خالق هفت راه پیموده شده [ی فرشتگان آسمان] بر روی هفت زمین فرودین؛ خدایی در اوج وقار عزت و نیرومندی، و همیشه در بزرگی هیبت و والایی، و بخشنده در رساندن گسترده روزی به مخلوقاتش، که بی اندازه و بی کرانه است و در دسترس نیست و به شماره نمی آید و کسی نمی تواند او را وصف کند!

«ستایش از آن خداوندی است که آفریننده گونه های انسان است؛ همان که نور را به تاریکی وارد می سازد و موجودات را از عدم به وجود می آورد و خودش در وجود دیرینش بر همگان پیشی گرفته است و با نعمت های سرشارش، بخشنده بر خلق، و با فضل و گرمش، باز گردنده به سوی آنان است؛ خدایی که فراوانی انفاق، در مانده اش نمی کند و ترس از فقر، او را از بخشیدن باز نمی دارد و روزی رسانی پیاپی اش، چیزی از او نمی کاهد و با چشم آدمیان، دیده نمی شود و به همراهی با چیزی یا جدایی، وصف نمی شود.

او را به خاطر احسان های بسیارش می ستایم و از این که دست از یاری من بکشد، به او پناه می برم و از او می خواهم که مرا با نور برهانش، راه نمایی کند و به او ایمان حقیقی دارم و گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتای بی همتا نیست؛ آن که بخشش او تمام آفریدگان را در بر گرفته و حکم او در باره بندگانش، چه گم راه و چه ره یافته، تمام [و حتمی] است و علمش به کسانی که او را اطاعت یا نافرمانی می کنند، احاطه دارد و بر ملک و ملکوت، تسلط و با عزتی همیشگی، آن را در اختیار دارد. پس همه آسمان ها و کرانه هایشان، زمین و اطرافش، کوه ها و بلندی های آنها، درختان و شاخه های آنها، دریاها و ماهیان آنها، ستارگان در جایگاه طلوعشان، باران ها در جایگاه فرودشان، حیوانات وحشی زمین و درندگانش، رودهای دراز و موجهای آنها، آب های شیرین و شور، بادهای غبارآلود و گرد و خاک آنها، و هر چیزی که در نام و وصف گنجد یا بتوان حد و مرزش را دریافت، هر آنچه به ذهن آید یا در جسمی و اندازه ای نمود یابد، همه آن چیزی که عرض و جوهر خوانده می شود، کوچک و ناچیز باشد یا ارزشمند و بزرگ،

مُقِرًّا لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ [بالوحدانية] خاشعاً، مُعْتَرِفًا لَهُ بِالْوَأْحِدَانِيَّةِ طَائِعاً، مُسْتَجِيباً لِدَعْوَتِهِ خَاضِعاً، مُتَضَرِّعاً لِمَشِيئَتِهِ مُتَوَاضِعاً، لَهُ الْمُلْكُ الَّذِي لَا نَفَادَ لِدَيْمُومِيَّتِهِ، وَلَا انْقِضَاءَ لِعِدَّتِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْكَرِيمُ، وَرَسُولُهُ الطَّاهِرُ الْمَعْصُومُ، بَعَثَهُ وَالنَّاسُ فِي غَمْرَةِ الضَّلَالَةِ سَاهُونَ، وَفِي غَرَّةِ الْجَهَالَةِ لَاهُونَ، لَا يَقُولُونَ صِدْقاً، وَلَا يَسْتَعْمِلُونَ حَقًّا، قَدْ اِكْتَنَفْتَهُمُ الْقَسْوَةُ، وَحَقَّتْ عَلَيْهِمُ السَّقْوَةُ، إِلَّا مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ إِنْقَاذَهُ، وَرَحِمَهُ وَأَعَانَهُ، فَقَامَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِمْ مُجِدِّدًا فِي إِنْذَارِهِ، مُرْشِداً لِأَنْوَارِهِ، بِعَزْمٍ ثَابِتٍ، وَحُكْمٍ وَاجِبٍ، حَتَّى تَأَلَّقَ شِهَابُ الْإِيمَانِ، وَتَفَرَّقَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، وَأَعَزَّ اللَّهُ جُنْدَهُ، وَعَبَدَ وَحْدَهُ.

ثُمَّ اخْتَارَهُ اللَّهُ فَرَفَعَهُ إِلَى رُوحِ جَنَّتِهِ، وَفَسِّحَ كِرَامَتِهِ، فَقَبَضَهُ تَقِيًّا زَكِيًّا رَاضِيًّا مَرْضِيًّا طَاهِرًا تَقِيًّا، (وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (1)، صَدَّقَ لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَقْرَبِيهِ، وَذَوِي رَحْمِهِ وَمَوَالِيهِ، صَدَاقَةً جَلِيلَةً جَزِيلَةً، مَوْصُولَةً مَقْبُولَةً، لَا انْقِطَاعَ لِمَزِيدِهَا، وَلَا انْقِصَاعَ لِمَشِيدِهَا، وَلَا امْتِنَاعَ لِصُعُودِهَا، [حَتَّى] تَنْتَهِيَ إِلَى مَقَرِّ أُرْوَاحِهِمْ، وَمَقَامِ فَلَاحِهِمْ، فَيُضَاعِفُ اللَّهُ لَهُمْ تَحِيَّاتِهَا، وَيُشَرِّفُ لَدَيْهِمْ صَلَوَاتِهَا، فَتَتَلَقَّاهُمْ مَقْرُونَةً بِالرُّوحِ وَالسُّرُورِ، مَحْفُوفَةً بِالنَّصَارَةِ وَالنُّورِ، دَائِمَةً بِإِلَافِنَاءٍ وَلَا فُتُورٍ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَكْمَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَشْرَفَهَا، وَأَجْمَلَ تَحِيَّاتِكَ وَالطَّفَفَهَا، وَأَشْمَلَ بَرَكَاتِكَ وَأَعْظَمَهَا، وَأَجَلَّ هِبَاتِكَ وَأَرَأَفَهَا، عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَأَكْرَمِ الْأُمَمِيِّينَ (2)، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَصْفِيَاءِ الطَّاهِرِينَ، وَعِزَّتِهِ النَّجَبَاءِ الْمُخْتَارِينَ، وَشَيْعَتِهِ الْأَوْفِيَاءِ الْمُوَازِينَ، مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْمُهَاجِرِينَ، وَأَدْخِلْنَا فِي شَفَاعَتِهِ يَوْمَ الدِّينِ، مَعَ مَنْ دَخَلَ فِي زُمْرَتِهِ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: 292

1- . الأنعام: 115.

2- . في الصحيفة السجادية الجامعة: ص 446 «وأكرم المرسلين المبعوث في الأميين».

همگی فروتنانه به بندگی خویش اقرار دارند و فرمان بردارانه به یکتایی او اعتراف می نمایند و خاضعانه دعوتش را اجابت می کنند و خوار و زار در برابر خواست او سر فرود آورده اند. همه این ملک هستی، از آن اوست، بدون پایان یافتن پابندگی اش و تمام گشتن مدتش.

گواهی می دهم که محمد، بنده بخشنده و پیامبر پاک و معصوم اوست. او را هنگامی بر انگیخت که مردم در گم راهی فرورفته و به غفلت گراییده بودند و در ناآگاهی و جهالت به سر می بردند. نه راست می گفتند و نه به حق عمل می کردند، قساوت و سنگ دلی، آنان را در بر گرفته بود و شقاوت بر روح آنان مسلط گردیده بود، جز کسانی که خداوند دوست داشت نجاتشان دهد و بر آنان رحم آورد و یاری شان نماید. پس محمد - که دروهای خدا بر او و خاندانش باد - [در چنین فضایی] میان آنان به پا خواست و با عزمی راسخ و حکمی لازم، در بیم دادنش کوشید و به سوی نورهایش ره نمون شد تا آن که شهاب ایمان، تاییدن گرفت و انجمن شیطان، پراکنده گشت و خداوند، لشکریانش را عزت داد و [آن گاه] تنها خداوند پرستیده شد.

سپس خداوند، او را برگزید و او را تا آسایش بهشت و کرم گسترده اش بالا برد و او را قبض روح کرد، در حالی که پرهیزگار، پاک، خشنود، پاکیزه و پیراسته بود (وسخن پروردگارت به راستی و دادگری کامل شد. هیچ دگرگون کننده ای برای سخنان وی نیست و اوست شنوا و دانا). خداوند بر او و بر خاندان او و نزدیکان و خویشاوندان و وابستگانش درودی باشکوه و فراوان فرستد؛ درودی پیاپی، پذیرفته که فزونی اش پایان نگیرد و بلندای آن را فرودی و اوج گرفتن آن را مانعی نباشد؛ درودی که تا جایگاه جان آنان و مقام رستگاری ایشان بالا رود و خداوند [هر لحظه] بر دروهای آنان بیفزاید و صلواتشان را نزدشان بالا ببرد تا آنان این دروهای پیاپی را همراه آسایش و سرور، پیچیده در تازگی و نور، همیشه و بی گسست و بی افول، دریافت کنند.

خدایا! کامل ترین و شریف ترین دروهایت را، و زیباترین و لطیف ترین تهنیت هایت را، و فراگیرترین و بهترین برکاتت را و بزرگ ترین و مهرآمیزترین هدیه هایت را بر محمد، خاتم پیامبران و ارجمندترین آدمیان، فرو فرست و [نیز] بر خاندان برگزیده پاکش و عترت اصیل گزیده اش و [بر] پیروان وفادار یاری دهنده از انصار و مهاجر فرو فرست و ما را در روز جزا همراه دیگر شفاعت شدگان یکتاپرست، در جرگه شفاعت شدگانش در آور، ای کریم ترین کریمان و ای مهربان ترین مهربانان!

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الَّذِي لَا يُمَلِّكُ، وَالوَاحِدُ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا سَامِعَ السِّرِّ وَالنَّجْوَى، وَيَا دَافِعَ الصَّرِّ وَالْبَلْوَى، وَيَا كَاشِفَ الْعُسْرِ وَالْجُبُوسَى، وَقَابِلَ الْعُذْرِ وَالْعُتْبَى، وَمُسْبِلَ السُّتْرِ عَلَى الْوَرَى، جَلَّلَنِي مِنْ رَأْفَتِكَ بِأَمْرِ وَاقٍ، وَسَمَّنِي (1) مِنْ رِعَايَتِكَ بِرُكْنٍ بَاقٍ، وَأَوْصَلَنِي بِعِنَايَتِكَ إِلَى غَايَةِ السَّبَاقِ، وَاجْعَلْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ أَهْلِ الرَّعَايَةِ لِلْمِيثَاقِ، وَاعْمُرْ قَلْبِي بِخَشْيَةِ ذَوِي الْإِشْفَاقِ، يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ فِعْلُهُ بِي حَسَنًا جَمِيلًا، وَلَمْ يَكُنْ بِسِتْرِهِ عَلَيَّ بَخِيلًا، وَلَا بِعُقُوبَتِهِ عَلَيَّ عَجُولًا، أَتَمِّمَ عَلَيَّ مَا ظَاهَرَتْ مِنْ تَقْضِيلِكَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ عِنْدَ نَظْرِكَ.

سَيِّدِي! كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ ظَلَلْتُ لِأَنْتِ بِهَجَّتِهَا لِإِسَاءٍ، وَكَمْ أَسَدَيْتَ عِنْدِي مِنْ يَدٍ قَدْ طَفَقَتْ (2) بِهَدَايَتِهَا مُنَافِسًا، وَكَمْ قَلَّدْتَنِي مِنْ مَنَّةٍ ضَعُفَتْ قُورَايَ عَنْ حَمَلِهَا، وَذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا، وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا، وَضِدَقْتُ ذُرْعًا بِإِحْصَائِهَا، قَابَلْتُكَ فِيهَا بِالْعِصْيَانِ، وَنَسَيْتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ، فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ، وَتُوَزِعْنِي شُكْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِمْتِنَانِ، فَلَسْتُ مُسْتَطِيعًا لِقَضَاءِ حُقُوقِكَ إِنْ لَمْ تُؤَيِّدْنِي بِصُحْبَةِ تَوْفِيقِكَ.

سَيِّدِي! لَوْلَا نَوْزُكَ عَمِيتُ عَنِ الدَّلِيلِ، وَلَوْلَا تَبْصِيرُكَ ضَلَلْتُ عَنِ السَّبِيلِ، وَلَوْلَا تَعْرِيفُكَ لَمْ أُرْشِدْ لِلْقَبُولِ، وَلَوْلَا تَوْفِيقُكَ لَمْ أَهْتَدِ إِلَى مَعْرِفَةِ التَّأْوِيلِ.

فَيَا مَنْ أَكْرَمَنِي بِتَوْحِيدِهِ، وَعَصَمَنِي عَنِ الضَّلَالِ بِتَسْدِيدِهِ، وَأَلْزَمَنِي إِقَامَةَ حُدُودِهِ، لَا تَسْلُبْنِي مَا وَهَبْتَ لِي مِنْ تَحْقِيقِ مَعْرِفَتِكَ، وَأَحِينِي بِتَقْيِينِ أَسْلَمٍ بِهِ مِنَ الْإِلْحَادِ فِي صِفَتِكَ، يَا خَيْرَ مَنْ رَجَاهُ الرَّاجُونَ، وَأَرَأَفَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ اللَّاجُونَ، وَأَكْرَمَ مَنْ قَصَدَهُ

ص: 294

1- . في الصحيفة السجّادية الجامعة: ص 447 «اشملي».

2- . طفق فلانُ بما أراد: أي ظفر (لسان العرب: ج 10 ص 225 «طفق»).

خدایا! تو مالکی هستی که در ملک هیچ کس نیستی و یگانه ای بی همتایی، ای شنوای سرّ و نجوا، و ای دور کننده رنج و بلوا، و ای گشایش دهنده سختی و تنگی، و ای پذیرای عذر و پوزش، و ای پرده پوش بندگان! پرده ای نگاه دارنده از رأفت بر من بگستران، و با بزرگواری ای ماندگار از مراقبت، نشاندارم کن و با عنایت، مرا تا خطّ پایان مسابقه برسان و با رحمت، مرا از وفاداران به پیمانت قرار ده و قلبم را با هراسی همچون هراس بیمناکان [از تو]، آباد گردان. ای که همواره رفتارش با من نیکو و زیبا بوده است و هرگز عیب پوشی اش را از من دریغ ننموده و در عقوبت من، عجله نکرده است! فضل و کرم آشکارت را بر من کامل بگردان و مرا به خاطر آنچه از من دیدی و پوشاندی، مؤاخذه ننما.

سرورم! چه بسیار نعمت که شادی نیکویش را به تن نمودم و چه بسیار نعمت که به من دادی تا به هدایت آنها رغبت بیابم و چه بسیار منتّ که بر من نهادی و از بر دوش کشیدنشان ناتوانم و هوش و اندیشه ام از یادکرد فضیلتشان غافل است. توان سپاس گذاری در برابر این همه نعمت را ندارم و از شمارش من خارج اند. با این همه، من در برابر آنها تو را نافرمانی کردم و شکرگزاری از بخشش ها و احسانت را از یاد بردم. پس چه کس بدحال تر از من، اگر مرا با آمرزش در نیایی و مرا به شکرگزاری از بهره های نعمت هایی که بر من منتّ نهادی، نکشانی؟! که اگر توفیقت مرا همراهی و پشتیبانی نکند، از عهده ادای حقوقت بر نمی آیم.

سرورم! اگر نور تو نبود، نشانه [ی تو] را نمی دیدم و اگر روشنگری تو نبود، راه را گم می کردم و اگر شناساندن تو نبود، به مقام قبول راه نمی یافتم و اگر توفیق تو نبود، به معرفت تأویل، ره نمون نمی گشتم.

ای کسی که مرا با یکتا شمردنش، گرامی و با استوار کردنش، از گم راهی نگاه داشت و بر پا کردن حدودش را بر عهده ام نهاد! آنچه از معرفت حقیقی ات نصیبم نموده ای، از من بگیر و مرا با یقینی زنده بدار که با آن از کژروی در توصیف تو در امان بمانم. ای بهترین امید امیدواران، و ای مهربان ترین پناه پناهجویان، و

المُحتاجون، ارحمني إذا انقطعَ معلومُ عمري، ودزَسَ ذكري وامتحنى أثري، وبُوتُ في الصُّريحِ مُرتَهناً بعملي، مسؤولاً عما أسلفتُ من فارطِ زَللي، منسيّاً كمن نُسي في الأمواتِ ممن كان قبلي.

رَبِّ! سهِّلْ لي تَوْبَةً إِلَيْكَ، وَأَعِنِّي عَلَيْهَا، وَاحْمِلْنِي عَلَى مَحَبَّةِ الْإِخْبَاتِ لَكَ، وَأرشدني إليها، فَإِنَّ الْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ بِمَعُونَتِكَ، وَالثَّبَاتَ وَالْإِنْتِقَالَ بِقُدْرَتِكَ.

يا مَنْ هُوَ أَرْحَمُ لي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ، وَأَبْرُّ بي مِنَ الْوَالِدِ الرَّفِيقِ، وَأَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الْجَارِ اللَّصِيقِ، قَرِّبِ الْخَيْرَ مِنِّي مُتَنَاوِلِي، وَاجْعَلِ الْخَيْرَةَ الْعَامَّةَ فِيمَا قَضَيْتَ لِي، وَاخْتِمْ لِي بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى عَمَلِي، وَأَجْرِنِي مِنْ كُلِّ عَائِقٍ يَفْطَعُنِي عَنْكَ، وَ [أَعِدْنِي مِنْ] كُلِّ قَوْلٍ وَفِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَارْحَمْنِي رَحْمَةً تَشْفِي بِهَا قَلْبِي مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ مُعْتَرِضَةٍ، وَبِدَعَةٍ مُمْرِضَةٍ.

سَيِّدِي! خَابَ رَجَاءٌ مِنْ رَجَا سِوَاكَ، وَظَفِرَتْ يَدٌ مِنْ بِحَاجَتِهِ نَاجَاكَ، وَضَلَّ مَنْ يَدْعُو الْعِبَادَ لِكَشْفِ ضُرِّهِمْ إِلَّا إِلَاكَ، أَنْتَ الْمُؤَمَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَالْمَفْرَعُ فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَضُرٍّ، وَالْمُسْتَجَارُ بِهِ مِنْ كُلِّ فَادِحَةٍ وَلَاوَاءٍ، لَا يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَتِكَ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ، وَلَا يِيَّسُ مِنْ رَوْحِكَ إِلَّا مَنْ عَصَى وَأَصْرَّ، أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، تَوَفَّنِي مُسْلِماً وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ.

يا مَنْ لَا يَحْرِمُ زُورَةَ عَطَايَاهُ، وَلَا يُسْلِمُ مَنْ اسْتَجَارَهُ وَاسْتَكْفَاهُ، أَمْلِي وَأَقِفْ عَلَى جَدْوَاكَ، وَوَجْهَ طَلِبَتِي مُنْصَرِّفُ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَأَنْتَ الْمَلِيءُ بِتَيْسِيرِ الطَّلِبَاتِ، وَالْوَفِيُّ بِتَكْثِيرِ الرَّغْبَاتِ، فَانْجِحْ لِي الْمَطْلُوبَ مِنْ فَضْلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَاسْمَحْ لِي بِالْمَرْغُوبِ فِيهِ مِنْ بَدَلِكَ بِنِعْمَتِكَ.

سَيِّدِي! ضَعْفُ جِسْمِي، وَدَقُّ عَظْمِي، وَكِبَرُ سِنِّي، وَنَالَ الدَّهْرُ



بزرگوارترین مقصود نیازمندان! بر من رحم کن آن هنگام که مدت معین عمرم به سر آید و از یادها بروم و آثارم محو گردد و در حالی که در بند کردارم هستم، درون قبرم نهاده شوم و از لغزش ها و کوتاهی هایی که پیش تر کرده ام، سؤال شوم و مانند مردگان پیش از خود، فراموش گردم.

پروردگارا! باز گشت به سویت را برایم آسان نما و مرا بر آن یاری ده و مرا به راه روشن فروتنی مؤمنانه در برابرت در آور و به سویت ره نمونم کن، که توان و نیرو، از سوی تو و پایداری و جا به جایی نیز با قدرت توست.

ای مهربان تر از پدر دلسوز برای من و نیکوکارتر از فرزند همدم برای من، و نزدیک تر از همسایه دیوار به دیوار! خیر (نیکی) را در دسترسم قرار ده و همه آنچه را در قضایت برایم مقدر کرده ای، خیر قرار ده و عملم را به نیکی و پرهیزگاری، پایان بخش و مرا از هر مانعی که پیوندم با تو را می گسلد، در امان دار و [از هر گفتار و رفتاری که از تو دورم می کند]، پناه ده] و بر من رحم کن، چنان که دلم از هر شبهه بر خاطر گذرنده و هر بدعت بیمار کننده، شفا یابد.

سرورم! هر کس به غیر تو امید بست، ناامید شد و هر کس به تو ابراز نیاز کرد، با دست پر، باز گشت و آنان که برای رفع گرفتاری شان، جز تو را خواندند، به بیراهه رفتند. تو امید در سختی و آسایشی، و پناهگاه در هر سختی و رنجی، و پناه در هر مصیبت بزرگ و گرفتاری هستی. از رحمت تو ناامید نمی شود، جز کسی که روی گرداند و کفر ورزد، و از نسیم رحمت مایوس نمی شود، جز کسی که نافرمانی کند و بر آن پافشاری نماید. تو در دنیا و آخرت، صاحب اختیار منی. مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحقم کن.

ای کسی که زائرانش را از عطایایش محروم نمی کند و هر که را به او پناه برد، تسلیم نمی کند، بلکه کفایتش می نماید! امیدم به بخشش توست و روی طلبم را از جز تو چرخانده ام. تو در بر آوردن نیازها توانایی و چنان خوش قول و وفاداری که رغبت ها را فزونی می بخشی. پس به رحمتت، در آنچه از فضل و کرمت خواسته ام، کامیابم کن و نعمتی را که به آن رغبت یافته ام، از فضلت ارزانی ام دار.

سرورم! بدنم ضعیف گشته و استخوانم نرم شده و سنم زیاد شده و روزگار از

مِنِّي، وَنَفَّدتْ مُدَّتِي، وَذَهَبَتْ شَهْوَتِي، وَبَقِيَتْ تَبَعْتِي، فَجُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَيَّ قَيْحِ فِعْلِي، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا كَسَبْتُ مِنْ  
الدُّنُوبِ الْعِظَامِ فِي سَالِفِ الْأَيَّامِ.

سَيِّدِي! أَمَا الْمُعْتَرِفُ بِإِسَاءَتِي، الْمُؤْتَرُّ بِخَطَايَايَ، الْمَأْسُورُ بِإِجْرَامِي، الْمُرْتَهَنُ بِآثَامِي، الْمُتَهَوِّرُ بِإِسَاءَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِي، انْقَطَعَتْ  
مَقَالَتِي، وَضَلَّ عُمْرِي، وَبَطَلَتْ حُجَّتِي فِي عَظِيمِ وَزْرِي، فَاْمُنْ عَلَيَّ بِكَرِيمِ غُفْرَانِكَ، وَاسْمَحْ لِي بِعَظِيمِ إِحْسَانِكَ، فَإِنَّكَ ذُو مَغْفِرَةٍ لِلطَّالِبِينَ،  
شَدِيدُ الْعِقَابِ لِلْمُجْرِمِينَ.

سَيِّدِي! إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي.

سَيِّدِي! كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخِيبةِ مَحْرُومًا، وَظَنِّي بِكَ أَنْتَ تَقْلِبُنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا؟!

سَيِّدِي! لَمْ أَسْلُطْ عَلَيَّ حُسْنَ ظَنِّي بِكَ فَنُوطَ الْآيِسِينَ، فَلَا تُبْطِلْ لِي صِدْقَ رَجَائِي لَكَ فِي الْآمِلِينَ.

سَيِّدِي! عَظُمَ جُرْمِي إِذْ بَارَزْتُكَ بِاِكْتِسَابِهِ، وَكَبُرَ ذَنْبِي إِذْ جَاهَرْتُكَ بِارْتِكَابِهِ، إِلَّا أَنْ عَظِيمَ عَفْوِكَ يَسْعُ الْمُعْتَرِفِينَ، وَجَسِيمَ غُفْرَانِكَ يُعْمُ التَّوَّابِينَ.

سَيِّدِي! إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ مَخْشِي عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ مَرْجُو ثَوَابِكَ.

سَيِّدِي! إِنْ أَوْحَشَتْ نِيَّيَ الْخَطَايَا مِنْ مَحَاسِنِ لُطْفِكَ، فَقَدْ أَنَسَّ نِيَّ الْيَقِينُ بِمَكَارِمِ عَطْفِكَ، وَإِنْ أَنَامَتَنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ أَيْقَظَتَنِي  
الْمَعْرِفَةُ بِقَدِيمِ آلائِكَ، وَإِنْ عَزَبَ عَنِّي تَقْدِيمٌ لِمَا يُصْلِحُنِي (1)، فَلَمْ يَعْرُزْ إِيْقَانِي بِنَظَرِكَ إِلَيَّ فِيمَا يَنْفَعُنِي، وَإِنْ انْقَرَضَتْ بَغِيرٌ مَا أَحْبَبْتَ مِنْ  
السَّعْيِ أَيَّامِي، فَبِالْإِيْمَانِ أَمْضَيْتُ [إِيْكَ] السَّالِفَاتِ مِنْ أَعْوَامِي.

ص: 298

1- . في الصحيفة السجادية الجامعة: ص 450 «وإن عَزَبَ لُبِّي عَنْ تَقْدِيمِ مَا يُصْلِحُنِي».

من کاسته و مدّتم به سر رسیده و شهوتم رفته و نتیجه کارم مانده است. پس با بردباری ات، نابخردی ام را ببخش و با بخشایش، از کردار زشتم در گذر و مرا به خاطر گناهان بزرگی که در روزگاران گذشته کرده ام، مؤاخذه نکن.

سرورم! من به بدکاری ام معترفم، به خطای خود اقرار دارم، اسیر جرم خود هستم، در بند گناهان خویشم، در بدکاری خود جسورم، در پیمودن راهم سرگردانم، سخنم بریده و عمرم به بیراه رفته و به خاطر بار سنگین گناهم، دلیل و حجّت باطل گشته است. پس با آمرزش کریمانه ات بر من مّت بگذار و احسان سترگت را بر من ارزانی بدار، که تو درخواست کنندگان را می آمرزی و و مجرمان را سخت کیفر می دهی.

سرورم! اگر در کنار فرمان برداری از تو، عملم ناچیز است، در کنار امیدم به تو، آرزویم بزرگ است.

سرورم! چگونه از درگاه تو ناکام باز گردم، در حالی که گمانم به تو این گونه است که تو مرا با رحمت و نجاتت باز می گردانی؟!

سرورم! هرگز یأس ناامیدان را بر این خوش گمانی ام غلبه ندادم. پس امید راستینم میان آرزومندان را از میان مبر.

سرورم! جرمم آن گاه سنگین شد که با انجامش، با تو رویارویی کردم، و گناهم آن گاه بزرگ شد که آشکارا در برابرت انجام دادم؛ اما عظمت عفو و بخشش، معترفان را در بر می گیرد و آمرزش سترگت، توبه کنندگان را فرا می گیرد.

سرورم! اگر کیفر ترسناک مرا به سوی آتش می خواند، امید به پاداشت، مرا به سوی بهشت می خواند.

سرورم! اگر خطاها مرا از لطف زیبایت دور می دارند، یقین به توجّه کریمانه ات، مرا با تو انس می دهد، و اگر غفلت، مرا به جای آماده شدن برای دیدارت، به خواب می برد، شناخت نعمت های دیرینت بیدارم می نماید، و اگر اندیشه ام از پیش کشیدن صلاح و مصلحتم در مآذد، یقینم به این که تو به منفعت من می نگری، از من جدا نمی گردد، و اگر روزهایم در آنچه دوست نداری، سپری گشته، سال های پیشین را با ایمان به تو گذرانده ام.

سَيِّدِي! جِئْتُ مَلْهُوفًا قَدْ لَبِسْتُ عُدْمَ فَاقَتِي، وَأَقَامَنِي مُقَامَ الْأَذْلَاءِ بَيْنَ يَدَيْكَ ضُرٌّ حَاجَتِي.

سَيِّدِي! كَرُمْتَ فَأَكْرَمَنِي إِذْ كُنْتُ مِنْ سُؤَالِكَ، وَجُدْتَ بِمَعْرِوْفِكَ فَآخُلَطْنِي بِأَهْلِ نَوَالِكَ.

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مِسْكِينًا لَا يُجِيرُهُ إِلَّا عَطَاؤُكَ، وَفَقِيرًا لَا يُغْنِيهِ إِلَّا جَدْوَاكَ.

سَيِّدِي! أَصْبَحْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ مَنَحِكَ سَائِلًا، وَعَنِ التَّعَرُّضِ بِسِوَاكَ عَادِلًا، وَلَيْسَ مِنْ جَمِيلِ امْتِنَانِكَ رَدُّ سَائِلٍ مَلْهُوفٍ، وَمُضْطَرٌّ لِاتِّظَارِ فَضْلِكَ الْمَأْلُوفِ.

سَيِّدِي! إِنْ حَرَمْتَنِي رُؤْيَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَأَعَدَمْتَنِي طُوفَ الْوَصَائِفِ وَالْخُدَامِ، وَصَرَفْتَ وَجْهَ تَأْمِيلِي بِالْخَيْبَةِ فِي دَارِ الْمُقَامِ، فَغَيَّرْ ذَلِكَ مَنَّتِي نَفْسِي مِنْكَ، يَا ذَا الطُّولِ وَالْإِنْعَامِ.

سَيِّدِي! وَعَزَّتْكَ لَوْ قَرَنْتَنِي فِي الْأَصْفَادِ، وَمَنَعْتَنِي سَبِيكَ مِنْ بَيْنِ الْعِبَادِ، مَا قَطَعْتَ رَجَائِي عَنْكَ، وَلَا صَرَفْتَ اتِّظَارِي لِلْعَفْوِ مِنْكَ.

سَيِّدِي! لَوْ لَمْ تَهْدِنِي إِلَى الْإِسْلَامِ لَصَدَّ لَمْتُ، وَلَوْ لَمْ تُثَبِّتَنِي إِذَا لَزَلْتُ، وَلَوْ لَمْ تُشْعِرْ قَلْبِي الْإِيمَانَ بِكَ مَا آمَنْتُ وَلَا صَدَّقْتُ، وَلَوْ لَمْ تُطَلِّقْ لِسَانِي بِدُعَائِكَ مَا دَعَوْتُ، وَلَوْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَقِيقَةَ مَعْرِفَتِكَ مَا عَرَفْتُ، وَلَوْ لَمْ تَدُلَّنِي عَلَى كَرِيمِ ثَوَابِكَ مَا رَغِبْتُ، وَلَوْ لَمْ تُبَيِّنْ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ مَا رَهَبْتُ، فَاسْأَلْكَ تَوْفِيقِي لِمَا يُوْحِبُ ثَوَابَكَ، وَتَخْلِصِي مِمَّا يَكْسِبُ عِقَابَكَ.

سَيِّدِي! إِنْ أَقْعَدَنِي التَّخَلُّفُ عَنِ السَّبْقِ مَعَ الْأَبْرَارِ، فَقَدْ أَقَامْتَنِي الثَّقَّةُ بِكَ عَلَى مَدَارِجِ الْأَخْيَارِ.

سَيِّدِي! كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي، وَكُلُّ مَحْزُونٍ إِلَيْكَ يَرْتَجِي، سَمِعَ

سَرورم! حسرت زده و با تن پوشی از ناداری و نیاز آمده ام و شدت نیازم، مرا خوار و رام در برابرت نشانده است.

سَرورم! تو کرم کردی. پس بر من کرم نما، که از درخواست کنندگان هستم. تو با احسانت، جود کردی. پس مرا با گیرندگان عطایت، در آمیز.

خدایا! بر بینوایی رحم کن که جز عطای تو او را پناه نمی دهد و بر فقیری رحمت آور که جز بخشش تو، او را بی نیاز نمی کند.

سَرورم! بر یکی از درگاه های بخششت، به گدایی آمده ام و از توجه به غیر تو روی بر تافته ام و از منت نهادن زیبایت به دور است که گدای ماتم گرفته و گرفتار امیدوار به بخشش معهودت را از خود برانی.

سَرورم! اگر در سرای سلامت (بهشت) مرا از دیدار محمد صلی الله علیه و آله محروم کنی و چرخش کنیزکان و خدمت گزاران به گِردم را از من باز داری و روی امیدم را در سرای باقی به ناامیدی بگردانی، ولی جانم غیر از این را آرزومند است، ای دارنده و نعمت دهنده!

سَرورم! به عزت سوگند، اگر مرا به غل و زنجیر کشی و از نعمت هایی که به بندگان می دهی، محروم بداری، باز هم امیدم را از تو نمی بُرم و چشم از بخششت بر نمی گیرم.

سَرورم! اگر مرا به اسلام ره نمون نشوی، گم راه می شوم و اگر ثباتم نبخشی، می لغزم و اگر ایمان به خودت را به من ندهی، ایمان نمی آورم و تصدیق نمی کنم. اگر زبانم را به دعا نگشایی، تو را نمی خوانم و اگر حقیقت شناختت را به من نشانسانی، تو را نمی شناسم و اگر مرا به پاداش کریمانه ات راه نمایی نکنی، رغبتی نمی ورزم و اگر عذاب دردناکت را برایم نمایان نکنی، بیمناک نخواهم شد. پس، از تو توفیق انجام آن کاری را می طلبم که پاداشت را به ارمغان بیاورد و از آنچه موجب کيفرت می شود، برهم.

سَرورم! اگر واپس نشستیم، مرا از پیش رفتن همراه با نیکان جا گذاشته، اعتمادم به تو مرا در مرتبه برگزیدگان جای داده است.

سَرورم! هر گرفتاری به تو پناه می آورد و هر غم دیده ای به تو امید می بندد.

العابدون بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ فَحَشَّ عَمَّا، وَسَمِعَ الْمُؤَلِّونَ عَنِ الْقَصْدِ بِجُودِكَ فَرَجَعُوا، وَسَمِعَ الْمَحْرُومُونَ بِسَعَةِ فَضْلِكَ فَطَمِعُوا، حَتَّى اَزْدَحَمَتِ  
عَصَائِبُ الْعَصَاةِ مِنْ عِبَادِكَ بِبَابِكَ، وَعَجَّتْ إِلَيْكَ الْأَلْسُنُ بِأَصْنَافِ الدُّعَاءِ فِي بِلَادِكَ، فَكُلُّ أَمَلٍ سَاقٍ صَاحِبُهُ إِلَيْكَ مُحْتَاجًا، وَكُلُّ قَلْبٍ تَرَكَهُ  
وَجِيبُ الْخَوْفِ إِلَيْكَ مُهْتَاجًا.

سَيِّدِي! وَأَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِي لَا تَسْوَدُّ لَدَيْهِ وُجُوهُ الْمَطَالِبِ، وَلَمْ يَرُدِّ رَاجِيَهُ فَيُزِيلَهُ عَنِ الْحَقِّ إِلَى الْمَعَاطِبِ.

سَيِّدِي! إِنْ أَخْطَأْتُ طَرِيقَ النَّظَرِ لِنَفْسِي بِمَا فِيهِ كِرَامَتُهَا، فَقَدْ أَصَبْتُ طَرِيقَ الْفَرَجِ بِمَا فِيهِ سَلَامَتُهَا.

سَيِّدِي! إِنْ كَانَتْ نَفْسِي اسْتَعْبَدْتَنِي مُتَمَرِّدَةً عَلَيَّ بِمَا يُرْجِيهَا، فَقَدْ اسْتَعْبَدْتُهَا الْآنَ عَلَيَّ مَا يُنْجِيهَا.

سَيِّدِي! إِنْ أَحْجَفَ بِي زَادُ الطَّرِيقِ فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَقَدْ أَوْصَلْتُهُ بِذَخَائِرِ مَا أَعَدَدْتَهُ مِنْ فَضْلِ تَعْوِيلِي عَلَيْكَ.

سَيِّدِي! إِذَا ذَكَرْتَ رَحْمَتَكَ ضَحِكْتَ لَهَا عِيُونَ مَسَائِلِي، وَإِذَا ذَكَرْتَ عُقُوبَتَكَ بَكَتْ لَهَا جُفُونُ وَسَائِلِي.

سَيِّدِي! أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ لَمْ يَدْعُ غَيْرَكَ فِي دُعَائِهِ، وَأَرْجُوكَ رَجَاءَ مَنْ لَمْ يَقْصِدْ غَيْرَكَ بِرَجَائِهِ.

سَيِّدِي! وَكَيْفَ أُزِدُّ عَارِضَ تَطَلُّعِي إِلَى نَوَالِكَ، وَإِنَّمَا أَنَا فِي هَذَا الْخَلْقِ أَحَدٌ عِيَالِكَ!؟

سَيِّدِي! كَيْفَ أُسَكِّتُ بِالْإِفْحَامِ لِسَانَ ضَرَاعَتِي وَقَدْ أَقْلَقَنِي مَا أَبْهَمَ عَلَيَّ مِنْ تَقْدِيرِ عَاقِبَتِي!؟

سَيِّدِي! قَدْ عَلِمْتَ حَاجَةَ جِسْمِي إِلَى مَا قَدْ تَكَفَّلْتَ لِي مِنَ الرِّزْقِ أَيَّامَ حَيَاتِي، وَعَرَفْتَ قِلَّةَ اسْتِغْنَائِي عَنْهُ بَعْدَ وَفَاتِي، فَيَا مَنْ سَمَحَ لِي بِهِ  
مُتَفَضِّلًا فِي الْعَاجِلِ، لَا تَمْنَعْنِيهِ يَوْمَ حَاجَتِي إِلَيْهِ فِي الْآجِلِ، فَمِنْ شَوَاهِدِ نِعْمَاءِ الْكَرِيمِ إِتِمَامُ نِعْمَائِهِ، وَمِنْ مَحَاسِنِ آلاءِ الْجَوَادِ إِكْمَالُ آلَائِهِ.

عبادتگران، پاداش بزرگ تو را شنیدند و سر فرود آوردند، و روی گردانندگان از راه، بخشش تو را شنیدند و باز گشتند و بی بهرگان، گستره فضل تو را شنیدند و به آن چشم دوختند تا آن جا که گروه گروه از نافرمانان بر درگاهت به هم بر آمدند و زبان ها در سرزمین هایت با خواننده هایی گونه گون، تو را فریاد زدند. هر آرزویی آرزومندش را با پای نیاز به درگاه تو آورد و هر دلی را بیم بایسته اش از تو، به سوی تو بر انگیخت.

سرورم! تو درخواست شونده ای هستی که درخواست ها نزد او روسیاه نمی شوند و دست رد به سینه امیدوارش زده نمی شود تا او را از حق به تباهی در آورد.

سرورم! اگر در نگریستن برای تکریم جانم خطا کرده ام، به راه گشوده برای سلامتت دست یافته ام.

سرورم! اگر نفس سرکشم، مرا بنده امری کرد که به آن امیدوارش ساخت، اکنون او را بنده امری ساختم که نجاتش می دهد.؟؟؟

سرورم! چنانچه توشه ام در راه به سوی تو، مرا به تو نرساند، آن را به اندوخته هایی می پیوندم که از فضل اعتمادم به تو آماده نموده ام.

سرورم! هر گاه رحمتت را به یاد می آورم، چشمان درخواستم برق می زند و چون کیفیت را به یاد می آورم، پلک دستاویزهایم گریان می شوند.

سرورم! تو را می خوانم چونان خواندن کسی که جز تو را نخوانده است و به تو امید می برم چونان امید کسی که به جز تو امید نمی برد.

سرورم! چگونه از بخشش تو روی برگردانم، در حالی که در میان این آفریدگان، یکی از خانواده تو هستم.

سرورم! چگونه زبان عجز و لابه ام را ساکت کنم، در حالی که از ابهام تقدیر در فرجام کارم ناآرامم!؟

سرورم! تو نیاز جسمم را به روزی ای که برایم عهده دار شدی، می دانستی و نیز می دانستی که پس از مرگم چه اندازه به آن نیازمندم. پس ای کسی که در این دنیای زودگذر، از فضل این روزی بر من دریغ نکردی! آن را در آینده و در روز نیازم به آن، از من باز ندار، که از نشانه های احسان کریم، اتمام احسان و از نشانه های نیکی عطای بخششگر، تکمیل عطایاست.

إلهي! لولا- ما جهلت من أمري لم أستقلك عثراتي، ولولا- ما ذكرت من شدة التقريب لم أسكب عبراتي. سيدي! فامح مثبتات العثرات لمسبلات العبرات، وهب كثير السيئات بقليل الحسنات.

سيدي! إن كنت لا- ترحم إلا المجدين في طاعتك، فإلى من يفرغ المقصرون؟ وإن كنت لا- تقبل إلا من المجتهدين، فإلى من يلجأ الخاطئون؟ وإن كنت لا- تكرم إلا أهل الإحسان، فكيف يصنع المسيئون؟ وإن كان لا يفوز يوم الحشر إلا المثقون، فبمن يستغيث المذنبون؟

سيدي! إن كان لا يجوز على الصراط إلا من أجازته براءة عمله، فأنى بالجواز لمن لم يتب إليك قبل دنو أجله؟ وإن لم تجد إلا على من عمّر بالزهد مكنون سريره، فمن للمضطر الذي لم يرضه بين العالمين سعي نقيته؟

سيدي! إن حجت عن أهل توحيدك نظر تعمذك بخطيئاتهم، أوبقهم (1) غضبك بين المشركين بكرباتهم.

سيدي! إن لم تشملنا يد إحسانك يوم الورود، اختلطنا في الخزي يوم الحشر بدوي الجحود، فأوجب لنا بالإسلام مذخور هباتك، وأصف ما كدرته الجرائم بصفح صلاتك.

سيدي! ليس لي عندك عهد اتخذته، ولا كبير عمل أخلصته، إلا أني واثق بكريم أفعالك، راج لجسيم إفضالك، عودتني من جميل تطولك عادة أنت أولى بإتمامها، وهبت لي من خلوص معرفتك حقيقة أنت المشكور على إهامها.

ص: 304

1- . أوبقه: أهلكه (لسان العرب: ج 10 ص 370 «وبق»).



معبود من! اگر نسبت به حال خود جاهل نمی شدم، لغزش هایم را کم نمی گرفتم و اگر شدت کم کاری ام را به یاد نمی آوردم، اشک نمی ریختم. سرورم! این لغزش های ثبت شده را با این اشک های فروریخته پاک کن و زشتکاری های فراوانم را به نیکوکاری های اندکم ببخش.

سرورم! اگر جز بر کوشندگان در اطاعتت رحم نکنی، پس کوتاهی کنندگان به چه کس روی آورند؟ و اگر جز از تلاشگران نپذیری، پس خطاکاران به چه کسی پناه ببرند؟ و اگر جز نیکوکاران را تکریم نکنی، پس بدکاران چه کنند؟ و اگر در روز رستاخیز، جز پروا پیشگان رستگار نشوند، پس گنهکاران از چه کسی یاری بخواهند؟

سرورم! اگر تنها آن کسی از صراط بگذرد که پاکی عملش به او اجازه عبور داده، پس چگونه کسی که پیش از نزدیک شدن آجلش، به سوی تو باز نگشته، از آن بگذرد؟ و اگر تنها بر کسی عطا کنی که نهان درونش را با زهد، آباد نموده، پس آن گرفتاری که تلاش پاکش خشودش ننموده، چه دارد؟

سرورم! اگر نظر خطاپوشت را از باورمندان به یکتایی ات باز داری، خشم آنان را میان مشرکان، با اندوهشان خوار می سازد.

سرورم! اگر در روز ورود [به محشر] احسانت ما را در بر نگیرد، در روز رستاخیز با منکران در خواهیم آمیخت. پس به خاطر مسلمانی مان بخشش های ذخیره کرده ات را برای ما لازم بگردان و آنچه را جرم هایمان کدر و تیره نموده، با بخشش و گذشتت، صاف و زلال بفرما.

سرورم! من نه پیمانی از تو گرفته ام و نه عمل بزرگ خالصانه ای دارم، جز آن که به رفتارهای کریمانه ات اعتماد دارم، همان گونه که به بخشش کلان تو امیدوارم. تو مرا چنان به مهربانی های زیبایت عادت داده ای که شایسته به انتها رساندن آنهایی و از معرفت ناب خود، حقیقتی را به من بخشیده ای که برای الهام آن باید سپاس گزارت بود.

سَيِّدِي مَا جَفَّتْ هَذِهِ الْعُيُونُ لِفَرْطِ بُكَائِهَا، وَلَا جَادَتْ هَذِهِ الْجُفُونُ بِقَيْضِ مَائِهَا، وَلَا أَسْعَدَهَا نَحِيبُ الْبَاكِيَاتِ الثَّاكِلَاتِ لِفَقْدِ عَزَائِهَا، إِلَّا لِمَا أَسْلَفْتَهُ مِنْ عَمْدِهَا وَخَطَائِهَا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ سَيِّدِي عَلَى كَشْفِ غَمَاهَا.

سَيِّدِي! أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتَ أَوْلَى بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِينَ، وَحَصَّدْتَ عَلَى إِعْطَاءِ السَّائِلِينَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمَسْئُولِينَ، وَذَدَبْتَ إِلَى عَتَقِ (1) الرَّقَابِ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُعْتَقِينَ، وَحَثَّتَ عَلَى الصَّفْحِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الصَّافِحِينَ.

سَيِّدِي! إِنْ تَلَوْنَا مِنْ كِتَابِكَ سَعَةً رَحْمَتِكَ أَشْفَقْنَا مِنْ مُخَالَفَتِكَ وَفَرَحْنَا بِبَدْلِ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا تَلَوْنَا ذِكْرَ عُقُوبَتِكَ جَدَدْنَا فِي طَاعَتِكَ وَفَرَقْنَا مِنَ الْيَمِّ نَقِمَتِكَ، فَلَا رَحْمَتَكَ تُؤْمِنُنَا (2)، وَلَا سَخَطَكَ يُؤْسِنَا.

سَيِّدِي! كَيْفَ يَتَمَنَّعُ مَنْ فِيهَا مِنْ طَوَارِقِ الرَّزَايَا، وَقَدْ رُشِقَ فِي كُلِّ دَارٍ مِنْهَا سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ الْمَنَايَا؟

سَيِّدِي! إِنْ كَانَ ذَنْبِي مِنْكَ قَدْ أَخْفَانِي فَإِنَّ حُسْنَ ظَنِّي بِكَ قَدْ أَجَارَنِي، وَإِنْ كَانَ خَوْفُكَ قَدْ أَرْبَقَنِي (3) فَإِنَّ حُسْنَ نَظْرِكَ لِي قَدْ أَطْلَقَنِي.

سَيِّدِي! إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا مِنِّي أَجْلِي وَلَمْ يُعْرَبْنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِعْتِرَافَ بِالذَّنْبِ أَوْجَهَ وَسَائِلَ عِلَلِي.

سَيِّدِي! مَنْ أَوْلَى بِالرَّحْمَةِ مِنْكَ إِنْ رَحِمْتَ، وَمَنْ أَعْدَلُ فِي الْحُكْمِ مِنْكَ إِنْ عَذَّبْتَ؟!

سَيِّدِي! لَمْ تَزَلْ بَرًّا بِي أَيَّامَ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ لَطِيفَ بَرِّكَ بِي بَعْدَ وَفَاتِي.

ص: 306

1- . في المصدر: «عتيق»، والتصويب من الصحيفة السجادية الجامعة: ص 455.

2- . في نسخة: «فلا مكرك يؤمننا».

3- . الرِّبْقُ: حَبْلٌ فِيهِ عِدَّةٌ عَرِي يُشَدُّ بِهِ الْبُهْمُ الصَّغَارُ، وَرَبْقُهُ: جَعَلَ رَأْسَهُ فِي الرَبْقَةِ - أَي قَيْدِهِ - (تاج العروس: ج 13 ص 159 «ربق»). وفي نسخة كما في الصحيفة السجادية الجامعة: ص 455 «أوبقني».

سَرورم! این چشم‌ها از فراوانیِ گریه خشک نشده‌اند و این پلک‌ها سیلاب اشکشان را سرازیر ننموده‌اند و نالهٔ زنان گریانِ ناشکیبِ فرزند از دست داده آنان را همراهی نکرده است، جز به خاطر کارهای پیشین، چه عمد و چه خطا، و تو - ای سَرورم - برگشودن این اندوه‌گره خورده توانایی.

سَرورم! به نیکی فرمان داده‌ای و خود از فرمان یافتگان، بدان سزاوارتری، و به بخشش به درخواست کنندگان ترغیب نموده‌ای و تو بهترین درخواست شونده‌ای، و به آزاد کردن بندگان فرا خوانده‌ای و تو بهترین آزادکنندهٔ بندگان، و به گذشت از گنهکاران برانگیخته‌ای و تو بزرگواریترین گذشت‌کننده‌ای.

سَرورم! چون گسترهٔ رحمت را از کتابت می‌خوانیم، از مخالفت با تو هراسان و از بذل رحمت شادمان می‌شویم و چون ذکر عقوبت را می‌خوانیم، در اطاعت می‌کوشیم و از انتقام دردناک می‌ترسیم. پس، نه مکرر ما را ایمن می‌کند (1) و نه خشم ما را ناامید.

سَرورم! چگونه انسان در این دنیا خود را از مصیبت‌های بزرگ نگاه دارد، در حالی که به هر خانه‌ای از آن، تیری از تیرهای مرگ انداخته شده است.

سَرورم! اگر گناه در برابر تو مرا ترسانده، خوش‌گمانی ام به تو، مرا پناه داده است و اگر بیم از تو مرا به بند کشیده، حُسن عنایت به من، آزادم نموده است.

سَرورم! اگر اجل من نزدیک شده و معلم مرا به تو نزدیک نکرده باشد، اعتراف به گناهم را وجیه‌ترین وسیله برای عذرخواهی از کرده‌هایم قرار می‌دهم.

سَرورم! اگر رحم کنی، چه کسی سزاوار از تو به رحم کردن است؟ و اگر عذاب کنی، چه کسی دادگتر از تو در حکم کردن است؟

سَرورم! تو همواره در طول زندگی ام با من خوش رفتار بوده‌ای. این رفتار خوش و نیکویت را پس از مرگ نیز از من دریغ مکن.

ص: 307

---

1- . ترجمه بر اساس نسخه‌ای است که به جای «رحمتک»، «مکرک» دارد. (م)

سَيِّدِي! كَيْفَ آيُسُّ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ بِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّني إِلَّا جَمِيلًا فِي حَيَاتِي؟!!

سَيِّدِي! عَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ جُرْمٍ، وَنِعْمَتُكَ مَمْحَاةٌ لِكُلِّ إِثْمٍ.

سَيِّدِي! إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخَفَّتَنِي، فَإِنَّ مَحَبَّتِي لَكَ قَدْ آمَنَّتَنِي، فَتَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مِنْ قَدِّ غَمْرِهِ جَهْلُهُ.

يَا مَنْ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ مِنَ الْغَوَامِضِ خَافِيَةٌ، فَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ النَّاسِ مِنْ أَمْرِي، وَخَفَّفْ بِرَحْمَتِكَ مِنْ ثِقَلِ الْأَوْزَارِ ظَهْرِي.

سَيِّدِي! سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي فِي الدُّنْيَا وَلَمْ تُظْهِرْهَا، فَلَا تَفْضَحْنِي بِهَا فِي الْقِيَامَةِ وَاسْتُرْهَا، فَمَنْ أَحَقُّ بِالسُّتْرِ مِنْكَ يَا سَتَّارُ، وَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ يَا غَفَّارُ؟!!

إِلَهِي! جُودُكَ بَسَطَ أَمْلِي، وَسَتْرُكَ قَبَلَ عَمَلِي، فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجْلِي.

سَيِّدِي! لَيْسَ اعْتِدَارِي إِلَيْكَ اعْتِدَارَ مَنْ يَسْتَغْنِي عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ، وَلَا تَصَدَّرُّعِي تَصَدَّرُّعَ مَنْ يَسْتَكْفُفُ عَنِ مَسْأَلَتِكَ لِكَشْفِ ضُرِّهِ، فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا خَيْرَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ، وَأَكْرَمَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ الْخَاطِئُونَ.

سَيِّدِي! لَا تَرُدَّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِهَا مِنْكَ، وَلَا أَجِدُ غَيْرَكَ مَعْدِلًا بِهَا عَنْكَ.

سَيِّدِي! لَوْ أَرَدْتَ إِهَانَتِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تَسْتُرْنِي، فَأَدِمِ إِمْتَاعِي بِمَا لَهُ هَدَيْتَنِي، وَلَا تَهْتِكْ عَمَّا بِهِ سَتَرْتَنِي.

سَيِّدِي! لَوْلَا مَا اقْتَرَفْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا خِفْتُ عِقَابَكَ، وَلَوْلَا مَا عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ مَا رَجَوْتُ ثَوَابَكَ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ آمَالِ الْآمِلِينَ، وَأَرْحَمُ مَنْ اسْتَرْجَمَ فِي التَّجَاوُزِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ.

سَرورم! چگونه از حسن نظر تو پس از مرگم ناامید شوم، در حالی که در طول عمرم جز به نیکی و زیبایی، مرا سرپرستی نکرده ای؟!

سَرورم! عفو تو از هر جرم و گناهی بزرگ تر است و نعمت، هر خطایی را پاک می کند.

سَرورم! چنانچه گناهانم مرا بهراسانند، محبتم به تو ایمنم می دارد. پس مرا چنان سرپرستی کن که خود، شایسته آنی و به فضل خویش به سوی کسی باز گرد که جهالتش او را در خود فرو برده است. ای کسی که راز نزدش آشکار است و هیچ چیز پوشیده ای بر او پنهان نیست! آنچه از کارهایم که بر مردم پنهان است، بر من بپوشان و به رحمت خویش از سنگینی بار گناهانم بکاه.

سَرورم! تو در این دنیا گناهان مرا پوشاندی و آنها را آشکار نساختی. پس در قیامت نیز مرا با آنها رسوا نکن و پوشیده شان بدار. چه کسی سزاوارتر از تو به پوشاندن است ای ستار! و چه کسی سزامنندتر از تو به گذشت از گنهکاران است، ای غفار!

معبود من! بخششت، آرزویم را گسترده و پوششت، عملم را پذیرفته است. پس هنگام نزدیک شدن مرگم، مرا به دیدار خود شادمانم کن.

سَرورم! عذر من به درگاه تو، مانند عذر خواستن کسی نیست که از قبول عذرش بی نیاز باشد و تضرع و زاری ام به درگاهت، همچون زاری کسی نیست که از درخواست از تو برای گشودن مشککش ایا دارد. پس عذر مرا بپذیر، ای بهترین کسی که بدکاران می توانند به درگاهش عذر ببرند، و ای بزرگوارترین کسی که خطاکاران از او طلب آمرزش می کنند!

سَرورم! در درخواستی که عمرم را در طلبش فنا کردم، دست رد به سینه ام نزن، که جز تو کسی را نمی یابم که بتواند آن را برآورده کند.

سَرورم! اگر می خواستی خوارم بداری، هدایتی نمی نمودی و اگر می خواستی رسوایم بداری، بر من نمی پوشاندی. پس همچنان مرا از هدایت بهره مند بدار و از آنچه پوشاندی، پرده دری مکن.

سَرورم! اگر گناهی مرتکب نشده بودم، از کیفیت نمی ترسیدم و اگر کرمت را نمی دانستم، به پاداشت امید نمی بستم. تو کریم ترین کریمان در برآوردن آرزوهای آرزومندانی و مهربان ترین مهربانان در گذشت از گنهکاران.

سَيِّدِي! أَلْقَتَنِي الْحَسَنَاتُ بَيْنَ جُودِكَ وَإِحْسَانِكَ، وَأَلْقَتَنِي السَّيِّئَاتُ بَيْنَ عَفْوِكَ وَغُفْرَانِكَ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا يَضِيْعَ بَيْنَ ذَيْنِ مُسِيءٍ مُرْتَهَنٌ بِجَرِيرَتِهِ (1)، وَمُحْسِنٌ مُخْلِصٌ فِي بَصِيرَتِهِ.

سَيِّدِي! إِنِّي (2) شَهِدْتُ لِي الْإِيمَانَ بِتَوْحِيدِكَ، وَنَطَقْتُ لِسَانِي بِتَمَجِيدِكَ، وَذَلَّنِي الْقُرْآنُ عَلَى فَوَاضِلِ جُودِكَ، فَكَيْفَ لَا يَبْتَهِجُ رَجَائِي بِتَحْقِيقِ مَوْعُودِكَ، وَ [كَيْفَ] لَا تَفْرَحُ أُمِّيَّتِي بِحُسْنِ مَزِيدِكَ؟!

سَيِّدِي! إِنْ عَفَرْتَ فَبِفَضْلِكَ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ، فَيَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ، وَلَا يُحْشَى إِلَّا عَدْلُهُ، أُمْنٌ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، وَلَا تَسْتَقْصِرْ عَلَيَّ فِي عَدْلِكَ.

سَيِّدِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُلِحٍّ لَا يَمَلُّ مَوْلَاهُ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعٌ مَنْ أَقَرَّ عَلَيَّ نَفْسِهِ بِالْحُجَّةِ فِي دَعْوَاهُ، وَخَضَعَ لَكَ خُضُوعَ مَنْ يُؤْمَلُّكَ لِأَجْرَتِهِ وَدُنْيَاهُ، فَلَا تَقْطَعْ عِصْمَةَ رَجَائِي، وَاسْمَعْ تَضَرُّعِي، وَاقْبَلْ دُعَائِي، وَتَبَّتْ حُجَّتِي عَلَيَّ مَا أَثْبِتُ مِنْ دَعْوَايَ.

سَيِّدِي! لَوْ عَرَفْتُ اعْتِدَاراً مِنَ الذَّنْبِ لِأَتَيْتُهُ، فَأَنَا الْمُقَرَّبُ بِمَا أَحْصَيْتُهُ وَجَنَيْتُهُ، وَخَالَفْتُ أَمْرَكَ فِيهِ فَتَعَدَّيْتُهُ، فَهَبْ لِي ذَنْبِي بِالْإِعْتِرَافِ، وَلَا تَرُدَّنِي فِي طَلِبَتِي عِنْدَ الْإِنْصِرَافِ.

سَيِّدِي! قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا قَدْ عَرَفْتُ، وَأَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي بِمَا قَدْ عَلِمْتُ، فَاجْعَلْنِي عَبْدًا إِمَّا طَائِعًا فَأَكْرَمْتَهُ، وَإِمَّا عَاصِبًا فَرَحِمْتَهُ.

سَيِّدِي! كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أَضْجَعْتُ بِقَعْرِ حُفْرَتِهَا، وَانْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَيِّعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا، وَبَكَى عَلَيْهَا الْغَرِيبُ لِطَوْلِ غُرْبَتِهَا، وَجَادَ عَلَيْهَا بِالْذُّمِّ الْمُشْفِقُ مِنْ عَشِيرَتِهَا، وَنَادَاهَا مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتِهَا، وَرَحِمَهَا الْمُعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صَرَعَتِهَا، وَلَمْ يَخَفْ عَلَى النَّاطِرِينَ إِلَيْهَا

ص: 310

1- . الجَرِيرَةُ: الجِنَايَةُ وَالذَّنْبُ (النهاية: ج 1 ص 258 «جرر»).

2- . فِي نَسْخَةِ: «إِذَا» بَدَلَ «إِنِّي».

سرورم! نیکی هایم مرا میان بخشش و احسانت نهاده و بدی هایم میان عفو و آمرزشت انداخته است، و امید دارم که میان این و آن، نه بدکار در بند جرمش و نه نیکوکار مخلص در بصیرتش، تباه شود.

سرورم! ایمان به یگانگی تو، نزد من شهادت داد و زبانم به تمجید تو سخن گفت و قرآن، مرا به سوی بخشش های فراوانت ره نمون ساخت. پس چگونه امید من به محقق شدن وعده تو، شاد نباشد و آرزوی من به حسن فزون بخشی ات خوش حال نباشد؟

سرورم! اگر ببخشی، از فضل توست و اگر عذاب کنی، از عدل توست. پس ای کسی که جز به فضلش امید برده نمی شود و جز از عدلش ترسیده نمی شود! به فضلت، بر من منت گذار و به عدلت، مرا بازرسی کامل مکن.

سرورم! من تو را چنان می خوانم که اصرار کننده ای مولایش را می خواند؛ مولایی که ملول نمی شود، و مانند کسی به درگاهت زاری می کنم که به حجت خصم علیه خود، اقرار می کند، و در برابر خاکساری می کند، همچون کسی که برای دنیا و آخرتش به تو امید دارد. رشته امیدم را قطع مکن و زاری ام را بشنو و دعایم را بپذیر و حجتم را بر ادعایم استوار بدار.

سرورم! اگر برای گناهم عذری می شناختم، عذر می آوردم. من به آنچه بر شمرده ای و گناه انجام داده ام، اقرار دارم و نیز به مخالفت با فرمانت و تعدی از آن. پس گناهم را به سبب این اعتراف ببخش و مرا بی پذیرش درخواستم باز مگردان.

سرورم! می دانی به چه گناهایی دست یازیده ام و چه زیاده روی ها بر جانم نموده ام. پس مرا بنده خودت کن، خواه بنده ای فرمان بردار تا گرامی اش بداری یا نافرمان تا بر او رحمت آوری.

سرورم! گویی خودم را می بینم که در قعر گور نهاده و تشییع کنندگان از کنار آن باز گشته اند و غریبان به خاطر دراز گشتن غربتش می گریند و خویشان دلسوز بر آن، اشک می افشانند و دوستدارانش از لبه قبر صدایش می زنند و دشمنش در زندگی، به هنگام افتادنش بر او رحم می کند و شدت بی چیزی اش از دید نگرندگان به او، پنهان نمی ماند و نیز بیچارگی اش برای

فَرَطُ فَافَتْهَا، وَلَا عَلَى مَنْ قَد رَأَاهَا تَوَسَّدَتِ الثَّرَى عَجْزُ حَيْلَتِهَا، فَقُلْتُ: مَلَأْتُكَ نِي، فَرِيدُ نَأَى عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ، وَبَعِيدُ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ، وَوَحِيدُ فَارَقَهُ  
الْمَالُ وَالْبَنُونَ، نَزَلَ بِي قَرِيبًا، وَسَكَنَ اللَّحْدَ غَرِيبًا، وَكَانَ لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِيًا، وَلِنَظَرِي لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ رَاجِيًا، فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَا فِتِي،  
وَتَكُونُ أَشْفَقَ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِي وَقَرَابَتِي.

إِلَهِي وَسَيِّدِي! لَوْ أَطَبَّقْتَ ذُنُوبِي مَا بَيْنَ ثَرَى الْأَرْضِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ، وَخَرَقْتَ الثُّجُومَ إِلَى حَدِّ الْإِنْتِهَاءِ، مَا رَدَّ نِي الْيَأْسُ عَن تَوْعُّعِ غُفْرَانِكَ، وَلَا  
صَرَ فِتِي الْقَنُوطَ عَن انْتِظَارِ رِضْوَانِكَ.

سَيِّدِي! قَد ذَكَرْتُكَ بِالذِّكْرِ الَّذِي أَلْهَمْتَنِيهِ، وَوَحَّدْتُكَ بِالتَّوْحِيدِ الَّذِي أَكْرَمْتَنِيهِ، وَدَعَوْتُكَ بِالدُّعَاءِ الَّذِي عَلَّمْتَنِيهِ، فَلَا تَرَحَّمْنِي بِرَحْمَتِكَ الْجَزَاءِ  
الَّذِي وَعَدْتَنِيهِ، فَمِنَ النَّعْمَةِ لَكَ عَلَيَّ أَنْ هَدَيْتَنِي بِحُسْنِ دُعَائِكَ، وَمِنَ إِتْمَامِهَا أَنْ تَوْجِبَ لِي مَحْمُودَةَ جَزَائِكَ.

سَيِّدِي! أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ، وَلَسْتُ أَيْأَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِي يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ.

إِلَهِي وَسَيِّدِي! انْهَمَلْتَ بِالسَّكْبِ عِبْرَاتِي حِينَ ذَكَرْتُ خَطَايَايَ وَعَثْرَاتِي، وَمَا لَهَا لَا تَنْهَمِلُ وَتَجْرِي وَتَقْبِضُ مَاؤُهَا وَتَدْرِي وَلَسْتُ أُدْرِي إِلَى مَا  
يَكُونُ مَصِيرِي، وَعَلَى مَا يَتَهَجَّمُ عِنْدَ الْبَلَاحِ مَسِيرِي، يَا أُنْسُ كُلِّ غَرِيبٍ مُفْرَدٍ أُنْسُ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي، وَيَا ثَانِيَّ كُلِّ وَحِيدٍ أَرْحَمُ فِي الثَّرَى طَوْلَ  
وَحَدَّتِي.

سَيِّدِي! كَيْفَ نَظَرْتُكَ لِي بَيْنَ سُدِّ كَانِ الثَّرَى؟ وَكَيْفَ صَدَّ نَيْعُكَ بِي فِي دَارِ الْوَحْشَةِ وَالْبَلَى؟ فَقَدِ كُنْتُ بِي لَطِيفًا أَيَّامَ حَيَاةِ الدُّنْيَا، يَا أَفْضَلَ الْمُنْعَمِينَ  
فِي آلَانِهِ، وَأَنْعَمَ الْمُفْضَلِينَ فِي نِعْمَانِهِ، كَثُرَتْ أَيَادِيكَ فَعَجَزْتُ عَن إِحْصَائِهَا، وَضِقَّتْ ذُرْعَا فِي شُكْرِي لَكَ بِجَزَائِهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ  
مِنَ التَّفْضِيلِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ مِنَ التَّطَوُّلِ.



کسی که دیده است او را بر خاک خوابانده اند. پس می گویی: "فرشتگان من! بی کسی است دورافتاده از نزدیکانش و دور افتاده ای گرفتارِ جفای خویشانش و تنهایی جداگشته از دارایی و فرزندانش. به تازگی بر من فرود آمده و به تنهایی در قبر آرمیده است و در دنیا مرا می خواند و به نگاه عنایت امروزم، امید داشت. پس در این هنگام، از من خوب پذیرایی می کنی و از خانواده و نزدیکانم به من مهربان تری.

معبود من و سرورم! اگر گناهانم از خاک زمین تا بلندای آسمان را بپوشانند و ستارگان را تا انتها بشکافند و در گذرند، از آمرزشت مأیوس نمی شوم و نومیدی، مرا از انتظار بهشت رضوانت باز نمی دارد.

سرورم! من تو را با همان ذکری یاد می کنم که خودت آن را به من الهام کردی و تو را به همان یگانگی می شناسم که تو به من عطا نمودی و تو را با همان دعایی می خوانم که تو به من آموختی. پس به رحمت، مرا از پاداشی که به من وعده داده ای، محروم نکن، و این، خود، نعمتی از جانب تو بر من است که با دعوت نیکویت مرا هدایت نمودی و از تکمیل کردن این نعمت، آن است که پاداش نیکویت را برایم حتمی گردانی.

سرورم! عفو را چشم انتظارم، آن گونه که گنهکاران، رحمت را چشم انتظارند، و از رحمتی که نیکوکاران توقع دارند نیز ناامید نیستم.

معبود من و سرورم! اشک از چشمانم سرازیر می شود آن هنگام که خطاها و لغزش هایم را به یاد می آورم و چرا اشک نیفشانند و نریزد و جاری و سرازیر نگردد، در حالی که نمی دانم کارم به کجا می کشد و به گاه رسیدن، مسیرم به کدامین سو می رود؟ ای مایهٔ انس هر غریبِ جدا افتاده! مونس تنهایی ام در قبر باش، و ای دومی هر شخص تنها! بر تنهایی طولانی مدّتم در خاک، رحم کن.

سرورم! تو میان آرمیدگان خاک، چگونه به من می نگری و در خانهٔ تنهایی و پوسیدگی، چگونه با من رفتار می کنی؟ تو در روزهای زندگی دنیایی ام با من لطیف و مهربان بودی، ای برترین نعمت دهندگان در بخشش و ای بخشنده ترین نیکوکاران در نعمت دهی! احسانت فزونی گرفته است و از شمارش آنها، عاجز مانده ام و توان سپاس گزاری از تو را در برابر آنها ندارم. پس ستایش، ویژهٔ توست بر آنچه از نعمتت بر من تفضل نمودی و سپاس، از آن توست بر آنچه از نعمتت برایم فراهم ساختی.

يا خَيْرَ مَنْ دَعَا الدَّاعُونَ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ الرَّاجُونَ، بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ أَسْتَشْفِعُ وَأَتَقَرَّبُ [إِلَيْكَ]، وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي إِلَيْكَ فِي الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلَ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنِي بِحُبِّهِمْ يَوْمَ الْعَرْضِ عَلَيْكَ نَبِيهَاً، وَمِنَ الْأَنْجَاسِ وَالْأَرْجَاسِ نَزِيهَاً، وَبِالتَّوَسُّلِ بِهِمْ إِلَيْكَ مُقَرَّباً وَجِيهاً، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ وَالتَّجَاوُزِ، وَمَعْدِنَ الْعَوَارِفِ وَالجَوَائِزِ، كُنْ عَن ذُنُوبِي صَافِحاً مُتَجَاوِزاً، وَهَبْ لِي مِن مَّرَاقِبَتِكَ مَا يَكُونُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ حَاجِزاً.

سَيِّدِي! إِنْ مَن تَقَرَّبَ مِنْكَ لَمْ يَكُنْ مِنْ مُؤَلَّاتِكَ، وَإِنْ مَن تَحَبَّبَ إِلَيْكَ لَقَمِينٌ بِمَرْضَاتِكَ، وَإِنْ مَن تَعَرَّفَ بِكَ لَغَيْرُ مَجْهُولٍ، وَإِنْ مَن اسْتَجَارَ بِكَ لَغَيْرُ مَخْذُولٍ.

سَيِّدِي! أَتُرَاكَ تُحْرِقُ بِالتَّارِ وَجْهاً طَالِماً خَرَّ سَاجِداً بَيْنَ يَدَيْكَ، أَمْ تُرَاكَ تَعْلُ إِلَى الْأَعْنَاقِ أَكْفَأَ طَالِماً تَضَرَّعَتْ فِي دُعَائِهَا إِلَيْكَ، أَمْ تُرَاكَ تَقْيِّدُ بِأَنْكَالِ (1) الْجَحِيمِ أَقْدَاماً طَالِماً خَرَجَتْ مِنْ مَنَازِلِهَا طَمَعاً فِيمَا لَدَيْكَ، مَتَّاً مِنْكَ عَلَيْهَا لَا مَتَّاً مِنْهَا عَلَيْكَ!؟

سَيِّدِي! كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي، وَكَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا عَجَزَ عَنْهَا صَبْرِي، فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَحْرَمْنِي، وَعَجَزَ صَبْرِي عِنْدَ بَلِيَّتِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي، جَمِيلُ فَضْلِكَ عَلَيَّ أَبْطَرْنِي، وَجَلِيلُ حِلْمِكَ عَنِّي غَرَّنِي.

سَيِّدِي! قَوِيْتُ بِعَافِيَّتِكَ عَلَيَّ مَعْصِيَّتِكَ، وَأَنْفَقْتُ نِعْمَتَكَ فِي سَبِيلِ مُخَالَفَتِكَ، وَأَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ جُرْأَتِي عَلَيَّ مَا عَنْهُ نَهَيْتَنِي، وَلَا أَنْتَهَاكِي مَا مِنْهُ حَذَّرْتَنِي، أَنْ سَتَرْتَنِي بِحِلْمِكَ السَّاتِرِ،

ص: 314

1- . أنكال: فُيُودُ ثِقَالٍ، وَيُقَالُ: أَغْلَالُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 3 ص 1834 «نكل»).

ای بهترین کسی که می توان او را خواند و ای بهترین کسی که می توان به او امید بست! به تو با پیمان مسلمانی ام متوسل می شوم و به حرمت قرآن، بر تو تکیه می کنم و به [حق] محمد و خاندانش، طلب شفاعت می کنم و [به تو] نزدیکی می جویم و ایشان را در بیم و امید، جلو دار نیازهایم به درگاه تو قرار می دهم.

خدایا! بر محمد و خاندان پاکش درود فرست و به محبت آنان، مرا در روز عرضه بر تو، بیدار و از آلودگی ها و پلیدی ها پاکیزه و با توسل به ایشان، به خودت نزدیک و آبرومند قرار ده، ای بزرگوار در گذشت و بخشایش، و معدن عطایا و جایزه ها! از گناهانم در گذر و ببخشای و آن گونه مراقبت را نصیب کن که میان من و نافرمانی ات مانع گردد.

سرورم! هر کس به تو نزدیکی جوید، از دوستی ات بهره مند می شود و هر کس به تو محبت ورزد، سزاوار خشنودی ات می گردد و هر کس نزد تو شناخته شود، ناشناخته نمی ماند و هر کس به تو پناه جوید، وانهاده نخواهد شد.

سرورم! آیا صورتی را می سوزانی که مدتی دراز در درگاهت، به سجده افتاده است؟ یا دستانی را به گردن می آویزی و به بند می کشی که مدتی طولانی به سویت دراز گشته و زاری نموده اند؟ یا پاهایی را با عذاب دوزخ در بند می کنی که زمانی دراز را به طمع آنچه نزد توست، بیرون آمده اند؟ و اینها همه منتی از تو بر آنهاست و نه منتی از آنها بر تو.

سرورم! بسی نعمت که به من عطا نمودی و شکر من در برابر آنها اندک بود، و بسی بلا که مرا بدانها آزمودی و شکیبایی ام در برابرشان ناچیز بود. ای که شکرم در برابر نعمت هایش اندک بود و محرومم نمود و شکیبایی ام در برابر بلاهایش ناچیز بود و مرا وانهاده! زیبایی بخششت به من، سرمستم کرده و بزرگی بردباری ات، فریفته ام نموده است.

سرورم! من به عافیتت بر نافرمانی ات نیرو گرفتم و نعمتت را در راه مخالفتت صرف کردم و عمرم را در راهی جز اطاعت تو تباه کردم؛ اما گستاخی ام بر انجام آنچه مرا از آن باز داشته بودی و حرمت شکنی ام نسبت به آنچه هشدارم داده بودی، تو را باز نداشت که با بردباری پوشاننده ات پرده بر من بیفکنی و مرا از دیده هر

وَحَبَّبْتَنِي عَنْ عَيْنِ كُلِّ نَاطِرٍ، وَعُدَّتْ بِكَرِيمِ أَيَادِيكَ حِينَ عُدْتُ بِارْتِكَابِ مَعَاصِيكَ، فَأَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْعِصْيَانِ.

سَيِّدِي! أَتَيْتَكَ مُعْتَرِفًا لَكَ بِسُوءِ فِعْلِي، خَاضِعًا لَكَ بِاسْتِكَاثَةِ ذُلِّي، رَاجِيًا مِنْكَ جَمِيلَ مَا عَرَفْتَنِيهِ مِنَ الْفَضْلِ الَّذِي عَوَّدْتَنِيهِ، فَلَا تَصْرِفْ رَجَائِي مِنْ فَضْلِكَ خَائِبًا، وَلَا تَجْعَلْ ظَنِّي بِتَطَوُّلِكَ كَاذِبًا.

سَيِّدِي! إِنَّ آمَالِي فِيكَ يَتَجَاوَزُ آمَالَ الْآمِلِينَ، وَسُؤَالِي إِيَّاكَ لَا يُشْبِهُ سُؤَالَ السَّائِلِينَ؛ لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مُنِعَ امْتَنَعَ عَنِ السُّؤَالِ، وَأَنَا فَلَا غِنَاءَ بِي عَنْكَ فِي كُلِّ حَالٍ.

سَيِّدِي! عَزَّنِي بِكَ حِلْمُكَ عَنِّي إِذْ حَلَمْتَ، وَعَفْوُكَ عَن ذَنْبِي إِذْ رَحِمْتَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ قَادِرٌ أَنْ تَقُولَ لِلْأَرْضِ: خُذِيهِ؛ فَتَأْخُذَ ذَنْبِي، وَلِلسَّمَاءِ: امْطِرِيهِ حِجَارَةً؛ فَتُمْطِرُنِي، وَلَوْ أَمَرْتَ بَعْضِي أَنْ يَأْخُذَ بَعْضًا لَمَا امْهَلَنِي، فَاْمُنْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ عَن ذَنْبِي، وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِي.

سَيِّدِي! أَنْتَ نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَذُخْرِي لِكُلِّ مُلِمَّةٍ، وَعِمَادِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ، وَأُنَيْسِي فِي كُلِّ خَلْوَةٍ وَوَحْدَةٍ، فَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ مَوَاقِبِ الْخَائِبِينَ، وَاسْتَنْقِذْنِي مِنْ ذُلِّ مَقَامِ الْكَاذِبِينَ.

سَيِّدِي! أَنْتَ دَلِيلٌ مَنِ انْقَطَعَ دَلِيلُهُ، وَأَمَلٌ مَنِ امْتَنَعَ تَأْمِيلُهُ، فَإِنْ كَانَ ذُنُوبِي حَالَتْ بَيْنَ دُعَائِي وَإِجَابَتِكَ، فَلَمْ يَحُلْ كَرْمُكَ بَيْنِي وَبَيْنَ مَغْفِرَتِكَ، وَإِنَّكَ لَا تُضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ، وَلَا تُذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ أَعْنَيْتَ، وَلَا يُسَعِدُ مَنْ أَسْقَيْتَ.

وَعَزَّتْكَ! لَقَدْ أَحْبَبْتِكَ مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ فِي قَلْبِي حَلَاوَتُهَا، وَأَنْسَتَ نَفْسِي بِبِشَارَتِهَا، وَمُحَالٌّ فِي عَدْلِ أَقْضِيَّتِكَ أَنْ تَسُدَّ أَسْبَابَ رَحْمَتِكَ عَن مُعْتَقِدِي مَحَبَّتِكَ.

بیننده پپوشانی، و چون به ارتکاب نافرمانی ات باز گشتم، تو به احسان کریمانه ات باز گشتی. پس تو باز گردنده به احسان و من باز گردنده به عصیانم.

سرورم! به سوی تو آمده ام، با اعتراف به زشتی کارم، خاکسار و شکسته و خوار و امیدوار به زیبایی بخششی که بارها نشانم داده ای. پس امیدم را به بخشش ناکام بر نگردان و گمانم به احسانت را نادرست قرار مده.

سرورم! آرزوهایم به تو از آرزوی تمام آرزومندان، گذشته و درخواستم از تو مانند درخواست دیگر درخواست کنندگان نیست؛ زیرا درخواست کننده اگر منع شود، از طلب باز می ایستد؛ ولی من هیچ گاه از تویی نیاز نمی شوم.

سرورم! چون در برابر من بردباری می کنی، بردباری ات فریبم می دهد و نیز عفت از گناهم، چون رحم می کنی و من می دانم که تو قادری به زمین بگویی: "او را بگیر" و آن مرا بگیرد و به آسمان بگویی: "بر او سنگ ببار" و آن بر من ببارد و اگر فرمان می دادی که بخشی از من بخش دیگر را بگیرد، مهلت نمی داد. پس با عفت از گناهم، بر من منت بگذار و توبه مرا چنان بپذیر که دیگر برگشتی به گناه نداشته باشم و قلبم با آن، پاک و مطهر شود.

سرورم! تو نور [راه گشای] من در هر تاریکی و ذخیره ام در هر مصیبت و تکیه گاهم در هر سختی و مونسم در هر بی کسی و تنهایی هستی؛ مرا از قرار گرفتن در جایگاه بد خیانتکاران، پناه ده و از خواری جایگاه دروغگویان، رهایی بخش.

سرورم! تو راه نمای گسستگان از راه نمایشان، و آرزوی هر دست نیافته به آرزوی هستی. اگر گناهانم میان دعای من و اجابت تو مانع گشته، کرامت میان من و آمرزش فاصله نینداخته است. تو هر که را ره نمودی، گم راه نمودی و هر که را سرپرستی کردی، خوار نمودی و هر که را تویی نیاز کردی، فقیر نگشت و هر که را توبدبخت نمودی، خوش بخت نگشت. به عزت سوگند، تو را چنان دوست دارم که شیرینی اش در قلبم پایدار گشته و جانم به مؤده آن انس گرفته است، و در داوری عادلانه ات، محال است که اسباب رحمتت را از کسانی باز داری که محبتت تو را به دل هایشان گره زده اند.

سَيِّدِي! لَوْلَا تَوْفِيقُكَ ضَلَّ الحَائِرُونَ، وَلَوْلَا تَسْدِيدُكَ لَمْ يَنْجِ المُسْتَبْصِرُونَ، أَنْتَ سَهَّلْتَ لَهُمُ السَّبِيلَ حَتَّى وَصَلُوا، وَأَنْتَ أَيْدَتَهُمُ بِالتَّقْوَى حَتَّى عَمِلُوا، فَالنَّعْمَةُ عَلَيْهِمُ مِنْكَ جَزِيلَةٌ، وَالمِنَّةُ مِنْكَ لَدَيْهِمْ مَوْصُولَةٌ.

سَيِّدِي! أَسَأَلُكَ مَسْأَلَةَ مُسْكِينٍ ضَارِعٍ (1)، مُسْتَكِينٍ خَاضِعٍ، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ المَوْقِنِينَ خَيْرًا وَفَهَمًا، وَالمُحِيطِينَ مَعْرِفَةً وَعِلْمًا.

[إِلَهِي وَسَيِّدِي! قَدْ عَلِمْتُ] أَنْتَ لَمْ تُنْزِلْ كُتُبَكَ إِلَّا بِالحَقِّ، وَلَمْ تُرْسِلْ رُسُلَكَ إِلَّا بِالصِّدْقِ، وَلَمْ تَتْرِكْ عِبَادَكَ هَمَلًا وَلَا سُدىً، وَلَمْ تَدْعُهُمْ بِغَيْرِ بَيَانٍ وَلَا هُدًى (2)، وَلَمْ تَرْضَ مِنْهُمْ بِالجَهَالَةِ وَالإِضَاعَةِ، بَلْ خَلَقْتَهُمْ لِيَعْبُدُوكَ، وَرَزَقْتَهُمْ لِيَحْمَدُوكَ وَدَلَلْتَهُمْ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ لِيُوحِدُوكَ، وَلَمْ تُكَلِّفْهُمْ مِنَ الأَمْرِ مَا لَا يُطِيقُونَ، وَلَمْ تُخَاطِبْهُمْ بِمَا يَجْهَلُونَ، بَلْ هُمْ بِمَنْهَجِكَ عَالِمُونَ، وَبِحُجَّتِكَ مَخْصُوصُونَ، أَمْرُكَ فِيهِمْ نَافِذٌ، وَقَهْرُكَ بِنَوَاصِيهِمْ آخِذٌ، تَجْتَبِي مَنْ تَشَاءُ فَتُدْنِيهِ، وَتَهْدِي مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مِنْ مَعَاصِيكَ فَتُنْجِيهِ، تَفَضُّلاً مِنْكَ بِجَسِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَى مَنْ أَدْخَلْتَهُ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، يَا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ، وَأَرَأْفَ الرَّاحِمِينَ.

سَيِّدِي! خَلَقْتَنِي فَأَكْمَلْتَ تَقْدِيرِي، وَصَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرِي، فَصَيَّرْتُ بَعْدَ العَدَمِ مَوْجُودًا، وَبَعْدَ المَغِيبِ شَهِيدًا، وَجَعَلْتَنِي بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ تَامًّا سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي فِي المَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الغِذَاءِ سَائِعًا هَنِيئًا، ثُمَّ وَهَبْتَ لِي رَحْمَةَ الأَبَاءِ وَالأُمَّهَاتِ، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الحَوَاضِنِ وَالمُرِّيَّاتِ، كَافِيًّا لِي شُرُورَ الإِنْسِ وَالجَانِّ، مُسَلِّمًا لِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالتَّقْصَانِ، حَتَّى أَفْصَحْتُ نَاطِقًا بِالكَلَامِ، ثُمَّ أَنْبَتَنِي [أَنْبَتَنِي] زَائِدًا فِي

ص: 318

1- . الضارِعُ: النَّحِيفُ الضَّائِرُ الجِسْمِ (النهاية: ج 3 ص 84 «ضرع»).

2- . زاد هنا في نسخة: «وَلَمْ تَأْمُرْهُمْ إِلَّا بِالطَّاعَةِ».

سَرورم! اگر توفیق تو نبود، سرگشتگان، گم راه می گشتند و اگر استوارسازی تو نبود، بصیرت یافتگان نجات نمی یافتند. تو راه را برای آنان هموار نمودی تا [به تو] رسیدند و تو آنان را با تقوا (پرهیزگاری) ثابت قدم نمودی که به عمل پرداختند. پس نعمت از سوی تو بر ایشان فراوان و ممتت نزد ایشان پیوسته است.

سَرورم! از تو درخواست می کنم درخواست بینوایی زار و خوار و فروتن، که مرا از یقین مندان با فهم و اطلاع و آگاهان با شناخت و علم قرار دهی.

[معبود من و سَرورم! دانسته ام که] تو کتاب هایت را جز به حق فرو نفرستادی و فرستادگانت را جز با راستی روانه نداشتی و بندگانت را یله و رها وانهادی و آنان را بدون تبیین و راه نمایی دعوت نکردی و به نادانی و تباهی آنان راضی نگشتی؛ بلکه آنان را آفریدی تا عبادت کنند و روزی شان دادی تا ستایشت نمایند و به یکتایی ات ره نمونشان کردی تا یگانه ات بشمرند و کاری فراتر از طاقتشان بر آنان بار ننمودی و با چیزی که در نمی یابند، خطابشان نکردی، که آنان به شیوه تو آگاه اند و به استدلال تو مخصوص گشته اند، امرت میان آنان، نافذ و قهرت، گیرنده موی جلوی سرشان است. هر که را بخواهی، بر می گزینی و [به خودت] نزدیکش می کنی و هر که از نافرمانی تو به سویت باز گشت، به راه رهایی ره نمونش می کنی و این، بخشش نعمتی سترگ از سوی تو به کسانی است که در گستره رحمتت داخل کردی، ای کریم ترین کریمان و رحیم ترین رحیمان!

سَرورم! مرا آفریدی و تقدیرم را کامل نمودی، و تصویر کردی و تصویرم را نیک نمودی. پس، از پی نیستی، هست شدم و پس از ناپیدایی، پیدا گشتم، و مرا با مهر و رحمتت، کامل و موزون قرار دادی و مرا در کودکی و خردسالی در گهواره محافظت نمودی و خوراکی روان و گوارا روزی ام کردی و سپس مهرم را به دل پدران و مادران انداختی و دل های دایگان و مربیان را به من متوجه و مهربان ساختی و از گزند انس و جان، کفایت نمودی و از زیادی و کاستی، مصونم داشتی تا به سخن در آمدم. از آن پس، هر سال مرا پروراندی

كُلَّ عَامٍ، وَقَدْ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مَلَائِسَ الْإِنْعَامِ، ثُمَّ رَزَقْتَنِي مِنَ الطَّافِ الْمَعَاشِ، وَأَصْنَافِ الرِّيشِ، وَكَنَفْتَنِي بِالرَّعَايَةِ فِي جَمِيعِ مَذَاهِبِي، وَبَلَّغْتَنِي مَا أُحَاوِلُ مِنْ سَائِرِ مَطَالِبِي إِتْمَامًا لِنِعْمَتِكَ لَدَيَّ، وَإِيجَابًا لِحُبَّتِكَ عَلَيَّ، وَذَلِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهُ الْقَائِلُونَ، أَوْ يُثْنِي بِشُكْرِهِ الْعَامِلُونَ، فَخَالَفْتُ مَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَاقْتَرَفْتُ مَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، فَظَاهَرْتَ عَلَيَّ جَمِيلَ سِتْرِكَ، وَأَدْنَيْتَنِي بِحُسْنِ نَظْرِكَ وَبِرِّكَ، وَلَمْ يُبَاعِدْنِي عَنْ إِحْسَانِكَ تَعَرُّضِي لِعِصْيَانِكَ، بَلْ تَابَعْتَ عَلَيَّ فِي نِعْمِكَ، وَعُدْتَ بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ [بَلْ تَابَعْتَ عَلَيَّ كَرَمَكَ وَإِنْعَامَكَ، وَعُدْتَ عَلَيَّ فَضْلَكَ وَعَوَائِدَ إِحْسَانِكَ]، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ شِئْتَ كَرَّمْتَكَ زِدْتَنِي، وَإِنْ أَمَسَّكَ عَنْ مَسْأَلَتِكَ ابْتَدَأْتَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَوَادِي أَبَادِيكَ وَتَوَالِيهَا، حَمْدًا يُضَاهِي آلَاءَكَ وَيُكَافِيهَا.

سَيِّدِي! سَتَرْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ذُنُوبًا ضَاقَ عَلَيَّ مِنْهَا الْمَخْرَجُ، وَأَنَّا إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ فِي الْقِيَامَةِ أَحْرَجُ، فَيَأْمَنُ جَلَلَنِي بِسِتْرِهِ عَنْ لَوَاحِظِ الْمُتَوَسِّمِينَ، لَا تُزِلْ سِتْرَكَ عَنِّي عَلَى رُؤُوسِ الْعَالَمِينَ.

سَيِّدِي! أَعْطَيْتَنِي فَأَسْنَيْتَ (1) حَظِّي، وَحَفَظْتَنِي فَأَحْسَنْتَ حِفْظِي، وَعَدَّدْتَنِي فَأَنْعَمْتَ غِذَائِي، وَحَبَّبْتَنِي فَأَكْرَمْتَ مَثْوَايَ، وَتَوَلَّيْتَنِي بِفَوَائِدِ الْبِرِّ وَالْإِكْرَامِ، وَخَصَّصْتَنِي بِنَوَافِلِ الْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ، وَنَوَافِلِ مَزِيدِكَ، حَمْدًا جَامِعًا لِيَشْكُرَكَ الْوَاجِبُ، مَا نِعَاءً مِنْ عَذَابِكَ الْوَاصِبِ (2)، مُكَافِنًا لِمَا بَدَّلْتَهُ مِنْ أَفْسَامِ الْمَوَاهِبِ.

سَيِّدِي عَوَّدْتَنِي إِسْعَافِي بِكُلِّ مَا أَسَأَلُكَ، وَإِجَابْتَنِي إِلَى تَسْهِيلِ كُلِّ مَا أُحَاوِلُهُ، وَأَنَا أَعْتَمِدُكَ فِي كُلِّ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ الْحَاجَاتِ،

ص: 320

1- . السناء: ارتفاع القدر والمنزلة عند الله تعالى (مجمع البحرين: ج 2 ص 896 «سنا»).

2- . الواصب: الواجب الثابت (مجمع البحرين: ج 3 ص 1940 «وصب»).



و پوشش نعمت را به سوی من روانه نمودی. آن گاه از خوراکی ها و نوشیدنی های نرم و لطیف و انواع جامه ها روزی ام کردی و در همه راه هایم مرا مراقبت و حمایت نمودی و مرا به دیگر خواسته هایم که برایشان می کوشیدم، رساندی تا نعمت را بر من کامل و حجت را تمام کنی، و این، بیشتر از آن است که سخنرانان آن را به شماره در آورند یا عمل کنندگان، شکرش را به جا آورند. من با آنچه به تو نزدیک می کرد، مخالفت نمودم و آنچه را از تو دورم می کرد، مرتکب شدم؛ اما تو مرا به زیبایی پوشاندی و پشتیبانی کردی و با حسن عنایت و نیکی ات [به خودت] نزدیکم نمودی و به دلیل دست یازیدنم به نافرمانی ات، مرا از احسانت دور نساختی؛ بلکه نعمت هایت بر من پی در پی شد و با فضل و کرمت به سویم باز گشتی. اگر تو را خواندم، اجابت نمودی و اگر خواستم، عطایم کردی و اگر شکر نمودم، افزودی و اگر از درخواست از تو دست کشیدم، آغاز کردی. پس ستایش، تنها از آن توست بر این همه نعمت آشکار و پیاپی، ستایشی هم تراز و جبران کننده نعمت هایت.

سرورم! گناهایی را از من در این دنیا پوشاندی که بیرون آمدن از آنها برایم دشوار است، در حالی که به پوشاندن آنها در قیامت نیازمندترم. ای که مرا با پوششش از نگاه مؤمنان نشانه شناس پوشیده داشته است! پوششت را از من در پیش دید همه جهانیان بر نگیر.

سرورم! به من عطا کردی و بهره ام را بالا بردی، و به خوبی محافظتم نمودی و تغذیه و خوراکم را خوش نمودی، و به من بخشیدی و جایگاهم را گرامی داشتی، و مرا با نیکی و اکرام های سودمند، سرپرستی نمودی، و به بخشش و نعمت های اضافه ویژه ام ساختی. پس ستایش، از آن توست برای بخشش فراوانت و فزونی های افزوده ات؛ ستایشی فراگیر برای شکر واجبیت و منع از عذاب ریزانت و جبران انواع بخشش های بذل نموده ات.

سرورم! عادتت دادی هر آنچه را که از تو می خواهم، برآورده سازی و هر آنچه را که برایش می کوشم، آسان نمایی و من در تمام نیازهایی که برایم پیش

وَأَنْزَلَ بِكَ كُلَّ مَا يَخْطُرُ بِبَالِي مِنَ الطَّلِبَاتِ، وَاتِّقَاءَ بَقَدِيمِ طَوْلِكَ، وَمَدْلًا بِكَرِيمِ تَقْضِيلِكَ، وَأَطْلُبُ الْخَيْرَ مِنْ حَيْثُ تَعَوَّدْتُهُ، وَالتَّمَسُّ النَّجْحَ مِنْ مَعْدِنِهِ الَّذِي تَعَرَّفْتُهُ، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَكِلُ اللَّاجِينَ إِلَيْكَ إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تُخْلِي الرَّاجِينَ لِحُسْنِ تَطَوُّلِكَ مِنْ نَوَافِلِ بَرِّكَ.

سَيِّدِي! تَتَابَعُ مِنْكَ الْبِرُّ وَالْعَطَاءُ، فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَالشَّنَاءُ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ، وَلَا قَوْلٍ أُعِيدُهُ وَأُبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ، إِلَّا كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَمَحَلًّا، وَكَانَ فِي جَنْبِ مَعْرِفِكَ مُسْتَصْغَرًا مُسْتَقَلًّا.

سَيِّدِي! أَسْتَزِيدُكَ مِنْ فَوَائِدِ النِّعَمِ، غَيْرَ مُسْتَبْطِئٍ مِنْكَ فِيهِ سَنِيَّ الْكَرَمِ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ بَوَادِرِ النِّقَمِ، غَيْرَ مُخِيلٍ (1) فِي عَدْلِكَ خَوَاطِرِ التُّهَمِ.

سَيِّدِي! عَظَمَ قَدْرُ مَنْ أَسْعَدْتُهُ بِاصْطِفَائِكَ، وَعَدِمَ النِّصْرَ مَنْ أَبْعَدْتُهُ مِنْ فِنَائِكَ.

سَيِّدِي! مَا أَعْظَمَ رَوْحَ قُلُوبِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَأَنْجَحَ سَعْيَ الْآمِلِينَ لِمَا لَدَيْكَ.

سَيِّدِي! أَنْتَ أَنْقَذْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ حَيْرَةِ الشُّكُوكِ، وَأَوْصَلْتَ إِلَى نَفُوسِهِمْ حَبْرَةَ (2) الْمُلُوكِ، وَزَيَّنْتَهُمْ بِحِلْيَةِ الْوَقَارِ وَالْهَيْبَةِ، وَأَسْبَلْتَ عَلَيْهِمْ سُتُورَ الْعِصْمَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَسَدَّيْتَ هَمَمَهُمْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ، وَحَبَوْتَهُمْ بِخِصَائِصِ الْفَوَائِدِ وَالْحَبَاءِ، وَعَقَّدْتَ عَزَائِمَهُمْ بِحَبْلِ مَحَبَّتِكَ، وَأَثَرْتَ خَوَاطِرَهُمْ بِتَحْصِيلِ مَعْرِفَتِكَ، فَهَمُّ فِي خِدْمَتِكَ مُتَصَرِّفُونَ، وَعِنْدَ نَهْيِكَ وَأَمْرِكَ وَاقِفُونَ، وَبِمُنَاجَاتِكَ آنِسُونَ، وَلَكَ بِصِدْقِ الْإِرَادَةِ مُجَالِسُونَ، وَذَلِكَ بِرَأْفَةِ تَحَنُّنِكَ عَلَيْهِمْ، وَمَا أَسَدَيْتَ مِنْ جَمِيلٍ مِنْكَ إِلَيْهِمْ.

ص: 322

1- . هكذا في المصدر: وفي نسخ أخرى: «محيل» و «مجيل».

2- . الحبرة: النعمة وسعة العيش (النهاية: ج 1 ص 327 «حبر»).

می آید، به تو تکیه می کنم و هر خواسته ای را که به ذهنم می رسد، با تو در میان می گذارم؛ چرا که به بخشش دیرین تو مطمئن و شیفتهٔ تفصّل کریمانه ات هستم. خیر را از جایی می طلبم که به آن عادت کرده ام و کامیابی را از معدنی می جویم که آن را شناخته ام، و می دانم که تو پناهندگان به خودت را به دیگران و نمی نهی و نیکی های افزونت را از امیدواران به بخشش نیکویت دریغ نمی کنی.

سرورم! نیکی و عطای تو پی در پی شد و شکر و ثنایت بر من واجب گشت، و چیزی از شکر تو را نگشودم و نبستم و سخنی در یاد تو باز نگفتم و هویدا نمودم، جز آن که تو شایسته و جایگاه آئی و در کنار احسانت ناچیز و اندک است.

سرورم! از تو می خواهم که نعمت های سودمندت را بر من افزون کنی و گرم ولایت را در این امر، گُند و با درنگ نکنی و از تیزی های عذابت به تو پناه می برم، بی آن که این عذاب را ناعادلانه بپندارم.

سرورم! آن کس منزلتش بزرگ شد که سعادت برگزیده شدن از سوی تو را یافت، و آن کس را که از درگاهت راندی، یاری ای نیافت.

سرورم! چه قدر آسودگی توکل کنندگان بر تو، بزرگ و کوشش آرزومندان برای آنچه نزد توست، رواست!

سرورم! تو اولیایت را از سرگردانی شك ها رهاندی و شادی پادشاهان را به آنان رساندی و آنها را به زیور وقار و هیبت آراستی و پرده های عصمت و توبه را بر آنان فرو انداختی و همّت هایشان را در ملکوت آسمان قرار دادی و بخشش هایی سودمند و ویژه نصیبشان کردی و اراده شان را به محبت خودت گره زدی و خاطر آنان را به تحصیل معرفت گرامی داشتی. پس آنان در خدمت تو می چرخند و نزد امر و نهی تو می ایستند و به مناجات با تو مانوس اند و با اراده ای راستین، همنشین تو هستند و این همه، با بخشش مهربانانهٔ تو به ایشان روانه داشتن نعمت های زیباییت به سوی ایشان حاصل است.

سَيِّدِي! بِكَ وَصَلُوا إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَبِكَرَمِكَ اسْتَشَعَرُوا مَلَائِسَ مُوالاتِكَ.

سَيِّدِي! فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَاسَتْ بِهِمْ مِنْ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَلَا تُدْخِلْنِي فِي مَنْ جَانَبَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ، وَاجْعَلْ مَا اعْتَقَدْتُهُ مِنْ ذِكْرِكَ خَالِصاً مِنْ شُبُهَةِ الْفِتَنِ، سَالِماً مِنْ تَمَوُّبِهِ الْأَسْرَارِ وَالْعَلَنِ، مَشُوباً بِخَشْيَتِكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ، مُقَرَّباً مِنْ طَاعَتِكَ فِي الْإِظْهَارِ وَالْإِطْطَانِ، دَاخِلاً فِيَمَا يُؤَبِّدُهُ الدِّينُ وَيَعْصِدُهُ، خَارِجاً مِمَّا تَبْنِيهِ الدُّنْيَا وَتَهْدِمُهُ، مُنْزَهاً عَنِ قَصْدِ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَجِيهاً عِنْدَكَ يَوْمَ أَقُومُ لَكَ وَالْقَاكَ، مُحَصِّناً مِنْ لُواحِقِ الرِّئَاءِ، مُبْرَءاً مِنْ بَوائِقِ (1) الْأَهْوَاءِ، عَارِجاً إِلَيْكَ مَعَ صَالِحِ الْأَعْمَالِ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ، مُتَّصِلاً لَا يَنْقَطِعُ بَوادِرُهُ، وَلَا يُدْرِكُ آخِرُهُ، مُثَبِّتاً عِنْدَكَ فِي الْكُتُبِ الْمَرْفُوعَةِ فِي عِلِّيَّينَ، مَخْزُوناً [لَدَيْكَ] فِي الدِّيوانِ الْمَكْنُونِ الَّذِي يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ، وَلَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ الْأَصْفِيَاءِ وَالْأَخْيَارِ، وَلَكَ الْخَلْقُ وَ[إِلَيْكَ] الْإِخْتِيَارُ، وَقَدْ أَلْبَسْتَنِي فِي الدُّنْيَا ثُوبَ عَافِيَتِكَ، وَأَوْدَعْتَ قَلْبِي صِوابَ مَعْرِفَتِكَ، فَلَا تُخْلِنِي فِي الْآخِرَةِ عَنِ عَواطِفِ رَأْفَتِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ شَمِلَهُ عَفْوَكَ، وَلَمْ يَنْلَهُ سَطَوَتُكَ.

يَا مَنْ يَعْلَمُ عِلَلَ الْحَرَكَاتِ وَحَوادِثِ السُّكُونِ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ عَوَارِضُ الْخَطَرَاتِ فِي مَحالِّ الظُّنونِ، اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ أَوْضَحَتْ لَهُمُ الدَّلِيلَ عَلَيْكَ، وَفَسَحَتْ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، فَاسْتَشَعَرُوا مَدَارِعَ الْحِكْمَةِ، وَاسْتَطَرَقُوا سُبُلَ التَّوْبَةِ، حَتَّى أَنَاخُوا فِي رِياضِ الرَّحْمَةِ،

ص: 324

1- . بَوائِقُهُ: أَي عَوائِلُهُ وَشُرُورُهُ (النهاية: ج 1 ص 162 «بوق»).

سَرورم! با کمک تو به رضای تو رسیدند و به گرم تو، پوشش سرپرستی ات را دریافتند.

سَرورم! مرا از فرمان بردارانی قرار ده که با ایشان نسبتی دارند و مرا از نافرمانانی قرار مده که از آنان جدا و دورند. باورم از یادکردن را خالص از شبهه های فتنه آمیز و سالم از پوشیدگی های نهان و آشکار قرار ده و نیز آمیخته با بیم از تو در هر زمان و نزدیک کننده به اطاعت در آشکار و نهان، و وارد شونده در آنچه دین تأییدش می کند و نگهش می دارد، و بیرون رونده از آنچه دنیا می سازد و ویرانش می کند، پیراسته از قصد هر کس دیگری جز تو، و آبرومند نزد تو در روزی که برای تو بر می خیزم و تو را دیدار می کنم، خویشتندار از ارائه های ریا و دوری کننده از گزند هوس، بالا رونده به سوی تو با کارهای شایسته در غروب و پگاه، پیوسته و بی انقطاع، آن سان که انتهایش دریافته نشود و نزد تو در کتاب های بالا رونده در علیین (1) نگاشته شود و در دفتر نهان و پوشیده ای اندوخته گردد که مقربان، شاهد آن هستند و جز پاکان لمسش نمی کنند.

خدایا! تو مولای برگزیدگان و نیکان هستی و آفرینش و گزینش به دست توست. در دنیا لباس عافیت بر من پوشانده ای و در قلب من شناخت صحیح را به ودیعت نهاده ای. پس مرا در آخرت از مهر و رأفت دور مکن و مرا از آنانی قرار ده که بخششت شامل حالشان می شود و خشم تو به آنان نمی رسد. ای کسی که علل حرکات و حوادث سکون را می دانی و خیال های گذرنده هنگام گمان نیز از او پنهان نمی ماند! ما را از کسانی قرار ده که راه نمای به سوی خودت را برایشان آشکار ساختی، و راه های رسیدن به خودت را برایشان فراخ کردی، و آنان جامه استوار حکمت به تن نمودند و راه های توبه را پیمودند تا آن که در باغ های رحمت فرود آمدن

ص: 325

---

1- . علیین، درجه ای والا در ملکوت است.

وَسَلِمُوا مِنَ الْإِعْتِرَاضِ بِالْعِصْمَةِ، إِنَّكَ وَلِيُّ مَنْ اِعْتَصَمَ بِنَصْرِكَ، وَمُجَازِي مَنْ أَدْعَنَ بِوُجُوبِ شُكْرِكَ، لَا تَبْحَلُ بِفَضْلِكَ، وَلَا تُسْأَلُ عَن فِعْلِكَ، [سُبْحَانَكَ] جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَفَضْلَ عَطَاؤُكَ، وَتَظَاهَرَتْ نِعْمَاؤُكَ، وَتَدَدَّتْ أَسْمَاؤُكَ، فَبِتَسْيِيرِكَ يَجْرِي سَدَادُ الْأُمُورِ، وَبِتَقْدِيرِكَ يَمْضِي انْقِيَادُ التَّدْبِيرِ، تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ مِنْكَ، وَلَا لِرَاغِبٍ مَدْوَحَةٌ عَنكَ.

سُبْحَانَكَ! لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكُّلِي، وَإِلَيْكَ يَفْرِدُ أَمَلِي، وَبِكَ تَقْتِي، وَعَلَيْكَ مُعْوَلِي، وَلَا حَوْلَ لِي عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا بِتَسْدِيدِكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى طَاعَتِكَ إِلَّا بِتَأْيِيدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَصْحَابِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَحَدَّهُ، وَنِعْمَ الْمُعِينُ.

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ، وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى، وَخَيْرَ مُرْتَجَى، أَرْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ وَاسِعِ رِزْقِكَ رِزْقًا وَاسِعًا مُبَارَكًا طَيِّبًا حَالًا لَا تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ، وَسَبِّ لِي ذَلِكَ مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (1)

ص: 326

---

1- . بحار الأنوار: ج 94 ص 153 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين من مؤلفات بعض قدمائنا.

و با مراقبت از موانع به سلامت رهیدند. تو مولای هر چنگ زنده به یاری تو، و جزا دهنده هر معترف به وجوب شکر هستی. از بخشش دروغ نداری و از کارت سؤال نمی شوی، ستایش با عظمت و عطایت برتر است و نعمت هایت پی در پی و نام هایت مقدس اند و با حرکت دادن تو، کارهای استوار به جریان می افتند و به تقدیر تو تدبیرها گردن می نهند [و انجام می پذیرند]. تو پناه می دهی و از تو گریز و پناهی نیست، و آن که از تو روی می گرداند، گریز و چاره ای ندارد.

منزهی و معبودی جز تو نیست. تو کلم بر توست و آرزویم به تو می انجامد و اعتمادم به توست و تکیه ام بر توست و جز با استوارسازی تو، جدایی از نافرمانی ات در توانم نیست و جز با تقویت تو، قدرتی برای فرمان برداری ات ندارم. معبودی جز تو نیست. تو منزهی و من از ستمکاران بودم. ای مهربان ترین مهربانان و ای بهترین آمرزشگران!

خداوند بر محمد، خاتم پیامبران، و خاندان پاکش و اصحاب برگزیده اش درود فرستد و سلام فراوان برساند و خداوند به تنهایی برای ما بس است که او بهترین یاور است.

ای بهترین کسی که خوانده و از او درخواست می شود و ای دست و دل بازترین بخشنده و بهترین امیدگاه! مرا روزی ده و روزی مرا از خوان گسترده روزی ات، گسترده، خجسته، پاکیزه و حلال قرار ده، بی آن که بر آن عذابم دهی، و اسبابش را از فضل و بخشش برایم فراهم آور، که تو بر هر کاری توانایی.





1. إحياء العلوم (إحياء علوم الدين)، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي (م 505 ق)، تحقيق: دار الهادي، بيروت: دار الهادي، 1412 ق، أول.
2. الإختصاص، [المنسوب إلى] أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: المحرّمى الزرندي، علي أكبر الغفّاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، چهارم.
3. أدب الإملاء والاستملاء، عبد الكريم بن محمد السمعاني (م 562 ق)، بيروت: دار الكتب العلمية، 1401 ق، أول.
4. إرشاد القلوب إلى الصواب المنجى من عمل له من أليم العقاب، أبو محمد الحسن بن أبي الحسن بن محمد الديلمي (م 8 ق)، بيروت: مؤسسة الأعلّمى، 1398 ق، چهارم.
5. الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (م 852 ق)، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود، علي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1415 ق، أول.
6. أعلام الدين في صفات المؤمنين وكنز علوم العارفين، أبو محمد الحسن بن أبي الحسن بن محمد الديلمي (م قرن 8)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1408 ق، أول.
7. الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرّة في السنة، السيّد رضى الدين علي بن موسى بن جعفر بن طاووس (السيّد بن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: جواد

القيومي الإصفهاني، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1414 ق، أول.

8. الأمالي للصدوق (الأمالي)، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1417 ق، أول.

9. الأمالي للطوسي (الأمالي)، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، 1414 ق، أول.

10. الأمالي للمفيد (كتاب الأمالي)، أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: الحسين استاد ولي، علي أكبر الغفاري، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، 1413 ق، أول.

11. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (العلامة المجلسي) (م 1111 ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1403 ق، سوم.

12. البداية والنهاية، أبو الفداء إسماعيل بن عمر الدمشقي (ابن كثير) (م 774 ق)، بيروت: مكتبة المعارف، 1410 ق.

13. بر بال اعتكاف، عبد الله جوادي آملی، تحقيق و تنظيم: يد الله مقدسی، كمال الدين عماری، قم: نشر اسراء، 1393 ش.

14. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، أبو جعفر محمد بن أبي القاسم محمد بن علي الطبري (م 525 ق)، نجف: المكتبة الحيدرية، 1383 ق، دوم.

15. البلد الأمين، إبراهيم بن علي الحارثي العاملي الكفعمي (م 905 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، طهران: مكتبة الصدوق، 1383 ق.

16. تاج العروس من جواهر القاموس، أبو فيض السيد محمد المرتضى الحسيني الواسطي الزبيدي الحنفي (م 1205 ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار الفكر، 1414 ق، أول.

17. التاريخ الكبير، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (م 256 ق)، بيروت: دار الفكر، 1407 ق.
18. تاريخ المدينة المنورة (أخبار المدينة النبوية صلى الله عليه وآله)، أبو زيد عمر بن شبة النميري البصري (م 262 ق)، تحقيق: فهمي محمد شلتوت، بيروت: دار التراث، دار الإسلامية، 1410 ق، أول.
19. تاريخ بغداد، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (م 463 ق)، المدينة المنورة: المكتبة السلفية.
20. تاريخ دمشق (تاريخ مدينة دمشق)، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله بن عبد الله الشافعي (ابن عساكر) (م 571 ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار الفكر، 1415 ق، أول.
21. التبيان في تفسير القرآن، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: أحمد حبيب قصير العاملي، شوقي الأمين، نجف: مكتبة الأمين، مكتبة القصير، دار الأندلس، 1376-1383 ق.
22. تحرير الوسيلة، السيد روح الله الموسوي الخميني (م 1368 ش)، بي نا: دار الأنوار: 1403 ق.
23. تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، أبو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن شعبة الحراني (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1416 ق، چهارم.
24. تفسير الطبري (جامع البيان عن تأويل آي القرآن)، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري (م 310 ق)، بيروت: دار الفكر، 1408 ق.
25. تفسير العياشي، أبو نضر محمد بن مسعود العياشي (م حدود 320 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، طهران: مؤسسة البعثة، 1421 ق، أول.
26. تفسير القرطبي (الجامع لأحكام القرآن)، أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (م 671 ق)، تحقيق: أحمد عبد العليم البرودني، أبو

إسحاق إبراهيم اطفيش، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1405 ق، دوم.

27. تفسير القمّي، أبو الحسن علي بن إبراهيم القمّي (م بعد 307 ق)، تحقيق: السيّد طيّب الموسوي الجزائري، قم: مؤسسة دار الكتاب، 1404 ق، سوم.

28. تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة وّرام)، أبو الحسين وّرام بن أبي فزّاس المالكي الأشتري (م 605 ق)، طهران: دار الكتب الإسلامية، أوّل.

29. تنبيه الغافلين، أبو الليث نصر بن محمّد الحنفي السمرقندي (م 373 ق)، تحقيق: يوسف علي بديوي، دمشق: دار ابن كثير، 1413 ق، أوّل.

30. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، أبو جعفر محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: السيّد حسن موسى الخرساني، بيروت: دار صعب، دار التعارف، 1401 ق، أوّل.

31. تهذيب الكمال في أسماء الرجال، أبو الحجّاج يوسف المزّي (م 742 ق)، تحقيق: بشار عوّاد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1406 ق، چهارم.

32. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، قم، طهران: كتيبي نجفي، مكتبة الصدوق، 1391 ق.

33. جامع الأخبار (معارج اليقين في أصول الدين)، محمّد بن محمّد السبزواري (ق 7 ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1414 ق، أوّل.

34. الجامع الصغير في أحاديث البشير، عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (م 911 ق)، بيروت: دار الفكر، 1401 ق، أوّل.

35. الجامع لأخلاق الراوي و آداب السامع والفقيه و المتفقه (طبع ضمن «الجامع في الحث على حفظ العلم»)، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (م 463 ق)، تحقيق: أبو عبد الله محمود بن محمّد الحدّاد، القاهرة: مكتبة ابن تيمية، 1412 ق، أوّل.

36. الجعفریات (الأشعثيات)، أبو علي محمد بن محمد الأشعث الكوفي (م ق 4 هـ)، طهران: مكتبة نينوى الحديث.
37. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني (م 430 ق)، بيروت، القاهرة: دار الكتاب العربي، دار الريان للتراث، 1407 ق، پنجم.
38. الخصال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1403 ق.
39. دانش نامه عقايد اسلامي، محمّدي الرّی شهري (معاصر)، تحقيق: رضا برنجكار، قم: دار الحديث، 1386 ش، اول.
40. الدرّ المنثور في التفسير المأثور، أبو الفضل جلال الدّین عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (م 911 ق)، تحقيق: دار الفكر، بيروت: دار الفكر، 1403 ق، الاولى.
41. دعائم الاسلام و ذكر الحلال والحرام و القضايا و الاحكام، القاضي النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيّون التميمي المغربي (م 363 ق)، تحقيق: آصف بن علي اصغر الفيضي، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق.
42. الدّعوات (سلوة الحزين)، أبو الحسين سعيد بن هبة الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م 573 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي، قم: مدرسة الإمام المهدي، 1407 ق، اول.
43. ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشري (م 538 ق)، تحقيق: سليم النعيمي، قم: منشورات الشريف الرضي، 1415 ق، اول.
44. روضة الواعظين، محمد بن الحسن الفّثال النيشابوري (م 508 ق)، تحقيق: غلام حسين المجيدي، مجتبي الفرّجى، قم: دليل ما، 1423 ق، اول.

45. الزهد لابن حنبل (الزهد)، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (م 241 ق)، بيروت: دار الكتب العلمية، 1403 ق، أول.
46. الزهد للحسين بن سعيد (الزهد)، حسين بن سعيد الأهوازي (م قرن 3 ق)، تحقيق: مهدي غلامعلي، قم: دار الحديث، 1426 ق، أول.
47. الزهد والرقائق (كتاب الزهد والرقائق)، عبد الله بن المبارك المروزي (م 181 ق)، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، بيروت: دار الكتب العلمية.
48. سنن ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (م 275 ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1395 ق.
49. سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني الأزدي (م 275 ق)، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
50. سنن الترمذي (الجامع الصحيح)، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سوزة (م 279 ق)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
51. السنن الكبرى للنسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي (م 303 ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البغدادي، سيد كسروي حسن، بيروت: دار الكتب العلمية، 1411 ق، أول.
52. سنن النسائي، بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي و حاشية الإمام السندي، أحمد بن شعيب النسائي (م 303 ق)، شرح: جلال الدين أبو بكر السيوطي (م 911 ق) و محمد عبد الهادي السندي (م 1138 ق)، بيروت: دار الجيل، 1407 ق، أول.
53. شعب الايمان، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي (م 458 ق)، تحقيق: أبو هاجر محمد السعيد بن بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، 1410 ق، أول.
54. الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، إسماعيل بن حماد الجوهري (م 398 ق)، تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، 1990 م، چهارم.

55. صحيح ابن حبان (الإحسان فى تقريب صحيح ابن حبان)، أبو حاتم محمد بن حبان البُستي (م 354 ق)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1408 ق، أول.
56. صحيح ابن خزيمة، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة السلمى النيسابورى (م 311 ق)، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمى، بيروت، دمشق، عمان: المكتب الإسلامى، 1412 ق، دوم.
57. صحيح البخارى، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى الجعفى (م 256 ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت، دمشق: اليمامة، دار ابن كثير، 1410 ق، چهارم.
58. صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيشابورى (م 261 ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، القاهرة: دار الحديث، 1412 ق، أول.
59. الصحيفة السجادية، الإمام زين العابدين 7 (م 94 ق)، تحقيق: على الأنصاريان، دمشق: المستشارية الثقافية الإيرانية بدمشق.
60. صفات الشيعة، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي 7، قم: مؤسسة الإمام المهدي 7، 1410 ق، أول.
61. طاقديس، أحمد بن محمد مهدي نراقي (م 1245 ق)، اصفهان: دارالسلطنة، 1353 ق.
62. عدة الداعي ونجاح الساعي، أحمد بن فهد الحلبي (م 841 ق)، تحقيق: أحمد الموحدى القمي، قم: مكتبة الوجداني.
63. علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، بيروت: دار احياء التراث العربى، 1385 ق.

64. عوالى اللآلى العزىزة فى الأحادىث الدىنىة، محمّد بن علىّ بن إبراهىم الاحسائى (ابن أبى جمهور) (م 940 ق)، تحقىق: مجتبى العراقى، قم: مطبعة سىّد الشهداء، 1403 ق، أوّل.

65. العىن، خلىل بن عبدالرحمن الفراهىدى (م 175 ق)، قم: مؤسسه دار الهجره، 1409 ق.

66. عىون أخبار الرضا 7، أبو جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القمىّ (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقىق: مهدى الحسينى اللاجوردى، طهران: انتشارات جهان.

67. عىون الحكم والمواظ، أبو الحسن علىّ بن محمّد اللبى الواسطى (قرن 6 ق)، تحقىق: حسين الحسينى البىرجندى، قم: دار الحديث، 1376 ش، أوّل.

68. الغارات، أبو إسحاق إبراهىم بن محمّد الثقفى الكوفى الإصفهانى (م 283 ق)، تحقىق: مير جلال الدين الحسينى الارموى، طهران: انجمن آثار ملى، 1395 ق، دوم.

69. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد بن محمّد التمىمى الأمدى (م قبل 510 ق)، شارح: جمال الدين محمّد الخوانسارى، تصحىح و تعليق:

مير جلال الدين الحسينى الارموى المحدث، طهران: دانشگاه تهران، 1360 ش، سوم.

70. فردوس الأخبار؛ ابن شىروه الديلمى (م 509 ق). تحقىق: دارالكتاب العربى، بيروت: دارالكتاب العربى.

71. الفردوس بمأثور الخطاب، ابو شجاع شىرويه بن شىهدار بن شىروه الديلمى (م 509 ق)، تحقىق: محمّد سعيد بن بسىونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلمىة، 1406 ق، أوّل.

72. فرهنگ بزرگ سخن، جمعى، به سرپرستى حسن انورى، تهران: نشر سخن، 1381 ش.



73. فرهنگ نامه مسجد، محمد محمدی ری شهری، مترجم: مرتضی خوش نصیب، قم: دار الحديث، 1386 ش.
74. فضائل الأشهر الثلاثة، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، قم: مكتبة الداوري، 1396 ق، أول.
75. الفقه على المذاهب الأربعة، عبدالرحمن بن محمد الجزيري (م 1361 ق)، بيروت: دار احيا التراث العربي، 1406 ق.
76. فلاح السائل ونجاح المسائل في عمل اليوم و الليلة، أبو القاسم علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن محمد (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: غلامحسين المجيدي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1419 ق، أول.
77. قرب الإسناد، أبو العباس عبدالله بن جعفر الحميري القمي (ق 4 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1413 ق، أول.
78. الكافي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (م 329 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، محمد الآخوندي، طهران: دار الكتب الإسلامية، 1363 ش، پنجم.
79. كامل الزيارات، أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي (م 367 ق)، تحقيق: جواد القيومي، قم: نشر الفقاهة، 1417 ق، أول.
80. كتاب من لا يحضره الفقيه، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1404 ق، دوم.
81. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي (م 975 ق)، تحقيق: بكرى الحياتي، صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1405 ق، پنجم.

82. لبّ اللباب، محمّد جعفر شريعتمدار الإسترآبادى (م 1263 ق)، تحقيق: محمّد حسين مولوى (منتشر شده در: ميراث حديث شيعه، دفتر دوم، قم: دار الحديث، 1378 ش).
83. لسان العرب، أبو الفضل جمال الدين محمّد بن مكرم بن منظور الأفريقى المصرى (م 711 ق)، بيروت: دار صادر، 1410 ق، أوّل.
84. المؤمن، الحسين بن سعيد الكوفى الأهوازى (م قرن 3 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي صلى الله عليه وآله، قم: مدرسة الإمام المهدي صلى الله عليه وآله، 1404 ق، أوّل.
85. المَجَازَات النبوية عليهم السلام، محمّد بن الحسين الشريف الرضى (م 404 ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، 1422 ق، أوّل.
86. مجمع البحرين و مطلع النّيرين، فخر الدين الطريحي (م 1085 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1414 ق، أوّل.
87. مجمع البيان فى تفسير القرآن، أبو علىّ الفضل بن الحسن الطبرسى (م 548 ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى، السيّد فضل الله اليزدى الطباطبائى، بيروت: دار المعرفة، 1408 ق، دوم.
88. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدين على بن أبى بكر الهيثمى (م 807 ق)، تحقيق: عبدالله محمّد الدرويش، بيروت: دار الفكر، 1412 ق.
89. المحاسن، أبو جعفر أحمد بن ابى عبد الله محمّد بن خالد البرقى (م 274 أو 280 ق)، تحقيق: السيّد مهدي الرجائى، قم: المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام، 1413 ق، أوّل.
90. المحجّة البيضاء فى تهذيب الإحياء، محمّد بن المرتضى (الفيض الكاشانى) (م 1091 ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، دوم.

91. مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول عليهم السلام، محمّدباقر بن محمّدتقى المجلسى العلامة المجلسى (م 1111 ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى، طهران: دار الكتب الإسلامية، 1370 ش، سوم.
92. المزار الكبير، أبو عبد الله محمّد بن جعفر المشهدى (قرن 6 ق)، تحقيق: جواد القيومى الاصفهانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1419 ق، أوّل.
93. المزار، محمّد بن مكّى العاملىّ الجزىنىّ (الشهيد الأوّل) (م 786 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، 1410 ق، أوّل.
94. مسازّ الشيعة فى مختصر تواريخ الشريعة، أبو عبد الله محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: مهدي نجف، قم: المؤتمر العالمى لألفيّة الشيخ المفيد، 1413 ق، أوّل.
95. المستدرک على الصحيحين، أبو عبد الله محمّد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (م 405 ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1411 ق، أوّل.
96. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الحاج ميرزا حسين النورى الطبرسى (م 1320 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1407 ق، أوّل.
97. مسكّن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، زين الدين بن على بن أحمد الجبعى العاملى (الشهيد الثانى) (م 965 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1412 ق، أوّل.
98. مسند ابن حنبل (المسند)، أبو عبد الله بن محمّد بن حنبل بن هلال الشيبانى (ابن حنبل) (م 241 ق)، تحقيق: عبد الله محمّد الدرويش، بيروت: دار الفكر، 1411 ق، أوّل.
99. مسند أبى حنيفة، أبو حنيفة نعمان بن ثابت (م قرن 2 ق)، تحقيق: عبد الرحمن حسن محمود، القاهرة: مكتبة الآداب، 1401 ق.

100. مسند أبي يعلى الموصلي، أبو يعلى أحمد بن علي بن المثنى الموصلي (م 307 ق)، تحقيق: ارشاد الحق الأثرى، سليم أسد، جدة، بيروت: دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علوم القرآن، 1408 ق، أول.
101. مسند الشهاب، أبو عبد الله محمد بن سلامة القضاعي (م 454 ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1405 ق، أول.
102. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، أبو الفضل علي الطبرسي (م قرن 7 ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، 1418 ق، أول.
103. مصادقة الإخوان، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، 1410 ق، أول.
104. مصباح الزائر، رضي الدين السيد علي بن موسى بن طاووس (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1417 ق، أول.
105. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام (م 148 ق)، تحقيق: السيد جلال الدين المحمّد الأرموي، طهران: انتشارات صدوق، 1366 ش، سوم.
106. مصباح المتجهّد و سلاح المتعبّد، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: علي أصغر المروراي، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، 1411 ق، أول.
107. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي (م 770 ق)، قم: دار الهجرة، 1414 ق، دوم.
108. المصباح للكفعمي (المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات) (جدة الأمان الواقية)، إبراهيم بن علي بن الحسن بن محمد العاملي الكفعمي (م 900 ق)، تحقيق: حسين الأعلمي، بيروت مؤسسة الأعلمي، 1414 ق، أول.

109. المصنّف لعبد الرزاق، أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني (م 211 ق)، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، بيروت: المجلس العلمي، 1390 ق.
110. مصنّفات الشيخ المفيد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العُكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: المؤتمر العالمي لألفيّة الشيخ المفيد، قم: المؤتمر العالمي لألفيّة الشيخ المفيد، 1413 ق، أوّل.
111. المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: طارق بن عوض الله محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، القاهرة: دار الحرمين، 1415 ق.
112. معجم السفر، أبو طاهر أحمد بن محمد السلفي (م 576 ق)، تحقيق: عبد الله عمر البارودي، بيروت: دار الفكر، 1414 ق.
113. المعجم الصغير، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت: دار الفكر، 1401 ق، دوم.
114. المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
115. معجم مقاييس اللغة، أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريّا (م 395 ق)، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، مصر: مكتبة مصطفى البابي، 1389 ق، دوّم.
116. المغنى عن حمل الأسفار في الأسفار في تخريج ما في الإحياء من الأخبار، ابوالفضل زين الدين عبدالرحيم بن حسين العراقي (م 806 ق)، تحقيق: أبو محمد أشرف بن عبد المقصود، الرياض: مكتبة دار الطبريّة، 1415 ق، أوّل.
117. مفردات ألفاظ القرآن، الراغب الإصفهاني (م ح 425 ق)، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، دمشق، بيروت: دار القلم، دار الشاميّة، 1412 ق، أوّل.
118. المقنعة، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العُكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، قم: المؤتمر العالمي لألفيّة الشيخ المفيد، 1413 ق، أوّل.

119. مكارم الأخلاق، أبو نصر الحسن بن الفضل الطبرسي (م قرن 6 ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، أول.
120. المناقب لابن شهر آشوب (مناقب آل أبي طالب)، أبو جعفر رشيد الدين محمد علي بن شهر آشوب السروي المازندراني (م 588 ق)، تحقيق: الرسولي المحلاتي، قم: انتشارات علامه.
121. منتهى المطلب؛ أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر الحلّي المعروف بالعلامة الحلّي (م 726 ق). تحقيق و نشر: مجمع البحوث الإسلامية، 1412 ق، أول.
122. منية المرید فی أدب المفید والمستفید، زين الدين بن عليّ العاملي (الشهيد الثاني) (م 965 ق)، تحقيق: رضا المختاري، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1409 ق، سوم.
123. المواعظ العددية، محمد بن حسن الحسيني العاملي (م 1068 ق)، تحقيق: علي المشكيني الاردبيلي، عليّ الأحمدى الميانجي، قم: انتشارات الهادي، 1414 ق، پنجم.
124. مهج الدعوات و منهج العبادات، أبو القاسم عليّ بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاووس (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: حسين الأعلمی، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1414 ق، أول.
125. نثر الدرّ، أبو سعد منصور بن الحسين الآبي (م 421 ق)، تحقيق: محمد علي قرنة، علي محمد البجاوي، القاهرة: دار الكتب والوثائق القومية، 1431 ق، دوم.
126. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، أبو عبد الله الحسين بن محمد بن الحسن بن نصر الحلواني (م قرن 5 ق)، تحقيق: عبدالهادي المسعودي، قم: دار الحديث، 1383 ش، أول.
127. نظم درر السمطين، محمد بن يوسف الزرندی (م 750 ق)، إصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، 1377 ش.

128. النوادر للأشعري (النوادر)، أبو جعفر أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمّي (م بين 280-305 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، 1408 ق، أول.
129. النوادر للراوندي (النوادر)، أبو الرضا فضل الله بن عليّ الحسنى الراوندى (م 571 ق)، تحقيق: سعيدرضا عليّ عسكري، قم: دار الحديث، 1377 ش، أول.
130. النهاية في غريب الحديث والأثر، أبو السعادات المبارك بن محمد الجزرى (ابن الأثير) (م 606 ق)، تحقيق: محمود محمد الطناحي، طاهر أحمد الزاوى، قم: مؤسسة إسماعيليان، 1367 ش، چهارم.
131. نهج البلاغة، جمع و تدوين: السيّد محمد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م 406 ق)، تحقيق: صبحى الصالح، قم: انتشارات هجرت، 1395 ق، أول.
132. نهج الذكر، محمّدى الرى شهرى (معاصر)، تحقيق: رسول افقى، قم: دار الحديث، 1386 ش، أول.
133. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، الشيخ محمد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق)، تحقيق: الشيخ عبد الرحيم الربانى الشيرازى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1403 ق، پنجم.
134. الوسائل إلى معرفة الأوائل، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (م 911 ق)، تحقيق: إبراهيم العدوى، على محمد عمر، القاهرة: مكتبة الخانجى، 1400 ق.





پیش گفتار 7

اهمیت تقویت فرهنگ اعتکاف 8

راه های تقویت فرهنگ اعتکاف 8

1. گسترش زمانی اعتکاف 8

2. معرفت افزایی 9

3. آسیب زدایی 9

بهترین مکان و زمان برای اعتکاف 10

توسعه فرهنگ اعتکاف در ماه رمضان 11

تقویت فرهنگ اعتکاف در ماه رجب 11

فرهنگ نامه اعتکاف در يك نگاه 11

سپاس از همکاران 13

درآمد 15

واژه شناسی «اعتکاف» 15

اعتکاف در قرآن و حدیث 15

پیشینه اعتکاف 16

حکمت اعتکاف 17

ارکان اعتکاف 19

1. قصد قربت 19

2. اقامت در مسجد جامع 19

3. اقامت دست کم، سه روز در مسجد 21

4. روزه داری 21

ص: 345

5. پرهیز از مهم ترین آسیب های اعتکاف 21

محرمات اعتکاف 22

الف - محرمات خاص 22

یک. بهره گیری از بوی خوش 22

دو. خرید و فروش 23

سه. مجادله 23

چهار. لذا ید جنسی حلال 23

ب - محرمات عام 23

آداب اعتکاف 23

الف - مستحبات اعتکاف 24

ب - مکروهات اعتکاف 24

برکات اعتکاف 25

مراتب برکات نیت 25

مراتب برکات حضور در مسجد 26

مراتب برکات روزه داری 28

1. روزه عوام 28

2. روزه خواص 28

3. روزه خواص خواص 29

مراتب برکات یاد خدا 29

بالاترین مراتب برکات ذکر 30

فصل یکم: فضیلت، واجبات و آداب اعتکاف 35

1/1 فضیلت اعتکاف 35

1/2 واجبات اعتکاف 35

الف - اقامت در مسجد جامع 35

ب - روزه گرفتن 37

ج - کمتر نبودن از سه روز 37

1/3 آداب اعتکاف 39

ص: 346

1/4 بهترین مکان های اعتکاف 43

1/5 بهترین زمان اعتکاف 43

1/6 سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در اعتکاف 45

1/7 برتر از اعتکاف 49

فصل دوم: معتکف و برکات حضورش در مسجد 55

2/1 فضیلت مسجد 55

الف - خانه خدا 55

ب - نور خدا 57

ج - نشستگاه پیامبران 57

د - شهادتگاه اولیای خدا 57

ه - سرای هر پروا پیشه 57

و - بهترین مکان ها 57

ز - باغ بهشت 59

2/2 مسجدیان، زائران خدا 59

2/3 دو چندان بودن پاداش نماز در مسجد 61

2/4 فضیلت آموزش و آموختن در مسجد 61

2/5 فضیلت انس با مسجد 63

2/6 برکات دیگر حضور در مسجد 63

فصل سوم: معتکف و برکات روزه 67

3/1 تقوا 67

3/2 از میان بردن سرمستی و تیزی شهوت 69

3/3 دوری شیطان 71

3/4 تن درستی 71

3/5 شکیبایی در سختی ها 73

3/6 حکمت 75

3/7 نزدیکی به خدا 75

3/8 اجابت دعا 77

ص: 347

3/9 ایمنی در روز قیامت 77

3/10 آسودگی در روز محاسبه 79

3/11 شفاعت در آخرت 79

3/12 دوری از آتش 81

3/13 رسیدن به بهشت 81

3/14 درجات روزه 85

سخنی در باره مراتب روزه داری 87

درجه اول. روزه همگان 87

درجه دوم. روزه خواص 87

درجه سوم. روزه خواص خواص 88

فصل چهارم: فضیلت ماه رجب و روزه آن 91

4/1 گستره رحمت الهی در ماه رجب 91

4/2 ندای فرشته آواگر 91

4/3 فضیلت روزه در ماه رجب 93

4/4 روزه نخستین روز ماه رجب 97

4/5 روزه سه روز از ماه رجب 97

فصل پنجم: دوچندان شدن برکات یاد خدا برای معتکف 101

5/1 یاد کردن خدا از یاد کننده او 101

5/2 راندن شیطان 107

5/3 گشایش سینه 113

5/4 جلای دل 113

5/5 شفای دل 115

5/6 سامان دل 115

5/7 زنده شدن دل 117

5/8 آبادی دل 117

5/9 نور دل 119

5/10 حکمت دل 119

ص: 348



- 5/11 راه نمایی خردها 121
- 5/12 کامیابی در کارها 121
- 5/13 روزی بی سرمایه 121
- 5/14 رهایی از سختی ها 123
- 5/15 نام نیک 123
- 5/16 زدودن زشتی ها 125
- 5/17 قوت ایمان 125
- 5/18 نزدیکی به خدا 125
- 5/19 انس با خدا 127
- 5/20 مهر خدا 127
- 5/21 دیدار خدا 129
- 5/22 جلوگیری از غفلت 129
- 5/23 فرود آمدن فرشتگان 131
- 5/24 فرود آمدن رحمت 133
- 5/25 فرود آمدن آرامش 135
- 5/26 آمرزش خداوند 135
- 5/27 تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها 135
- 5/28 مباحثات کردن خداوند 137
- 5/29 وارد شدن به باغ های بهشت 137
- 5/30 روشنایی در روز قیامت 139
- 5/31 پیشتازی در روز قیامت 139

تبیین برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او 143

برکات یاد خدا در قرآن و احادیث 143

1. جامع ترین برکت یاد خدا 143

2. نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگی 144

3. نقش یاد خدا در سازندگی جان 144

ص: 349

4. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی 144

5. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی 145

6. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حلّ مشکلات زندگی 145

7. نقش ذکر در محبّت 145

8. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت 146

زیان های فراموش کردن خدا 147

فصل ششم: کارهای شایسته برای معتکف 149

6/1 ذکر فراوان 149

6/2 استغفار فراوان 159

6/3 انس با خدا 159

6/4 انس با قرآن 165

6/5 انس به کتاب های علمی و معرفت افزا 165

6/6 شب زنده داری 167

الف - فضیلت شب زنده داری 167

ب - ترغیب به شب زنده داری 169

ج - فضیلت شب زنده دار 171

د - پاداش بزرگ شب زنده داری 173

ه - اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به شب زنده داری 175

و - اهتمام اهل بیت علیهم السلام به شب زنده داری 177

ز - اهتمام یاران امام مهدی علیه السلام به شب زنده داری 179

ح - دعای روایت شده برای پس از نماز و تر ماه رجب 181

6/7 نماز حاجت 183

6/8 نماز شب نیمه ماه رجب 183

6/9 عمل أم داوود 183

6/10 دعاهاى عمومى ماه رجب 205

6/11 دعاهاى برگزیده و مناسب براى معتكف 223

6/11-1 مناجات توبه كنندگان 223

ص: 350

- 225-6/11 مناجات شکوه کنندگان
- 227-6/11 مناجات بیمناکان
- 229-6/11 مناجات امیدواران
- 233-6/11 مناجات مشتاقان
- 237-6/11 مناجات پناه جویان
- 237-6/11 مناجات سپاس گزاران
- 241-6/11 مناجات فرمان برداران
- 241-6/11 مناجات ارادتمندان
- 245-6/11 مناجات اُنس یافتگان
- 247-6/11 مناجات محبّان
- 249-6/11 مناجات متوسّلان
- 251-6/11 مناجات نیازمندان
- 253-6/11 مناجات عارفان
- 261-6/11 مناجات ذاکران
- 263-6/11 مناجات درآویختگان
- 265-6/11 مناجات زاهدان
- 267-6/11 مناجات خاکساران
- 269-6/11 مناجات اصرار کنندگان
- 273-6/11 مناجات زاری کنندگان
- 277-6/11 مناجات انجیلیه



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

